



دانشگاه علوم و معارف قرآن کریم
دانشکده علوم قرآنی شاهرود



فصلنامه علمی قرآن و معارف اجتماعی

فصلنامه علمی قرآن و علوم اجتماعی

سال دوم / شماره ۴ / زمستان ۱۴۰۱ / پیاپی ۸



مهارت‌های ارتباطی انسان با هم‌نوعان در سبک زندگی توحیدی
از منظر امام حسن عسکری (ع)

ام البنین کوهستانی، غلامرضا رضوی دوست،
سید محمد حسین موسوی، محمد زارعی

واکاوی نقش یقین در تشکیل نظام اجتماعی اخلاق بنیان
از منظر ترتیب نزول آیات مکی
ریحانه پور خلیلی، علی غضنفری

تربیت اقتصادی در نظام معیار اسلامی از منظر قرآن کریم
حمید مهجور

باز پژوهی آسیب‌های دنیادوستی بر روابط اجتماعی مبلغان دین
از منظر قرآن و روایات
سید محمد علوی زاده

آسیب‌های اجتماعی روش‌های نادرست آموزش قرآن
(مطالعه موردی کتاب‌های درسی آموزش و پرورش)
مجتبی نوروزی، علی اکبر فقوری بیلندی

تحلیل رویکرد تنزیلی در حل مسئله اجتماعی در قرآن
با محوریت مسئله زن
عبدالکریم بهجت پور، محمد تقی احمدی پرتو

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ



دانشگاه علوم و معارف قرآن کریم
دانشکده علوم قرآنی شاهرود



فصلنامه علمی قرآن و علوم اجتماعی

فصلنامه علمی قرآن و علوم اجتماعی

سال دوم / شماره ۴ / زمستان ۱۴۰۱ / پیاپی ۸

- صاحب امتیاز: دانشگاه علوم و معارف قرآن کریم، دانشکده علوم قرآنی شاهرود
- مدیر مسئول: داود صائمی، استادیار دانشگاه علوم و معارف قرآن کریم
- سردبیر: ابراهیم ابراهیمی، استاد دانشگاه علامه طباطبایی

○ اعضای هیأت تحریریه به ترتیب حروف الفبا:

- دکتر ابراهیم ابراهیمی، استاد دانشگاه علامه طباطبایی
- دکتر محمد جواد اسکندرنلو، استاد مجتمع آموزش عالی قرآن و حدیث جامعه المصطفی
- دکتر محمد هادی امین ناجی، استاد دانشگاه پیام نور
- دکتر شهلا باقری، دانشیار دانشگاه خوارزمی
- دکتر حسین بستان، دانشیار پژوهشگاه حوزه و دانشگاه
- دکتر علی حسن بیگی، دانشیار دانشگاه اراک
- دکتر سید عبدالرسول حسینی زاده، دانشیار دانشگاه علوم و معارف قرآن کریم
- دکتر حسن خیری، دانشیار دانشگاه آزاد اسلامی
- دکتر حسین سوزن چی، استاد دانشگاه باقرالعلوم (ع)
- دکتر کرم سیاوشی، دانشیار دانشگاه بوعلی سینا
- دکتر الهه شاه پسند، دانشیار دانشگاه علوم و معارف قرآن کریم
- دکتر سیدحسین شرف الدین، استاد موسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی (ره)
- دکتر رحمان عشریه، دانشیار دانشگاه علوم و معارف قرآن کریم
- دکتر روح اله محمد علی نژاد عمران، دانشیار دانشگاه علامه طباطبائی

- کارشناس نشریه: محمد رضا جلالی
- ویراستار ادبی: زهرا آبیاری
- مترجم انگلیسی: حسن عالمی بکناش
- طراحی و صفحه آرایی: محمد فرهمند

این فصلنامه با همکاری انجمن علمی قرآن و عهدین ایران منتشر می شود.

فصلنامه علمی قرآن و علوم اجتماعی بر اساس مجوز شماره ۸۶۷۹۵ مورخ ۱۳۹۹/۰۸/۱۲ اداره کل مطبوعات داخلی وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی منتشر می شود.

راهنمای ارسال مقاله

- ۱- «فصلنامه علمی قرآن و علوم اجتماعی» در پذیرش یا رد و ویرایش علمی و ادبی مقالات، آزاد است.
- ۲- مقالات ارسالی به «فصلنامه علمی قرآن و علوم اجتماعی» نباید قبلاً در جای دیگری ارائه یا منتشر شده و یا همزمان جهت انتشار به نشریات دیگر ارسال شده باشند.
- ۳- با توجه به اینکه همه مقالات فارسی ابتدا در سامانه سمیم نور مشابهنهت یابی می شوند، برای تسریع فرآیند داوری بهتر است نویسندگان محترم قبل از ارسال مقاله، از اصالت مقاله خود از طریق این دو سامانه مطمئن شوند.
- ۴- فصلنامه علمی قرآن و علوم اجتماعی از دریافت مقاله مجدد از نویسندگانی که مقاله دیگری در روند بررسی دارند و هنوز منتشر نشده، معذور است.

فرآیند ارسال مقاله به نشریه

- ۱- نویسندگان باید فقط از طریق بخش ارسال مقاله سامانه نشریه (به آدرس <http://arq.quran.ac.ir>) جهت ارسال مقاله اقدام کنند، به مقالات ارسالی از طریق ایمیل یا ارسال نسخه چاپی ترتیب اثر داده نخواهد شد.
- ۲- برای ارسال مقاله، نویسنده مسئول باید ابتدا در بخش ارسال مقاله اقدام به ثبت نام در سامانه نشریه نماید.
- ۳- نویسندگان باید همه مراحل ارزیابی مقاله را صرفاً از طریق صفحه شخصی خود در سامانه مجله دنبال نمایند.

قالب و موضوع مقالات مورد پذیرش

- ۱- فصلنامه علمی قرآن و علوم اجتماعی، فقط مقالاتی را که حاصل دستاوردهای پژوهشی نویسنده و حاوی یافته های جدید است را می پذیرد.
- ۲- مجله از پذیرش مقالات مروری صرف، گردآوری و گزارشی، ترجمه معذور است.
فایل هایی که در زمان ثبت نام نویسنده مسئول باید در سامانه بارگذاری کند:
 ۱. فایل اصلی مقاله (بدون مشخصات نویسندگان)
 ۲. فایل مشخصات نویسندگان (به زبان فارسی و انگلیسی)

۳. فایل تعهد نامه (با امضای همه نویسندگان)

۴. تکمیل و ارسال فرم عدم تعارض منافع، توسط نویسنده مسئول الزامی می باشد.
(ارسال مقاله برای داوری، مشروط به ارسال چهار فایل مذکور و ثبت صحیح اطلاعات در سامانه است).

حجم مقاله:

تعداد واژگان مقاله: بین ۵۰۰۰ تا ۷۵۰۰ واژه

تعداد کلیدواژه ها: ۴ تا ۷ کلیدواژه

تعداد واژگان چکیده: ۱۷۰ تا ۲۰۰ واژه (چکیده باید شامل هدف، مساله یا سوال اصلی پژوهش، روش شناسی و نتایج مهم پژوهش باشد)

نحوه درج مشخصات فردی نویسندگان:

۱- نویسنده مسئول در آثاری که بیش از یک نویسنده دارند باید حتما مشخص باشد. عبارت (نویسنده مسئول) جلوی نام نویسنده مورد نظر درج شود.

۲- فرستنده مقاله به عنوان نویسنده مسئول در نظر گرفته می شود و کلیه مکاتبات و اطلاع رسانی های بعدی با وی صورت می گیرد.

۳- تغییر تاریخ ارسال و پذیرش مقالات، اسامی نویسندگان و ترتیب آنها در مقاله و مشخصات سازمانی نویسندگان بعد از ثبت در سامانه به هیچ وجه امکان پذیر نمی باشد.

وابستگی سازمانی نویسندگان باید دقیق و مطابق با یکی از الگوی های ذیل درج شود:

۱- اعضای هیات علمی: رتبه علمی (مربی، استادیار، دانشیار، استاد)، گروه، دانشگاه، شهر، کشور، پست الکترونیکی

۲- دانشجویان: دانشجوی (کارشناسی، کارشناسی ارشد، دکتری) رشته تحصیلی، دانشگاه، شهر، کشور، پست الکترونیکی

۳- افراد و محققان آزاد: مقطع تحصیلی (کارشناسی، کارشناسی ارشد، دکتری) رشته تحصیلی، سازمان محل خدمت، شهر، کشور، پست الکترونیکی

۴- طلاب: سطح (۲، ۳، ۴)، رشته تحصیلی، حوزه علمیه / مدرسه علمیه، شهر، کشور، پست الکترونیکی.

ساختار مقاله:

بدنه مقاله باید به ترتیب شامل بخش های ذیل باشد:

۱. عنوان
 ۲. چکیده فارسی (تبیین موضوع / مساله / سوال، هدف، روش، نتایج)
 ۳. مقدمه (شامل تعریف مساله، پیشینه تحقیق (فارسی و انگلیسی)، اهمیت و ضرورت انجام پژوهش و دلیل جدید بودن موضوع مقاله)
 ۴. بدنه اصلی (توضیح و تحلیل مباحث)
 ۵. نتیجه گیری (بحث و تحلیل نویسنده)
 ۶. منابع (منابع غیرانگلیسی علاوه بر زبان اصلی، باید به انگلیسی نیز ترجمه شده و بعد از بخش کتابنامه، ذیل عنوان References درج شوند).
- درج پانویس، ارجاعات درون متن و منابع:
- ۱- از اشاره مستقیم / غیرمستقیم به نام نویسنده / نویسندگان مقاله در متن یا پاورقی خودداری شود.
 - ۲- اسامی خاص و اصطلاحات لاتین و ارجاعات توضیحی در پانویس ذکر شود.
 - ۳- از نقل قول های مستقیم و طولانی پرهیز شود (لازم است حتما در مقاله مشخص باشد کدام بخش از متن، نقل قول مستقیم است).
 - ۴- نقل قول های مستقیم حداکثر تا ۴۰ کلمه در درون علامت نقل قول " " و بیش از آن به صورت تورفتگی نوشته شود.

ارجاعات درون متن

- ۱- به هیچ وجه ارجاعی در پانویس درج نشود.
- ۲- اطلاعات کامل ارجاعات درون متن حتما باید در بخش منابع مقاله نیز درج شود.
- ۳- برای تاریخ های قمری و میلادی به ترتیب از حروف ق و م استفاده شود. ۱۳۴۰ ق / ۱۹۹۸ م
- ۴- در صورتی که از یک نویسنده در یک سال، دو اثر منتشر شده و در متن مورد استناد قرار گرفته باشد، پس از ذکر سال انتشار با حروف (الف و ب) برای منابع فارسی یا (a, b) برای منابع انگلیسی از هم متمایز گردند.

- ۵- اگر منبع مورد استناد، دو یا سه نویسنده داشت، نام خانوادگی هر سه باید ذکر شود.
- ۶- اگر تعداد نویسندگان بیش از سه نفر باشد، تنها نام خانوادگی نویسنده اول ذکر شده و پس از آن از عبارت «و دیگران» استفاده شود.
- ۷- اگر در متن به بیش از یک منبع استناد شده باشد، با نقطه ویرگول؛ از هم جدا می‌شوند.

فهرست منابع پایانی:

- ۱- قرآن و نهج البلاغه به ترتیب در ابتدای بخش منابع درج شده و در ردیف الفبایی قرار نمی‌گیرند.
- ۲- در بخش References که منابع به انگلیسی درج می‌شوند، نام خانوادگی نویسنده به صورت کامل، اما از نام نویسنده، صرفاً حرف اول درج می‌شود. مثال: Alston, W
- ۳- درج شناسه DOI برای مقالاتی که دارای این کد هستند، الزامی است.
- ۴- منابعی که در این بخش درج می‌شوند، حتماً باید در متن استفاده شده باشند. (منابعی که صرفاً برای مطالعه و آگاهی بیشتر مخاطب در متن معرفی شده‌اند، و در متن به آنها ارجاع داده نشده، نباید در بخش منابع درج شوند).
- ۵- نظم منابع باید براساس الفبای نام خانوادگی نویسندگان باشد.
- ۶- اگر چند اثر از یک نویسنده در یک ردیف الفبایی پشت سر هم قرار گرفتند، حتماً باید نام نویسنده درج شود، استفاده از خط تیره برای عدم تکرار نام نویسنده نادرست است.

فهرست

- سخن سردبیر..... ۸
- مهارت‌های ارتباطی انسان با هم‌نوعان در سبک زندگی توحیدی از منظر امام حسن عسکری (ع).. ۹ - ۳۶
ام البنین کوهستانی، غلامرضا رضوی دوست، سید محمد حسین موسوی، محمد زارعی
- واکاوی نقش یقین در تشکیل نظام اجتماعی اخلاق بنیان از منظر ترتیب نزول آیات مکی ۳۷ - ۵۵
ریحانه پور خلیلی، علی غضنفری
- تربیت اقتصادی در نظام معیار اسلامی از منظر قرآن کریم ۵۶ - ۸۰
حمید مهجور
- باز پژوهی آسیب‌های دنیادوستی بر روابط اجتماعی مبلغان دین از منظر قرآن و روایات ۸۱ - ۱۰۹
سید محمد علوی زاده
- آسیب‌های اجتماعی روش‌های نادرست آموزش قرآن (مطالعه موردی کتاب‌های درسی آموزش و پرورش)
..... ۱۱۰ - ۱۴۰
مجتبی نوروزی، علی اکبر فقفوری بیلندی
- تحلیل رویکرد تنزیلی در حل مسئله اجتماعی در قرآن با محوریت مسئله زن ۱۴۱ - ۱۶۳
عبدالکریم بهجت پور، محمد تقی احمدی پرتو

سخن سردبیر

با لطف خداوند متعال و طبق وعده بخش نشریات وزارت علوم، تحقیقات و فناوری با انتشار این شماره و اصلاح نکات ارزیابان محترم و تغییر عنوان، قرار است این فصلنامه وارد ارزیابی شود و به امید خداوند متعال رتبه علمی دریافت نماید. لذا از تمام نویسندگان و پژوهشگران محترم دعوت می شود تا مقالات پژوهشی خود را برای این فصلنامه ارسال نمایند. در ذیل بار دیگر اهداف ذکر گردید تا افق مشخصی برای نویسندگان محترم جهت قلم‌فرسایی ایجاد گردد.

فصلنامه علمی قرآن و علوم اجتماعی جهت نیل به اهداف زیر فعالیت می کند:

- کاربردی سازی آموزه‌های قرآن و حدیث در مسائل اجتماعی
- بررسی مسائل اجتماعی با رویکرد دینی و به طور خاص قرآن کریم
- ارائه راهکارهای قرآنی جهت داشتن جامعه‌ای بهتر
- پاسخ به مسائل اجتماعی از طریق مطالعه قرآن و حدیث
- ...

این فصلنامه از تمام پژوهش‌ها با رویکرد قرآنی و اجتماعی و البته رویکرد آسیب شناسی مسائل اجتماعی بر اساس آموزه‌های قرآنی استقبال می کند و از تمامی پژوهشگران دعوت می کند تا تحقیقات خود را در زمینه‌های ذکر شده برای این فصلنامه ارسال نمایند.

سردبیر فصلنامه



Human Communication Skills with Other People in the Monotheistic Lifestyle from the Perspective of Imam Hasan Al-Askari (A.S.)

(Received: 2023/01/16 / Accepted: 2023/07/19)

Ommol'Banin Kooheštani¹, Gholamreza Razavi Doost², Seyyed Mohammad Hossein Mousavi³, Mohammad Zarei⁴

ABSTRACT

One of the most important dimensions of human life is communication and interaction in society, as it is considered one of the most important tools for guidance. Therefore, it is necessary to find communication skills, because not having these skills will have serious damage to people's physical and mental health. This is of particular importance in the Qur'anic and narrative teachings. The special circumstances and restricted communication of Imam Hasan al-Askari (A.S.) with the Shiites in itself is evidence and confirmation of the importance of the type and way of communication in the monotheistic lifestyle. One of his scientific and cultural activities was to establish a communication network with his Shiites and followers, so they could benefit from his guidance. The current research was conducted with the aim of analyzing communication skills with other people based on the sirah of Imam Hasan al-Askari (A.S.) with the rational and narrative approach, and descriptive analytical method, and collecting information through the library sources.

According to the sirah of Imam Hasan al-Askari (A.S.), piety in life, modesty towards people, forgiveness for their mistakes and faults, generosity and kindness, patience and tolerance, etc. are among the most obvious communication skills in the positive dimension. Expressing happiness in the presence of a sad and troubled person, hypocrisy and insincerity, etc. are among the most obvious communication skills in the negative dimension, and observing and not using them in communicating with others, leads to an effective communication.

KEYWORDS: Communication Skills, Communication with others, Monotheistic Life, Sirah of Imam Hasan Al-Askari (A.S.).

1- Seminary level 4 student of Comparative Interpretation, Hazrat Seddiqah Kobra (A.S.) Specialized Seminary, Qom; Iran (corresponding author) o.kooheštani14@Gmail.com

2- Ph.D. student of Quran and Hadith Sciences, Razavi University of Islamic Sciences / Faculty member of Quran and Hadith Sciences Department, Faculty of Theology and Islamic Studies, University of Sistan and Baluchestan; Zahedan, Iran r.razavi@theo.usb.ac.ir

3- Assistant Professor, Quran and Hadith Sciences Department, Faculty of Theology and Islamic Studies, University of Sistan and Baluchestan; Zahedan, Iran Drmoosavi@theo.usb.ac.ir

4- Assistant Professor, Department of Education, Zahedan University of Medical Sciences; Iran m.zarei1359@yahoo.com



مهارت‌های ارتباطی انسان با هم‌نوعان در سبک زندگی توحیدی از منظر امام حسن عسکری (ع)

(تاریخ دریافت: ۱۴۰۱/۱۰/۲۶ - تاریخ پذیرش: ۱۴۰۲/۰۴/۲۸)

ام البنین کوهستانی^۱، غلامرضا رضوی دوست^۲،
سید محمد حسین موسوی^۳، محمد زارعی^۴

چکیده

ارتباط و تعامل در اجتماع از مهمترین ابعاد زندگی انسانی است، به گونه‌ای که آن را مهم‌ترین ابزار هدایت برشمردند. از این روی، یافتن مهارت‌های ارتباطی امری ضروری است که نداشتن این مهارت‌ها خسارت‌های سنگینی بر سلامت جسمی و روحی افراد خواهد داشت. این امر در آموزه‌های قرآنی و روایی از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است. شرایط خاص و محدودیت ارتباطی امام حسن عسکری (ع) با شیعیان به تنهایی گواه و تأکیدی بر اهمیت نوع و کیفیت ارتباطات در سبک زندگی توحیدی است. یکی از فعالیت‌های علمی - فرهنگی ایشان، ایجاد شبکه ارتباطی با شیعیان و پیروان خود بود و از این طریق آنان را از هدایت خویش بهره‌مند می‌ساخت. پژوهش حاضر با هدف واکاوی مهارت‌های ارتباطی با دیگران بر مبنای سیره این امام همام به روش نقلی - وحیانی، پردازش توصیفی - تحلیلی و گردآوری کتابخانه‌ای اطلاعات انجام گرفته است. براساس سیره حضرت

۱- طلبه سطح چهار، گرایش تفسیر تطبیقی، مدرسه عالی تخصصی حضرت صدیقه کبری (سلام الله علیها)، قم؛ ایران (نویسنده مسئول) o.koohestani14@gmail.com

۲- دانشجوی دکتری علوم قرآن و حدیث، دانشگاه علوم اسلامی رضوی و عضو هیئت علمی گروه علوم قرآن و حدیث، دانشکده الهیات و معارف اسلامی دانشگاه سیستان و بلوچستان؛ زاهدان، ایران r.razavi@theo.usb.ac.ir

۳- استادیار گروه علوم قرآن و حدیث، دانشکده الهیات و معارف اسلامی دانشگاه سیستان و بلوچستان؛ زاهدان، ایران Drmoosavi@theo.usb.ac.ir

۴- استادیار گروه معارف دانشگاه علوم پزشکی زاهدان؛ ایران m.zarei1359@yahoo.com



عسکری (ع)، پرهیزگاری در زندگی، تواضع در برابر افراد، فراموشی لغزش و گناه ایشان، جود و بخشش، صبر و بردباری و ... از جمله مهارت‌های ارتباطی در بُعد ایجابی است که رعایت آن‌ها موجب ارتباط مؤثر فرد با همنوعان می‌شود. اظهار شادمانی در نزد فرد محزون و غمگین، نفاق و دورویی و ... از بارزترین مهارت‌های ارتباطی در بُعد سلبی است که رعایت و عدم به کاربردن آن‌ها در ارتباط با همنوعان به ارتباطی مؤثر می‌انجامد.

واژگان کلیدی: مهارت‌های ارتباطی، ارتباط با همنوعان، سبک زندگی توحیدی، سیره امام حسن عسکری (ع).

۱. مقدمه

در جهان‌بینی توحیدی، انسان به عنوان اشرف مخلوقات در نظام هستی از چنان جایگاه خاص و منحصر به فردی برخوردار است که قرآن کریم آدمی را به توجه به خویشتن فرا می‌خواند (ذاریات: ۲۱). او این قابلیت و توانمندی را دارد که با خدا، خود، همنوعان و هستی ارتباطی غیر از ارتباط غیر ارادی و تکوینی داشته باشد. ارتباطی که اراده و خواست خود انسان عامل اصلی و تعیین کننده آن ارتباط است (صدری نیا، ۱۳۹۰: ۱۳)، با آن در زندگی دنیا جهت حرکت خود را مشخص کرده و در برابر این اراده مسئول است؛ از این رو، باید بر ایجاد این روابط و کیفیت آن‌ها دقت عمل کافی داشته باشد تا علاوه بر سازنده و مثبت بودن، او را به کمال مطلوب و نهایی برسانند. لازمه‌ی آن، داشتن نگرش صحیح و اعتقاد نسبت به مبدأ، معاد، جهان هستی است. بینش توحیدی انسان نسبت به مبدأ و معاد سبب می‌شود که با خدای یگانه، خود و با سایر مخلوقات ارتباطی مثبت و مؤثر برقرار کند.

مبحث ارتباط و مهارت‌های ارتباطی در اسلام دارای جایگاه و اهمیت فوق العاده است به طوری که حتی می‌توان آن را مأموریت مهم رسالت پیامبر اسلام (ص) دانست و بعد از ایشان ائمه اطهار عهده‌دار ادامه آن شدند. با توجه به شرایط خاص امام حسن عسکری (ع) که امام در سامرا اقامت اجباری داشتند و تحت مراقبت شدید حکومت بودند و برای فعالیت‌های خود با محدودیت روبه‌رو بودند، گرچه فضای فعالیت سیاسی نبود، اما بهترین فرصت برای اقدامات و فعالیت‌های علمی-فرهنگی بود. در آن اوضاع نابسامان و خفقان امام موفق به گسترش دانش

دامنه‌دار خود در سطح کل جامعه نشدند، اما شاگردانی تربیت کرد که هر کدام به سهم خود در نشر و گسترش معارف اسلام نقش مؤثری داشتند (پیشوایی، ۱۳۷۷: ۶۲۷). از فعالیت‌های فرهنگی می‌توان به ایجاد شبکه ارتباطی با شیعیان اشاره کرد. امام علاوه بر شبکه ارتباطی وکالت از طریق نامه‌ها و پیک‌ها نیز با شیعیان خود ارتباط برقرار کرده و مشکلات را برطرف می‌کردند و آنان را زیر چتر هدایت خویش قرار می‌دادند (همان: ۶۳۶). حال با توجه به این که در اسلام بر طبق حدیث ثقلین ائمه اطهار (ع) به عنوان الگوی بشریت معرفی شده‌اند، این سؤال مطرح است که در سیره اهل بیت (ع) به خصوص امام حسن عسکری (ع) چه مهارت‌هایی برای ارتباط انسان با هموعان در سبک زندگی توحیدی بیان شده است؟ مبحث ارتباط مؤثر و آداب معاشرت هم در منابع اسلامی و هم در دیگر منابع به صورت کلی و در سیره همه اهل بیت (ع) مورد توجه قرار گرفته و از زوایای مختلفی پیرامون آن بحث و پژوهش شده است، اما پژوهش حاضر، با روش توصیفی-تحلیلی درصدد است که با تجزیه و تحلیل گزاره‌های استخراج شده از سیره امام حسن عسکری (ع) مهارت‌های ارتباطی انسان با دیگران را در سبک زندگی توحیدی (بر مبنای آیات قرآن) در دو بُعد ایجابی و سلبی، کشف و در قالبی نو ارائه دهد.

۲. پیشینه

در زمینه ارتباطات انسانی، کتب و مقالات فراوانی به نگارش درآمده است؛ از جمله می‌توان به موارد ذیل اشاره نمود:

شاه ولی (۱۳۸۲) در مقاله «بررسی کارکردهای مهارت‌های ارتباطی غیرکلامی و گوش دادن مؤثر در تحقق وظایف و بهبود روابط انسانی» و حسین زاده، علی (۱۳۸۸ ش) در مقاله «راه کارهای ارتباط مؤثر در میان اعضای خانواده» با یک نگاه کلی به ارائه راهکارهای ارتباط مؤثر در سطح خانواده پرداخته‌اند.

زارعی مدوئیه (۱۳۹۸) در مقاله «راهبردهای تربیتی در ارتباطات انسانی در گفتگوی ابراهیم (ع) و اسماعیل (ع) با تأکید بر آیه ۱۰۲ سوره صافات» به این نتیجه رسیده است که بررسی و تحلیل این آیه شریفه راه گشای تربیت فردی، خانوادگی و اجتماعی تشنگان پیام‌های تربیتی قرآن مجید است. این آیه به چگونگی تنظیم و کیفیت مدیریت روابط انسان در شرایط خاص با خدا، خود و دیگران اشاره دارد.

فتحی (۱۳۹۹) در مقاله «الگوی هنجاری ارتباطات انسانی در اندیشه آیت‌الله جوادی آملی»

اندیشه ارتباطات انسانی آیت‌الله جوادی آملی را با روش پژوهش فراترکیب بررسی نموده است. به‌طور کلی روابط انسان مؤمن از منظر آیت‌الله جوادی آملی در سه حوزه «اسلامی» (ارتباط با همه مسلمانان جهان)، «توحیدی» (ارتباط با موحدان: مسیحی‌ها، یهودی‌ها، زردشتی‌ها و...) «انسانی» (مربوط به انسانیت فارغ از هرگونه دین و آیین) تبیین کرده است.

سیفعلی‌ئی (۱۴۰۰) نیز در مقاله‌ای با عنوان «بازشناسی مهارت‌های ارتباطی در قرآن و کارکردهای آن در روابط اجتماعی انسان» به این نتیجه رسید که اگر بتوان فراگرد ارتباط بین انسان‌ها را به درستی بررسی نمود و قوانین حاکم بر آن را دریافت، می‌توان این قابلیت را در فرد ایجاد نمود که در ارتباط با دیگران موفق‌تر عمل نماید، آسیب‌های موجود در روابط را برطرف نموده و روابطی نیکو و حسنه با همگان برقرار سازد.

چنان‌چه ملاحظه شد، پیرامون «مهارت‌های ارتباطی و ارتباطات انسانی» پژوهش‌هایی انجام شده که محیط خانواده، اجتماع و یا به‌طور عام همه ابعاد ارتباطی انسان را براساس آموزه‌های قرآنی مورد بررسی قرار می‌دهند، اما پژوهش حاضر درصدد بررسی مهارت‌های ارتباطی انسان در اجتماع بر مبنای سیره امام حسن عسکری (ع) است.

۳. مفهوم‌شناسی

روان‌شناسان و دانشمندان علوم دینی تلاش وافر نموده‌اند تا تعاریفی را برای درک صحیح مخاطب ارائه دهند، در ادامه کلمات: معناشناسی ارتباطات انسان، آداب معاشرت و... مورد بررسی قرار خواهد گرفت.

معناشناسی ارتباط: در لغت عرب واژه «ارتباط» را از مصدر باب افتعال معرفی می‌کنند که ریشه آن «ربط» است. ربط دادن دو جزء جدا از هم و به معنای پیوند دادن آن دو جزء جدا از هم است (دهخدا، ۱۳۷۷: ۴۷۰). همچنین واژه «ارتباط»^۱ به معنای «عمومی کردن یا در معرض عموم قرار دادن» (فرهنگی، ۱۳۹۴: ۱) وارد شده است. در اصطلاح به معنای متعددی گرفته شده است از جمله در اصطلاح روانشناسان عبارت‌اند از: «تعاملی که در آن، بین دو فرد پیام‌ها و اطلاعاتی رد و بدل می‌گردد» (هارجی، ساندرز، دیکسون، ۱۳۹۳: ۲۰) و نیز به معنای «در معرض عموم قرار دادن یک مفهوم برخاسته از درون یک شخص و راه یافتن آن در میان دیگران است» (فرهنگی، ۱۳۹۴: ۱). لازمه‌ی ارتباط، دادن و گرفتن است و این

دو همواره همراه هم هستند و افراد با استفاده از تجربیات خود راهی به سوی ارتباط با دیگران می‌کشایند که در این مسیر هر قدر مهارت و دقت برقراری ارتباط بالاتر رود، رابطه مؤثرتری ایجاد خواهد گردید (آذری، ۱۳۸۴: ۸۵)؛ اما معنایی که با این بحث مرتبط است «فراگرد تفهیم و تفاهم و تسهیم معنی» (فرهنگی، ۱۳۹۴، ۱: ۱۸) که دانشمندان غربی آن را به سه دسته کلی «ارتباط با خود، ارتباط با دیگران و ارتباط عمومی یا جمعی» (همان: ۲۲) تقسیم نموده‌اند.

ارتباط با دیگران و به عبارتی ارتباط میان‌فردی (نظام ارتباط بین افراد) بیانگر ارتباط یک انسان، با دیگران و پیوستگی‌هایش با آنان که در ابعاد جسمی و روانی مورد توجه قرار می‌گیرد (همان: ۳۲). ارتباط میان‌فردی، جریانی چند سویه است که طی آن دو یا چند نفر با هم به تبادل افکار، نظریات، احساسات و حقایق می‌پردازند و از طریق به کار بردن علائم و پیام‌هایی که معانیش برای آن‌ها قابل درک است، اقدام به برقراری ارتباط می‌کنند (گنجی، ۱۳۸۹: ۴۹). برداشت اغلب مردم از ارتباط مؤثر، ارتباطی است که در آن فرستنده بتواند منظور خود را به گیرنده پیام منتقل کند یا به عبارتی دیگر، درک و استنباط گیرنده از پیام با قصد و نیت فرستنده مطابقت داشته باشد. البته درک صحیح پیام، اولین و مهم‌ترین معیار اثر بخشی ارتباط است، اما ارتباط در همه حال تنها به قصد انتقال مفاهیم صورت نمی‌گیرد؛ بنابراین معیارهای دیگر نیز برای تعیین اثر بخشی ارتباطات باید وجود داشته باشد.

ارتباط با هم‌نوعان نیز در دوسته کلامی و غیرکلامی بحث می‌شود. ارتباط کلامی یعنی هر آن‌چه که در آن نمادهای زبانی به صورت لفظی، شفاهی، از طریق گفتگو یا نوشتار مثل نامه یا کتاب انتقال می‌یابد (آذری، ۱۳۸۴: ۵۵)؛ بنابراین مراد از ارتباط کلامی، مجموع روابطی است که از طریق زبان، سخن و گفت‌وگو حاصل می‌گردد (همان: ۳۳۴) و ارتباط غیرکلامی و رفتاری از هر آن‌چه از حرکات و افعال و نشانه‌ها که لفظی و نوشتاری و از نمادهای کلامی هستند، نباشد و دارای معنا و پیامی برای مخاطب باشد. ارتباط غیر کلامی می‌تواند ارادی یا غیر ارادی باشد، مثل حرکت دست یا دیگر حرکات یک فرد که به طور ارادی انجام می‌دهد و یا هر نشانه‌ای که غیر ارادی است و حامل پیام‌ها و معانی برای مخاطب است (همان: ۶۹).

سبک زندگی توحیدی: مفهوم سبک زندگی، از جمله مفاهیمی است که پژوهشگران حوزه جامعه‌شناسی برای بیان رفتارشناسی انسان‌ها در عصر جدید به کار می‌گیرند. سبک زندگی در لغت به معنای «علائق، نظرات، رفتارها و جهت‌گیری رفتاری یک فرد، گروه یا فرهنگ» (دهخدا، ۱۳۸۵، ۲: ۱۶) و به عبارت دیگر «روش خاصی از زندگی یک شخص یا گروه»

به گونه‌ای که منعکس کننده گرایش‌ها، تلقی‌ها، ارزش‌ها و شیوه‌های زندگی یک فرد یا گروه است.

مراد از سبک زندگی توحیدی، سبک زندگی است که توحید در آن مبنا و اصل بوده و محور همه علائق، رفتارها و انتخاب‌ها «توحید» است. همان گونه که امام خمینی فرمودند: «اعتقادات من و همه مسلمین همان مسائلی است که در قرآن کریم آمده است و یا پیامبر اسلام (ع) و پیشوایان به حق بعد از آن حضرت بیان فرموده‌اند ریشه و اصل همه آن عقاید که مهم‌ترین و با ارزش‌ترین اعتقادات ماست، اصل توحید است» (خمینی، ۱۳۸۹، ۵: ۳۸۷).

در این پژوهش، مهارت‌های ارتباطی که از سبک زندگی توحیدی امام حسن عسکری (ع) به دست می‌آید می‌تواند به عنوان چراغی فرا راه زندگانی بشر قرار گیرد، چرا که قرآن پیامبر اکرم (ص) را به عنوان الگوی حسنه و کامل مسلمانان معرفی می‌فرماید: «لَقَدْ كَانَ لَكُمْ فِي رَسُولِ اللَّهِ أُسْوَةٌ حَسَنَةٌ لِّمَن كَانَ يَرْجُوا اللَّهَ وَالْيَوْمَ الْآخِرَ وَذَكَرَ اللَّهَ كَثِيرًا» (احزاب: ۲۱) برای شما در زندگی رسول خدا (ص) سرمشق نیکویی است، برای آن‌ها که امید به رحمت خدا و روز رستاخیز دارند و خدا را بسیار یاد می‌کنند.

ایشان نیز بعد از خود اهل بیت (ع) را به عنوان هم‌ردیفان و عدیلان قرآن معرفی نموده و تمسک به این بزرگواران را مانع از گمراهی و ضلالت بیان فرموده‌اند؛ لذا بررسی و تحلیل زندگانی امام حسن عسکری (ع) به عنوان یکی از این اسوه‌های هدایت و بخشی از زندگانی توحیدی ایشان؛ یعنی ارتباطات حضرت در راستای اصلاح امور فرد و جامعه تأثیر چشم‌گیری خواهد داشت.

۴. مهارت‌های ارتباطی انسان با همنوعان

مهارت‌های ارتباطی انسان در اجتماع بر مبنای سبک زندگی توحیدی امام حسن عسکری (ع) در دو بُعد ایجابی (بایستگی‌ها) و سلبی (موانع) قابل بررسی است.

الف) مهارت‌های ارتباطی در بُعد ایجابی

بر اساس سیره این امام بزرگوار، بارزترین مهارت‌های ایجابی که در این قسمت می‌توان بدان‌ها اشاره نمود، عبارت است از:

ورع و پرهیزگاری: یکی از مهارت‌های ارتباط فرد با سایر همنوعان «ورع و پرهیزگاری»

است که رعایت این مهم، انسان را در برقراری و بهبود ارتباط با آن‌ها یاری می‌رساند. امام عسکری (ع) در این درباره فرمودند: «مَنْ كَانَ الْوَرَعُ سَجِيتهُ ... كَثُرَ صَدِيقُهُ وَ التَّنَاءُ عَلَيْهِ» (شامی، ۱۴۲۰ ق: ۷۴۷؛ شهید اول، ۱۳۷۹: ۴۷)؛ هرکس ورع و پرهیزگاری روش زندگی اش باشد، دوستانش زیاد خواهند بود و (دیگران) او را مورد مدح و ستایش قرار می‌دهند.

امام (ع) در این روایت، به یکی از فواید ورع و تقوا در ارتباط فرد با سایرین اشاره می‌کند که اگر فردی در همه ابعاد زندگی پرهیزگار باشد و خود را از هر چیزی که موجب عذاب دنیوی و اخروی می‌شود، حفظ نماید، دوستانش فراوان خواهد شد. همان‌گونه که خداوند متعال می‌فرماید: «إِنَّ الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ سَيَجْعَلُ لَهُمُ الرَّحْمَنُ وُدًّا» (مریم: ۹۶)؛ کسانی که ایمان آورده و کارهای شایسته انجام داده‌اند، خداوند رحمان محبتی برای آنان در دل‌ها قرار می‌دهد. منظور این است که کسانی که ایمان آوردند و عمل صالح انجام دهند، خداوند متعال به عنوان پاداش دنیوی، ایشان را محبوب قرار می‌دهد. به فرموده آیت الله مکارم شیرازی «ایمان به یگانگی خدا و دعوت پیامبران و عمل صالح» چنان پر جاذبه هستند که بازتابش در روح، فکر، گفتار و کردار انسان به صورت اخلاق عالی‌ه انسانی، تقوا، پاکی، درستی، امانت، شجاعت، ایثار و گذشت، تجلی می‌کند و هم‌چون نیروهای عظیم مغناطیسی کشیده و ربانده‌اند (مکارم شیرازی، ۱۳۷۴، ۱۳: ۱۴۵)؛ بنابراین از آن‌جایی که تقوا و پرهیزگاری از مظاهر عمل صالح هستند، طبق فرموده امام (ع) فردی که سبک و روش زندگی او، ورع و پرهیزگاری باشد، خداوند رحمان محبت و دوستی او را دل‌ها قرار داده که موجب افزایش دوستان او خواهد شد.

تواضع: برای برقراری ارتباط مؤثر با هم‌نوعان از جمله رفتارهای تأثیرگذار «تواضع» بوده که در سبک زندگی اسلامی از جایگاه والایی برخوردار است. در آموزه‌های دینی تواضع و فروتنی از فضایل و ارزش‌های اخلاقی است که موجب نزدیک شدن قلب‌ها به یکدیگر شده و کینه‌ها را از بین می‌برد. حضرت عسکری (ع) درباره آن می‌فرماید: «مَنْ تَوَاضَعَ فِي الدُّنْيَا لِأَخَوَانِهِ فَهُوَ عِنْدَ اللَّهِ مِنَ الصِّدِّيقِينَ، وَمِنْ شِيعَةِ عَلِيِّ بْنِ أَبِي طَالِبٍ حَقًّا» (طبرسی، ۱۴۰۳ ق، ۲: ۴۶۰؛ مجلسی، ۱۴۰۳ ق، ۷۲: ۴۶۶)؛ هرکس در دنیا برای برادرانش تواضع و فروتنی نماید، در پیشگاه خداوند در زمره صِدِّیقین و از شیعیان علی بن ابی طالب (ع) خواهد بود.

حضرت در این روایت به یکی از مهارت‌های ارتباط میان فردی مؤمنان اشاره می‌کند که باید نسبت به سایرین متواضع باشند، زیرا این فروتنی علاوه بر این که ارتباط و قرب او را به خداوند متعال بیشتر می‌کند، موجب تقویت ارتباط او با دیگران نیز می‌شود. خداوند متعال در

قرآن خطاب به پیامبر اکرم (ص) می‌فرماید: «وَ اخْفِضْ جَنَاحَكَ لِلْمُؤْمِنِينَ» (حجر: ۸۸) و بال (عطوفت) خود را برای مؤمنین فرود آر.

در این آیه، با تعبیری زیبا به پیامبر (ص) دستور می‌دهد که نسبت به مؤمنان متواضع باش، همان‌گونه که پرندگان هنگامی که می‌خواهند به جوجه‌های خود اظهار محبت کنند آن‌ها را زیر بال و پر خود می‌گیرند (طبرسی، ۱۳۷۰، ۶: ۵۳۱؛ مکارم شیرازی، ۱۳۷۴، ۱۱: ۱۳۲). چنین دستوری به رهبر جامعه اسلامی نشان از اهمیت والای آن دارد. تواضع سبب بزرگی، هیبت و وقار فرد در بین مردم می‌شود (کلینی، ۱۴۰۷، ق، ۸: ۲۳) زیرا با این عمل، فضایل او در بین دیگران منتشر شده (لیثی واسطی، ۱۳۷۶: ۱۹) و ثمره آن محبوبیت او در بین ایشان است (همان: ۲۰۹) و این محبوبیت، ارتباط مفید و مؤثری را شکل خواهد داد.

امام (ع) در روایتی به نمونه‌ای از تواضع چنین اشاره می‌فرماید: «مِنَ التَّوَّاضِعِ السَّلَامُ عَلَى كَلِّ مَنْ تَمُرُّ بِهِ وَالْجُلُوسُ دُونَ شَرَفِ الْمَجْلِسِ» (کلینی، ۱۴۰۷، ق، ۳: ۲۱۷؛ ابن شعبه حرانی، ۱۴۰۴، ق: ۴۸۷)؛ از نشانه‌های تواضع آن است که بر هر کسی که از آن می‌گذری سلام دهی و نشستن در پایین‌ترین مکان مجلس است. حضرت، نشستن در پایین‌ترین مکان مجلس را نشانه‌ی تواضع و فروتنی برمی‌شمردند؛ بنابراین، تواضع در رفتار از مهارت‌هایی است که فرد به وسیله رعایت آن می‌تواند زمینه ارتباط مفید، سالم و سازنده با دیگران را در زندگی توحیدی فراهم نماید.

تغافل: یکی دیگر از مهارت‌های رفتاری ارتباط مؤثر با هم‌نوعان «تغافل و فراموشی لغزش و گناه» مخاطب نسبت به خود است. تغافل به معنای غفلت، فراموشی و چشم پوشی از گناه و لغزش دیگران هست. گاهی افراد خواسته و ناخواسته نسبت به دیگران لغزش، خطا و گناهی مرتکب می‌شوند که برای داشتن ارتباط سازنده با دیگران، گذشت، چشم پوشی و فراموشی از این امور، ضروری است. امام عسکری (ع) در این باره فرمودند: «خَيْرُ إِخْوَانِكَ مَنْ نَسِيَ ذَنْبَكَ» (دیلمی، ۱۴۰۸، ق: ۳۱۳؛ مجلسی، ۱۴۰۳، ق، ۷۵: ۳۷۹)؛ بهترین برادران تو کسی است خطای تو (نسبت به خود) را فراموش کند.

امام (ع) ویژگی بهترین برادر مؤمن را فراموشی از خطا و لغزشی که نسبت به او شده، بر شمرده‌اند، زیرا این امر برای ایجاد فضای اتحاد و صمیمی در میان افراد جامعه توحیدی ضروری و پر اهمیت است. البته آموزه‌های اسلامی ضمن تأکید بر تغافل مثبت، از تغافل منفی نیز بر حذر داشته‌اند. همزیستی و معاشرت با مردم را به پیمانهای تشبیه شده که دو سوم آن هوشیاری و یک سوم آن تغافل است. (ابن شعبه حرانی، ۱۴۰۴، ق، ۱: ۳۷۶) خداوند متعال در این باره می‌فرماید:

«وَلَا تَسْتَوِي الْحَسَنَةُ وَلَا السَّيِّئَةُ ادْفَعْ بِالَّتِي هِيَ أَحْسَنُ فَإِذَا الَّذِي بَيْنَكَ وَبَيْنَهُ عَدَاوَةٌ كَأَنَّهُ وَلِيٌّ حَمِيمٌ» (فصلت: ۳۴)؛ هرگز نیکی و بدی یکسان نیست؛ بدی را با نیکی دفع کن، ناگاه (خواهی دید) همان کس که میان تو و او دشمنی است، گویی دوستی گرم و صمیمی است.

آیه به زیبایی رابطه‌ی بین صبر و شکل‌گیری ارتباط مؤثر را به تصویر می‌کشد. با این توضیح که مؤمنان در مقابل انواع فشارها، ستم‌ها و افتراء و بدگویی‌ها باید به سلاح تقوا، پاکی، سخن حق، نرمش و محبت مجهز شوند (مکارم شیرازی، ۱۳۷۴، ۲۰: ۲۸) اگر همه بدی‌ها و باطل‌ها را به بهترین وجه دفع کردند، ناگهان خواهند دید که همان دشمن، چگونه به دوستی مهربان و شفیق تبدیل می‌شود (طباطبایی، ۱۴۱۷ ق، ۱۷: ۵۹۵) وقتی گذشت و فراموشی خطای دشمن، چنان فایده‌ای دارد، عفو و فراموشی خطای دوست و مؤمن دیگر که جای خود دارد.

«انسان نباید از مسائل مهم زندگی بی‌خبر بماند، بلکه باید با کمال دقت، مراقب آن‌چه که خیر و صلاح او در آن است، باشد. از سوی دیگر نسبت به اموری که لازم است مورد بی‌اعتنایی و بی‌توجهی قرار گیرد، دستور به «تغافل» می‌دهد، فکر و دقت در مسائل جزئی زندگی که اهمیت چندانی ندارند، انسان را از تفکر در امور مهم باز می‌دارد و همچنین مخفی کردن عیوب پنهانی دیگران در مواردی که مصلحت ایجاب می‌کند، کار پسندیده‌ای است» (مکارم شیرازی، ۱۳۷۷، ۲: ۳۵۳).

بنابراین گاهی افشاگری و اعلان یک اشتباه و یا به رخ کشیدن عیبی، نه تنها نتیجه منفی داده بلکه طرف مقابل را جسورتر و لجوج‌تر می‌سازد، در حالی که گذشت و چشم‌پوشی یا تغافل، اثر مثبت و سازنده دارد که این آموزه تربیتی در زندگی اجتماعی و ارتباط با مردم، نقش مهمی در آسایش روحی دارد و اگر نباشد، بسیاری از اشتباه‌ها در زندگی جبران نخواهد شد. (علی پور، ۱۳۸۸: ۴۴) اگر افراد پیوسته آن لغزش و گناه را به یاد داشته باشند، موجب کینه و کدورت در قلب شده و در نتیجه روابط این افراد دچار آسیب و خدشه خواهد شد.

جود و بخشش: از دیگر مهارت‌های ارتباطی «سخاوت و بزرگواری» است که مراعات آن در سبک زندگی توحیدی انسان را در بهبود ارتباطات با دیگران یاری می‌دهد. جود و بخشش از فضایل اخلاقی است و در آموزه‌های قرآنی از جایگاه رفیعی برخوردار است که خداوند متعال در بیشتر آیاتی که سخن از نماز و عبادت اوست، بلافاصله بخشش به نیازمندان را امر فرموده‌اند. به عنوان نمونه، در ابتدای سوره بقره می‌فرمایند: «يَقِيمُونَ الصَّلَاةَ وَمِمَّا رَزَقْنَاهُمْ يُنْفِقُونَ» (بقره: ۳)؛ و نماز را برپا می‌دارند؛ و از تمام نعمت‌ها و مواهبی که به آنان روزی داده‌ایم، انفاق می‌کنند.

در این قسمت از آیه خداوند به دو ویژگی متقین اشاره می‌کند که ایشان علاوه بر ارتباط دائم با پروردگار، رابطه نزدیک و مستمری با خلق خدا نیز دارند. انفاق و بخشش آن‌ها فقط مالی نیست، بلکه آیه دلالت بر عموم دارد (طالقانی، ۱۳۹۴، ۱: ۵۹)؛ یعنی از هر چیزی که خداوند به آن‌ها روزی داده که شامل مواهب مادی و معنوی می‌شود (مکارم شیرازی، ۱۳۷۷، ۱: ۷۴) بنابراین یکی از مهم‌ترین اوصاف پرهیزگاران که با مردم و جامعه در ارتباطند، این است که ایشان نه تنها از اموال خود، بلکه از علم، عقل، دانش، نیروهای جسمانی، مقام و موقعیت اجتماعی خود و به طور کلی از تمام سرمایه‌های خویش به آن‌ها که نیاز دارند می‌بخشند، بدون آن‌که از آنان انتظار پاداشی داشته باشند. (همان) متصف شدن به این فضیلت اخلاقی، در ارتباط با خالق و مخلوق، آثار و برکات بسیاری را برای فرد به ارمغان خواهد آورد. امام حسن عسکری (ع) در بیان یکی از این برکات می‌فرماید: «مَنْ كَانَ الْوَرَعُ سَجِيئَةً وَالْكَرَمُ طَبِيعَةً ... كَثُرَ صَدِيقُهُ وَ التَّنَاءُ عَلَيْهِ» (دیلمی، ۱۴۰۸ ق: ۳۱۴؛ مجلسی، ۱۴۰۳ ق، ۷۵: ۳۷۹)؛ هرکس ورع و پرهیزگاری روش زندگی‌اش باشد و جود و بخشش عادت او باشد ... دوستانش زیاد خواهند بود و دیگران او را مورد مدح و ستایش قرار می‌دهند.

امام (ع) به اثر این فضیلت اخلاقی در ارتباطات انسانی اشاره می‌کنند، به این صورت که اگر فردی خواهان ارتباط مؤثر و مفید با دیگران و فراوانی دوست است، خود را به جود و بخشش عادت دهد، زیرا به این وسیله صمیمیت و همدلی میان افراد جامعه ایمانی و توحیدی ایجاد شده، کینه‌ها و دشمنی‌ها از بین می‌روند؛ بنابراین، بخشش نیز از جمله مهارت‌های غیرکلامی در ارتباط با دیگران است که رعایت این اصل موجب نزدیکی قلوب به یکدیگر شده، محبت‌ها جلب و در نتیجه افزون شدن دوستی‌ها را به ارمغان می‌آورد.

صبر و بردباری: از دیگر رفتارهای مثمر ثمر در ارتباط فرد با دیگران «شکیبایی و صبوری ورزیدن» است که تأثیرگذاری آن در کلام امام حسن عسکری (ع) نیز تبلور یافته است. واژه «حلم» به معنی «نگهداری نفس و طبیعت از هیجان و خشم» است (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲ ق: ۲۵۳). این واژه هم‌ردیف معنای واژه صبر است. صبر به معنی «شکیبایی و خودداری نفس بر آن‌چه که عقل و شرع حکم می‌کند و آن را می‌طلبد» (همان: ۴۷۴) یکی از اقسام صبر، صبر در روابط اجتماعی است. گاهی در برخورد و معاشرت افراد با یکدیگر، خواسته و ناخواسته برخوردهایی از جهت افکار و عقاید گوناگون به وجود می‌آید که براساس اهمیت، انسان را به موضع‌گیری‌هایی موافق یا مخالف وادار می‌کند. امام حسن عسکری (ع) درباره صبر و بردباری

فرمودند: «مَنْ كَانَ الْوَرَعُ سَجِيَّتَهُ وَ... وَالْجَلْمُ خَلَّتَهُ كَثُرَ صَدِيقُهُ وَالثَّنَاءُ عَلَيْهِ» (دیلمی، ۱۴۰۸ ق: ۳۱۴؛ مجلسی، ۱۴۰۳ ق، ۷۵: ۳۷۹)؛ هرکس هرکس ورع و پرهیزگاری روش زندگی اش باشد ... و صبر و بردباری برنامه اش باشد، دوستانش زیاد خواهند بود و دیگران او را مورد مدح و ستایش قرار می دهند. حضرت به طور کلی می فرمایند که هر کس بردباری برنامه زندگی او باشد، موجب افزایش دوستان و ارتباط نیک با دیگران می شود، از این روی قرآن کریم در برابر این نامالایمات انسان را به صبر دعوت می نماید: «وَلَمَنْ صَبَرَ وَغَفَرَ إِنَّ ذَلِكَ لَمِنْ عَزْمِ الْأُمُورِ» (شوری: ۴۳)؛ اما کسانی که شکیبایی و عفو کنند، این از کارهای پرارزش است.

واژه عزم در اصل به معنی «تصمیم و پیمان قلبی بر انجام و گذراندن کاری» (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲ ق: ۲۵۰؛ مصطفوی، ۱۳۶۸، ج ۸: ۱۱۹) است. تعبیر صبر و گذشت به «عزم الامور» اشاره به این دارد که این امور از کارهایی است که خداوند به آن فرمان داده و هرگز نسخ نمی شود یا از کارهایی است که انسان باید نسبت به آن ها عزم راسخ داشته باشد (طبرسی، ۱۳۷۰، ۲۳: ۱۶۱؛ مکارم شیرازی، ۱۳۷۴، ۲۰: ۴۷۰).

به هر حال، آیه دعوت به صبر و گذشت در مقابل بدی و نامالایماتی است که از سوی دیگران به انسان می رسد. نکته قابل توجه این است که دعوت صبر به معنای این نیست که دفع ظلم نشود، بلکه اشاره و ارشاد به فضیلت صبر است. عفو در صورتی که از موضع قدرت باشد، مطلوب است نه به جبر و تحمیل (طباطبایی، ۱۴۱۷ ق، ۱۸: ۹۶؛ مکارم شیرازی، ۱۳۷۴، ۲۰: ۴۷۰) بنابراین، صبوری و حلم در برابر نامالایمات و برخوردهای ناشایست افراد، فرد را قادر به بروز رفتاری شایسته و در شأن خودش می کند که از این سوی در نزد دیگران انسانی معقول جلوه کرده و محبوب می گردد.

امانت داری: از جمله مهارت هایی که در ایجاد و بهبود ارتباطات مؤثر فرد با دیگران تأثیرگذار است، «امین و امانت دار بودن» است. امام حسن عسکری (ع) در این راستا فرمودند: «أَوْصِيكُمْ بِتَقْوَى اللَّهِ وَ... أَدَاءِ الْأَمَانَةِ إِلَى مَنْ أُنْتَمَنَكُم مِّنْ بَرِّ وَفَاجِرٍ» (مجلسی، ۱۴۰۳ ق، ۷۸: ۳۷۲)؛ شما را سفارش می کنم به تقوای الهی و ... ادای امانت به کسی که شما را امین شمرده است چه خوب باشد یا بد.

امام (ع) به ادای امانت سفارش کرده و آن را مفید به قید ایمان و نیک نکرده است. بلکه می فرماید، هر فردی (چه نیک و چه بد) که شما را به عنوان امین انتخاب نمود و نزد شما امانتی قرارداد، آن را حفظ کرده و خیانت در امانت ننماید. همان گونه که در روایتی از امام سجاد (ع)

وارد شده که اگر قاتل پدرم (حضرت سیدالشهدا (ع)) همان شمشیری را که با آن مرتکب قتل او شد نزد من امانت قرار می‌داد و من می‌پذیرفتم، امانت را به او بازمی‌گرداندم (طبری آملی، ۱۳۸۳، ۲: ۲۶۱؛ مجلسی، ۱۴۰۶، ق، ۲: ۳۷۳). خداوند متعال نسبت به امانت می‌فرماید: «إِنَّ اللَّهَ يَأْمُرُكُمْ أَنْ تُؤَدُّوا الْأَمَانَاتِ إِلَىٰ أَهْلِهَا» (نساء: ۵۸)؛ خداوند به شما فرمان می‌دهد که امانت‌ها را به صاحبانش بدهید. امانت در آیه معنای وسیعی دارد و شامل امور مادی و معنوی می‌شود (طباطبایی، ۱۴۱۷، ق، ۴: ۶۰۳) بنا بر دستور صریح آیه، مسلمانان موظف به ادای امانت و عدم خیانت است. در حقیقت یکی از مواد «اعلامیه حقوق بشر در اسلام» (مکارم شیرازی، ۱۳۷۴، ۳: ۴۳۰) ادای امانت به هر صاحب امانتی است، مسلمان باشد یا غیرمسلمان. همه انسان‌ها در برابر آن یکسان‌اند. به تعبیر دیگر این که ایمان، شرط ادای امانت نیست (قراقرتی، ۱۳۸۳، ۲: ۸۹) خداوند متعال در آیه‌ای دیگر می‌فرماید: «وَالَّذِينَ هُمْ لِأَمَانَاتِهِمْ وَعَهْدِهِمْ رَاعُونَ» (مؤمنون: ۸)؛ و آن‌ها که امانت‌ها و عهد خود را رعایت می‌کنند.

آیه به یکی از ویژگی‌های مؤمنان اشاره می‌کند که ایشان نسبت امانات خودشان وفادارند. با توجه به این آیه و آیه فوق روشن می‌شود که در ادای امانت، ایمان شرط نیست؛ ولی ادای امانت یکی از صفات و خصوصیات مهم کسانی است که ایمان دارند، اما منحصر به ایشان نیست. پایبند بودن به تعهدات و ادای امانات از مهم‌ترین پایه‌های نظام اجتماعی بشر است که اگر خللی در آن‌ها ایجاد شود، منجر به ایجاد هرج و مرج در جامعه خواهد شد (مکارم شیرازی، ۱۳۷۴، ۱۴: ۲۰۰).

مزین شدن افراد به صفت امانت‌داری و امین بودن از جمله اموری است که آثار و برکات بسیاری را برای فرد و جامعه‌اش به ارمغان می‌آورد، زیرا شخص امین در هر شرایطی در پی جلب اعتماد بوده و از خیانت مبرا است. این امر موجب ارتباط عمیق و مؤثری میان افراد شده و آن‌ها را به سوی هم رغبت داده و از گسستگی و جدایی میان آن‌ها جلوگیری می‌کند (اسکندری، ۱۳۹۱: ۴۸)؛ بنابراین وجود این خصلت معنوی، در رفتار و کردار مؤمنان بروز یافته و آن‌ها را محبوب خدا و خلق او می‌نماید؛ زیرا دیگران از سوی چنین افرادی نه تنها احساس خطر نکرده؛ بلکه آرامش خاطر و آسایش خیال را نیز از سوی آن‌ها دریافت می‌کنند و این چنین ادای امانت، زمینه ارتباطی سازنده و مؤثر با یکدیگر را در سبک زندگی توحیدی فراهم می‌آورد.

همیاری در رفع مشکلات: «کمک و همیاری با مردم در رفع مشکلاتشان» از خصلت‌های نیک‌رفتاری است که موجب ایجاد ارتباطات مؤثر انسانی می‌گردد، از این سوی در

سبک زندگی توحیدی و سیره امام حسن عسکری (ع) نیز بدان امر شده است. از ضرورت‌های اجتناب‌ناپذیر در فرآیند برقراری ارتباط مؤثر با مخاطب، مردمی بودن است؛ بدین معنا که افراد شریک درد و رنج و راحت و غمشان بوده باشند و سعی در خدمت‌رسانی به آن‌ها را داشته باشند، زیرا رمز و راز این که کسی بتواند مورد حمایت و توجه مردم قرار گیرد و در عمق جان‌شان نفوذ کند، همین مطلب است (محدثی، ۱۳۸۵: ۲۴). یکی از مصادیق نیک، همیاری در رفع مشکلات یکدیگر است که امام حسن عسکری (ع) در این راستا فرموده‌اند: «يَأْتِي عُلَمَاءُ شِيعَتِنَا الْقَوَامُونَ لِضُعْفَاءِ مُجِبِّينَا وَأَهْلِ وِلَايَتِنَا يَوْمَ الْقِيَامَةِ، وَالْأَنْوَارُ تَسْطَعُ مِنْ تِجَانِهِمْ عَلَى رَأْسِ كُلِّ وَاحِدٍ مِنْهُمْ تَاجٌ بِهَاءٍ، قَدْ انْبَنَّتْ تِلْكَ الْأَنْوَارُ فِي عَرَصَاتِ الْقِيَامَةِ» (طبرسی، ۱۴۰۳ ق، ج ۱: ۱۸؛ حر عاملی، ۱۴۱۸ ق، ۱: ۶۰۴)؛ آن دسته از علما و دانشمندان شیعیان ما که در هدایت و رفع مشکلات دوستان و علاقه‌مندان ما، تلاش کرده‌اند، روز قیامت در حالتی وارد صحرای محشر می‌شوند که تاج کرامت بر سر نهاده و نور وی، همه‌جا را روشنایی می‌بخشد و تمام اهل محشر از آن نور بهره‌مند خواهند شد.

حضرت (ع) ضمن بیان سعادت اخروی فردی که در رفع مشکلات هم‌نوع خود تلاش و کوشش نموده، افراد را به این کار دعوت می‌نمایند، چرا که سعادت اخروی تنها بخشی از برکات چنین خدمتی است. امام حسن عسکری (ع) در روایتی دیگر فرموده‌اند: «أَوْلَى النَّاسِ بِالْمَحَبَّةِ مِنْهُمْ مَنْ أَمْلَهُ» (دیلمی، ۱۴۰۸ ق: ۳۱۳؛ مجلسی، ۱۴۰۳ ق، ۷۵: ۳۷۹)؛ مردم، کسی را بیشتر دوست دارند که به او امید [بیشتری] دارند.

کسی که رفع نیاز، مشکلات و گرفتاری دیگران را سرلوحه‌ی برنامه‌های خود قرار دهد نه تنها به اجر و پاداش دنیوی و اخروی نائل می‌شود، بلکه از آنجایی که مردم به همت و تلاش او در این زمینه امیدوارند، در میان آنان از پذیرش و مقبولیت بیشتری برخوردار می‌شود و محبوب قلب‌ها می‌گردد. در سیره این امام بزرگوار نیز وارد شده که شخصی از نیازمندی خود به امام شکایت کرد، حضرت ۵۰۰ دینار به وی دادند (حر عاملی، ۱۴۲۵ ق: ۲۴۹؛ ابن شهر آشوب، ۱۳۷۹، ۴: ۴۳۲).

خداوند متعال می‌فرماید: «وَتَعَاوَنُوا عَلَى الْبِرِّ وَالتَّقْوَى» (مائده: ۲)؛ یکدیگر را در کار نیک و در تقوا یاری کنید. آیه اشاره به یک اصل کلی اسلامی دارد که سراسر مسائل اجتماعی، حقوقی، اخلاقی و سیاسی را در بر می‌گیرد، طبق این اصل مسلمانان موظف‌اند در کارهای نیک یکدیگر را یاری نموده و تعاون و همکاری کنند. همراهی دو واژه «بر و تقوا» هم دلالت

بر جنبه اثباتی دارد که اشاره به اعمال مفید است و هم جنبه نفی دارد که اشاره به جلوگیری از اعمال خلاف است. به این ترتیب تعاون و همکاری باید هم در دعوت به نیکی‌ها و هم در مبارزه با بدی‌ها انجام گیرد. (مکارم شیرازی، ۱۳۷۴، ۴: ۲۵۳).

طبق آموزه‌های اسلامی انسان‌ها موظف به همیاری بدون منت با یکدیگر هستند و این امر از نشانه‌های اسلام و ایمان افراد ذکر شده است (قائمی، ۱۳۶۴: ۷۶) و در روایات وارد شده که مؤمنان مانند اعضای یک جسم هستند، زمانی که یکی از آن‌ها در گرفتاری و مشکلات باشد، دیگر اعضا نیز تا رفع آن، آرام و قرار ندارند (هاشمی خوئی، ۱۴۰۰، ق، ۱۷: ۱۳۷) در این صورت این همت و تلاش و تعاون موجب جلب محبت‌ها، دوستی‌ها شده و ارتباط ایشان با یکدیگر را صمیمی‌تر خواهد نمود.

حضور در اجتماعات مؤمنین: «حضور در میان جماعت مؤمنین» نیز یکی دیگر

از مهارت‌های ارتباطی است که انسان را در رابطه‌ی مؤثر با دیگران توفیق می‌دهد. محور ایمان مؤمنان، خدا، پیامبر (ص) و اهل بیت‌اند و بر آنان لازم است در این محور، با یکدیگر در همه‌ی امور، اجتماع و هماهنگی داشته باشند و از تفرقه و جدایی بپرهیزند تا به اهداف ایمانی خود دست یابند؛ (جوادی آملی، ۱۳۹۱: ۲۷۹) به همین دلیل خداوند متعال به مسلمانان دستور می‌دهد: «وَاعْتَصِمُوا بِحَبْلِ اللَّهِ جَمِيعًا وَلَا تَفَرَّقُوا» (آل عمران: ۱۰۳)؛ و همگی به ریسمان خدا [قرآن و اسلام و هرگونه وسیله وحدت]، چنگ زنید و پراکنده نشوید.

به فرموده آیت‌الله جوادی آملی اعتصام به حبل‌الهی راه را برای صعود جمعی فراهم می‌آورد، از همین رو در برابر این فراخوان الهی مبنی بر اتحاد، شیطان می‌کوشد این رشته را از هم بگسلد. در این صورت اگر مستمسکی نباشد تا همگان بدان روی آورند، امت اسلام گروه‌گروه خواهند شد و نتیجه آن چیزی جز تفرقه و فتنه نخواهد بود؛ بنابراین محور اتحاد و نجات، حبل‌الله هست و تنها راه حفظ پیوندهای اعتقادی و پیوند درونی میان انسان و خدا که محور وحدت و همدلی اهل ایمان است، اعتصام به قرآن و عترت طاهرین (ع) هست که یک حبل و عروه و تقای الهی‌اند (جوادی آملی، ۱۳۸۸، ۱۵: ۲۱۶). حضور در جماعت مؤمنین که برای ایجاد و حفظ اتحاد است، دارای مصادیق مختلفی است که به دو نمونه اشاره می‌شود:

یک: حضور در نماز جماعت

امام حسن عسکری درباره حضور در نماز جماعت مؤمنین چنین فرمودند: «أُوصِيكُمْ بِتَقْوَى

الله ... صَلُّوا فِي عَشَائِهِمْ» (ابن شعبه حرانی، ۱۴۰۴ ق: ۴۸۷؛ مجلسی، ۱۴۰۳ ق، ۷۵: ۳۷۲)؛ شما را توصیه می‌کنم به تقوای الهی ... و این که در میان جماعت‌های آنان نماز بخوانید. حضرت به اقامه نماز در جماعت مؤمنین سفارش فرمودند، این مورد مصداقی از حضور در اجتماعات مؤمنین است. این امر مهم و پسندیده در اسلام، موجب انس و الفت مؤمنین با هم می‌شود؛ زیرا انسان‌هایی که در روز چندین بار همدیگر را در چنین جماعات معنوی ملاقات کنند به لطف الهی و نور معنویت آراسته‌شده و با هم مأنوس می‌گردند و ارتباطی خدایی میان آن‌ها شکل می‌گیرد که ناگسستگی است.

دو: حضور در مراسم تشییع جنازه

حضرت درباره حضور در مراسم تشییع جنازه مؤمن فرمودند: «أَوْصِيكُمْ بِتَقْوَى اللَّهِ وَ... وَ اَشْهَدُوا جَنَائِزَهُمْ» (همان)؛ شما را سفارش می‌کنم شما را به تقوای الهی و ... اینکه بر سر جنازه آن‌ها (مسلمانان) حاضر شوید. حضور در مراسم تشییع، نمونه‌ای از اجتماعات مؤمنین است که در آموزه‌های دینی بسیار سفارش شده است. انسان با حضور خویش در چنین مراسمی رفتگان را ارج و احترام نموده و سبب تسلی خاطر نزدیکان آن ازدست‌رفته می‌شود (ابن بابویه، ۱۴۱۳ ق، ۱: ۱۷۴؛ مجلسی، ۱۴۰۶ ق، ۱: ۴۵۹) این امر کینه‌ها را زدوده و علاقه و محبت آنان را به‌سوی خویش جلب می‌نماید، لذا شایسته است در روند ایجاد و تقویت ارتباط مؤثر با دیگران این امر نیز مورد توجه قرار گیرد.

ادای حقوق دیگران: یکی دیگر از مهارت‌های ارتباط با دیگران در بُعد بایستگی‌ها «ادای حقوق دیگران» است. از آنجایی که زندگی انسان اجتماعی است، در جامعه نسبت به یکدیگر حقوق و وظایف متقابلی دارند. همان‌گونه که گفته شد، بزرگ‌ترین آیه قرآن در بزرگ‌ترین سوره در ارتباط با حق الناس است. خداوند متعال در سوره بقره آیه ۲۸۲ که در حدود یک صفحه کامل است، به احکام و مقررات دقیق اقتصادی و حق الناس اشاره نمودند تا حقی ضایع نشده و موجب اختلاف و نزاعی در میان مردم نشود؛ (طباطبایی، ۱۴۱۷ ق، ۲: ۴۳۴؛ مکارم شیرازی، ۱۳۷۴، ۲: ۳۸۲) شناخت این وظایف و البته مراعات دوجانبه‌ی آن‌ها، می‌تواند موجب از بین رفتن کدورت‌ها، کینه‌ها، اختلافات و گله‌مندی‌های میان افراد شده و روابط ایشان را اصلاح و مستحکم نماید. از این‌رو امام حسن عسکری (ع) به آن امر کرده و فرموده‌اند: «أَوْصِيكُمْ بِتَقْوَى اللَّهِ وَ... وَأَدُّوا حُقُوقَهُمْ» (همان)؛ سفارش می‌کنم شما را به تقوای الهی ... و

(این که) حقوقشان را ادا نمایید.

ایشان تأکید دارند که حقوق افرادی که به نوعی در جامعه با آن‌ها معاشرت و ارتباط داریم، ادا شود؛ زیرا چنانچه گفته شد، این امر موجب سامان یافتن و استحکام روابط می‌شود. اگر حقوق و وظایف متقابل رعایت نگردد، حرمت‌ها شکسته شده و دشمنی و کینه به وجود می‌آید که مُخِل ارتباط مؤثر است. از طرفی دیگر در روایتی می‌فرمایند: «أَعْرِفُ النَّاسَ بِحُقُوقِ إِخْوَانِهِ وَأَشَدُّهُمْ قَضَاءً لَهَا أَعْظَمُهُمْ عِنْدَ اللَّهِ شَأْنًا» (طبرسی، ۱۴۰۳، ق، ۲: ۴۶۰؛ نوری، ۱۴۰۸، ق، ۱۱: ۲۹۵)؛ آن که به حقوق برادران خود آشناتر باشد و در رعایت کردن آن‌ها کوشاتر، نزد خداوند ارجمندتر است.

روشن است که دقت در این امر، انسان را در نزد خالق متعال شایسته‌ی اجر و مقام بالایی می‌کند که از ورای آن انسان، محبوب خلق می‌شود؛ بنابراین رعایت حقوق دیگران نیز در سبک زندگی توحیدی از موارد مؤثر در ارتباط میان افراد برشمرده که توجه به آن انسان را در کسب توفیق در این راه یاری می‌کند.

حسن خلق: یکی دیگر از مهارت‌های ارتباط با دیگران که در سبک زندگی توحیدی بدان توجه و تأکید ویژه‌ای شده «حسن خلق» است. مقصود از حسن خلق این است که انسان خصلت‌های ناپسند اخلاقی (مانند تکبر، ریا، خودبینی، مادی‌گرایی، طمع، حسد) را از قلب خود بزدايد و آن را با صفات حمیده و پسندیده آراسته گرداند، به گونه‌ای که در اثر این تزکیه و نهادینه کردن آن در خود، در معاشرت با دیگران با خلوص نیت و تواضع و حلم و صداقت و مهربانی ... رفتار نماید (مصطفوی، ۱۳۶۰: ۲۵۵). امام حسن عسکری (ع) نیز در وصیت خود به این مهم توجه داشته و توصیه فرمودند: «أَوْصِيكُمْ بِتَقْوَى اللَّهِ وَ... وَحَسَنَ خُلُقِهِ مَعَ النَّاسِ» (ابن شعبه حرانی، ۱۴۰۴، ق: ۴۸۷؛ مجلسی، ۱۴۰۳، ق، ۷۵: ۳۷۲)؛ سفارش می‌کنم شما را به تقوای الهی و ... و نیکویی خلق با مردم.

حضرت به حُسن خلق و رفتار پسندیده سفارش می‌نمایند، زیرا این امر نه تنها هر انسان حق جوئی را به آسانی شیفته خود کرده و موجب جلب قلوب شده و ارتباط را تقویت می‌کند، بلکه گاهی موجب جذب دشمنان به سوی حق نیز می‌گردد. خداوند سبحان در قرآن خطاب به پیامبرش (ص) می‌فرماید: «إِنَّكَ لَعَلَى خُلُقٍ عَظِيمٍ» (قلم: ۴)؛ و تو اخلاق عظیم و برجسته‌ای داری.

به فرموده علامه طباطبایی (ره) این آیه شریفه هرچند به خودی خود، حسن خلق رسول

خدا (ص) را ستوده و آن را بزرگ می‌شمارد، اما با در نظر گرفتن سیاق، به خصوص اخلاق پسندیده‌ی اجتماعی حضرت توجه دارد، اخلاقی که مربوط به معاشرت است، از قبیل استواری بر حق، صبر در مقابل آزار مردم، عفو و اغماض از آنان، سخاوت، مدارا، تواضع و امثال این‌ها (طباطبایی، ۱۴۱۷ ق، ۱۹: ۳۶۹؛ طبرسی، ۱۰، ۱۳۷۰: ۵۰۰؛ مکارم شیرازی، ۱۳۷۴، ۲۴: ۳۷۲). این موارد، نمونه‌هایی از حسن خلق حضرت بود. همان‌گونه در آیه‌ی دیگر درباره این صفت چنین می‌فرماید: «فَبِمَا رَحْمَةٍ مِنَ اللَّهِ لِنْتَ لَهُمْ وَلَوْ كُنْتَ فَظًّا غَلِيظَ الْقَلْبِ لَانْفَضُّوا مِنْ حَوْلِكَ» (آل عمران: ۱۵۹)؛ به (برکت) رحمت الهی، در برابر آنان [مردم] نرم (و مهربان) شدی! و اگر خشن و سنگدل بودی، از اطراف تو، پراکنده می‌شدند.

گرچه کلمات «فَظًّا وَغَلِيظَ الْقَلْبِ» هر دو به معنی خشونت است اما یکی غالباً در مورد خشونت در سخن و دیگری در مورد خشونت در عمل به کار می‌رود (مکارم شیرازی، ۱۳۷۴، ۳: ۱۴۱). آیه به این نکته اشاره دارد که نظام حکومتی اسلام، بر مبنای محبت و ارتباط تنگاتنگ با مردم است (قرائتی، ۱۳۸۳، ۱: ۶۳۶)؛ بنابراین یکی از برکات و آثار مثبت خوش خلقی، محبت و مهربانی با مردم زیاد شدن دوستان و جمع شدن آن نزد یکدیگر است. در روایات به صراحت بیان شده که با کسانی ارتباط داشته باش که نفع آن‌ها به تو برسد و حسن خلق طرف مقابل از جمله اموری است که برای فرد فایده دارد (حر عاملی، ۱۳۸۰، ۱: ۴۰) از این سوی آراستگی انسان به «حسن خلق» ایجاد و تقویت روابط با دیگران را به آسانی میسر می‌سازد.

ب) مهارت‌های ارتباطی در بُعد سلبی

این مبحث شامل موانع رفتاری است که برای ایجاد ارتباط مؤثر افراد با دیگران پرهیز از آن‌ها تأکید فراوانی شده و اهم آن موانع به شرح ذیل است:

اظهار شادمانی در نزد محزون: از جمله موانع ارتباط با دیگران «اظهار شادمانی در نزد محزون» است که در سبک زندگی توحیدی از آن نهی شده است. از آنجایی که ادب در عزت و سربلندی و آبروی انسان نقش بسزایی دارد، در آموزه‌های دینی از جایگاه ویژه‌ای برخوردار است. بر این اساس، از انجام اموری که به نحوی به آن آسیب و خلل وارد کند، بر حذر می‌دارد؛ از جمله اظهار کردن شادی نزد فردی که غمگین باشد. از منظر همین آموزه‌ها، افراد جامعه اعضای یک پیکرند، لذا باید در شادی و غم یکدیگر سهیم باشند (همان: ۳۱) به همین دلیل امام حسن عسکری فرمودند: «لَيْسَ مِنَ الْأَدَبِ إِظْهَارُ الْفَرَحِ عِنْدَ الْمُحْزُونِ» (ابن شعبه

حرانی، ۱۴۰۴ ق: ۴۸۹؛ فیض کاشانی، ۱۴۰۶ ق، ۲: ۲۸۵؛ اظهار شادمانی نزد فرد محزون و غمگین، بی‌ادبی است.

حضرت از اظهار شادی در نزد این افراد نهی کرده‌اند، زیرا عواطف و احساسات انسانی ایجاب می‌کند که انسان، در مصائب و ناراحتی دیگران به‌ویژه خویشان و دوستان و به‌طور کلی هرکسی که با او معاشرت داشته، اندوهناک شود؛ زیرا موجب تلاش در جهت رفع نگرانی و شادکامی و تقویت روابط خانوادگی و اجتماعی است (ری شهری، ۱۳۹۱: ۲۰) و ابراز شادی و خوشحالی در برابر این افراد، موجبات رنجش خاطر را فراهم می‌کند و چه بسا منجر به کینه و دشمنی شود. خداوند سبحان در این باره می‌فرماید: «يَا أَيُّهَا النَّاسُ إِنَّا خَلَقْنَاكُمْ مِّنْ ذَكَرٍ وَأُنْثَىٰ وَجَعَلْنَاكُمْ شُعُوبًا وَقَبَائِلَ لِتَعَارَفُوا إِنَّ أَكْرَمَكُمْ عِنْدَ اللَّهِ أَتْقَاكُمْ إِنَّ اللَّهَ عَلِيمٌ خَبِيرٌ» (حجرات: ۱۳)؛ ای مردم، ما شما را از یک مرد و زن آفریدیم و شما را تیره‌ها و قبیله‌ها قرار دادیم تا یکدیگر را بشناسید؛ (این‌ها ملاک امتیاز نیست)، گرامی‌ترین شما نزد خداوند با تقواترین شماست.

آیه به سه اصل مهم اشاره دارد: اصل مساوات در آفرینش زن و مرد، اصل تفاوت در ویژگی‌های بشری و اصل این که تقوا ملاک برتری است (قرائتی، ۱۳۸۳، ۹: ۱۹۵). آنچه مربوط به بحث کنونی ماست، اصل اول؛ یعنی اصل مساوات است. منظور از آفرینش مردم از یک مرد و زن همان بازگشت نسب انسان‌ها به آدم و حوا است، بنابراین همه از ریشه واحدی هستند (مکارم شیرازی، ۱۳۷۴، ۲۲: ۱۹۷) و می‌توان گفت یکی از موانع ارتباط با دیگران، ابراز و اظهار شادمانی در برابر فرد محزون و مصیبت‌زده است که بر اساس زندگی توحیدی و فرمایش حضرت عسکری (ع) به‌دوراز ادب است.

نفاق رفتاری: «نفاق و درویی» نیز از موانعی است که ارتباط انسان با دیگران را در جامعه توحیدی تهدید می‌کند و بر این اساس دوری از آن لازم است. چنانچه در گفتارهای قبلی گفته شد، درویی و نفاق، سرچشمه بسیاری از بدی‌ها، فسادها و گناهان است و در فرهنگ اصیل اسلامی بسیار مورد نکوهش قرار گرفته است. امام حسن عسکری (ع) فرمودند: «بِئْسَ الْعَبْدُ عَبْدٌ يَكُونُ ذَاوَجْهَيْنِ وَذَالِلسَانَيْنِ، يَطْرُقُ أَخَاهُ شَاهِدًا وَيَأْكُلُهُ غَائِبًا إِنْ أُعْطِيَ حَسَدَهُ، وَإِنْ أُبْتُلِيَ خَانَهُ» (ابن شعبه حرانی، ۱۴۰۴ ق: ۳۹۵؛ مجلسی، ۱۴۰۳ ق، ۷۵: ۳۷۳)؛ چه بد بنده‌ای است انسانی که دو رو و دو زبان است، در روبرو از برادرش تعریف می‌کند و پشت سر گوشتش را (با غیبت) می‌خورد، اگر نعمتی به او داده شود حسد می‌ورزد و اگر گرفتار شود به او خیانت می‌کند. نفاق یک رفتار دوگانه با مردم است و شخص دورو از هیچ بدی در راستای اهدافش کوتاهی

نمی‌کند و به این منظور دروغ می‌گوید، تهمت می‌زند، دشمنی می‌ورزد، غیبت می‌کند و... به‌طور کلی فردی حيله‌گر است و درصدد فریب مخاطبش برای بهره‌وری در مسیر اهداف دنیوی خویش است، لذا چنین فردی چون فقط به منافع شخصی خودش اهمیت می‌دهد و با دیگران فریب‌کارانه برخورد می‌نماید (بروجردی، ۱۳۶۶ ق، ۲: ۱۳۵)، از ایجاد رابطه سالم با دیگران عاجز است و روابطش با دیگران ثمره‌ای جز فساد و تباهی ندارد و دیگران را با سختی و شداید روبه‌رو می‌گرداند. فرد منافق مورد اعتماد و وثوق نیست، زیرا اگر به وی اعتماد شود خیانت می‌کند و اگر وعده دهد خلاف آن عمل می‌کند. خداوند سبحان یکی از رفتارهای ناپسند منافقان را چنین معرفی می‌نماید: «إِنْ تُصِيبَكَ حَسَنَةٌ تَسُؤْهُمْ وَإِنْ تُصِيبَكَ مُصِيبَةٌ يَقُولُوا قَدْ أَخَذْنَا أَمْرَنَا مِنْ قَبْلُ وَيَتَوَلَّوْا وَهُمْ فَرِحُونَ» (توبه: ۵۰)؛ هرگاه نیکی به تو رسد، آن‌ها را ناراحت می‌کند؛ و اگر مصیبتی به تو رسد، می‌گویند: «ما تصمیم خود را از پیش گرفته‌ایم» و باز می‌گردند درحالی که خوشحال‌اند.

آیه فوق در وصف منافقان می‌گوید، آن‌ها کسانی هستند که همیشه از راحتی مردم در رنج و عذاب‌اند و از ناراحتی‌هایشان خوشحال و خندان. (مکارم شیرازی، ۱۳۷۴، ج ۷: ۴۴۶) بنابراین، قاعده و اصول کلی بیان می‌دارد که دوستان و دشمنان در هنگام سختی‌ها و حوادث تلخ و شیرین شناخته می‌شود (قرائتی، ۱۳۸۳، ۳: ۴۳۴)؛ بنابراین اگر کسی خود، بخواهد برای اهدافش تمسک به دورویی کند یا با منافق دوستی ورزد، چون پایه‌های ارتباط همچون صداقت و امانت‌داری و عمل به وعده‌ها را تخریب می‌کند، نه خودش و نه دیگران در چنین ارتباطی مصون نمی‌مانند و دچار آسیب‌ها و آفات و انحرافات می‌گردند (جلالی، ۱۳۷۲: ۱۶۷)؛ بنابراین در سبک زندگی توحیدی دوری از آن بر هر مؤمن و موحدی امری اجتناب‌ناپذیر است.

هم‌نشینی با نادان: از دیگر موانع ارتباط با دیگران «هم‌نشینی و دوستی با افراد نادان» است. امام حسن عسکری (ع) در این باره فرمودند: «صَدِيقُ الْجَاهِلِ تَعَبٌ» (مجلسی، ۱۴۰۳ ق، ۷۵: ۳۷۴)؛ دوستِ نادان، سختی آور است». همچنین در روایتی دیگر وارد شده که مؤمن را از دوستی با نادان بر حذر داشته، زیرا هر چه به دوستی او خوشحال‌تر باشد، خطر زیان رساندن او به‌واسطه حماقتش به فرد نزدیک‌تر است. علت نهی از معاشرت با آن‌ها این است که موجبات راحتی روح و روان و جسم فراهم آید و از طرفی دیگر، این ارتباط موجب بدبینی به خوبان شده (لیثی واسطی، ۱۳۷۶: ۳۰۲) که در نتیجه روابط مؤثر انسان با دیگران را نیز تباه می‌گردد. همین امر انسان را باید به‌سوی ایجاد روابط سالم و نیک با دیگران سوق دهد؛ چراکه روابطی را می‌توان

مؤثر و مفید دانست که سختی و مشقت انسان و دیگران در پی نداشته باشد، نه چنین رابطه‌ای که چیزی جز سختی ندارد و آسایش و آرامش خود و دیگران را هم به خطر بیندازد. خداوند متعال خطاب به پیامبر اکرم (ص) می‌فرماید: «وَأَعْرِضْ عَنِ الْجَاهِلِينَ» (اعراف: ۱۹۹)؛ و از جاهلان روی بگردان.

از آنجایی که در فرهنگ قرآن و روایات، جهل در مقابل عقل به کاررفته است، مراد از جاهلان در آیه، «نابخردان» است نه افراد بی‌سواد. (قرائتی، ۱۳۸۳، ۳: ۲۵۰) هم‌نشینی با افراد بد و نادرست انسان را با سختی مواجه کرده و در چنین روابطی مصون از شر شروران نیست، چراکه تأثیرپذیری افراد در روابطشان امری انکارناپذیر است، لذا با نشست و برخاست با بدان تفکر و علایق آن‌ها آگاهانه یا ناآگاهانه سرایت پیدا کرده و در این صورت چیزی جز بدی نصیب انسان نخواهد شد؛ بنابراین انسان باید در مقام پیشگیری بر بیاید و در معاشرت‌های خود نسبت به هم‌نشین نادان اجتناب نماید، چراکه مسلماً هیچ‌کس طالب بدی نیست و برای خود چیزی جز سعادت دنیوی و اخروی را مطالبه نمی‌کند (قائمی، ۱۳۶۴: ۱۶۸).

افراط در تکریم: از دیگر موانع ارتباط با دیگران بر مبنای سیره امام حسن عسکری (ع) «افراط در احترام و اکرام» است. امام حسن عسکری (ع) فرمودند: «لَا تُكْرِمُ الرَّجُلَ بِمَا يَشُقُّ عَلَيْهِ» (مجلسی، ۱۴۰۳، ق، ۷۵: ۳۷۴)؛ هیچ‌کس را به گونه‌ای احترام نکن که او را به رنج و مشقت بیفکند. احترام و اکرامی که وی را در پاسخ به آن دچار رنج و سختی کند، مورد نکوهش قرار گرفته است. به‌عنوان نمونه، گرچه احترام و تکریم مهمان بسیار سفارش و تأکید شده است، اما زیاده‌روی در پذیرایی و ... که میهمان را برای دعوت آتی میزبان دچار زحمت و مشقت کند، امری ناپسند است و ادامه ارتباط ایشان با هم را دچار چالش خواهد کرد، زیرا تکلف، زندگی‌ها را تلخ و رابطه‌ها را غیر صمیمی می‌سازد. قرآن کریم همه انسان‌ها را بدون در نظر گرفتن جنسیت و نژاد و ... دارای کرامت می‌داند و می‌فرماید: «وَلَقَدْ كَرَّمْنَا بَنِي آدَمَ» (اسراء: ۷۰)؛ ما آدمی‌زادگان را گرامی داشتیم.

این کرامت و حب شخصیت خویش و مورداحترام واقع شدن در نهاد هر انسانی نهاده شده و هرکسی دوست دارد مورداحترام دیگران واقع شود و از توهین‌کنندگان به شخصیت خویش متنفر است. به همین جهت اسلام به گرامیداشت شخصیت دیگران امر و از توهین و تحقیر دیگران نهی نموده است (شیخانی و اسحاقی، ۱۳۹۴: ۱۴۹)؛ اما در این مورد نیز رعایت اعتدال لازم و ضروری است؛ یعنی در ارتباط با دیگران به هر نحوی که باشد، مهمان، میزبان، رئیس و ...

رعایت اعتدال در اکرام و احترام وی امری مهم در آداب معاشرت است؛ بنابراین روشن است پرهیز از تکلف به جهت دوری از تلخی زندگی‌ها و ایجاد رابطه‌های غیر صمیمی میان فرد و دیگران، امری مهم و ضروری است.

نتیجه‌گیری

بر اساس سبک زندگی توحیدی حضرت عسکری (ع)، اهم مهارت‌های ارتباط انسان با همنوعان به شرح ذیل است: مهارت‌های ارتباطی انسان با همنوعان در بُعد ایجابی عبارت‌اند از: پرهیزگاری در زندگی، تواضع در برابر افراد، چشم‌پوشی یا تغافل، صبر و بردباری، امانت‌داری، بخشش، ادای حقوق دیگران، همیاری در رفع مشکلات و رازداری نیز از دیگر مهارت‌های رفتاری در بعد ایجابی هستند که رعایت و به کار بردن آن‌ها در ارتباط با همنوعان موجب افزایش دوستان و برقراری ارتباط مؤثر خواهد شد. حسن همسایه‌داری و حضور در اجتماعات مؤمنین مانند نماز جماعت، تشییع جنازه، عیادت از بیماران و ... همچنین بر ایجاد و استحکام ارتباط فرد با همنوعان کمک قابل توجهی خواهد کرد.

از مهارت‌های ارتباطی انسان با همنوعان در بُعد سلبی می‌توان به موارد ذیل اشاره کرد: اظهار شادمانی در نزد فردی که محزون و غمگین است، نفاق و دورویی در رفتار با دیگران، هم‌نشینی با افراد نادان، افراط در تکریم و احترام در صورتی که افراد را به تکلف و سختی بیندازد، ارتباط بین افراد را دچار خدشه و آسیب خواهد کرد.

فهرست منابع

*قرآن.

*نهج البلاغه.

- ۱- ابن شعبه حرانی، حسن ابن علی، (۱۴۰۴ ق)، *تحف العقول*، چاپ دوم، قم، ناشر جامعه مدرسین.
- ۲- ابن فارس، احمد بن فارس، (۱۴۰۴ ق)، *معجم مقاییس اللغة*، محقق: هارون، عبدالسلام محمد، قم، مکتب الاعلام الاسلامی.
- ۳- ابن منظور، محمد بن مکرم، (۱۴۱۴ ق)، *لسان العرب*، محقق: میر دامادی، جمال الدین، ج ۱، چاپ سوم، بیروت، ناشر دار الفکر.
- ۴- اسکندری، مرتضی، (۱۳۹۱)، *نقش رسانه ملی در ترویج امانتداری و پرهیز از خیانت ورزی*، قم، صدا و سیمای جمهوری اسلامی ایران، مرکز پژوهش‌های اسلامی.
- ۵- اون، هارچی ساندلز، کریستین دیکسون، دیوید، (۱۳۹۳)، *مهارت‌های اجتماعی در ارتباطات میان فردی*، مترجمان، مهرداد فیروز بخت، خشیار بیگی، چاپ هفتم، تهران، انتشارات رشد.
- ۶- آذری، غلام رضا، (۱۳۸۴)، *مقدمه‌ای بر اصول و مبانی ارتباطات (انسانی - جمعی)*، تهران، انتشارات افرنگ.
- ۷- بروجردی، سید محمد ابراهیم، (۱۳۶۶)، *تفسیر جامع*، ج ۲، چاپ ششم، تهران، انتشارات صدر.
- ۸- پیشوایی، مهدی، (۱۳۷۷)، *سیره پیشوایان*، قم، مؤسسه امام صادق (ع).
- ۹- جلالی، محمد حسین، (۱۳۷۲)، *آداب معاشرت در اسلام*، تهران، ناشر سازمان تبلیغات اسلامی.
- ۱۰- جوادی آملی، عبدالله، (۱۳۸۸)، *تفسیر تسنیم*، ج ۱۵، قم، اسراء.
- ۱۱- جوادی آملی، عبدالله، (۱۳۹۱)، *مفاتیح الحیاه*، قم، اسراء.
- ۱۲- حر عاملی، محمد بن حسن، (۱۳۸۰)، *آداب معاشرت از دیدگاه معصومین (ع)*، ترجمه: محمد علی فارابی، ج ۱، تهران، ناشر بنیاد پژوهش‌های اسلامی.
- ۱۳- حر عاملی، محمد بن حسن، (۱۴۱۸ ق)، *الفصول المهمه فی أصول الأئمه (ع)*، محقق: القائینی، محمد بن محمد الحسین، قم، موسسه معارف اسلامی امام رضا (ع).
- ۱۴- حر عاملی، محمد بن حسن، (۱۴۲۵ ق)، *إثبات الهداة بالنصوص والمعجزات*، ج ۵، بیروت، علمی.
- ۱۵- حسین زاده، علی، (۱۳۸۸ ش)، «راه کارهای ارتباط مؤثر در میان اعضای خانواده»، *مجله معرفت*، ۱۳۸۸، شماره ۱۴۷.
- ۱۶- خمینی، روح الله، (۱۳۸۹)، *صحیفه نور*، تهران، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی.
- ۱۷- دهخدا، علی اکبر، (۱۳۸۵)، *لغت نامه*، چاپ دوم، تهران، موسسه انتشارات و چاپ دانشگاه تهران.
- ۱۸- دیلمی، حسن بن محمد، (۱۴۰۸ ق)، *اعلام الدین فی صفات المومنین*، چاپ اول، قم، ناشر موسسه آل البيت (ع).
- ۱۹- راغب اصفهانی، حسین بن محمد، (۱۴۱۲ ق)، *مفردات ألفاظ القرآن*، بیروت، دمشق، دارالقلم، الدار الشامی.

- ۲۰- ری شهری، محمد، (۱۳۹۱)، *الگوی شادی در قرآن و حدیث*، قم، مؤسسه علمی فرهنگی دارالحدیث، سازمان چاپ و نشر.
- ۲۱- زارعی، مدوئیه (۱۳۹۸)، «راهبردهای تربیتی در ارتباطات انسانی در گفتگوی ابراهیم (ع) و اسماعیل (ع) با تأکید بر آیه ۱۰۲ سوره صافات»، مجله مطالعات تربیتی و اجتماعی قرآن و عترت پاییز و زمستان، ۱۳۹۸، شماره ۴.
- ۲۲- سیفعلی‌ئی، فاطمه، (۱۴۰۰)، «بازشناسی مهارت‌های ارتباطی در قرآن و کارکردهای آن در روابط اجتماعی انسان»، فصلنامه تحقیقات کاربردی در حوزه قرآن و حدیث، ۱۴۰۰، شماره ۲.
- ۲۳- شامی، یوسف بن حاتم، (۱۴۲۰ ق)، *الدر النظیم فی مناقب الأئمه اللهمم*، قم، جامعه مدرسین.
- ۲۴- شاه ولی، منصور، (۱۳۸۲)، «بررسی کارکردهای مهارت‌های ارتباطی غیرکلامی و گوش دادن مؤثر در تحقق وظایف و بهبود روابط انسانی»، نشریه علوم اجتماعی و انسانی دانشگاه شیراز، ۱۳۸۲، شماره ۱.
- ۲۵- شیخانی، علی باقر، اسحاقی، سید حسین، (۱۳۹۴)، *سریر سخن (اخلاقی برای همه)*، قم، هاجر (وابسته به مرکز مدیریت حوزه های علمیه خاوران).
- ۲۶- صدری نیا، حسین، (۱۳۹۰)، *ارتباط انسان با خویشتن (تکوینی و تشریحی)*، تهران، سایه روشن.
- ۲۷- طباطبایی، سید محمد حسین، (۱۴۱۷ ق)، *المیزان فی التفسیر القرآن*، چاپ پنجم، قم، دفتر انتشارات اسلامی جامعه مدرسین حوزه علمیه قم.
- ۲۸- طبرسی، احمد بن علی، (۱۴۰۳ ق)، *الإحتجاج علی أهل اللجاج*، مشهد، نشر مرتضی.
- ۲۹- طبرسی، فضل بن حسن، (۱۳۷۴ ش) *مجمع البیان فی تفسیر القرآن*، چاپ سوم، تهران: انتشارات ناصر خسرو.
- ۳۰- طبری آملی، محمد بن ابی قاسم، (۱۳۸۳)، *بشاره المصطفی*، ج ۲، نجف اشرف، المطبعة الحیدری.
- ۳۱- علی پور، زهرا، (۱۳۸۸)، *اخلاق زندگی (۱)*، قم، دفتر عقل.
- ۳۲- فتحی، ابراهیم، (۱۳۹۹)، «الگوی هنجاری ارتباطات انسانی در اندیشه آیت الله جوادی آملی»، فصلنامه دین و ارتباطات، ۱۳۹۹، شماره ۵۷.
- ۳۳- فرهنگی، علی اکبر، (۱۳۹۴)، *ارتباطات انسانی*، ج ۱، چاپ بیست و پنجم، تهران، خدمات فرهنگی رسا.
- ۳۴- فیض کاشانی محمد محسن، (۱۴۰۶ ق)، *الوافی*، اصفهان، ناشر کتابخانه امام امیر المومنین علی (ع).
- ۳۵- قائمی، علی، (۱۳۶۴)، *اخلاق و معاشرت در اسلام*، تهران، انتشارات امیری.
- ۳۶- قرائتی، محسن، (۱۳۸۳)، *تفسیر نور*، ج ۸، چاپ یازدهم، تهران، مرکز درس‌هایی از قرآن.
- ۳۷- کلینی، محمد بن یعقوب، (۱۴۰۷ ق)، *الکافی*، چاپ چهارم، تهران، دار الکتب الإسلامیه.
- ۳۸- گنجی، حمزه، (۱۳۸۹)، *روان‌شناسی عمومی*، چاپ پنجاه و سوم، تهران، انتشارات ساوالان.
- ۳۹- مجلسی، محمد باقر، (۱۴۰۳ ق)، *بحارالانوار*، چاپ دوم، بیروت، ناشر احیاء التراث العربی.
- ۴۰- مجلسی، محمد تقی، (۱۴۰۶ ق)، *روضه‌المتقین فی شرح من لایحضره الفقیه*، محقق: موسوی

- کرمانی، حسین و اشتهاردی علی پناه، چاپ دوم، قم، مؤسسه فرهنگی اسلامی کوشانپور.
- ۴۱- محدثی، جواد، (۱۳۸۵)، اخلاق معاشرت، چاپ دوم، قم، دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم.
- ۴۲- مصطفوی، حسن، (۱۳۶۸)، التحقیق فی کلمات القرآن الکریم، تهران، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.
- ۴۳- مکارم شیرازی، ناصر، (۱۳۷۴)، تفسیر نمونه، تهران، ناشر دارالکتب الاسلامیه.
- ۴۴- مکارم شیرازی، ناصر، (۱۳۷۷)، اخلاق در قرآن، قم، مدرسه الامام علی بن ابی طالب (ع).
- ۴۵- نوری، حسین بن محمد تقی، (۱۴۰۸ ق)، مستدرک الوسائل و مستنبط المسائل، قم، مؤسسه آل البيت (ع).
- ۴۶- هارجی، اُون، ساندرز، کریستین، دیکسون، دیوید، (۱۳۹۳)، مهارت‌های اجتماعی در ارتباطات میان فردی، مترجمان: فیروزبخت، مهرداد؛ بیگی، خشایار، چاپ هفتم، تهران، رشد.

REFERENCES

* The Holy Quran.

* Nahj al-Balagha.

1. Ibn Shuba Harrani, Hasan Ibn Ali, (1404 AH), Tuhaf al-Uqool, second edition, Qom, Jami'a al-Mudarrisin.
2. Ibn Faris, Ahmad bin Faris, (1404 AH), Mu'jam Maqayis al-Lughat, researcher: Haroun, Abdussalam Muhammad, Qom, Maktab al-Ilam al-Islami.
3. Ibn Manzour, Muhammad bin Mukarram, (1414 AH), Lisan al-Arab, Researcher: Mir Damad, Jamaluddin, vol. 1, third edition, Beirut, Dar al-Fikr.
4. Eskandari, Morteza, (2017), The Role of National Media in Promoting Trustworthiness and Avoiding Betrayal, Qom, Radio and Television of the Islamic Republic of Iran, Islamic Research Center.
5. Harji, Owen, Saunders, Christian, Dixon, David, (2014), Social Skills in Interpersonal Communication, translators: Firozbakht, Mehrdad; Bigi, Khashayar, 7th edition, Tehran, Rushd.
6. Azari, Gholam Reza, (1384), An introduction to the principles and foundations of communication (human-social), Tehran, Afrang Publications.
7. Boroujerdi, Seyyed Mohammad Ibrahim, (1366), Tafsir Al-Jami', vol. 2, 6th edition, Tehran, Sadr Publications.
8. Pishwaei, Mahdi, (1377), The Life of Pishwayan, Qom, Imam Sadiq (AS) Institute.
9. Jalali, Mohammad Hossein, (1372), Adab Moasherat dar Islam, Tehran, Islamic Propaganda Organization.
10. Javadi Ameli, Abdullah, (2008), Tafsir Tasnim, vol. 15, Qom, Isra.
11. Javadi Amoli, Abdullah, (2011), Mafatih al-Hayat, Qom, Isra.
12. Hur Amili, Muhammad bin Hasan, (2010), Adab Mo'asherat (Social Etiquette) according to the Infallibles (A.S.), translated by: Mohammad Ali Farabi, vol. 1, Tehran, Islamic Research Foundation.
13. Hur Amili, Muhammad bin Hasan, (1418 AH), Al-Fusul Al-Muhimmah fi Asul al-A'immah (A.S.), researcher: Al-Qaini, Muhammad bin Muhammad Al-Husein, Qom, Institute of Islamic Education Imam Riza (A.S.).
14. Hur Amili, Muhammad bin Hasan, (1425 AH), Ithbat al-Hudat bin-Nusus wa'l Mu'jizat, Vol 5, Beirut, Al-Alami.
15. Hosseinzadeh, Ali, (2018), "Methods of Effective Communication among Family Members", Marafet magazine, 2018, No. 147.
16. Khomeini, Ruhollah, (1389), Sahifa Noor, Tehran, Imam Khomeini Institute for Editing and Publishing.
17. Dehkhoda, Ali Akbar, (1385), Dictionary, second edition, Tehran, Tehran University Publishing and Printing Institute.
18. Daylami, Hasan bin Muhammad, (1408 AH), A'lam al-Din fi Sifat al-Mu'minin, first edition, Qom, publisher of Al al-Bayt Institute (A.S.).
19. Raghیب Isfahani, Hussein bin Muhammad, (1412 AH), Mufradat Alfaz al-Qur'an, Beirut, Damascus, Dar al-Qalam, Dar al-Shami.

20. Ray Shahri, Muhammad, (2013), *The Model of Happiness in the Qur'an and Hadith*, Qom, Dar al-Hadith Scientific and Cultural Institute, Publishing Organization.
21. Zarei, Leyla (2018), "Educational Strategies in Human Communication in the Conversation between Ibrahim and Ismail (A.S.) with an Emphasis on Verse 102 of Surah Saffat", *Journal of Educational and Social Studies of the Qur'an and Itrat*, Fall and Winter, 2018, no. 4.
22. Seif Aliei, Fatemeh, (1400), "Recognition of communication skills in the Qur'an and its Functions in Human Social Relations", *Applied Research Quarterly in the field of Qur'an and Hadith*, 1400, No. 2.
23. Shami, Yusuf bin Hatim, (1420 AH), *Al-Dur al-Nazim fi Mana'iq al-A'immah al-Lahamim*, Qom, Jamia al-Mudarrisin.
24. Shah Vali, Mansour, (1382), "Investigation of the functions of non-verbal communication skills and effective listening in fulfilling tasks and improving human relations", *Journal of Social and Human Sciences of Shiraz University*, 2012, No. 1.
25. Sheikhani, Ali Baqer, Is'haghi, Seyyed Hosein, (1396), *Sarir Sokhan (Ethics for All)*, Qom, Hajar (affiliated with the Management Center of Sisters Seminaries).
26. Sadrinia, Hossein, (1390), *Man's relationship with himself (developmental and legislative)*, Tehran, Sayeh Roshan.
27. Tabatabaei, Seyyed Muhammad Husein, (1417 AH), *Al-Mizan fi Tafsir al-Qur'an*, 5th edition, Qom, Islamic Publications Office of Jami'a al-Mudarrisin, Qom.
28. Tabarsi, Ahmad bin Ali, (1403 AH), *Al-Ihtijaj ala Ahl al-Lijaj*, Mashhad, Morteza Publishing.
29. Tabarsi, Fazl bin Hasan, (1374) *Majma' al-Bayan fi Tafsir al-Qur'an*, third edition, Tehran: Naser Khosrow Publications.
30. Tabari Amili, Muhammad bin Abi Qasim, (1383), *Basharat Al-Mustafa*, vol. 2, Najaf Ashraf, Al-Matabah Al-Haydariyah.
31. Alipour, Zahra, (1388), *Ethics of Life (1)*, Qom, Daftar Aql.
32. Fat'hi, Ebrahim, (2019), "The Normative Pattern of Human Communication in the Thought of Ayatollah Javadi Amoli", *Religion and Communication Quarterly*, 2019, No. 57.
33. Farhani, Ali Akbar, (2014), *Human Communication*, vol. 1, 25th edition, Tehran, Rasa Cultural Services.
34. Faiz Kashani, Mohammad Mohsen, (1406 AH), *Al-Wafi*, Isfahan, Library of Imam Amir al-Muminin Ali (AS).
35. Ghaemi, Ali, (1364), *Adab Mo'asherat (Social Etiquette) in Islam*, Tehran, Amiri Publications.
36. Qeraati, Mohsen, (2013), *Tafsir Noor*, vol. 8, 11th edition, Tehran, Center for Lessons from the Qur'an.
37. Kulayni, Muhammad bin Yaqub, (1407 AH), *Al-Kafi*, 4th edition, Tehran, Dar Al-Kutab al-Islamiyyah.
38. Ganji, Hamzah, (1389), *General Psychology*, 53rd edition, Tehran, Savalan Publications.
39. Majlisi, Muhammad Baqir, (1403 AH), *Bihar al-Anwar*, second edition, Beirut, Ihya al-Turath al-Arabi.
40. Majlisi, Mohammad Taqi, (1406 AH), *Rawdah al-Muttaqin fi Sharh Man la Yahdhuruhu*

al-Faqih, researcher: Mousavi Kermani, Hossein and Ishtihardi Alipanah, second edition, Qom, Kushanpur Islamic Cultural Institute.

41. Mohaddesi, Javad, (1385), Social Ethics, second edition, Qom, Islamic Publications Office of Qom Seminary.

42. Mustafawi, Hasan, (1368), Al-Tahqiq fi Kalimat al-Qur'an al-Karim, Tehran, Ministry of Islamic Culture and Guidance.

43. Makarem Shirazi, Naser, (1374), Tafsir Nomooneh, Tehran, Dar al-Kutub al-Islamiyah.

44. Makarem Shirazi, Naser, (1377), Morality in the Qur'an, Qom, Imam Ali Bin Abi Talib (AS) School.

45. Nouri, Hossein bin Muhammad Taqi, (1408 AH), Mustadrak al-Wasa'il wa Mustanbat al-Masa'il, Qom, Al al-Bayt Institute (AS).



Analysis of the Role of Certainty in the Formation of a Morality-based Social System due to the Order of Revelation of the Meccan Verses

(Received: 2022/07/31 / Accepted: 2023/07/19)

Reyhaneh Poor Khalili¹, Ali Ghazanfari²

ABSTRACT

Social systems define the basic principles and requirements for human growth and advancement. Various factors play a role in the formation of a morality-based social system with the aim of bringing happiness to humanity. Among psychological traits, “guiding” and “performing” are two factors in the formation of the social system on the basis of Qur’anic ethics. This research, using a descriptive-analytical method, investigates the role of the guiding personality traits in the formation of the morality-based social system, and explains the role of certainty as one of the guiding personality traits in the formation of the ethical social system. By following the order of revelation of the Meccan verses which calling to adhere to ethics is one of the distinguishing features of this group of verses, the interpretation odds are reduced, the exact meaning of the verses becomes clear, and many ambiguity is removed.

The results show that after prosperity and the formation of certainty, the existence of man and his soul does not take any step except in the pursuit of fulfilling the divine commands, and to achieve this goal, man seeks to form a systematic social group that guarantees the growth and perfection of the individual and society.

KEYWORDS: Morality-based Social System, Moral Society, Guiding Moral Traits, the Qur’anic Moral System, Performing Moral Traits, Morality in the Qur’an.

1- Seminary level 3 student of Interpretation, Al-Zahra University, Qom, Iran (corresponding author); r.poorkhalili@yahoo.com

2- Associate Professor, Quran and Hadith Sciences Department, University of Holy Quran Sciences and Teachings, Faculty of Quranic Sciences, Tehran, Iran, ali@qazanfari.net



واکاو نقش یقین در تشکیل نظام اجتماعی اخلاق بنیان از منظر ترتیب نزول آیات مکی

(تاریخ دریافت: ۱۴۰۱/۰۵/۰۹ - تاریخ پذیرش: ۱۴۰۲/۰۴/۲۸)

ریحانه پور خلیلی^۱، علی غضنفری^۲

چکیده

نظام‌های اجتماعی در جهت رشد و تعالی بشریت اصول و پیش‌نیازهایی را تعریف می‌نمایند. عوامل مختلفی جهت تشکیل نظام اجتماعی اخلاق بنیان با هدف سعادت بشریت، نقش‌آفرینی می‌کنند. دودسته صفات نفسانی هدایتگر و کارگزار از جمله این عوامل در تشکیل نظام اجتماعی اخلاق محور قرآنی است. این پژوهش با روش توصیفی - تحلیلی به بررسی نقش صفات نفسانی هدایتگر در شکل‌گیری نظام اجتماعی اخلاق بنیان پرداخته، نقش یقین را به‌عنوان یکی از صفات نفسانی هدایتگر در تشکیل نظام اجتماعی اخلاقی تبیین نموده است. با پیگیری ترتیب نزول آیات مکی که دعوت به پابندی به اخلاق از ویژگی‌های شاخص این دسته آیات است، احتمالات تفسیری کاهش یافته و معنای دقیق آیات آشکار و بسیاری از ابهام‌ها از میان می‌رود. نتیجه حاصل آن است که بشر پس از شکوفایی و شکل‌گیری یقین، نهاد و وجودش، جز در پی رضایت و تحقق اوامر الهی گام بر نمی‌دارد و وصول به این مهم تشکیل مجموعه‌ای اجتماعی نظام‌مند را که ضامن رشد و کمال فرد و جامعه است، در پی دارد.

واژگان کلیدی: نظام اجتماعی اخلاق بنیان، جامعه اخلاقی، صفات نفسانی هدایتگر، نظام اخلاقی قرآنی، صفات نفسانی کارگزار، اخلاق در قرآن.

۱- طلبه سطح سه، رشته تفسیر، جامعه الزهرا سلام الله علیها، قم، ایران (نویسنده مسئول): r.poorkhalili@yahoo.com

۲- دانشیار، گروه علوم و قرآن و حدیث دانشگاه علوم و معارف قرآن کریم، دانشکده علوم قرآنی تهران، ایران،

۱. مقدمه

بشر از آغاز زندگی دریافته برای رشد و تعالی خویشتن و جامعه نیازمند رعایت برخی از اصول و ضوابط است که زندگی منهای این اصول، تیرگی و عبث بودن را به همراه دارد و حتی اگر بدون هیچ دین و آیینی نیز باشد، برخی بایدها و نبایدها را در زندگی رعایت می نماید. این اصول که در ابتدا با واژگان خوب، بد، زشت یا زیبا معنا می یافت، به مرور و هم زمان با ارمغان اسلام، شکل منحصر به فردی در جهت تعالی و به کمال رسیدن با نام اخلاق به خود گرفت و پیامبر اکرم (ص) مأموریت خود را با هدف «بُعِثْتُ بِمَكَارِمِ الْأَخْلَاقِ وَمَحَاسِنِهَا» (طوسی، ۱۴۱۴ ق، ۱: ۵۹۶) پی ریزی نمود.

اخلاقیات از مسائل کاربردی و کلیدی در جامعه اسلامی به شمار می آید. مباحث اخلاقی مهم ترین بخش معارف و آموزه های قرآن کریم را به خود اختصاص داده است، از این روی، با کاوش در آیات قرآن کریم می توان به الگویی شایسته جهت پیشبرد جامعه بر مبنای اخلاق الهی دست یافت.

نظام اخلاقی مجموعه ای نظام مند و دارای سه عنصر اصلی است که این عناصر عبارت اند از: «مبانی، اصول و اهداف» (اعرافی، ۱۳۹۱: ۱۵۱)؛ مبانی در قرآن کریم، شامل مبانی خداشناسی، انسان شناسی، وجودشناسی و ... است که مجموعه ای از «هست ها و نیست ها» را شامل می شود و اصول مجموعه ای از جملات و گزاره های اخلاقی هستند و اهداف نظام نیز از میان آیات قرآن کریم قابل استخراج است که منتهی به هدف نهایی تهذیب و اخلاق یعنی قرب الهی می گردد (سراج زاده، ۱۳۹۶: ۴۵).

با توجه به نزول تدریجی قرآن کریم، یکی از روش هایی که می توان به ترسیم نقشه ای جامع دست یافت توجه به ترتیب نزول آیات است که بر اساس مقتضیات زمان بوده و با در کنار هم قرار گرفتن این آیات، مجموعه ای شگرف پدید خواهد آمد و به کشف روش های تحول دینی، مراحل فرهنگ شدن مفاهیم دینی و هندسه تحول دینی مخاطبان منجر می گردد، افزون بر آنکه در نظم و تعاقب و پی در پی بودن نزول آیات و سوره و ملاحظاتی که میان واقعیت جامعه مخاطبان عصر نزول و اراده های خداوند وجود دارد که تنها با مطالعه قرآن به این سبک نمایان خواهند شد (بهجت پور، ۱۳۹۹: ۱۶). از این روی با مدنظر قرار دادن عوامل تشکیل نظام اجتماعی اخلاق بنیان بر اساس ترتیب نزول آیات به ابعاد جدیدی از معناداری قرآن کریم جهت نهادینه سازی ارزش های اخلاقی در جامعه دست یافت.

از دیرباز اندیشمندان حوزه علوم اسلامی، به بررسی این مسئله پرداخته اند که آیا معارف اخلاقی

قرآن کریم از ساختاری منظم و منطقی برخوردار هستند یا دربردارنده ارزش‌های اخلاقی پراکنده و غیرمنظم هستند که برپایی نظامی اخلاقی بر مبنای آیات را ناهموار می‌سازد. ارزش‌ها و معارف اخلاقی که در آیات و سوره‌های متعدد قرآن کریم بیان شده است اثرگذاری ویژه‌ای در شکوفایی اخلاق و تربیت دینی در جامعه دارند اما چنانچه چینش و بررسی این مجموعه آیات به صورت منظم و هدفمند انجام شود، نمود بیشتر و پایاتری در حوزه اخلاق فردی و اجتماعی نمایش می‌دهد (حسینی، ۱۳۹۹: ۱۷۵-۱۷۸). از آن رو که هدف اصلی نزول وحی، تربیت و هدایت انسان است. با توجه به منشأ و خاستگاه علوم و حیانی که برخاسته از علم و حکمت الهی است، این منبع غنی و حیانی از انسجام و انتظام کامل درونی برخوردار است و رابطه‌ای منطقی و نظام‌مند بر آن‌ها حاکم است؛ اما بدیهی است که اصطیاد و کشف این انسجام و دستیابی به مدل‌ها و نظام‌های و حیانی، تنها از رهگذر نگاهی نظام‌واره به دین و آموزه‌های دینی و تلاش اندیشه‌ورزان در راستای کشف نظام‌ها میسر است (حسینی، ۱۳۹۹: ۱۷۹). بدین منظور در جهت معناداری نظام اجتماعی اخلاق بنیان به بررسی سیر منطقی نقش یقین به عنوان یکی از صفات نفسانی هدایتگر در تشکیل نظام اجتماعی اخلاق بنیان بر اساس ترتیب نزول بخشی از آیات مکی قرآن کریم پرداخته می‌شود.

۲. مفهوم شناسی

جهت روشن شدن مفهوم نظام اجتماعی اخلاقی قرآنی و ارتباط یقین با اخلاق، ابتدا واژه یقین و سپس اخلاق در لغت و اصطلاح و در نهایت مفهوم نظام اجتماعی اخلاق بنیان از منظر قرآن کریم بررسی می‌گردد.

یقین در لغت: یقین از ماده «یقن» به معنی ازاله و زوال شک و متحقق شدن امر است (فراهیدی، ۱۴۱۴ ق، ۵: ۲۲۰). گاهی عبارت از: اعتقاد و علمی که مطابق با نفس الامر (واقعیت خارجی) باشد و زایل شدن آن غیرممکن باشد و نقیض شک و وهم و جهل مرکب و تقلید است (ابن منظور، ۱۴۱۴ ق، ۱۳: ۴۵۷) یا به عبارت دیگر: «یقین علمی است که از نظر و استدلال حاصل می‌شود، به همین خاطر علم خداوندی یقین نامیده نمی‌شود» (فیومی، ۱۴۱۴ ق، ۲: ۶۸۱). گاهی یقین به معنی ظن آید و همچنین در حدیث به معنی توکل و تسلیم و راضی بودن به رضای خدا و واگذار نمودن امور به خدا نیز آمده است (طریحی، ۱۳۷۵، ۶: ۳۳۲) همچنین گاهی یقین به معنی علم ثابتی در نفس می‌آید که هیچ شکمی در آن وجود نداشته باشد و همراه سکون و اطمینان باشد (مصطفوی، ۱۳۶۸، ۱۴: ۲۶۳).

یقین در اصطلاح: یقین بر اساس دیدگاه فیلسوفان بدین معناست که نه تنها باورمندی به ثبوت محمولی برای یک موضوع باشد، بلکه به محال بودن نفی این محمول از آن موضوع نیز علم وجود داشته (مصباح یزدی، ۱۳۸۴، ۱: ۴۰-۴۱). اصطلاحی دیگر برای یقین وجود دارد که شرایطش از اصطلاح اول کم‌تر و امکان حصول آن بیشتر است و آن شناختی است که همه عقلا به آن اعتماد می‌کنند. به‌طور مثال؛ انسان، هنگام گرسنگی به حالت گرسنگی خویش یقین پیدا می‌کند و چیزهایی از این قبیل که حتی بعضاً از حسیات سرچشمه می‌گیرند و باوجود این که حسیات قابل نقض و خطا هستند، در شرایطی به‌اندازه‌ای ادراکات مختلف حسی مترکم می‌شوند و یکدیگر را تأیید می‌کنند که انسان عاقل در آن شک نمی‌کند و احتمال خلافتش را نمی‌دهد. این حالت در این اصطلاح، یقین نامیده می‌شود. یقین به این معنا در دسترس همه افراد عاقل واقع می‌شود و در عرف و دین هم همین معنا از یقین مدنظر است. چنین یقینی از راه‌های مختلف حاصل می‌شود که مهم‌ترین وسیله آن استدلال منطقی بر اساس شکل اول قیاس از مقدمات بدیهی است که در منطق معروف کلاسیک بیان شده است (مصباح یزدی، ۱۳۹۵: ۴۸).

یقین اصطلاح خاص دیگری نیز دارد که در متن قرآن و روایات بدان اشاره گردیده است. یقین بر اساس این اصطلاح، این است که نه تنها اعتقاد جزمی برای شخص حاصل شود، بلکه در صورتی این اعتقاد «یقین» نامیده می‌شود که منشأ رفتار هم می‌شود (همان)؛ بنابراین یقین اعتقاد و باور محکم و استواری است که مطابق با حقیقت باشد و به‌هیچ‌وجه امکان زوال و احتمال خلافت در او راه ندارد (طوسی، ۱۳۸۲، ۱: ۷۷) به‌طوری که انسان همه‌چیز را از مسبب‌الاسباب بداند و به اسباب توجه نکند بلکه واسطه‌ها را مسخر حق و فاقد هر حکم و قدرت بداند و کسی که بر این اعتقاد باشد دارای یقین است (فیض کاشانی، ۱۴۱۷ ق: ۲۷۳) و این همان، مفهوم اصطلاحی یقین در علم اخلاق است.

اخلاق در لغت: اخلاق از لحاظ لغوی، جمع خُلُق و خُلُق به معنای قوا و سجایایی است که فطرت و سرشت باطنی است و تنها با دیده‌ی درونی و بصیرت درک می‌گردد و در مقابل خُلُق به معنای اشکال و صورتی که با حواس و دیده‌ی برونی و ظاهری درک می‌گردد (ابن منظور، ۱۴۱۴ ق، ۱۰: ۸۶؛ راغب اصفهانی، ۱۴۱۲ ق: ۲۹۷).

اخلاق در اصطلاح: اخلاق در اصطلاح، صفت نفسانی راسخ در نفس انسانی معنا گردیده که افعال متناسب با آن صفت بی‌تأمل و درنگ انجام می‌گیرد. این صفات درونی، زمانی که منشأ رفتار پسندیده باشند عنوان فضیلت و زمانی که منشأ رفتار ناپسند باشند عنوان رذیلت

را به خود اختصاص می‌دهند. حالت درونی مذکور، ممکن است به صورت فطری در سرشت و ضمیر فرد وجود داشته و یا بر اثر وراثت، تمرین و تکرار ملکه گردد (ابن مسکویه، ۱۴۲۶ ق: ۱۱۵؛ نراقی، بی تا، ۱: ۵۵).

بنا بر دیدگاه صدرالمتالهین، انسان در حین تولد، حیوان بالفعل و انسان بالقوه و رقم زنده سرنوشت خویش است، اگر به پیروی از عقل و شرع، شهوت و غضب را کنترل و طبق فرامین خداوند متعال و عقل از آن‌ها استفاده نماید، صورت باطنی او انسان می‌شود، ولی اگر اختیار خود را به شهوت و غضب بسپارد، چهره‌ی باطنی او چهارپا یا درنده خواهد بود و چنانچه پیرو قوه واهمه شد، روح شیطانی پیدا می‌کند؛ بنابراین به مدد اخلاق، انسان چگونه زیستن و رشد نمودن را می‌آموزد و خویشتن حقیقی درون خود را می‌یابد (ملاصدرا، بی تا، ۸: ۱۳۲).

علامه در کتاب نه‌ایة الحکمه در مقام تعریف اخلاق بنا به مشرب فلاسفة مشاء و مبتنی بر فضیلت‌گرایی^۱ می‌نویسد اخلاق ملکه نفسانی است که افعال به‌آسانی و بدون تأمل و درنگ از آن صادر می‌شود (طباطبایی، ۱۴۱۶ ق: ۱۲۳). در «تفسیر المیزان» نیز در ذیل آیه «إِنَّكَ لَعَلَى خُلُقٍ عَظِيمٍ» می‌نویسد: خلق به معنای ملکه نفسانی است که بر طبق آن ملکه، افعال بدنی از آن به‌آسانی سر می‌زند. ایشان اضافه می‌کند که خلق مفهوم عام دارد؛ یعنی هم فضیلت و هم رذیلت را شامل می‌شود، ولی اگر این واژه به صورت مطلق به کار رود، معمولاً از آن مفهوم فضیلت و خلق نیک فهمیده می‌شود. (طباطبایی، ۱۳۹۰ ق، ۱۹: ۳۶۹) روشن شدن دو مفهوم «خلق» و «ملکه» نقش اساسی در فهم اخلاق فضیلت‌گرایانه دارد. علامه در توضیح بیشتر این دو مفهوم آورده است: «خلق» یک صورت ادراکی است که در درون انسان جایگزین شده و در موقع مناسب، در درون انسان جلوه کرده، او را به اراده و عمل وادار می‌کند. در اوایل زندگی که لوح درونی انسان، از این صفات، پاک است، هیچ‌یک از این صفات ادراکی ثابت را ندارد و در نتیجه در هنگام عمل، وضعیت روشنی ندارد. مثلاً گاهی در برابر حوادث ناگوار و تهدیدکننده

۱- اخلاق فضیلت به‌عنوان نظریه‌ای فاعل محور، معیاری برای اخلاقی بودن فاعل ارائه می‌کند و دو نظریه غایت‌گرایی و وظیفه‌گرایی به دلیل عمل‌محوری معیاری برای درستی و نادرستی فعل مطرح می‌کنند. اخلاق فضیلت، فضیلت را به‌عنوان معیار پیشنهاد می‌کند و در وظیفه‌گرایی و غایت‌گرایی، به ترتیب، تبعیت از وظیفه اخلاقی و بیشینه‌سازی سود برای بیشترین افراد به‌عنوان معیار فعل اخلاقی تعیین شده‌اند. تقدم فضیلت بر عمل باعث می‌شود تا در نظریه فضیلت، درستی فعل بر اساس خوبی منش و انگیزه‌های فاعل معین شود و فضیلت به‌طورکلی در اخلاق نقش محوری داشته باشد. مراد این است از نظر اخلاق فضیلتی‌ها، فضیلت در ارزیابی اخلاقی فرد و فعل، در فهم گزاره‌های اخلاقی، در انگیزش اخلاقی، حتی در مباحث معناشناختی نقش اصلی را دارد (خرزاعی، ۱۳۸۸: ۲).

استقامت می‌ورزد و گاهی فرار را برقرار ترجیح می‌دهد (طباطبایی، بی‌تا: ۲۳۶).
یقین مهم‌ترین فضیلت اخلاقی و بزرگ‌ترین کمال نفسانی شمرده شده و کسی که به آن برسد، به والاترین مرتبه سعادت دست یافته است (نراقی، بی‌تا، ۱: ۱۱۹) بنابراین اخلاق را می‌توان به مفهوم چگونه زیستن بر مبنای یقین دانست و تا زمانی که یقین در فرد متجلی نگردد، نمی‌توان از وی انتظار رفتار و کردار اخلاقی را داشت. در حقیقت اخلاق به معنای این است که رفتار و کردار بر مبنای چه اصولی پی‌ریزی گردد تا همراه با ارزش‌گرایی و رشد و تعالی باشد.
مفهوم نظام اجتماعی اخلاق بنیان: نظام به معنای مجموعه‌ای از واحدهای مرتبط با یکدیگر است که در مسیر خاص جهت رسیدن به هدفی معین حرکت می‌نمایند. نظام اخلاقی، نظامی فراگیر و عام است که تمامی اجزاء و عناصر آن با یکدیگر ارتباط و انسجام داشته و همه آن‌ها، هدف واحدی دارند. این نظام قابلیت استدلال و تبیین دارد و می‌توان رابطه عقلانی بین اهداف و افعال را کشف کرد (شیروانی، ۱۳۷۹: ۹۱-۹۴).

نظام اجتماعی اخلاق بنیان قرآنی، مجموعه‌ای از ارزش‌هاست که توسط فرمان‌های قرآن کریم مشخص گردیده و ضوابطی را به خاطر تحقق و برآوردن هدف آفرینش انسان زمین، وضع می‌کند. این ارزش‌ها در طی زمان‌های متمادی و به‌وسیله مریبان مسلمان، در اذهان مسلمانان ماندگار شده است و به خوی و عادت همیشگی مبدل می‌گردد که پس‌از آن، کنش و رفتار یک مسلمان مطابق این ارزش‌ها و با تمام سهولت و آسانی صادر می‌گردد و نیازی به کوشش و اعمال ذهن و تفکر نیست. نظام اخلاقی قرآنی، در پی آن است تا سرچشمه‌ها، انگیزه‌ها و اهداف اخلاق را مشخص و ارزش‌ها و قوانین عملی آن را نمایان ساخته و ابزارهای الزام سلوک و کردار نیکو را همراه با ابزار دوری از سلوک و رفتار زشت، تعیین و مشخص کند. این نظام، صرف به آگاهی دهی از سلوک پسندیده و ناپسند بسنده ننموده؛ بلکه روش‌های عملی نیز نمایان می‌سازد (فخری، بی‌تا: ۲۵). از این روی، با شکل‌گیری نظام منسجم و جامع، می‌توان از نظام اخلاق قرآنی به‌عنوان یک گفتمان راهبردی سخن گفته و زمینه تحقق چشم‌انداز فرا مکتبی را محقق نمود تا دیگر مکاتب نیز با این نظام آشنا گردند.

۳. یقین اصلی‌ترین مفهوم صفات نفسانی هدایتگر

انسان دارای دو بعد جسمانی و نفسانی است به همین دلیل، اوصاف انسان به دودسته جسمانی و نفسانی تقسیم می‌گردد. برخی از صفات نفسانی در سیر اخلاقی انسان نقش هدایت‌گری

دارند و گروهی دیگر صفت نفسانی عمل کننده و کارگزارند و البته در سایه هدایت گری صفات هدایت گر تحقق می یابند و آثار خاصی را نیز در حوزه رفتار در پی دارند.

صفات نفسانی هدایتگر، روشنگر راه قوای تأثیرگذار در انسان هستند. اصلی ترین مفاهیم مطرح به صورت صفت نفسانی هدایت گر، مفاهیم «یقین» و «ایمان» است. یقین در خدمت ایمان عمل می کند. در ساختار اخلاق اسلامی، «ایمان» عالی ترین صفت نفسانی هدایت گر است. به همین دلیل بر تحصیل مبادی آن مانند یقین نیز به شدت ترغیب و تشویق شده است (دیلمی، آذربایجانی، ۱۳۹۶: ۶۵)؛ از این روی، شناخت نقش یقین به عنوان اصلی ترین صفت در میان صفات نفسانی هدایتگر در تشکیل نظام اجتماعی اخلاق بنیان را می توان به عنوان شالوده و اساس دانست.

۴. نقش یقین در تشکیل نظام اجتماعی اخلاق بنیان از منظر آیات مکی

یقین برترین درجه کمال ایمان و بالاترین فضائل انسانی است. کسی که به قلّه بلند یقین رسیده باشد؛ دستیابی او به سایر کمالات و فضایل اخلاقی آسان می گردد؛ بلکه باید گفت آن کسی که دارای یقین است، تمامی صفات و اخلاق حسنه را همراه دارد و کسب کرده است و بدین سبب یقین، نقش به سزایی در تشکیل نظام اجتماعی اخلاق بنیان دارد. بنا بر احادیث وارده، ایمان در مقام و مرتبه بالاتر از اسلام است و یقین رتبه و جایگاه برتر و بالاتر از ایمان را به خود اختصاص داده است (علامه مجلسی، ۱۳۶۳، ۱: ۱۳۴). بدین سبب زمانی که یقین در بین افراد جامعه به اسباب مختلف ایجاد گردید، شکل گیری نظام اخلاقی، امری آسان است. بدین سبب که بحث درباره اصول معارف و اصل ایمان و دعوت به پایبند بودن به اخلاق از ویژگی های شاخص آیات مکی است (معرفت، ۱۳۸۶: ۶۰)، به بررسی نقش یقین در تشکیل نظام اجتماعی اخلاق بنیان از منظر آیات مکی پرداخته می شود تا به ابعاد جدیدی از معناداری قرآن کریم جهت نهادهای سازی ارزش های اخلاقی در جامعه دست یافت. از آن روی که تمامی آیات مکی مربوط به یقین در مجال این تحقیق نمی گنجد، به بررسی برخی از آیات مهم که به واژه یقین به طور صریح دلالت دارند، پرداخته می شود.

الف) آیه ۳۱ سوره مدثر: یکسان پنداری اهل کتاب

اولین آیه مکی مربوط به بحث یقین، بر اساس ترتیب نزول آیه ۳۱ سوره مدثر است. این سوره

در فهرست ترتیب نزول در رتبه چهارم قرار دارد، اما بیشتر مفسران و راویان آن را دومین سوره نازل یعنی بلافاصله پس از سوره علق می‌دانند (الجباری، ۱۳۹۹، ۱: ۵۳) در این آیه به این مهم اشاره شده است یکسان پنداری و نقاط مشترک عامل نهادینه‌سازی یقین در اهل کتاب بوده و این یکسان پنداری سبب شکل‌گیری نظام اخلاقی است:

«وَمَا جَعَلْنَا أَصْحَابَ النَّارِ إِلَّا مَلَائِكَةً وَمَا جَعَلْنَا عِدَّتَهُمْ إِلَّا فِتْنَةً لِلَّذِينَ كَفَرُوا لِيَسْتَيَقِنَ الَّذِينَ أُوتُوا الْكِتَابَ وَيَزِدَّ الَّذِينَ آمَنُوا إِيمَانًا وَلَا يَرْتَابَ الَّذِينَ أُوتُوا الْكِتَابَ وَالْمُؤْمِنُونَ وَلِيَقُولَ الَّذِينَ فِي قُلُوبِهِمْ مَرَضٌ وَالْكَافِرُونَ مَاذَا أَرَادَ اللَّهُ بِهَذَا مَثَلًا كَذَلِكَ يُضِلُّ اللَّهُ مَن يَشَاءُ وَمَن يُهْدِ مَن يَشَاءُ وَ مَا يَعْلَمُ جُنُودَ رَبِّكَ إِلَّا هُوَ وَمَا هِيَ إِلَّا ذِكْرٌ لِلْبَشَرِ» (مدثر: ۳۱)؛ مأموران دوزخ را فقط فرشتگان (عذاب) قرار دادیم و تعداد آن‌ها را جز برای آزمایش کافران معین نکردیم تا اهل کتاب [= یهود و نصاری] یقین پیدا کنند و بر ایمان مؤمنان بیفزاید و اهل کتاب و مؤمنان (در حقیقت این کتاب آسمانی) تردید به خود راه ندهند و بیمار دلان و کافران بگویند: «خدا از این توصیف چه منظوری دارد؟!» (آری) این‌گونه خداوند هر کس را بخواهد گمراه می‌سازد و هر کس را بخواهد هدایت می‌کند! و لشکریان پروردگارت را جز او کسی نمی‌داند و این جز هشدار و تذکری برای انسان‌ها نیست!

«استیقان» به معنای یقین یافتن در دل است و معنای جمله این است که ما برای این گفتیم موکلین بر آتش نوزده فرشته‌اند که اهل کتاب یقین کنند به اینکه قرآن نازل بر تو حق است، چون می‌بینند قرآن هم مطابق کتاب آسمانی ایشان است و نیز برای اینکه مؤمنین به اسلام هم وقتی ببینند که اهل کتاب هم این خبر قرآن را تصدیق کرده‌اند ایمانشان زیادت‌ر شود (طباطبایی، ۱۳۹۰، ق، ۲۰: ۱۳۹-۱۴۰).

اهل کتاب خبرهایی از ظهور پیامبر جدید در مکه شنیده بودند؛ کسی که مدت‌ها در انتظار او بودند و سکوتشان در مدینه و اطراف آن به سبب خبرهایی بود که از ظهور پیامبر امّی و مرکز حضورش مدینه شنیده بودند. آنان در تورات خوانده بودند که عدد موکلان جهنم نوزده نفر است. با شنیدن خبر تعداد ملائکه‌ی موکل جهنم به نقل از پیامبر نوظهور، یقین آنان به پیامبر (ص) و صحت ادعایش بالا می‌رفت و مؤمنان نیز به واسطه تصدیقی که از سوی اهل کتاب نسبت به این خبر می‌شد، به‌طور طبیعی ایمانشان به الهی بودن رسالت پیامبر و قرآن، بالاتر می‌رفت (بهجت پور، ۱۳۹۰، ۱: ۲۹۳)؛ بنابراین اولین قدم در مسیر ایجاد نظام اجتماعی اخلاق بنیان بر مبنای آیات قرآن، توجه به این نکته است، در صورتی که یقین ناشی تصدیق مخالفین یعنی اهل کتاب به سبب

یکسان پنداری، حاصل شود، بر ایمان مؤمنین نسبت به الهی و اخلاقی بودن نظام اجتماعی می انجامد.

(ب) آیه ۴۷ سوره مدثر: اعتقاد به معاد و مرگ

دومین آیه بنا بر سبب نزول، آیه ۴۷ سوره مدثر است که نشان دهنده ثمرات آگاهی بر آیات قیامت است. به طور اخص زمانی که مجرمان متناسب با فضای مکه و اوایل نزول آیات قرآن کریم به دنبال ایراد تراشی و تکذیب بودند، حقیقت مرگ را مشاهده می کنند. زمانی که یقین حاصل از بصیرت بر آیات قیامت بر فرد و جامعه چیره گردید، تهذیب نفس و اخلاق رشد و تعالی نموده و جامعه اخلاقی متجلی می گردد: «حَتَّىٰ أَتَانَا الْيَقِينُ» (مدثر: ۴۷)؛ تا زمانی که مرگ ما فرارسید!

تکذیب جزا تا وقتی ادامه یافت که یقین و باور قطعی، منکرین را در بر گرفت. به مرگ، یقین گفته می شود؛ زیرا با آمدن آن، تمام خبرها و گفته های مربوط به آن جهان، دیده می شود و جایی برای تردید و شک باقی نمی ماند. برخی نیز مراد از یقین را هنگامی می دانند که علائم مرگ آشکار می شود و چشم انسان به حوادث برزخ باز می شود. به هر حال تکذیب مجرمان از پاداش و مجازات تا آنجا ادامه می یابد که مرگ را مشاهده کنند و یا حقیقت حیات آخرت و حساب و کتاب های مربوط به آن جهان را با چشم ببینند (بهجت پور، ۱۳۹۰، ۱: ۳۰۴).

منظور از کلمه یقین، در اینجا مرگ است. به گفته اقرب الموارد، یقین علمی است که واضح و ثابت بوده، در اثر تحقیق و بررسی قطعیت پیدا کرده باشد و چون مرگ آدمی با قطعیت و یقین درمی رسد، آن را به این نام خوانده اند و انسان در هر چیز شک کند در مرگ نمی تواند شک کند، در آیه ۹۹ سوره حجر نیز می خوانیم: «وَأَعْبُدْ رَبَّكَ حَتَّىٰ يَأْتِيَكَ الْيَقِينُ»؛ پروردگارت را عبادت کن تا یقین (مرگ تو) فرارسد. ولی بعضی یقین را در اینجا به معنی آگاهی حاصل بعد از مرگ انسان نسبت به مسائل برزخ و قیامت تفسیر کرده اند که با تفسیر اول از جهتی هماهنگ است (مکارم شیرازی، ۱۳۷۴، ۲۵: ۲۵۵-۲۵۶).

بعضی از مفسران گفته اند: مراد از یقین آن یقینی است که به دنبال مشاهده نشانه های آخرت و نزدیک شدن به حیات برزخی برای آدمی حاصل می شود، آری نزدیکی های مرگ و بعد از مرگ انسان به حقانیت روز جزا یقین پیدا می کند و این معنا معنای خوبی است (آلوسی، ۱۴۱۵، ق، ۲۹: ۱۳۳).

به هر حال از این آیات به خوبی استفاده می شود که اولاً کفار همان گونه که مکلف به اصول دین هستند به فروع دین نیز مکلف اند^۱ و نیز نشان می دهد این امور چهارگانه یعنی «نماز» و «زکات» و «ترک مجالس اهل باطل» و «ایمان به قیامت» اهمیت و نقش فوق العاده ای در هدایت و تربیت انسان دارد و به این ترتیب جهنم جای نمازگزاران واقعی و زکات دهندگان و تارکان باطل و مؤمنان به قیامت نیست.

نتیجه حاصل از آیه ۴۷ سوره مدثر این است که انکار معاد و روز حساب، تمام ارزش های الهی و اخلاقی را متزلزل می سازد و انسان را برای ارتکاب گناه تشجیع می کند و موانع را از این راه برمی دارد، مخصوصاً اگر این مسئله به صورت یک امر مداوم تا پایان عمر درآید؛ بنابراین یکی از عوامل تشکیل نظام اجتماعی بر مبنای اخلاقیات بر اساس آیات قرآن کریم، یقین به معاد و مرگ است.

ج) آیات ۵-۷ سوره تکاثر: ترک مشغولیات دنیوی

سومین قسمت مورد بحث آیات پنجم تا هفتم سوره تکاثر است. سوره ی تکاثر شانزدهمین سوره ای است که در مکه، پس از سوره ی کوثر و قبل از سوره ماعون نازل شده است. خدای متعال در این سوره انسان های مشغول به زیاده خواهی های دنیا را مخاطب قرار داده و عمق خطرات این اشتغال را گوشزد می کند، سپس آنان را از عواقب این نیازدگی و گرفتاری در آتش جهنم، بیم داده و ضرورت پاسخگویی این افراد به نعمت های الهی را یادآور می شود (بهجت پور، ۱۳۹۴: ۱۱۴).

«كَلَّا لَوْ تَعْلَمُونَ عَلِمَ الْيَقِينِ * لَتَرَوُنَّ الْجَحِيمَ * ثُمَّ لَتَرَوْهَا عَبْنُ الْيَقِينِ» (تکاثر: ۵-۷)؛ چنان نیست که شما خیال می کنید؛ اگر شما علم یقین (به آخرت) داشتید (افزون طلبی شما را از خدا غافل نمی کرد)؛ قطعاً شما جهنم را خواهید دید! سپس (با ورود در آن) آن را به عین یقین خواهید دید. مراد از علم یقینی آن است که سینه و قلب را خنک کند و شک و اضطراب را مرتفع

۱- بر مکلف بودن کفار به فروع، دلایل متعددی اقامه شده که بیشتر نقلی است، ولی به نظر می رسد دلیل عقلی و بنای عقلا در این مقام ترجیح دارد؛ آن هم با دو بیان: توجه به شرط علم و قدرت در تکلیف و اقتضای محیط قانون گذاری عقلا. در نتیجه همه اقسام کفار همانند مسلمانان، شرایط تکلیف را دارا هستند؛ به همین جهت، موضوع جعل تکالیف الهی قرار می گیرند و کفر و جهل آن ها مانع این جعل نیست؛ زیرا موانع مذکور، مربوط به مقام امتثال است که با کسب معرفت و ایمان آوردن، قابل برطرف شدن است؛ بنابراین تکلیف آن ها «تکلیف ما لایطاق» و «لغو» نیست و عدم امتثال اوامر و نواهی الهی از ناحیه آنان در کفار مقصر، به دلیل سوء اختیار آنان است (سیادت، ۱۳۹۸: ۶۳).

نماید؛ بدین دلیل که مرحله‌ی قبل از آن، شک است، خدا را به آن توصیف نمی‌کنند؛ یعنی گفته نمی‌شود: «أَنَّهُ مُتَّيِّقٌ» (طبرسی، ۱۳۷۲، ۱۰: ۸۱۲). حرف «لو» به معنی «ای کاش» و در اصطلاح، امتناعیه است؛ یعنی متعلق آن اتفاق نمی‌افتد و کسی که دل مشغول به زیاده‌طلبی دنیا است، نمی‌تواند حقایق هستی و از جمله حقایق مربوط به جهان آخرت را درک کند؛ بنابراین از آیه استفاده می‌شود که اگر انسان، دل مشغول به دنیا و زیاده‌خواهی‌های آن نباشد، این ظرفیت را دارد تا در همین جهان با علم یقینی و بدون شک و اضطراب، حقایق قیامت و جهان آخرت را با دیده‌ی دل ببیند (بہجت پور، ۱۳۹۰، ۱: ۴۸۵).

علت این که خداوند فرمود: «لَتَرَوُنَّ الْجَحِيمَ» جهنم را خواهید دید، در صورتی که حقایق دیگری هم مثل بهشت وجود دارد که امکان یقین و دیدن آن‌ها وجود دارد، آن است که آیه خطابش به گروه دنیا زده است و این گروه، مسیری جز جهنم ندارند و لذا به فرض که پرده‌ها کنار رود و با حقایق آشنا شوند، حقایق مربوط به جهنم را خواهند دید. اگر علم‌الیقین داشتید در همین دنیا جهنم را می‌دیدید اما چون علم‌الیقین ندارید جهنم را در این دنیا نمی‌بینید (استادی، ۱۳۸۳: ۴۲۵).

«ثُمَّ لَتَرَوْهَا عَيْنَ الْيَقِينِ» این آیه یعنی در مرحله‌ی اول جهنم را شناخته و در مرحله‌ی دوم آن را درمی‌یابند؛ زیرا به همان علم یقین، جهنم را درک می‌کنند، اما در نهایت به خود آن می‌رسند و همان مطلب درک شده علمی را با مشاهده‌ی عینی می‌بینند.

از ابتدای حرکت و رشد و بالندگی بشریت می‌توان، با توجه به انتخاب وی، عاقبت و سرانجام او را نظاره گر بود؛ مگر در صورتی که تغییر و تحولی در سیر حرکت و آمال و خواسته‌های وی پدیدار گردد. در غیر این صورت، نزاع در نعمت‌های دنیوی و کشمکش برای آن‌ها، عاقبتی ننگین در پی دارد. بدین سبب بشریت با توجه به اعمال خود می‌توانند در همین دنیا، باطن اعمالشان را مشاهده نمایند. این موضوع، پیوند عمیق عمل و عاقبت امر را نمایان می‌سازد؛ بنابراین عبور از مشغولیات دنیوی، رهیافت به یقین و تشکیل نظام اجتماعی اخلاق بنیان را در پی دارد. زمانی که یقین در نهاد انسان شکوفا گردد جز در پی رضایت و تحقق اوامر الهی نیست و تحقق این امر در جامعه، تشکیل نظام اخلاقی را در پی دارد.

د) آیه ۹۵ سوره واقعه: شوق سبقت در طاعت و بندگی پروردگار

چهارمین آیه مربوط به نقش یقین در تشکیل نظام اجتماعی اخلاق بنیان آیه ۹۵ سوره واقعه

است که حق الیقین را می‌توان با توجه به این آیه، اس و اساس تشکیل نظام اخلاقی دانست. سورهٔ واقعه در تمام روایات مسند در ردیف چهل و ششم بعد از سورهٔ طه و قبل از سورهٔ شعرا دانسته شده است. هدف و مقصود این سوره زدودن تصورهای نادرست دربارهٔ تحقق رستاخیز و تشویق مردم به انجام دادن کارهایی که آنان را در زمرهٔ مقربان و یا حداقل اصحاب یمین قرار دهد: «إِنَّ هَذَا لَهُوَ حَقُّ الْيَقِينِ» (واقعه: ۹۵)؛ این مطلب حقّ و یقین است!

«هذا» به قدرت خدا در میراندن انسان‌ها از دنیا و ادامه دادن زندگی او در محیط دیگر و به این که سه وضعیت در انتظارشان هست، اشاره دارد. خدای متعال، با جمله‌ای اسمیه و مؤکد با «إِنَّ» و لام قسم، بر قطعی بودن خبر، پافشاری می‌کند و بر انتقال انسان‌ها به جهان دیگر تأکید می‌ورزند (بہجت پور، ۱۳۹۰، ۳: ۵۶۶).

کلمه «حق» به معنای علم است، علم به چیزی از آن جهت که علم با خارج و واقعیت مطابق است و منظور از «یقین» در این آیه، عبارت است از علمی که در آن نقطه ابهام و تردیدی نباشد، بسا می‌شود افرادی ساده‌لوح به چیزی علم پیدا می‌کنند، ولیکن با مختصر تشکیک و وسوسه می‌توان علمشان را مبدل به شک کرد، چنین علمی علم الیقین نیست. اضافه حق به یقین در این آیه اضافه بیانیہ است که خاصیت تأکید دارد. معنای آیه این است که این بیانی که ما درباره حال طوایف سه گانه مردم کردیم حقی است که هیچ نقطه ابهام و تردیدی در آن نیست و علمی است که با هیچ دلیل و بیانی نمی‌توان آن را مبدل به شک و تردید کرد (طباطبایی، ۱۳۹۰، ق، ۱۹: ۲۴۳). این احتمال نیز وجود دارد که چون یقین دارای مراتبی است، مرحله عالی آن حق الیقین است، یعنی یقین واقعی کامل و خالی از هرگونه شک و شبه و ریب (مکارم شیرازی، ۱۳۷۴، ۲۳: ۲۸۶).

اصناف سه گانه که «هذا» بدان اشاره دارد و هرآینه، حق و یقین است، عبارت‌اند از: ۱. مقرّبین؛ ۲. اصحاب الیمین؛ ۳. اصحاب الشمال، آن حق چنان است که شکی در آن نیست و یقین آن چیزی است که شبهه‌ای با او نیست (طبرسی، ۱۳۷۲، ۲۴: ۱۹۲). روش قرآن در ایجاد شوق و انگیزه در مؤمنان برای ورود به جرگه‌ی مقربان این است که آن‌ها را کاملاً از اصحاب یمین جدا می‌شمرد و نام و یاد و نعمت‌های آنان را پیش از اصحاب یمین بیان می‌کند و زمانی که مؤمنان به جرگه‌ی مقربان پیوستند حکومت عدل و اخلاق پایه‌گذاری می‌گردد؛ و حقیقت حق الیقین که عبارت است از این که بنده تمام وجود خود را در برابر وجود حق تعالی همچون سایه‌ای مضمحل و نابود و در انوار کبریایی‌اش فانی ببیند؛ مانند یقین به وجود آتش، با ورود

در قعر آتش و سوزش از آن، نمودار می‌گردد. این مقام، مقام فنای فی الله و بقای بالله است و حاصل نمی‌شود، مگر برای برگزیدگان خاص الخواص الهی.

خداوند تعالی، در سوره واقعه، سیری تفصیلی از موضوعاتی را که پایه‌های شکل‌گیری جامعه ایمانی و اخلاقی است، بیان داشته است. این پایه‌ها عبارت‌اند از: اطاعت خالص خدا، درست بودن رسالت پیامبر (ص) و انتساب قطعی قرآن به خدای متعال، غفلت زدایی از مردم و تقویت صفت خشیت در آن‌ها، تشویق مردم به کامل کردن بندگی خدا و در نهایت توجه دادن به اهمیت قرآن و اقبال به آن در متحول کردن در سایه بندگی خدای بخشنده. در سوره واقعه علاوه بر این مفاهیم، موضوع رستاخیز مطرح و با تقسیم‌بندی مردم به سه گروه در قیامت، دو مطلب را پیگیری می‌شود: الف) مؤمنان در اطاعت از پروردگار و عمل به دستورهای قرآن و رسول (ص) بر یکدیگر سبقت گیرند؛ ب) به پاسخ کسانی پردازد که هنوز در موضوع قرآن و رستاخیز، به مخالفت می‌پردازند و آنان را با ترساندن عذاب‌های رستاخیز، آگاه سازد (بهدت پور، ۱۳۹۴: ۲۱۲). گام بنیادین این سوره در جهت تشکیل نظام اجتماعی اخلاق بنیان، تشویق کردن مؤمنان به سبقت گرفتن از یکدیگر در اطاعت پروردگار و عمل به دستورات او است که این امور سبب حصول یقین اخلاق ساز می‌گردد.

نتیجه‌گیری

با توجه به آنچه در خصوص نقش یقین در شکل‌گیری نظام اجتماعی اخلاق بنیان بر اساس ترتیب نزول آیات قرآن کریم گذشت، می‌توان به این مهم دست‌یافت که بشر پس از نهادینه شدن یقین در وجودش، در پی تحقق اوامر الهی بوده و ماحصل آن تشکیل نظام اجتماعی اخلاق بنیان خواهد بود. مبسوط این نظریه به شرح ذیل است:

۱. اخلاق که در لغت به معنای قوا، سجایا و فطرت و سرشت باطنی است و تنها با دیده‌ی درونی و بصیرت درک می‌گردد، اصطلاحی است به مفهوم چگونگی زیستن بر مبنای یقین و تا زمانی که یقین در فرد متجلی نگردد رفتار و کردار اخلاقی شکل نمی‌گیرد.
۲. نظام اجتماعی اخلاق بنیان با محوریت آیات وحی الهی، در پی آن است تا سرچشمه‌ها، انگیزه‌ها و اهداف اخلاق را مشخص و ارزش‌ها و قوانین عملی آن را نمایان ساخته و ابزارهای الزام سلوک و کردار نیکو را همراه با ابزار دوری از سلوک و رفتار زشت، تعیین و مشخص کند.
۳. نظام اجتماعی اخلاق بنیان، مجموعه‌ای نظام‌مند شامل سه عنصر اصلی «مبانی، اهداف

و اصول» است.

۴. صفات نفسانی هدایتگر، روشنگر راه قوای تأثیرگذار در انسان هستند. اصلی‌ترین مفاهیم مطرح به صورت صفت نفسانی هدایت‌گر، مفاهیم «یقین» و «ایمان» است.

۵. یقین، برترین درجه کمال ایمان و بالاترین فضائل انسانی است. کسی که به قله بلند یقین رسیده باشد؛ دستیابی او به سایر کمالات و فضایل اخلاقی آسان می‌گردد؛ بلکه باید گفت آن کسی که دارای یقین است، تمامی صفات و اخلاق حسنه را همراه دارد و کسب کرده است و بدین سبب یقین، نقش به سزایی در تشکیل نظام اجتماعی اخلاق بنیان دارد.

۶. بر اساس آیه ۳۱ سوره مدثر، اولین قدم در مسیر ایجاد نظام اجتماعی اخلاق بنیان بر مبنای آیات قرآن، توجه به این نکته است: در صورتی که یقین ناشی تصدیق مخالفین یعنی اهل کتاب به سبب یکسان‌پنداری، حاصل شود، بر ایمان مؤمنین نسبت به الهی بودن نظام اجتماعی می‌انجامد.

۷. بر اساس آیه ۴۷ سوره مدثر، انکار معاد و روز حساب و جزا، تمام ارزش‌های الهی و اخلاقی را متزلزل می‌سازد و انسان را برای ارتکاب گناه تشجیع می‌کند و موانع را از این راه برمی‌دارد، مخصوصاً اگر این مسئله به صورت یک امر مداوم تا پایان عمر درآید؛ بنابراین یکی از عوامل تشکیل نظام اجتماعی اخلاق بنیان بر اساس آیات قرآن کریم، یقین به معاد و مرگ است.

۸. با توجه به آیات پنجم الی هفتم سوره تکوین، عبور از مشغولیات دنیوی، رهیافت به یقین و تشکیل نظام اجتماعی اخلاقی را در پی دارد. زمانی که یقین در نهاد انسان شکوفا گردد جز در پی رضایت و تحقق اوامر الهی نیست و تحقق این امر در جامعه، تشکیل نظام اخلاقی را در پی دارد.

۹. گام بنیادین سوره واقعه در جهت تشکیل نظام اجتماعی اخلاق بنیان، تشویق کردن مؤمنان به سبقت گرفتن از یکدیگر در اطاعت پروردگار و عمل به دستورات او است که این امور سبب حصول یقین اخلاق ساز می‌گردد.

فهرست منابع

- *قرآن کریم، ترجمه آیت الله مکارم شیرازی.
- ۱- ابن مسکویه، احمد بن محمد، (۱۴۲۶ ق)، تهذیب الأخلاق و تطهیر الأعراق، بی جا، طلیعه النور.
 - ۲- ابن منظور، محمد بن مکرم، (۱۴۱۴ ق)، لسان العرب، بیروت، دار صادر.
 - ۳- استادی، رضا، (۱۳۸۳)، آشنایی با تفاسیر، تهران، نشر قدس.
 - ۴- اعرافی، علی رضا، (۱۳۹۱)، فقه تربیتی (مبانی و پیش فرض ها)، قم، مؤسسه فرهنگی اشراق و عرفان.
 - ۵- آلوسی، محمود بن عبدالله، (۱۴۱۵ ق)، روح المعانی، بیروت، منشورات محمدعلی بیضون.
 - ۶- بازگان، مهدی، (۱۳۷۶)، پا به پای وحی، تهران، شورای انجمن مهندسين.
 - ۷- بهجت پور، عبدالکریم، (۱۳۹۰)، همگام با وحی، قم، مؤسسه تمهید.
 - ۸- بهجت پور، عبدالکریم، (۱۳۹۴ ش)، شناخت نامه تنزیلی سوره های قرآن کریم، قم، مؤسسه تمهید.
 - ۹- بهجت پور، عبدالکریم، (۱۳۹۹)، تفسیر تنزیلی (به ترتیب نزول) مبانی، اصول، قواعد و فواید، چاپ چهارم، تهران، سازمان انتشارات پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی.
 - ۱۰- بیهقی، احمد بن حسین، (۱۴۲۴ ق)، السنن الكبرى، چاپ سوم، بیروت، دار الکتب العلمیة.
 - ۱۱- الجباري، محمد عابد، (۱۳۹۹)، فهم قرآن حکیم، ترجمه: آرمین، محسن، تهران، نشر نی.
 - ۱۲- حسینی، سید علی اکبر، (۱۳۹۹)، درآمدی بر مؤلفه های نظام اخلاقی قرآن، قم، پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی.
 - ۱۳- دیلمی، احمد، آذربایجانی، مسعود، (۱۳۹۶)، اخلاق اسلامی، تهران، نشر معارف.
 - ۱۴- راغب اصفهانی، حسین بن محمد، (۱۴۱۲ ق)، مفردات ألفاظ القرآن، بیروت، دارالقلم.
 - ۱۵- سراج زاده، حسن، (۱۳۹۶)، «گزاره های اخلاقی قرآن و چگونگی نظام مندسازی آن»، فصلنامه علمی پژوهشی پژوهش نامه اخلاق، شماره ۳۵.
 - ۱۶- شیروانی، علی، (۱۳۷۹)، اخلاق اسلامی و مبانی نظری آن، قم، دارالفکر.
 - ۱۷- طباطبایی، محمدحسین، (۱۳۹۰ ق)، المیزان فی تفسیر القرآن، بیروت، مؤسسة الأعلمی للمطبوعات.
 - ۱۸- طباطبایی، محمدحسین، (۱۴۱۶ ق)، نهایه الحکمه، قم، جماعة المدرسين فی الحوزة العلمیة بقم، مؤسسة النشر الإسلامی.
 - ۱۹- طباطبایی، محمدحسین، (بی تا)، فراهایی از اسلام، تهران، جهان آرا.
 - ۲۰- طبرسی، فضل بن حسن، (۱۳۷۲)، مجمع البیان، تهران، ناصر خسرو.
 - ۲۱- طریحی، فخرالدین بن محمد، (۱۳۷۵)، مجمع البحرین، چاپ سوم، تهران، مرتضوی.
 - ۲۲- طوسی، خواجه نصیرالدین، (۱۳۸۲)، اوصاف الاشراف، تحقیق: سید محمدرضا غیاثی کرمانی، چاپ سوم، قم، مؤسسه فرهنگی-انتشاراتی حضور.
 - ۲۳- طوسی، محمد بن حسن، (۱۴۱۴ ق)، الأمالی، قم، دار الثقافة.
 - ۲۴- عفیفی، محمد عبد الله، (۱۴۰۸ ق)، النظرية الخلقية عند ابن تیمیة، الرياض، الفرزدق التجارية.
 - ۲۵- فخری، عبدالصبور، (بی تا)، نظام اخلاقی اسلام، بی جا، سیرت.
 - ۲۶- فراهیدی، خلیل بن احمد، (۱۴۱۴ ق)، کتاب العین، قم، اسوه.

- ۲۷- فیض کاشانی، ملا محسن، (۱۴۱۷ ق)، *المحجة البيضاء*، قم، مؤسسه النشر الاسلامی.
- ۲۸- فیومی، احمد بن محمد، (۱۴۱۴ ق)، *المنیر فی غریب الشرح الکبیر*، قم، مؤسسه دارالهجره.
- ۲۹- مجلسی، محمدباقر، (۱۳۶۳)، *بحار الانوار*، ترجمه: موسوی همدانی، ابوالحسن، تهران، کتابخانه مسجد حضرت ولی عصر (عج).
- ۳۰- مصباح یزدی، محمدتقی، (۱۳۸۴)، *شرح برهان شفاء*، قم، انتشارات مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی (قدس سره).
- ۳۱- مصباح یزدی، محمدتقی، (۱۳۹۵)، *رابطه علم و دین*، چاپ سوم، قم، مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی (قدس سره).
- ۳۲- مصطفوی، حسن، (۱۳۶۸)، *التحقیق فی کلمات القرآن الکریم*، تهران، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.
- ۳۳- معرفت، محمدهادی، (۱۳۹۶)، *علوم قرآنی*، چاپ سوم، قم، مؤسسه فرهنگی انتشاراتی التمهید.
- ۳۴- مکارم شیرازی، ناصر، (۱۳۷۴)، *تفسیر نمونه*، تهران، دارالکتب الإسلامیة.
- ۳۵- ملاصدرا، (بی تا)، *الاسفار الاربعه*، بیروت، دارالاحیاء لتراث العربی.
- ۳۶- زراقی، مهدی بن ابی ذر، (بی تا)، *جامع السعادات*، بیروت، مؤسسه الاعلمی للمطبوعات.

REFERENCES

* The Holy Quran, translated by Ayatollah Makarem Shirazi.

1. Ibn Miskawayh, Ahmad Ibn Muhammad, (1426 AH), Tahzeeb al-Akhlaq wa Tat'hir al-A'raq, (n.p.), Tali'ah al-Nur.
2. Ibn Manzour, Muhammad bin Mukarram, (1414 AH), Lisan al-Arab, Beirut, Dar Sadir.
3. Ostadi, Reza, (1383), Get to Know the Interpretations, Tehran, Qods Publications.
4. Araf, Alireza, (2012), Fiqh Tarbiyati (Basics and Presuppositions), Qom, Ishraq and Irfan Cultural Institute.
5. Alousi, Mahmoud bin Abdullah, (1415 AH), Ruh al-Ma'ani, Beirut, Muhammad Ali Beydoun Publications.
6. Bazargan, Mahdi, (1376), Pa-be-Paye Vahy, Tehran, Engineers Association Office.
7. Behjatpoor, Abdol Karim, (1390), Hamgam with Vahy, Qom, Tamhid Institute.
8. Behjatpoor, Abdol Karim, (2014), Shenakhtnameh Tanzili Sureha Qur'an Karim, Qom, Tamhid Institute.
9. Behjatpoor, Abdol Karim, (2019), Tafsir Tanzili (interpretation in descending order) Basics, Principles, Rules and Benefits, 4th edition, Tehran, Islamic Culture and Thought Research Institute Publishing Organization.
10. Bayhaqi, Ahmad bin Hussein, (1424 AH), Al-Sunan al-Kubra, third edition, Beirut, Dar al-Kutub al-Ilmiyyah.
11. Al-Jabbari, Muhammad Abid, (1399), Fahm Qur'an Hakim (Understanding the Holy Qur'an), translated by: Armin, Mohsen, Tehran, Ney Publishing.
12. Hosseini, Seyyed Ali Akbar, (1399), "An introduction to the components of the moral system of the Qur'an", Qom, Research Institute of Islamic Sciences and Culture.
13. Deylami, Ahmad, Azarbaijani, Masoud, (1396), Islamic Ethics, Tehran, Ma'arif Publishing House.
14. Raghیب Isfahani, Hussein bin Muhammad, (1412 AH), Mufradat al-Qur'an, Beirut, Dar al-Qalam.
15. Sirajzadeh, Hasan, (1379), "Ethical propositions of the Qur'an and how to systematize them", Scientific Research Quarterly of Research Journal of Ethics, No. 35.
16. Shirvani, Ali, (1379), Islamic ethics and its theoretical foundations, Qom, Dar al-Fikr.
17. Tabatabaei, Muhammad Hussein, (1390 A.H.), Al-Mizan fi Tafsir al-Qur'an, Beirut, Al-Alami Publishing House.
18. Tabatabaei, Muhammad Hussein, (1416 AH), Nihayat al-Hikmah, Qom, Jama'at al-Mudarrisin fi al-Hawza al-Ilmiyyah, Qom, Al-Nashr al-Islami Institute.
19. Tabatabai, Muhammad Hussein, (n.d.), Farazhayi az Islam, Tehran, Jahan-Ara.
20. Tabarsi, Fazl bin Hassan, (1372), Majma' al-Bayan, Tehran, Naser Khosro.
21. Turaihi, Fakhruddin bin Muhammad, (1375), Majma' al-Bahrain, third edition, Tehran, Mor-tazavi.
22. Tousi, Khwajah Nasiruddin, (1382), Awsaf al-Ashraf, research: Seyyed Mohammad Reza Ghiashi Kermani, third edition, Qom, Hozour Cultural-Publishing Institute.
23. Tousi, Muhammad bin Hasan, (1414 AH), Al-Amali, Qom, Dar al-Thaqafah.

24. Afifi, Muhammad Abd Allah, (1408 A.H.), Al-Nazariyyah al-Khulqiyyah inda Ibn Taymiyyah, Al-Riyadh, al-Farazdaq al-Tijariyyah.
25. Fakhri, Abdul Sabour, (n.d.), The Ethical System of Islam, (n.p.), Sirat.
26. Farahidi, Khalil bin Ahmad, (1414 AH), Kitab al-Ain, Qom, Oswah.
27. Faiz Kashani, Mulla Mohsen, (1417 AH), Al-Muhajjah al-Beyda, Qom, Al-Nashr al-Islami Institute.
28. Fayyumi, Ahmad bin Muhammad, (1414 AH), al-Munir fi Gharib al-Sharh al-Kabir, Qom, Dar al-Hijrah Institute.
29. Majlisi, Muhammad Baqir, (1363), Bihar al-Anwar, translated by: Mousavi Hamedani, Abol Hasan, Tehran, Hazrat Vali Asr (A.S.) Mosque Library.
30. Misbah Yazdi, Mohammad Taqi, (1384), Sharh Burhan Shifa, Qom, Publications of Imam Khomeini Educational and Research Institute.
31. Misbah Yazdi, Mohammad Taqi, (2015), "The relationship between science and religion, third edition", Qom, Imam Khomeini Educational and Research Institute.
32. Mustafawi, Hasan, (1368), Al-Tahqiq fi Kalimat al-Qur'an al-Karim, Tehran, Ministry of Islamic Culture and Guidance.
33. Marifat, Muhammad Hadi, (2016), Uloum al-Quran, third edition, Qom, Al-Tamhid Publishing Cultural Institute.
34. Makarem Shirazi, Naser, (1374), Tafsir Nomooneh, Tehran, Dar al-Kutub al-Islamiyyah.
35. Mulla Sadra, (n.d.), Al-Asfar al-Arba'ah, Beirut, Dar Ihya al-Turath al-Arabi.
36. Naraghi, Mahdi bin Abi Zar, (n.d.), Jami' al-Sa'adat, Beirut, Al-A'lami Institute of Press.



Economic Education in the Islamic Standard system from the Perspective of the Holy Quran

(Received: 2022/08/02 / Accepted: 2023/07/19)

Hamid Mahjour¹

ABSTRACT

One of the most important areas of communication in the Islamic system is the relations in the economic field, and many other relationships of people are affected by that. The most correct way to organize economic relations in society is based on a reliable source of necessities, the non-compliance of which will result in to irreparable damage. The Holy Qur'an, as the most central Islamic source, considers the attention to management of livelihood as an important principle in people's lives. In this article, the researcher seeks to enumerate the most important effective components in economic education from the perspective of the Holy Quran, with the aim of planning a model for economic education in the Islamic standard system, with a descriptive and analytical method. By examination of the verses related to the science of economics and the existing interpretations related to it, especially the interpretation of Al-Mizan, three components of "cognitive", "attitudinal" and "behavioral" have been extracted.

The findings of the research show that faith in the absolute ownership of God, belief in resurrection, belief in divine dignity and caliphate, belief in divine sustenance, and instrumental attitude towards worldly wealth are among the cognitive components of economic education. Focusing on justice, contentment, asceticism and moderation, the spirit of contentment in life, the spirit of removing poverty and caring for the poor, are among the emotional and attitudinal component of economic education. And giving charity for the sake of God, trying to earn a living, having an economic plan in life, the spirit of work and service and prudence in investment, are the behavioral components of economic education.

KEYWORDS: Economic Education, Islamic Standard System, Cognitive Components, Attitudinal Components, Behavioral Components, the Holy Quran.

1- Ph.D. student of Philosophy of Education, Khwarazmi University, Tehran; Iran
mahjour1404@gmail.com



تربیت اقتصادی در نظام معیار اسلامی از منظر قرآن کریم

(تاریخ دریافت: ۱۴۰۱/۰۵/۱۱ - تاریخ پذیرش: ۱۴۰۲/۰۴/۲۸)

حمید مهجور^۱

چکیده

یکی از مهم‌ترین عرصه‌های تعاملی در نظام اسلامی تعاملات در حوزه اقتصادی است و بسیاری از دیگر روابط افراد متأثر از آن است. نحوه صحیح تنظیم روابط اقتصادی در جامعه مبتنی بر منبعی قابل اعتماد از ضرورت‌هایی است که عدم رعایت آن خسارت‌های جبران‌ناپذیری را در پی خواهد داشت. قرآن کریم به‌عنوان محوری‌ترین منبع اسلامی توجه به معیشت و تدبیر آن را اصلی مهم در زندگی افراد می‌شمارد. در این نوشتار محقق در پی برشمردن مهم‌ترین مؤلفه‌های مؤثر در تربیت اقتصادی از منظر قرآن کریم با هدف درآمدی بر طرح‌ریزی الگویی برای تربیت اقتصادی در نظام معیار اسلامی است که به روش توصیفی-تحلیلی ضمن بررسی آیات مرتبط با بحث اقتصاد و تفاسیر موجود مرتبط با آن به‌ویژه تفسیر شریف المیزان مؤلفه‌های بینشی، گرایشی و کنشی استخراج گردیده است. یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد ایمان به مالکیت مطلقه خداوند، معاد باوری، باور به کرامت و خلافت الهی، اعتقاد به رزاقیت الهی و نگرش ابزاری به مال دنیا از مؤلفه‌های بینشی تربیت اقتصادی است. عدالت محوری، قناعت و زهد، اعتدال و میانه‌روی و مؤلفه‌های کنشی تربیت اقتصادی پرداخت وجوهات شرعی، سعی و تلاش برای کسب روزی، داشتن برنامه اقتصادی در زندگی، روحیه کار و خدمت‌رسانی، تدبیر در سرمایه‌گذاری، روحیه قناعت در زندگی، روحیه فقرزدایی و رسیدگی به محرومان نیز مؤلفه‌های گرایشی تربیت اقتصادی است.

واژگان کلیدی: تربیت اقتصادی، نظام معیار اسلامی، مؤلفه‌های بینشی، مؤلفه‌های گرایشی، مؤلفه‌های کنشی، قرآن کریم.

۱. مقدمه

رفتارها و تعاملات انسانی در جوامع، حاصل بینش‌ها و گرایش‌هایی است که نسبت به مدیریت و تنظیم رابطه انسان با خود، خداوند، سایر انسان‌ها و طبیعت دارند. بخش وسیعی از تعاملات انسان‌ها در راستای تأمین نیازهای اولیه خوراک، پوشاک و مسکن و تأمین نیازهای رفاه انسانی در حوزه رفتارهای اقتصادی قرار می‌گیرد.

تعلیم و تربیت اقتصادی در سالیان دراز مورد توجه اقتصاددانان و برنامه‌ریزان اقتصادی بوده است و در سراسر جهان مراکز آموزشی بسیاری و صدها انجمن و مرکز بین‌المللی به‌طور تخصصی در این زمینه پژوهش می‌کنند (پیغامی و تورانی، ۱۳۹۰: ۳۲). کشورهای پیشرفته سطح سواد اقتصادی در جامعه خود را به‌طور مداوم رصد می‌کنند و نسبت به فهم مفاهیم و مهارت‌های تصمیم‌گیری و تحلیل مسائل اقتصادی در جامعه خود حساسیت نشان می‌دهند (همان: ۴۸).

با نگاه به مفاهیم قرآنی و روایات اهل‌بیت (ع) توجه اسلام به امر معیشت و تدبیر آن کاملاً مشهود است. یکی از ساحت‌های تربیتی مورد توجه اسلام، تربیت اقتصادی است و کنار توجه به امور اخروی توصیه به بهره‌گیری از نعمات الهی در دنیا دارد. تربیت اقتصادی در نظام تربیت رسمی عمومی نیز توسط نگارندگان سند تحول مورد توجه قرار گرفته و به‌عنوان یکی از ساحت‌های تربیتی متریان در نظر گرفته شده است.

هرچند در مورد تربیت اقتصادی پژوهش‌های زیادی انجام گرفته؛ ولی برشمردن مؤلفه‌های بینشی، گرایشی و کنشی در جهت ترسیم الگویی برای تربیت اقتصادی صحیح مبتنی بر نگاه قرآن نیز ضروری می‌نماید. چراکه نبود تعاملات صحیح اقتصادی بین افراد در جامعه عامل ایجاد بسیاری از چالش‌های اجتماعی و فرهنگی خواهد بود. ضروری است ضمن استخراج مؤلفه‌های مختلف تربیت اقتصادی از دیدگاه قرآن و روایات برای دست یافتن به آن‌ها برنامه‌ریزی جامع و کاملی در نظام تعلیم و تربیت انجام شود. مهم‌ترین جنبه‌ی نوآوری این تحقیق، کاربردی بودن موضوعات استخراج‌شده درباره‌ی تربیت اقتصادی است که به‌راحتی و با آموزش‌های معین در سیستم تعلیم و تربیت قابل‌دستیابی است؛ از این رو پژوهش حاضر به دنبال آن است با روش توصیفی-تحلیلی مؤلفه‌های بینشی، گرایشی و کنشی را در جهت درآمدی بر طرح الگوی تربیت اقتصادی از منظر قرآن کریم استخراج نماید. بر اساس این فرضیه دین اسلام همواره نسخه کامل و جامعی در تمامی عرصه‌های تربیت در اختیار انسان قرار داده است. همان‌گونه که خداوند متعال می‌فرماید: «وَلَا رَطْبٌ وَلَا يَابِسٌ إِلَّا فِي كِتَابٍ مُّبِينٍ» (انعام: ۵۹) نسخه تمامی ساحت‌های تربیتی در

قرآن کریم آمده است لذا سؤال اصلی پژوهش این است که مهم‌ترین مؤلفه‌های بینشی، گرایشی و کنشی تربیت اقتصادی از منظر قرآن کریم چه مواردی است؟

۲. مفهوم‌شناسی

تربیت: واژه تربیت از نظر لغوی، مصدر باب تفعیل و از دو ریشه «رَبَّ» یا «رَبَّوْ» به معنای رشد، نمو، زیادشدن، افزایش یافتن و اصلاح چیزی آورده شده است. راغب اصفهانی، تربیت را تغییر تدریجی چیزی می‌داند، به نحوی که به حدّ تمام برسد: «انشاء الشيء حالاً فحالاً الی حد التمام» (اصفهانی، بی‌تا: ۳۷۶). ابن منظور در لسان العرب می‌نویسد: تربیت از ربو، به معنای زیادتی، رشد، نمو و نگهداری است (ابن منظور، ۱۴۱۶: ۳۹۹). برای تربیت در اصطلاح، تعریف واحدی وجود ندارد و هر یک از اندیشمندان بر اساس فلسفه تربیتی خود تعریفی از آن ارائه داده‌اند. افلاطون تربیت را چنین تعریف می‌کند:

«نخستین شکوفایی قابلیت در روح کودک، بدین معنی که لذت و میل در دو نفر به صورتی شایسته در درون کودک پدیدار شود، پیش از آنکه کودک بتواند به یاری خرد به آنچه در درونش می‌گذرد، آگاه شود» (افلاطون، ۱۳۵۴: ۴۳-۴۴).

از میان اندیشمندان اسلامی شهید مطهری (ره) به‌عنوان یکی از نظریه‌پردازان معاصر انقلاب اسلامی، تربیت را به معنای فعلیت بخشیدن به استعدادها و درونی یکشی و همچنین پرورش آنها می‌داند. در نتیجه به عقیده ایشان این نوع پرورش دادن مخصوص انسان‌هاست و در نتیجه می‌توان گفت تربیت باید پیرو طبیعت و فطرت انشی باشد (مطهری، ۱۳۷۴: ۵۶-۶۷). در مبانی نظری سند تحول بنیادین آموزش و پرورش نیز آمده است:

«تربیت عبارت است از فرایند تعاملی زمینه‌ساز تکوین و تعالی پیوسته هویت متریان، به صورتی یکپارچه و مبتنی بر نظام معیار اسلامی، به منظور هدایت ایشان در مسیر آماده شدن جهت تحقق آگاهانه و اختیاری مراتب حیات طیبه در همه ابعاد» (مبانی نظری سند تحول: ۱۳۹)

این تعریف نسبت به سایر تعاریف تربیت، جامع‌تر است و به جنبه‌های گوناگون تربیت توجه بیشتری دارد. آنچه در تعاریف تربیت کاملاً مشهود است که تربیت فرآیندی است که اولاً جنبه‌های مختلفی را در برمی‌گیرد که مطمئناً یکی از جنبه‌های آن تربیت یافتن در زمینه اقتصادی و تعاملات اقتصادی در زندگی است. ثانیاً این تربیت در سه ساحت اساسی بینش و دانش، گرایش‌ها و تمایلات و کنش و رفتار باید حاصل شود.

اقتصاد: واژه اقتصاد از ماده «قَصَدَ» در معنای رفتن، روان شدن، قصد چیزی یا کسی را کردن، خواستن، نیت کردن، در اندیشه کاری بودن (آذرنوش، ۱۳۹۱: ۵۴۴) و امثال آن به کاررفته است. همچنین اقتصاد به معنای اعتدال و میانه‌روی نیز آمده است. (طریحی، ۱۳۶۲، ۳: ۱۲۷).
راغب اصفهانی در مورد کلمه اقتصاد آورده است، این واژه بر دو گونه است:

«اول- اقتصاد پسندیده به‌طور مطلق: در میانه‌روی چیزی که دو طرف افراط و تفریط دارد. مثل جود یا بخشش که میان حالت زیاده‌روی و بخل قرار دارد و شجاعت که حالتی است ما بین تهور و ترس. آیاتی چون «وَاقْصِدْ فِي مَشْيِكَ» (لقمان: ۱۹) و «وَالَّذِينَ إِذَا أَنْفَقُوا لَمْ يُسْرِفُوا» (فرقان: ۶۷) بدین معنا اشاره کرده است. دوم- اقتصادی که کنایه از چیزی میان حالت پسندیده و ناپسند است، مثل قرار گرفتن میان عدل و جور (که نه عدالت است و نه جور و ستم) یا حالت و موقعیتی در میان نزدیک و دور مانند آیه: «فَمِنْهُمْ ظَالِمٌ لِنَفْسِهِ وَمِنْهُمْ مُقْتَصِدٌ وَمِنْهُمْ سَابِقٌ بِالْخَيْرَاتِ» (فاطر: ۳۲) (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲، ق: ۶۷۲).

در میان اقتصاددانان تعاریف مختلفی از مفهوم اقتصاد بیان شده است. تعریفی که بیشتر مورد توافق قرار گرفته است، عبارت است از: «مطالعه چگونگی استفاده از منابع کمیاب جامعه به منظور تولید کالاهای باارزش و توزیع بین افراد مختلف است» (ساموئلسن و نورد هاوس، ۱۳۸۸، ۱: ۷)؛ از این رو با توجه به کمبود منابع لازم است، فرآیند تولید و توزیع به بهترین وجه در جوامع صورت گیرد که لازمه آن علاوه بر پیشرفت جوامع به لحاظ ابزارآلات تولید، رشد یافتگی، مشارکت صحیح مردم در فرآیند تولید، توزیع و مصرف است.

نگاه اسلام به مسئله اقتصاد، نگاه با محوریت خداوند به منظور اصلاح و سعادت انسان است و امور اقتصادی بشر را جزئی از مجموعه قوانین خود می‌شمارد که تنها می‌تواند قسمتی از حیات انسانی را تنظیم کند و حل مشکلات اقتصادی را در اصلاح مبانی عقیدتی و اخلاقی مردم مؤثر می‌داند چنانکه در روایت آمده است: «قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ: كَادَ الْفَقْرُ أَنْ يَكُونَ كَفْرًا» (حرعاملی، ۱۳۹۲، ۱۵: ۳۶۵)؛ نزدیک (و ممکن) است فقر موجب کفر شود.

تربیت اقتصادی: تربیت اقتصادی در دیدگاه اسلام عبارت است از ایجاد آمادگی‌های لازم در مرتبه‌ی به‌نحوی که ضمن شناختن استعداد اقتصادی خود، بتواند آن را به بهترین وجه شکوفا کند و با اتخاذ میانه‌روی، از منابع موجود به نحوی بهره‌برداری کند که ممکن و میسر باشد و در طریق تولید، توزیع و مصرف شریعت الهی را در نظر داشته باشد و همه این فعالیت‌ها را در جهت قرب به خدا و کسب رضای او به انجام رساند (ایمانی، ۱۳۹۱: ۶۱).

ساحت تربیت اقتصادی و حرفه‌ای در سند تحول آموزش و پرورش به‌عنوان بخشی از جریان تربیت رسمی و عمومی ناظر به یکی از ابعاد مهم زندگی آدمی یعنی بعد اقتصادی و معیشتی انسان‌هاست. این ساحت ناظر به رشد توانایی‌های متریان در تدبیر امر معاش و تلاش اقتصادی و حرفه‌ای، درک و فهم مسائل اقتصادی، درک و مهارت حرفه‌ای، التزام به اخلاق حرفه‌ای، توان کارآفرینی، پرهیز از بطالت و بیکاری، رعایت بهره‌وری، تلاش جهت حفظ و توسعه ثروت، اهتمام به بسط عدالت اقتصادی، مراعات قوانین کسب‌وکار و احکام معاملات و التزام به اخلاق و ارزش‌ها در روابط اقتصادی است. (مبانی نظری سند تحول بنیادین: ۹۶)

نظام معیار اسلامی: در سند تحول بنیادین آموزش و پرورش در تعریف نظام معیار اسلامی آمده است: «مبانی و ارزش‌های مبتنی بر دین اسلام ناب محمدی یا سازگار با آن، مشتمل بر سلسله مراتبی از ارزش‌هاست که ناظر به همه‌ی ابعاد زندگی انسان است، زیرا دین اسلام به همه‌ی عرصه‌های امور اجتماعی و فردی، دنیوی و اخروی، مادی و معنوی زندگی بشر پرداخته است (نفی سکولاریسم) هرچند نسبت به پاره‌ای از این عرصه‌ها، به‌عرضه کلیات اکتفا و نسبت به بخشی دیگر، جزئیات را نیز ذکر کرده است.» (مبانی نظری سند تحول بنیادین: ۱۳۱) بر این اساس برای بررسی هرگونه تعامل انسانی در جامعه اسلامی باید به همه ابعاد اعم از بینش، گرایش و کنش توجه شود تا بتوان بر اساس آن الگوی متناسب با نظام معیار ارائه نمود. با توجه به مدل بینش، گرایش و کنش؛ حوزه بینشی دربرگیرنده گرایش‌ها و کنش‌های افراد است. با بررسی آیات مرتبط با بحث تربیت اقتصادی در قرآن کریم سه دسته مؤلفه‌های بینشی، گرایشی و کنشی استخراج شده است.

۳. مؤلفه‌های بینشی

مؤلفه‌های بینشی حوزه‌هایی از تعلیم و تربیت است که با بینش انسان سروکار دارد که هدف آن آموزش یا تقویت بینش‌های مخاطبان در سطوح مختلفی مانند دانش، کاربرد، تجزیه و تحلیل، ترکیب و ارزشیابی است. مرحله دانش مرتبه‌ای از شناخت و بینش است که در آن، آموخته‌ها حفظ می‌شوند و قابل یادآوری هستند. مرحله درک، مرتبه‌ای است که در آن، توانایی فهم و توضیح مطلب، خلاصه‌گیری از آن و پیش‌بینی ثمرات و نتایج آموخته‌ها ممکن می‌گردد. در مرحله کاربرد، یادگیرنده توانایی استفاده از آموخته‌ها را در موقعیت‌های جدید پیدا می‌کند و می‌تواند قواعد و اصول کلی را در موقعیت‌های عملی به کار گیرد. در مرحله تجزیه و تحلیل،

آموخته‌ها قابل تقسیم به اجزای تشکیل دهنده خود هستند و روابط میان آن‌ها قابل تحلیل خواهد بود. در مرحله ترکیب، یادگیرنده می‌تواند با به‌کارگیری قدرت خلاقیت خود، اجزای آموخته‌ها را با یکدیگر ترکیب نماید؛ و در مرحله نهایی یادگیرنده می‌تواند درباره مطالب آموخته‌شده قضاوت و اظهارنظر کند (مصباح یزدی، ۱۳۹۰: ۳۳۰). توحید باوری، ایمان به مالکیت مطلقه خداوند، معاد باوری، باور به کرامت و خلافت الهی انسان، اعتقاد به رزاقیت الهی و نگرش ابزاری به مال دنیا از جمله مهم‌ترین مؤلفه‌های بینشی موثر در تربیت اقتصادی به شمار می‌رود.

الف) توحید باوری

محور اصلی نظام تشریح احکام و همچنین تعلیم و تربیت، جهاد و اجتهاد و اصلاح خود و دیگران همواره اعتقاد به توحید خداوند است؛ بنابراین در سایه عنصر تلاش برای خدا و جلب رضایت او، دشواری‌های امت اسلامی برطرف و نیازهای جامعه انسانی مسلمانان و غیرمسلمانان نیز رفع خواهد شد. این مسئله باعث حفظ عزت آن‌ها می‌گردد؛ لذا می‌توان گفت تمامی اقدامات انسان در سایه توحید معنا پیدا می‌کند و هیچ‌چیزی همتای جلب رضایت خداوند نیست (جوادی آملی، ۱۳۸۴: ۲۴).

با توجه به اهمیت «ذکر الهی» و نقش سازنده آن در پیشرفت معنوی انسان‌های مؤمن، خداوند مؤمنان را از توجه به اموری که انسان را از یاد خدا بازمی‌دارد، بر حذر می‌دارد و می‌فرماید: «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تُلْهِكُمْ أَمْوَالُكُمْ وَلَا أَوْلَادُكُمْ عَنْ ذِكْرِ اللَّهِ وَمَنْ يَفْعَلْ ذَلِكَ فَأُولَئِكَ هُمُ الْخَاسِرُونَ» (منافقون: ۹)؛ ای کسانی که ایمان آورده‌اید، اموال و اولادتان شما را از یاد خدا باز ندارد و هر کس چنین کند، از زیانکاران است. بدیهی است، توجه به مال و زندگی دنیوی، در صورتی که انسان را از یاد خدا بازدارد و به‌سوی دنیازدگی بکشاند، نهی شده است و به‌عبارت‌دیگر، هدف انسان در زندگی توجه به آن‌ها باشد، ولی در صورتی که انسان مراقب نفس خویش باشد و از این‌ها به‌عنوان وسیله برای رسیدن به سعادت ابدی استفاده کند، نه‌تنها مذموم نیست، بلکه سفارش هم شده است.

علامه طباطبایی درباره توحید باوری می‌گوید:

«اگر انسان با نهادی پاک و دلی آرام، نگاهی به جهان هستی نماید، در هر گوشه و کنار آن، آثار و دلایل وجود پاک آفریدگار را مشاهده خواهد کرد. از هر درودیواری به ثبوت این حقیقت گواهی خواهد شنید. انسان در این جهان با هرچه روبه‌رو می‌شود، یا پدیده‌ای است که خدا آن

را آفریده یا خاصیتی است که خدا در آن نهاده یا نظامی است که به امر الهی در همه چیز جاری و حکم فرما گشته است. آدمی نیز خود یکی از همان‌هاست و سرپایش به این حقیقت گواهی می‌دهد» (طباطبایی، ۱۳۵۹: ۵)؛

بنابراین کسی که در مکتب توحید ناب تربیت نشده، در حوادث گوارا، گرفتار ناسپاسی، تکبر و غرور می‌شود و در حوادث ناگواری که بر اثر تبهکاری خود او به وی می‌رسد، ناامید است (جوادی آملی، ۱۳۸۸، ۷: ۶۷۷).

خداوند در آیه ۹۶ سوره اعراف می‌فرماید: «وَلَوْ أَنَّ أَهْلَ الْقُرَىٰ آمَنُوا وَاتَّقَوْا لَفَتَحْنَا عَلَيْهِم بَرَكَاتٍ مِّنَ السَّمَاءِ وَالْأَرْضِ وَلَٰكِن كَذَّبُوا فَأَخَذْنَاهُم بِمَا كَانُوا يَكْسِبُونَ» (اعراف: ۹۶)؛ و اگر اهل شهرها و آبادی‌ها ایمان می‌آوردند و پرهیزکاری پیشه می‌کردند، یقیناً [درهای] برکاتی از آسمان و زمین را بر آنان می‌گشودیم، ولی [آیات الهی و پیامبران را] تکذیب کردند، ما هم آنان را به کیفر اعمالی که همواره مرتکب می‌شدند [به عذابی سخت] گرفتیم. در این آیه خداوند متعال به صراحت بیان می‌دارد که ایمان و تقوای الهی عامل نزول برکات مادی و معنوی بر جوامع است. «برکت» به معنای ثبات و چیزی است که پایدار باشد. ایمان و تقوا نه تنها سبب نزول برکات الهی می‌شود، بلکه باعث می‌گردد که آنچه در اختیار انسان قرار گرفته در مصارف مورد نیاز به کار گرفته شود و طبعاً آثار آن باقی و برقرار خواهد ماند و مصداق کلمه برکات خواهد بود (مکارم شیرازی، ۲۶۶: ۶).

ب) ایمان به مالکیت مطلقه خداوند

توحید در خالقیت، نوعی رابطه وجودی میان خداوند با سایر موجودات را ترسیم می‌کند که بر اساس آن همه مخلوقات تکویناً در اختیار خداوند است. بدین معنی که هر چیزی همان‌طوری که خداوند می‌خواهد، موجود می‌شود. لذا می‌توان گفت همه چیز در اصل وجود و همه شئون وجودش، کاملاً در اختیار خداوند و تحت تسلط اوست، به تعبیر دیگر می‌توان گفت خداوند مالک همه چیز است: «لَهُ مَا فِي السَّمَاوَاتِ وَمَا فِي الْأَرْضِ وَمَا بَيْنَهُمَا وَمَا تَحْتَ الثَّرَىٰ» (طه: ۶).

مالکیت در معنای عرفی خود، مفهومی است که برای کسی نسبت به چیزی اعتبار می‌شود تا به این وسیله تصرفات او را در آن چیز معتبر و مجاز بدانند. برای مثال وقتی کسی مالک کتابی می‌شود گرچه با مالک شدن آن رابطه حقیقی و تکوینی او و آن کتاب تغییری نمی‌کند؛ اما مالکیت حقیقی که همان سلطه تکوینی است، نیاز به اعتبار ندارد و در نتیجه جواز به حق تصرف

مالک حقیقی در ملک خود یعنی در آن چیزی که حقیقتاً در اختیار و تحت سلطه اوست، ذاتی است و جواز و حق تصرف دیگران نیازمند رضایت و اذن مالک حقیقی از جمله از راه جعل مالکیت اعتباری برای آن‌هاست. به این ترتیب مالکیت حقیقی و مطلق الهی مستلزم حق انحصاری خداوند برای تصرف در همه چیز است، به این معنا که کسی جز خداوند متعال مجاز به تصرف در موجودات نیست مگر به رضایت و اذن او (مصباح یزدی، ۱۳۹۰: ۱۴۰).

انسانی که خود را مالک حقیقی چیزی نداند و همه را از آن خداوند متعال به حساب بیاورد، در عرصه‌های اقتصادی همیشه نگاه اعتباری به مالکیت‌ها دارد و در نتیجه از بسیاری آسیب‌ها و فسادهای اقتصادی از جمله احتکار، تضییع حقوق مردم، ثروت‌اندوزی در امان خواهد ماند.

ج) معاد باوری

مهم‌ترین عامل در هدایت انسان، اعتقاد به قیامت و یاد معاد است و بر اساس آیه ۲۶ سوره ص فراموشی روز حساب اساسی‌ترین عامل تبهکاری و مبتلا شدن به عذاب است. آیه الله جوادی آملی با اشاره به اینکه در بسیاری از آیات قرآن کریم، سخن از معاد و قیامت به میان آمده است، معتقد است توجه قرآن کریم به امر معاد و کیفر الهی به قدری است که می‌توان گفت عامل تمایز آن از دیگر کتاب‌های آسمانی شده است (جوادی آملی، ۱۳۸۸ الف، ۱: ۳۹۱). ایشان همچنین معتقدند:

«طرح معاد در دیگر کتاب‌های آسمانی موجود کنونی به قدری ضعیف است که برخی احتمال دادند اصلاً تورات و انجیل معاد را مسئله اساسی تهذیب و تربیت جامعه بشری نمی‌دانند، در حالی که چنین نیست. البته اصراری که قرآن بر تنبّه به معاد دارد در آن‌ها یافت نمی‌شود. به هر تقدیر، تذکره قیامت از مهم‌ترین و حیاتی‌ترین اصول تربیتی قرآن حکیم است» (جوادی آملی، ۱۳۸۹ ب، ۴: ۴۱).

بنابراین دین اسلام هم مجموعه قوانینی است که با آن هدف معاد انسان هماهنگ است و خداوند تنها مرجعی است که از معاد انسان آگاه است؛ پس فقط او می‌تواند قوانین را برای تربیت انسان در جهت نیل به آن هدف معین کند (جوادی آملی، ۱۳۸۸ ب: ۹۸).

خداوند در سوره تکوین می‌فرماید: «ثُمَّ لَتُسْأَلُنَّ يَوْمَئِذٍ عَنِ النَّعِيمِ» (تکواثر: ۶). دو نکته در این آیه وجود دارد: اول اینکه مخاطب آیه همه عموم مردم است که شامل همه افرادی است که تکاثر نعمت، آن‌ها را از یاد خدا غافل کرده است. دوم: مراد از «نعمت» مطلق نعمت است و بازخواست

از تمامی نعمت‌ها انجام می‌شود. از آنجا که نعمت چیزی است که سازگار با زندگی و کمال منعم علیه است و خیر و منفعت او را تضمین می‌کند، پس استعمال این نعمت‌ها به طریق خداپسندانه که انسان را به غایت مطلوبش برساند، همان راهی است که آدمی را به غایت و هدف از خلقتش که همان اطاعت است می‌رساند (طباطبایی ۲۰، ۱۳۷۴: ۶۰۳). بر اساس انسان باید تمامی نعمات را وسیله‌ای برای رسیدن به هدف نهایی خود یعنی قرب الهی بداند، در غیر این صورت مرتکب گناه شده است. لذا نقش آخرت اندیشی و معاد باوری در تربیت و پرورش انسان نقشی بی‌نظیر است؛ زیرا افق دید را دگرگون می‌کند و انسان را قدرت خداوند و حقیقت خویش آشنا می‌کند و انسان را مسئول و متعهد بارمی‌آورد.

د) باور به کرامت و خلافت الهی انسان

کرامت از نظر تربیتی به معنای منزه بودن از پستی و فرومایگی و برخوردار بودن از اعتلای روحی است (جوادی آملی، ۱۳۶۹: ۲۱-۲۳) و این کرامت امری است که به صورت ذاتی خداوند متعال انسان را بدان مفتخر کرده است. کرامت انسان در پرتو خلافت خداوند است و «خلیفه، کسی است که در تمام شئون علمی و عملی خود، تابع «مستخلف عنه» باشد و برابر علم او اندیشه پیدا کند و مطابق اراده او صاحب انگیزه شود» (جوادی آملی، ۱۳۸۹ الف: ۱۹۶). اگر انسانی بر محور هوا و هوس خود باشد، به مقام منبع خلافت خدا نمی‌رسد و در نتیجه، از کرامت خلافت سهمی نخواهد داشت. (همان).

خداوند در قرآن می‌فرماید: «وَأَنْفِقُوا مِمَّا جَعَلَكُمْ مُسْتَخْلِفِينَ فِيهِ» (حدید: ۷)؛ پس برای کسانی از شما که ایمان آورده و انفاق کرده‌اند، پاداش بزرگی خواهد بود. استخلاف انسان به معنای خلیفه کردن انسان است. علامه طباطبایی دو منظور از استخلاف در این آیه را بیان می‌کند: استخلاف یا بدین معناست که خداوند متعال انسان را در زمین جانشین خود کرده است، همانطور که در آیه شریفه «إِنِّي جَاعِلٌ فِي الْأَرْضِ خَلِيفَةً» (بقره، ۳۰) آمده است. با این تعبیر چون آدمی خودش و تمام اموالش از آن خداوند است و در واقع آدمی در آنچه دارد خلیفه و وکیل از جانب خداوند است؛ لذا انفاق کردن برایش آسان می‌شود. یا اینکه منظور از استخلاف این است که خداوند ایشان را جانشین پیشینیان خود در آن اموال کرده است و با چنین فرضی باز به بیانی دیگر آنها را به انفاق تشویق کرده است، چون وقتی درمی‌یابند که این اموال قبلاً در دست دیگران بوده و به آنان وفا نکرده، متوجه می‌شوند که به ایشان نیز وفا نخواهد کرد و در

زمان کوتاهی با اتمام عمر آنها را برای دیگران خواهند گذاشت (طباطبایی، ۱۳۷۴، ۱۹: ۲۶۶) و در هر دو احتمال نتیجه این است که دل‌بستگی به مال و ثروت بی‌فایده است، چراکه همه آن امانتی است که باید در راستای قرب الهی به کار گرفته شود. باور به کرامت و خلافت الهی، تعاملات اقتصادی در جامعه را متحول می‌کند و نگرش انسان به ثروت، هدف‌گذاری اقتصادی، شیوه برخورد با منابع و درآمدهای مالی و شیوه رفتار با دیگران به کلی دگرگون می‌شود. ارزش انسان از یک وسیله و ابزار کسب درآمد که در غرب مطرح است، به مراتب فراتر می‌رود و به موجودی ارزشمند و ارزش‌آفرین بدل می‌شود. اعتقاد به جانشینی انسان در زمین به‌عنوان نماینده خدا در این کره خاکی، از طرفی ارزش آدمی را روشن می‌سازد و اینکه همیشه باید کرامت او را پاس داشت و نباید کاری برخلاف کرامت انسانی انجام داد و از طرف دیگر انسان در تمامی شئون از جمله صداقت، مهربانی و عدالت باید تابع «مستخلف عنه» باشد.

ه) اعتقاد به رزاقیت الهی

باور به رزاقیت الهی یکی از مبانی مهم تربیت اقتصادی است. انسانی که باور دارد در هر شرایطی خداوند رزق او را متناسب با تلاشش عنایت می‌کند، از بسیاری انحرافات اقتصادی از جمله احتکار، تقلب و گران‌فروشی در امان خواهد بود. خداوند متعال در قرآن می‌فرماید: «وَمَا مِنْ دَابَّةٍ فِي الْأَرْضِ إِلَّا عَلَى اللَّهِ رِزْقُهَا» (هود: ۶)؛ تمامی جنبنده‌هایی که در زمین هستند، رزقشان بر عهده خداوند است و هرگز بدون رزق نمی‌مانند و خداوند متعال دانا و با خبر از احوال آنها است هر جا که باشند.

شهید مطهری می‌نویسد:

«آدم متقی هرگز از راه‌های نامشروع به دنبال روزی نمی‌رود، ولی خدا راه دیگری از روزی به روی او باز می‌کند که آن راه مزیتی دارد که راه عادی و معمولی و لو حلال هم باشد، ندارد و آن این است که رزق «لَا يُحْتَسَبُ» به او می‌رسد، یعنی از راه‌هایی روزی به او می‌رسد که خود گمان نمی‌برد، چون راهی است که عادتاً از آن راه به آن نمی‌رسد، یعنی حس می‌کند که از دست خدا دارد می‌گیرد. روزی همیشه به دست خداست، از راه عادی هم به انسان برسد باز به دست خداست، اما فرق است، میان اینکه انسان طوری زندگی کند که دست خدا را و لطف خدا را در مورد خودش حس و مشاهده کند و اینکه آن را حس و مشاهده نکند. آدم متقی و پرهیزکار، در روزی گرفتن از خدا دست خدا را مشاهده می‌کند، می‌بیند که او چطور

آن محرومیت‌های از راه نامشروع را تحمل کرد و چگونه خداوند در دیگری به روی او گشود و باز کرد» (مطهری، ۱۳۷۷، ۲۷: ۴۰۷).

ز) نگرش ابزاری به مال دنیا

ثروت و دارایی انسان صرفاً وسیله‌ای برای رسیدن به حیات طیبه و قرب الی الله است. با انحراف از این عقیده در بسیاری از مردم علاقه به مال و ثروت به‌عنوان هدف انگاشته می‌شود و وسیله بودن آن به فراموشی سپرده می‌شود. بدین صورت که محبت به مظاهر شهوت در نظر بعضی از مردم زینت داده‌شده و بزرگ‌تر و زیباتر از آنچه هست جلوه داده‌شده و افراد را به خود مشغول و مفتون کرده است و به‌صورت کمال مطلوب درآمده است (همان، ۲۲: ۲۱۹). خداوند می‌فرماید: «لِلنَّاسِ حُبُّ الشَّهَوَاتِ مِنَ النِّسَاءِ وَالْبَنِينَ وَالْقَنَاطِيرِ الْمُقَنْطَرَةِ مِنَ الذَّهَبِ وَالْفِضَّةِ وَالْخَيْلِ الْمُسَوَّمَةِ وَالْأَنْعَامِ وَالْحَرْثِ ذَلِكَ مَتَاعُ الدُّنْيَا وَاللَّهُ عِنْدَهُ حُسْنُ الْمَاَبِ» (آل عمران: ۱۴)؛ علاقه به شهوات یعنی زنان و فرزندان و گنجینه‌های پر از طلا و نقره و اسبان نشان‌دار و چارپایان و مزرعه‌ها علاقه‌ای است که به وسوسه شیطان بیش از آن مقدار که لازم است در دل مردم سر می‌کشد باینکه همه این‌ها وسیله زندگی موقت دنیا است و سرانجام نیک نزد خدا است.

در مورد گرایش به مال و ثروت آنچه مهم است، تعدیل آن با نگرش درست به دارایی‌ها و همان نگاه ابزاری به مال و ثروت است و اینکه دنیا، هدف اصلی نیست و ابزاری برای رسیدن به هدف است. نباید به پول و دارایی، به‌عنوان هدف نگریت؛^۲ چرا که نگرش هدف‌گرایانه به ثروت، انسان را از هدف اصلی بازمی‌دارد و گرفتار آسیب‌های فکری و رفتاری می‌کند.

۴. مؤلفه‌های گرایشی تربیت اقتصادی

مؤلفه‌های گرایشی اعم از گرایش‌های مثبت و منفی است. مؤلفه‌های گرایشی نیز شامل دریافت، واکنش، ارزش‌گذاری، سازمان‌بندی و تبلور می‌شود. در مرحله دریافت، یادگیرنده به موضوع، دقت و توجه می‌کند. در مرحله واکنش، نسبت به موضوع، علاقه و واکنش نشان

۱- وَبِرِزْقِهِ مَنْ حَيْثُ لَا يَحْتَسِبُ وَمَنْ يَتَّوَكَّلْ عَلَى اللَّهِ فَهُوَ حَسْبُهُ إِنَّ اللَّهَ بَالِغُ أَمْرِهِ قَدْ جَعَلَ اللَّهُ لِكُلِّ شَيْءٍ قَدْرًا (طلاق: ۳).
۲- امام علی علیه السلام نیز در این زمینه می‌فرماید: «بالدنیا تحرز الآخرة» به وسیله دنیا، آخرت تثبیت می‌شود (نهج البلاغه: ۲۱۹).

می‌دهد. در مرحله ارزش‌گذاری، نگرش یادگیرنده شکل می‌گیرد و نسبت به موضوع، از خود تعهد و مسئولیت نشان می‌دهد. در مرحله سازمان‌بندی، با ادغام ارزش‌های مختلف و رفع تعارض میان آن‌ها، اقدام به ساخت یک نظام ارزشی منسجم می‌پردازد؛ و در آخرین مرحله یعنی تبلور، فرد نظام ارزشی خود را تشکیل می‌دهد و شخصیت و رفتارهای خود را بر اساس آن تنظیم می‌کند (مصباح یزدی، ۱۳۹۰: ۳۳۰).

برخی از مؤلفه‌های گرایش تربیت اقتصادی عبارتند از: عدالت محوری، قناعت و زهد، اعتدال و میانه‌روی که به اختصار به توضیح هر یک می‌پردازیم.

الف) عدالت محوری

انسان به‌صورت فطری خواهان عدالت و کمک به هم‌نوعان و خواستار اجرای عدالت در تمامی شئون زندگی خود است. بر پایه قرآن کریم، هدف میانی از ارسال پیامبران الهی اقامه قسط و اجرای عدالت است. پیامبران باهدف دعوت به توحید و قیام به‌حق آمدند تا مدینه‌ای فاضله برای مردم شکل دهند (جوادی آملی، ۱۳۸۹ ج: ۳۱). اسلام، عدالت را یکی از محوری‌ترین اصول اخلاقی و اساسی‌ترین پایه تشکیل جامعه انسانی می‌داند و رعایت آن را در هر شرایطی لازم و واجب می‌شمارد. برپایی عدالت در جامعه درگرو تربیت انسان‌های معتدل و پرورش افراد عادل است. به عبارتی، برپایی عدالت درگرو تعلیم و تربیت است. هرچند که خود از مقدمات آن نیز به‌حساب می‌آید و فقدان تربیت، اساس عدالت را ویران می‌سازد (علم‌الهدی، ۱۳۹۱: ۲۴۵). میزان اجرای عدالت با میزان طهارت نفس انسانی ارزیابی می‌شود؛ یعنی هراندازه مردم و قدرت حاکم دارای معرفت بالاتر و ایمان بیشتر باشند، به همان اندازه در اجرای عدالت موفق‌ترند. در صورتی که افراد با تهذیب نفس بتوانند پلیدی‌ها را از خود دور سازند و بدون هرگونه خودخواهی و خودپسندی به عرصه اجتماع بیایند، به‌راحتی می‌توانند مجری عدالت باشند و تنها راه تهذیب نفس، قرار گرفتن در سیستم تربیتی متناسب با فطرت آدمی است که بتواند نیازهای واقعی و شخصیت حقیقی انسان را به او بشناساند.

عدالت‌محوری در همه عرصه‌های زندگی اعم از فردی، خانوادگی و اجتماعی در رفتار اقتصادی تولید، توزیع و مصرف مؤثر است. در تولید باید بر اساس عدالت، رفتار و منابع طبیعی و مواد اولیه را به‌صورت عادلانه، میان کارخانه‌های تولیدی تقسیم کرد تا همه به امر تولید بپردازند. در مرحله توزیع نیز باید عدالت محور بود و هر جا نیاز بود، کالاها و خدمات و فرآورده‌های

تولیدی را برسانند و وارد بازار مصرف کنند، بدون واسطه گرایی و سودجویی. همچنین در حوزه مصرف، هر کس که به نوعی در تأمین نیازهای افراد تحت تکفل خود نقش دارد، بکوشد تا مشکلی برای آنان به وجود نیاید.

ب) قناعت و زهد

قناعت و زهد به لحاظ معنی شباهت بسیاری دارند و آن‌هم ابراز بی‌نیازی از طرف انسان است، نسبت به چیزی که به دست آورده یا اینکه به دست نیاورده است؛ اما تفاوت زهد با قناعت، در این موضوع است که «زهد» یک امر سلبی است، یعنی عدم تمایل به نعمت‌های دنیا و دوری از آنچه در اختیار انسان است و «قناعت»، یعنی کافی دانستن آنچه هست و یک امر وجودی و ایجابی است. امام علی (ع) زهد را این‌چنین معرفی می‌نماید: «الزُّهْدُ كُلُّهُ بَيْنَ كَلِمَتَيْنِ مِنَ الْقُرْآنِ: قَالَ اللَّهُ سُبْحَانَهُ «لِكَيْلَا تَأْسَوْا عَلَىٰ مَا فَاتَكُمْ، وَلَا تَفْرَحُوا بِمَا آتَاكُمْ» وَمَنْ لَمْ يَأْسَ عَلَىٰ الْمَاضِي وَلَمْ يَفْرَحْ بِالْآتِي فَقَدْ أَخَذَ الزُّهْدَ بِطَرَفَيْهِ» (نهج البلاغه: ۵۵۳)؛ زهد بین دو جمله از قرآن قرار دارد. خدای تعالی فرمود: «آنچه را که از دست داده‌اید، به خاطرش غمگین نشوید و آنچه را که خدا به شما داده است، به خاطرش مغرور نگردید»؛ و هر کس که برگزیده تأسف نخورد و به آن چیزی که به او روی می‌آورد، خوشحال نشود دو طرف زهد را به دست آورده است» و از طرفی امام صادق (ع) می‌فرماید: «الْمُؤْمِنُ حَسَنُ الْمُعُونَةِ، خَفِيفُ الْمُؤْنَةِ، جَيِّدُ التَّدْبِيرِ لِمَعِيشَتِهِ» (مجلسی، ۱۴۰۳، ق، ۶۴: ۳۶۲) مؤمن، یاریگری شایسته و کم‌خرج است و گذران زندگی‌اش را خوب تدبیر می‌کند.

نقطه مقابل زهد و قناعت، تجمل‌گرایی است که در قرآن کریم مورد مذمت قرار گرفته است.^۱ تربیت اقتصادی با توجه به اصل ساده‌زیستی و قناعت باعث می‌شود. متریان در عرصه اقتصادی از اسراف، تجمل و زیاده‌روی، دوری و به زندگی ساده، قناعت کنند.

ج) اعتدال و میانه‌روی

رفتار اقتصادی از نظر قرآن می‌بایست معتدل و به‌دوراز هرگونه افراطی چون تبذیر و اسراف، یا تقصیر، بخل و خساست باشد. همچنین آموزه‌های اسلامی بر عدالت و اعتدال در تولید ثروت، توزیع و مصرف آن تأکید دارد به گونه‌ای که به محیط‌زیست آدمی و نیز منابع، ضرر، زیان و

۱- لَيْسَ قُلُوبٌ لَا يَفْقَهُونَ بِهَا وَلَهُمْ أَعْيُنٌ لَا يُبْصِرُونَ بِهَا وَلَهُمْ آذَانٌ لَا يَسْمَعُونَ بِهَا أُولَئِكَ كَالْأَنْعَامِ بَلْ هُمْ أَضَلُّ أُولَئِكَ هُمُ الْغَافِلُونَ (اعراف، ۱۷۹)

فسادی نرسد. پس در مصرف لازم است به گونه‌ای رفتار کرد که منابع و نعمت‌های الهی تباہ نشود. خداوند در آیه ۸۷ سوره مائده می‌فرماید: «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَحَرِّمُوا طَيِّبَاتٍ مَا أَحَلَّ اللَّهُ لَكُمْ وَلَا تَعْتَدُوا إِنَّ اللَّهَ لَا يُحِبُّ الْمُعْتَدِينَ»؛ ای کسانی که ایمان آورده‌اید، چیزهای پاکیزه‌ای را که خدا بر شما حلال کرده است حرام نکنید و از حد درمگذرید که خدا تجاوزکنندگان از حد را دوست ندارد.

در روابط اقتصادی بحث اعتدال در دو زمینه انفاق و مصرف مورد تأکید قرآن قرار گرفته است. خداوند متعال در قرآن کریم می‌فرماید: «وَلَا تَجْعَلْ يَدَكَ مَغْلُولَةً إِلَىٰ عُنُقِكَ وَلَا تَبْسُطْهَا كُلَّ الْبَسِطِ فَتَقْعُدَ مَلُومًا مَّحْسُورًا» (اسراء: ۲۹)؛ در انفاق به محتاجان زیاده‌روی مکن نه بخل بورز که گویی دستت را به گردنت بسته‌اند و نه آن‌چنان بازکن که چیزی (برای روز مبادا) نزد خود نگذاری آن‌وقت تهی دست بشینی و خود را ملامت کنی.

قرآن کریم در آیه «وَالَّذِينَ إِذَا أَنْفَقُوا لَمْ يَسْرِفُوا وَلَمْ يَقْتُرُوا وَكَانَ بَيْنَ ذَلِكَ قَوَامًا» (فرقان: ۷)^۱ اعتدال در مصرف را بیان نموده است. انفاق به معنای بخشیدن مال و صرف آن در رفع حوائج خویشتن یا دیگران است (طباطبایی، ۱۳۷۴، ۱۵: ۱۳۳). مؤمنان انفاقی عادلانه و دور از هرگونه اسراف و سخت‌گیری دارند، نه آن‌چنان بذل و بخششی کنند که زن و فرزندشان گرسنه بمانند و نه آن‌چنان سخت‌گیر باشند که دیگران از مواهب آن‌ها بهره‌نگیرند و «اسراف» یعنی مصرف بیش‌ازحد و در غیر حق و بی‌جا؛ و «اقتار» یعنی مصرف کمتر از حق و مقدار لازم ندارند (مکارم شیرازی، ۱۳۷۱، ۱۵: ۱۵۱).

۵. مؤلفه‌های کنشی تربیت اقتصادی

مؤلفه‌های کنشی و رفتاری شامل تمامی اعمالی است که با اختیار از انسان سر می‌زند و شامل همه رفتارهای درونی مانند حل کردن مسئله، ایمان آوردن یا پرهیز کردن؛ و همچنین رفتارهای بیرونی مانند تقلید کردن، مستقل عمل کردن می‌شود. (مصباح یزدی، ۱۳۹۰: ۳۳۲) پرداخت وجوهات شرعی، سعی و تلاش برای کسب روزی، داشتن برنامه اقتصادی در زندگی، روحیه کار و خدمت‌رسانی، تدبیر در سرمایه‌گذاری، روحیه قناعت در زندگی، روحیه فقرزدایی و رسیدگی به محرومان را می‌توان به عنوان مؤلفه‌های کنشی تربیت اقتصادی برشمرد.

۱- و کسانی که هرگاه انفاق کنند، نه اسراف می‌نمایند و نه سخت‌گیری؛ بلکه در میان این دو، حد اعتدالی دارند.

الف) پرداخت وجوهات شرعی

خمس و زکات از جمله حقوق مالی است که در نظام اقتصادی اسلام برای رفع مشکلات اقتصادی و فقرای جامعه مسلمین پیش‌بینی شده است. خداوند متعال می‌فرماید: «وَالَّذِينَ يَكْنُزُونَ الذَّهَبَ وَالْفِضَّةَ وَلَا يَنْفِقُونَهَا فِي سَبِيلِ اللَّهِ فَبَشِّرْهُمْ بِعَذَابٍ أَلِيمٍ» (توبه: ۳۴)؛ کسانی که طلا و نقره گنجینه می‌کنند و آن را در راه خدا انفاق نمی‌کنند به عذاب دردناکی بشارتشان ده. همچنین در آیه ۷ سوره طلاق بیان می‌فرماید: «آنان که امکانات وسیعی دارند، باید از امکانات وسیع خود انفاق کنند و آن‌ها که تنگدست هستند، از آنچه خدا به آن‌ها داده انفاق نمایند؛ خداوند هیچ کس را جز به مقدار توانایی که به او داده تکلیف نمی‌کند؛ خداوند به زودی بعد از سختی‌ها آسانی قرار می‌دهد»^۱ لذا خداوند مقرر داشته است، کسانی که دارای شرایطی باشند (که در مسائل فقهی معین شده است)، بخشی از دارایی خود را انفاق کنند.

با توجه به روایاتی که در زمینه خمس و زکات وجود دارد هدف اصلی تعیین آن، فقرزدایی از جامعه مسلمین بوده است (حرعاملی، ۱۳۹۲، ۶: ۴). به‌عنوان یک اصل تربیت اقتصادی، تبیین هدف و ضرورت این امر توسط نهادهای متولی تربیت از جمله مدارس، رسانه‌ها و خانواده با روش‌های مختلف، برای متریان امری ضروری است تا در زمان وجود شرایط، پرداخت این حقوق را یکی از وظایف اصلی خود در زمینه ایفای نقش اقتصادی بدانند.

ب) سعی و تلاش برای کسب روزی

سعی و تلاش برای یافتن روزی از جمله اصول تربیت اقتصادی است که در صورت تحقق می‌تواند بسیاری از مشکلات جامعه از جمله فقر و بیکاری را از بین ببرد. خداوند متعال در قرآن می‌فرماید: «وَمِنْ رَحْمَتِهِ جَعَلَ لَكُمُ اللَّيْلَ وَالنَّهَارَ لِتَسْكُنُوا فِيهِ وَلِتَبْتَغُوا مِنْ فَضْلِهِ وَلِعَلَّكُمْ تَشْكُرُونَ» (قصص: ۷۳)؛ روز را برای سعی و تلاش در جهت کسب روزی و شب را برای آرامش و استراحت قرارداد؛ و می‌فرماید: «فَأَنْتَشِرُوا فِي الْأَرْضِ وَابْتَغُوا مِنْ فَضْلِ اللَّهِ» (جمعه: ۱۰)؛ پس در زمین منتشر شوید و از فضل خدا طلب کنید. «وَأَخْرُونَ يَضْرِبُونَ فِي الْأَرْضِ يَبْتَغُونَ مِنْ فَضْلِ اللَّهِ» (مزمّل: ۲۰)؛ و دیگرانی هستند که در زمین سفر می‌کنند و از فضل خدا طلب می‌کنند. در این آیات و آیات مشابه آن، منظور از «فضل خدا» همان روزی است و کار کردن و تلاش شبانه

۱- لِيَنْفِقَ ذُو سَعَةٍ مِنْ سَعَتِهِ وَمَنْ قُدِرَ عَلَيْهِ رِزْقُهُ فَلْيُئْتِقْ مِمَّا آتَاهُ اللَّهُ لَا يَكْلِفُ اللَّهُ نَفْسًا إِلَّا مَا آتَاهَا سَيَجْعَلُ اللَّهُ بَعْدَ عُسْرٍ يُسْرًا

و روزانه و مسافرت، مقدمه‌ای برای طلب روزی از خدا قرار داده شده است. این موضوع در روایات بسیاری مورد تأکید قرار گرفته و از مردم خواسته شده که برای به دست آوردن روزی تلاش کنند: «قال رسول الله (ص): تسعة اعشار الرزق في التجارة» (کلینی، ۱۴۰۷، ق، ۵: ۱۴۸)؛ نه قسمت از ده قسمت روزی در تجارت کردن است. امام صادق (ع) نیز تلاش برای کسب روزی حلال را کمک به دین قلمداد می‌کند (مجلسی، ۱۴۰۳، ق، ۱۰۰: ۵). همچنین در بعضی روایات از کار کسانی که در خانه می‌نشینند و به دنبال روزی نمی‌روند به گمان اینکه خدا روزی آن‌ها را خواهد رسانید، انتقاد شده است. امام صادق (ع) می‌فرماید: «ورجل يقعد في بيته ويقول رب ارزقني ولا يخرج ولا يطلب الرزق يقول الله عز وجل: عبدی الم اجعل لك السبیل الى الطلب والضرب بجوارح صحیحة؟» امام صادق (ع) فرمود: و مردی است که در خانه خود نشسته و می‌گوید: پروردگارا به من روزی برسان و به دنبال روزی نمی‌رود، پس خداوند می‌گوید: بنده من آیا برای تو راه طلب روزی و کار با اعضای سالم بدن را قرار ندادم؟ (جعفری، ۱۳۷۶، ۵: ۱۸۰).

ج) داشتن برنامه اقتصادی در زندگی

برنامه‌ریزی صحیح و تدبیر معیشت در زندگی فردی، خانوادگی و اجتماعی امری مهم است که تأثیر بسزایی در تحقق تربیت اقتصادی دارد. تدبیر و مدیریت فرآیندی منظم و هدفمند است که پس از بررسی علمی و دقیق موضوع مورد مطالعه و هدف‌گذاری، تخصیص منابع و امکانات لازم، تصمیم‌گیری مناسب و اقدامات عملی در جهت تحقق هدف تعیین شده انجام می‌گیرد (علاقه‌بند، ۱۳۸۹: ۱۴).

در قرآن کریم آیاتی در مورد استفاده از حلال از مادیات آورده شده است و از طرفی اسراف و تبذیر مورد مذمت قرار گرفته است که لازمه تحقق آن وجود برنامه‌ریزی صحیح در زندگی و رعایت اعتدال است. امام علی (ع) می‌فرماید: «حُسْنُ التَّدْبِيرِ يَنْبَغِي قَلِيلَ الْمَالِ وَسُوءُ التَّدْبِيرِ يَنْبَغِي كَثِيرَهُ» (تمیمی آمدی، ۱۴۰۱، ق، ۱: ۳۴۵) تدبیر نیکو مال کم را زیاد می‌کند و تدبیر نامناسب مال زیاد را تباه می‌کند. «قِيَامُ الْعَيْشِ حُسْنُ التَّقْدِيرِ وَمَلَكَهُ حُسْنُ التَّدْبِيرِ» (تمیمی آمدی، ۱۴۰۱، ق، ۱: ۵۰۳) پایه زندگی اندازه‌گیری خوب است و ملاک آن تدبیر نیکو است.

تدبیر در حوزه اقتصاد به معنای برنامه‌ریزی درست و مناسب خانواده‌ها و مردم، نسبت به قلمرو معیشتی خود است تا با استفاده بهینه از دارایی و امکانات خویش، از اسراف جلوگیری

نمایند و این تدبیر باید بر اساس مبانی عقیدتی و اصول تربیت در اسلام محقق شود.

د) روحیه کار و خدمت‌رسانی

همان‌طور که بیان شد اعتقاد به رزاقیت الهی جزء مبانی تربیت اقتصادی است که بر این اساس رازق مطلق خداوند است و او روزی همگان را می‌رساند. امام علی (ع) می‌فرماید:

«روزی دو گونه است روزی‌ای که تو می‌جوی و روزی‌ای که ترا می‌جوید که اگر تو به سویش نروی او به سویت خواهد آمد، پس اندوه سال خود را بر اندوه روز خویش بار مکن که روزی هرروز تو را بس است، پس اگر آن سال در شمار عمر تو آید، خدای بزرگ در فردای هرروز آنچه قسمت تو کرده است به تو می‌دهد و اگر آن سال در شمار عمر تو نیست، پس غم تو بر آنچه از آن تو نیست چیست؟ و در آنچه روزی تو است هیچ خواهنده‌ای بر تو سبقت نگیرد و هیچ غالبی بر تو چیره نگردد و آنچه برایت مقدر شده تأخیر نپذیرد» (مجلسی، ۱۴۰۳، ق، ۵: ۱۴۷).

در شرح نهج البلاغه ابن ابی‌الحدید آمده است:

«این مطلب درست و مطابق با واقع است؛ زیرا رزاقیت برحسب علم او نسبت به مصلحت مکلف است، پس گاهی روزی او بدون اکتساب و زحمت تلاش و رنج کوشش، حاصل می‌شود و گاهی هم با اکتساب و تلاش و کوشش» (ابی‌الحدید، ۱۳۹۳، ۱۶: ۱۱۴)؛

بنابراین رزق طالب همان رزق بدون رنج است و رزق مطلوب، رزق همراه با رنج اکتساب که برای به دست آوردن آن باید تلاش کرد. تشویق متریبان به کار و تلاش برای به دست آوردن روزی حلال از جمله روش‌هایی است که در جهت تأمین معیشت فردی، خانوادگی و اجتماعی مؤثر است.

ه) تدبیر در سرمایه‌گذاری

سرمایه‌گذاری و تجارت با اموال در آیات و روایات متعددی بیان شده است. علامه طباطبایی با اشاره به حکم عمومی که در آیه «لَا تُؤْتُوا السُّفَهَاءَ أَمْوَالَكُمُ الَّتِي جَعَلَ اللَّهُ لَكُمْ قِيَامًا» (نساء: ۵) برای جامعه اسلامی آمده است، اشاره می‌کند براساس این آیه جامعه برای خود شخصیت واحدی دارد که این شخصیت واحد مالک تمامی اموال روی زمین است. خداوند متعال زندگی این شخصیت واحد را به وسیله این اموال تأمین کرده و آن را رزق وی ساخته است، پس بر این شخصیت لازم است تا امور این اموال را مدیریت کند و آن را در معرض رشد و ترقی قرار دهد و

تلاش کند که روزبه‌روز زیادت‌تر شود تا برای تمامی افراد جامعه و نیز تک‌تک افراد کافی باشد. جامعه باید حد وسط و اقتصاد را در پیش بگیرد و از ضایع شدن و فساد آن جلوگیری کند. یکی از فروع این اصل این است که اولیا و سرپرستان جوامع بشری باید امور افراد سفیه را خود به دست بگیرند و اموال آنان را به دست خودشان ندهند، بلکه بر سرپرستان آنان لازم است اموال آنان را مدیریت کنند و با استفاده آن در کسب و تجارت و هر وسیله بهره‌وری دیگر آن را افزایش دهند و خود صاحبان مال را که دچار سفاهت‌اند از منافع و درآمد مال حقوق روزه بدهند تا در نتیجه اصل مال از بین نرود و کار صاحب‌مال به تدریج به فقر تهی دستی منتهی نشود (طباطبایی، ۱۳۷۴، ۴: ۲۷۲).

امام صادق (ع) در اهمیت سرمایه‌گذاری می‌فرماید: «قَالَ: مَا يَخْلِفُ الرَّجُلُ بَعْدَهُ شَيْئاً أَشَدَّ عَلَيْهِ مِنَ أَمْوَالِ الصَّامِتِ قَالَ قُلْتُ: لَهُ كَيْفَ يَصْنَعُ قَالَ: يَضَعُهُ فِي الْأَحَانِطِ وَالْبُسْتَانِ وَالْأَدَارِ» (کلینی، ۱۴۰۷، ق، ۵: ۹۱)؛ آدمی ثروتی ناخوشایندتر از سرمایه‌های راکد پس از خویش باقی نمی‌گذارد. سؤال شد پس با این‌گونه اموال چه کند؟ امام فرمود: آن را در خانه‌سازی و احداث باغ، سرمایه‌گذاری کند.

سرمایه‌گذاری و استفاده صحیح از دارایی‌ها و ثروت در جهت رشد اقتصادی فرد و جامعه مورد توجه اسلام است و آموزش شیوه‌های صحیح سرمایه‌گذاری یا تجارت به متریان، راهی برای جلوگیری از راکد شدن اموال و قرار گرفتن در چرخه تولید است.

ز) روحیه قناعت در زندگی

تقویت روحیه قناعت و مقابله با حرص و طمع، ثبات اقتصادی جامعه را در پی خواهد داشت و کمک شایانی به کنترل اقتصادی جامعه و جلوگیری از افزایش تقاضای کاذب می‌کند. در حدیث قدسی آمده است: «وَضَعْتُ الْغِنَى فِي الْقَنَاعَةِ وَهُمْ يَطْلُبُونَهُ فِي كَثْرَةِ أَمْوَالٍ فَلَا يَجِدُونَهُ» (مجلسی، ۱۴۰۳، ق، ۷۵: ۴۵۳) بی‌نیازی را در قناعت قراردادیم؛ اما ایشان آن را در ثروت فراوان می‌جویند که نمی‌یابند. در قرآن کریم در مورد طمع نداشتن به اموال دیگران آمده است: «وَ لَا تَمُدَّنَّ عَيْنَيْكَ إِلَىٰ مَا مَتَّعْنَا بِهِ أَزْوَاجًا مِنْهُمْ زَهْرَةَ الدُّنْيَا لِنَفْسِهِمْ فِيهِ وَ رِزْقٌ رَبِّكَ خَيْرٌ وَ أَبْقَى» (طه: ۱۳۱)؛ دیدگانت را به آنچه برخی از اصناف آنان را بهره‌مند کردیم مدوز، [آنچه به آنان داده‌ایم] شکوفه [بی‌میوه و زیور و زینت] دنیاست تا آنان را در آن بیازماییم و رزق پروردگارت بهتر و پایدارتر است.

ط) روحیه فقرزدایی و رسیدگی به محرومان

یکی از علل مختلف بزهکاری و تخلف از قوانین در جامعه فقر است و راهکار آن مشارکت مردم در رفع نیازمندی دیگران و امور خیریه و عام‌المنفعه است. خداوند در قرآن می‌فرماید: «همانا مردان و زنانی که در راه خدا (به فقیران) صدقه و احسان کنند و به خدا قرض نیکو دهند (به محتاجان قرض‌الحسنه دهند) احسان آن‌ها را چندین برابر سازند و پاداش با لطف و کرامت نیز خواهند داشت» (حدید: ۱۸).

همچنین در روایتی از امام صادق (ع) آمده است: انسان پس از مرگش پاداشی نمی‌برد مگر از سه طریق: عمل خیری که در زمان حیاتش جاری ساخته که بعد از مرگش نیز جاری است و صدقه‌ای که از اموالش جدا کرده باشد و به ارث نمی‌رود یا سنت هدایتی که پس از مرگش مورد استفاده است یا فرزند صالحی که برایش دعا کند (کلینی، ۱۴۰۷، ج ۷: ۵۶). نکته‌ای که در ترویج روحیه رسیدگی به محرومان باید مدنظر قرار گیرد این است که این امر منجر به گداپروری نشود و متریان باید از جنبه‌های منفی آن آگاه شوند. وجود نهادهای خیریه و نظارت بر آن‌ها تا حد زیادی در جهت شناسایی محرومین واقعی و کمک به آن‌ها مؤثر است.

۶. نتیجه‌گیری

یکی از ضرورت‌های تحقق تربیت اسلامی وجود شهروندان با تعاملات فردی و اجتماعی متناسب با نظام معیار اسلامی است. در نظام معیار اسلامی تأکید بر سلسله‌مراتبی از ارزش‌ها در همه ابعاد وجودی انسان اعم از بعد بینشی، گرایشی و کنشی است. با این تعبیر می‌توان گفت در هر یک از ساحت‌های تربیتی انسان باید به این ابعاد توجه شود. تربیت اقتصادی به‌عنوان یکی از ساحت‌های مهم تربیت در جهت تنظیم روابط انسان‌ها در جامعه و در زندگی فردی به شمار می‌آید که این امر مورد توجه دین اسلام به‌عنوان جامع و کامل‌ترین ادیان الهی بوده است. قرآن کریم با ترسیم راهبردهای تدبیر معیشت، استفاده صحیح از دارایی‌ها و اموال را در حوزه‌های تولید، توزیع و مصرف مورد تأکید قرار داده است.

بر طبق یافته‌های پژوهش مؤلفه‌های بینشی تربیت اقتصادی عبارت است از: توحید باوری، ایمان به مالکیت مطلقه خداوند، معاد باوری، باور به کرامت و خلافت الهی انسان، اعتقاد به رزاقیت الهی، نگرش ابزاری به مال دنیا. مؤلفه‌های گرایشی تربیت اقتصادی عبارت‌اند از: عدالت محوری، قناعت و زهد، اعتدال و میانه‌روی؛ و مهم‌ترین مؤلفه‌های کنشی و رفتاری

تربیت اقتصادی از منظر قرآن کریم عبارت است از پرداخت وجوهات شرعی، سعی و تلاش برای کسب روزی، داشتن برنامه اقتصادی در زندگی، روحیه کار و خدمت‌رسانی، تدبیر در سرمایه‌گذاری، روحیه قناعت، روحیه فقرزدایی و رسیدگی به محرومان است.

این پژوهش به‌عنوان درآمدی بر شناسایی مؤلفه‌های مؤثر در تربیت اقتصادی در راستای نظام معیار اسلامی از منظر قرآن کریم است؛ لذا به‌عنوان پیشنهاد می‌توان گفت لازم است هر یک از مؤلفه‌های بینشی، گرایشی و کنشی در سطوحی که بیان شد به‌صورت مجزا مورد بررسی محققان محترم قرار گیرد تا بتوان بر اساس آن الگوی جامع تربیت اقتصادی از منظر قرآن کریم در ارتباط با سایر ساحت‌های تربیتی را طراحی نمود. با توجه به اینکه مفهوم تربیت از جمله مفاهیمی است که اجرایی شدن آن مستلزم هماهنگی و همکاری بسیاری از نهادها در جامعه است، همه نهادهای دخیل در تربیت از جمله خانواده، مدرسه، جامعه و حکومت باید طی برنامه‌ای منسجم به دنبال تحقق کامل همه ساحت‌های تربیت، از جمله تربیت اقتصادی باشند.

فهرست منابع

- *قرآن کریم.
*نهج البلاغه.
- ۱- آذرنوش، آذرتاش، (۱۳۹۱)، فرهنگ معاصر عربی به فارسی، تهران، فرهنگ معاصر.
 - ۲- ابن بابویه، محمد بن علی، (۱۳۶۷)، من لایحضره الفقیه، جلد ۳، ترجمه: علی اکبر غفاری و محمدجواد غفاری و صدر بلاغی، چاپ اول، تهران، نشر صدوق.
 - ۳- ابن منظور، محمد بن مکرّم، (۱۴۱۴ ق)، لسان العرب، جلد ۱۲، چاپ اول، بیروت، دار احیاء التراث العربی.
 - ۴- ابی الحدید، فخرالدین ابوحامد، (۱۳۹۳)، شرح نهج البلاغه، تهران، مدبر.
 - ۵- تمیمی آمدی، عبد الواحد بن محمد (۱۴۰۱ ق)، غررالحکم، قم، دفتر تبلیغات اسلامی.
 - ۶- راغب اصفهانی، حسین بن محمد، (بی تا)، معجم مفردات الفاظ القرآن، بیروت، دارالتعارف.
 - ۷- افلاطون، (۱۳۵۴)، قوانین، ترجمه: محمدحسن لطفی، تهران، کاویان.
 - ۸- ایروانی، جواد، (۱۳۸۴)، اخلاق اقتصادی از دیدگاه قرآن، مشهد، دانشگاه علوم اسلامی رضوی.
 - ۹- ایمانی، محسن، (۱۳۹۱)، «تربیت اقتصادی در راستای تحقق تولید ملی و حمایت از کار و سرمایه ایرانی»، پیوند، شماره ۳۹۰ و ۳۹۱، ص ۱۵-۱۶.
 - ۱۰- باقری، خسرو، (۱۳۸۹)، درآمدی بر فلسفه تعلیم و تربیت جمهوری اسلامی ایران، چاپ دوم، جلد دوم، تهران، شرکت انتشارات علمی و فرهنگی.
 - ۱۱- پیغامی، عادل، تورانی، حیدر، (۱۳۹۰)، «نقش برنامه درسی اقتصاد در برنامه تعلیم و تربیت رسمی و عمومی دنیا، ارائه یک برنامه عمل برای یک برنامه درسی مغفول»، فصلنامه نوآوری های آموزشی، ۹(۳۷)، ۳-۵۲.
 - ۱۲- جعفری، یعقوب، (۱۳۷۶)، تفسیر کوثر، ج ۵، قم، مؤسسه انتشارات هجرت.
 - ۱۳- جوادی آملی، عبدالله، (۱۳۶۹)، کرامت در قرآن، چاپ سوم، تهران، مرکز نشر فرهنگی رجاء.
 - ۱۴- جوادی آملی، عبدالله، (۱۳۸۴)، بنیان مرصوص امام خمینی (ره)، چاپ هشتم، قم، مرکز نشر اسراء.
 - ۱۵- جوادی آملی، عبدالله، (۱۳۸۸ الف)، تسنیم، ج ۱۵، ۱۲، ۹، ۸، ۷، ۱، چاپ دوم، قم، مرکز نشر اسراء.
 - ۱۶- جوادی آملی، عبدالله، (۱۳۸۸ ب)، شمیم ولایت، چاپ پنجم، قم، مرکز نشر اسراء.
 - ۱۷- جوادی آملی، عبدالله، (۱۳۸۹ الف)، انتظار بشر از دین، چاپ ششم، قم، مرکز نشر اسراء.
 - ۱۸- جوادی آملی، عبدالله، (۱۳۸۹ ب)، تسنیم، ج ۴، چاپ ششم، قم، مرکز نشر اسراء.
 - ۱۹- جوادی آملی، عبدالله، (۱۳۸۹ ج)، جامعه در قرآن، چاپ سوم، قم، مرکز نشر اسراء.
 - ۲۰- حر عاملی، محمد بن حسین، (۱۳۹۲)، وسائل الشیعة، جلد ۶، تهران، نشر آصف.
 - ۲۱- دورکیم، امیل، (۱۳۹۱)، تربیت و جامعه شناسی، ترجمه: فریدون سرمد، چاپ یکم، تهران، کندوکاو.
 - ۲۲- ساروخانی، باقر، (۱۳۷۸)، روش های تحقیق در علوم اجتماعی، تهران، پژوهشگاه علوم انسانی و

مطالعات.

- ۲۳- ساموئلسن، پل، هاوس، نورد، (۱۳۸۸) *اصول علم اقتصاد*، مترجم: مرتضی محمدخان، تهران، شرکت انتشارات علمی و فرهنگی
- ۲۴- سیف، علی اکبر، (۱۳۸۸)، *روان شناسی پرورشی نوین: روانشناسی یادگیری و آموزش*، چاپ ششم، تهران، دوران.
- ۲۵- طباطبایی، محمدحسین، (۱۳۷۴) *ترجمه تفسیر المیزان*، ترجمه سید محمدباقر موسوی همدانی، چاپ ۵، قم، دفتر انتشارات اسلامی جامعه‌ی مدرسین حوزه علمیه قم.
- ۲۶- طباطبایی، محمدحسین، (۱۳۵۳)، *خلاصه تعالیم اسلام*، به کوشش داوود الهامی، تهران، کعبه.
- ۲۷- طریحی، فخرالدین بن محمد، (۱۳۶۲)، *مجمع البحرین*، تهران، مرتضوی.
- ۲۸- طغیانی، مهدی، پیغامی، عادل، (۱۳۹۵)، *تعلیم و تربیت اقتصادی*، جلد اول تهران، دانشگاه امام صادق (علیه السلام).
- ۲۹- علاقه‌بند، علی، (۱۳۸۹)، *مقدمات مدیریت آموزشی*، چاپ سی و هفتم، تهران، نشر روان.
- ۳۰- علم‌الهدی، جمیله، (۱۳۹۱)، *نظریه اسلامی تعلیم و تربیت (مبانی آموزش رسمی)*، چاپ اول، دانشگاه امام صادق علیه السلام، تهران.
- ۳۱- کلینی، محمد بن یعقوب بن اسحاق، (۱۴۰۷ ق)، *الکافی*، مصحح: علی اکبر غفاری و محمد آخوندی، چاپ چهارم، تهران، دار الکتب الإسلامية.
- ۳۲- مبانی نظری سند تحول بنیادین آموزش و پرورش، (۱۳۹۰)، تهران، انتشارات شورای عالی انقلاب فرهنگی.
- ۳۳- مجلسی، محمدباقر بن محمدتقی، (۱۴۰۳ ق)، *بحارالانوار الجامعة لدرر أخبار الأئمة الأطهار*، چاپ دوم، بیروت، دار إحياء التراث العربی.
- ۳۴- مصباح یزدی، محمدتقی، (۱۳۹۰)، *فلسفه تعلیم و تربیت اسلامی*، تهران، مؤسسه فرهنگی مدرسه برهان.
- ۳۵- مطهری، مرتضی، (۱۳۷۷)، *مجموعه آثار*، ج ۲۷، تهران، صدرا.
- ۳۶- مکارم شیرازی، ناصر با همکاری جمعی از نویسندگان، (۱۳۷۱)، *تفسیر نمونه*، جلد ۱، چاپ اول، تهران، دارالکتب الاسلامیه.
- ۳۷- میرمعزی، سید حسین، (۱۳۹۱)، *اقتصاد کلان با رویکرد اسلامی*، تهران، پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه

REFERENCES

* The Holy Quran.

* Nahj al-Balagha.

1. Azarnoush, Azartash, (1391), Contemporary Dictionary of Arabic to Farsi, Tehran, Farhang Moaser.
2. Ibn Babawayh, Muhammad bin Ali, (1367), Man La Yahdhuruh al-Faqih, Vol. 3, translated by: Ali Akbar Ghaffari and Mohammad Javad Ghaffari and Sadr Balaghi, first edition, Tehran, Sadouq Publishing.
3. Ibn Manzoor, Muhammad Ibn Mukarram, (1414 AH), Lisan al-Arab, Vol. 12, First Edition, Beirut, Dar Ihya al-Turath al-Arabi.
4. Ibn Abi al-Hadid, Fakhruddin Abu Hamid, (1393), Commentary on Nahj al-Balagha, Tehran, Modabber.
5. Tamimi Amidi, Abd al-Wahid bin Muhammad (1401 AH), Ghurar al-Hikam, Qom, Islamic Tablighat Office.
6. Raghیب Isfahani, Hussein bin Muhammad, (n.d), Mu'jam Mufradat Alfaz al-Qur'an, Beirut, Dar al-Taaruf.
7. Plato, (1354), Laws, translated by: Mohammad Hasan Lotfi, Tehran, Kavian.
8. Irvani, Javad, (1384), Economic ethics from the perspective of the Qur'an, Mashhad, Razavi University of Islamic Sciences.
9. Imani, Mohsen, (1391), "Economic education in line with the realization of national production and support for Iranian work and asset", Peyvand, No. 390 and 391, pp. 15-16.
10. Bagheri, Khosrow, (1389), "An introduction to the philosophy of education of the Islamic Republic of Iran", second edition, Vol. 2, Tehran, Scientific and Cultural Publishing Company.
11. Peyghami, Adil, Turani, Heydar, (2018), "The role of the economics curriculum in the formal and public education program of the world, providing an action plan for a neglected curriculum", Educational Innovations Quarterly, 9(37), 3-52.
12. Jafari, Yaqub, (1376), Tafsir Kawsar, Vol. 5, Qom, Hijrat Publications Institute.
13. Javadi Amoli, Abdullah, (1369), Karamat dar Quran (Dignity in the Qur'an), 3rd edition, Tehran, Raja Cultural Publishing Center.
14. Javadi Amoli, Abdullah, (1384), Bonyan Marsus of Imam Khomeini (RA), 8th edition, Qom, Isra Publishing Center.
15. Javadi Amoli, Abdullah, (1388), Tasnim, Vol. 1, 7, 8, 9, 12, 15, second edition, Qom, Isra Publishing Center.
16. Javadi Amoli, Abdullah, (1388), Shamim Velayat, fifth edition, Qom, Isra Publishing Center.
17. Javadi Amoli, Abdullah, (1389 A), Man's Expectation from Religion, 6th edition, Qom, Isra Publishing Center.
18. Javadi Amoli, Abdullah, (2009), Tasnim, Vol. 4, 6th edition, Qom, Isra Publishing Center.
19. Javadi Amoli, Abdullah, (1389), Society in the Qur'an, third edition, Qom, Isra Publishing Center.
20. Hur al-Amili, Muhammad bin Hussein, (1392), Wasa'il al-Shi'a, Vol. 6, Tehran, Asif Publishing House.

21. Durkheim, Emil, (2012), Education and Sociology, translated by: Feridoon Sarmad, first edition, Tehran, Kandokav.
22. Sarukhani, Baqer, (1378), Research Methods in Social Sciences, Tehran, Research Institute of Human Sciences and Studies.
23. Samuelsen, Paul, House, Noord, (2008) Principles of Economics, translator: Morteza Mohammad Khan, Tehran, Scientific and Cultural Publishing Company.
24. Saif, Ali-Akbar, (1388), Modern Educational Psychology: Psychology of Learning and Education, 6th edition, Tehran, Dowran.
25. Tabatabaei, Muhammad Husein, (1374) translation of Tafsir al-Mizan, translated by Seyyed Mohammad Baqer Mousavi Hamedani, 5th edition, Qom, Islamic Publications Office of Jami'a al-Mudarrisin, Qom.
26. Tabatabaei, Muhammad Hussein, (1353), Kholasa Taalim Islam, prepared by Dawood Elhami, Tehran, Kaaba.
27. Turaihi, Fakhruddin bin Muhammad, (1362), Majma Al-Bahrain, Tehran, Mortazavi.
28. Toghyani, Mahdi, Peyghami, Adil, (1395), Economic Education and Training, Vol. 1, Tehran, Imam Sadiq University, Tehran.
29. Alagheband, Ali, (1389), Introduction to Educational Management, 37th edition, Tehran, Ravan Publishing House.
30. Alamul Huda, Jamila, (1391), Islamic theory of education (basics of formal education), first edition, Imam Sadiq University, Tehran.
31. Kulaini, Muhammad bin Yaqub bin Is'haq, (1407 AH), Al-Kafi, corrected by: Ali Akbar Ghafari and Muhammad Akhundi, 4th edition, Tehran, Dar al-Kutub al-Islamiyyah.
32. Theoretical foundations of the Fundamental Transformation of Education document, (1390), Tehran, Publications of the Supreme Council of Cultural Revolution.
33. Majlisi, Muhammad Baqir bin Muhammad Taqi, (1403 AH), Bihar al-Anwar al-Jami'a li-Durar Akhbar al-A'immah al-At'har, second edition, Beirut, Dar Ihya al-Turath al-Arabi.
34. Misbah Yazdi, Mohammad Taqi, (1390), Philosophy of Islamic Education, Tehran, Burhan School Cultural Institute.
35. Motahari, Morteza, (1377), Collection of Works, vol. 27, Tehran, Sadra.
36. Makarem Shirazi, Naser, et al., (1371), Tafsir Nomooneh, Vol. 1, First Edition, Tehran, Dar al-Kutub al-Islamiyyah.
37. Mir-Moezzi, Seyyed Hossein, (1391), Macroeconomics with an Islamic Approach, Tehran, Culture and Thought Research Institute.
38. Stone, P, (1996), the General Inquirer: Acomputer Approach to Content Analysis. Cambridge: Viking.



Re-examining the Harms of Preachers' Worldliness over the Social Relations from the Perspective of the Qur'an and Hadiths

(Received: 2022/08/16 / Accepted:2023/07/19)

Seyyed Mohammad Alavizadeh¹

ABSTRACT

One of the main challenges of Tabligh (preaching to Islam), and the most important obstacles to the social relations of Islamic preachers and the impact of their preaching on people's hearts, is the vice of materialistic intention and greediness. Therefore, this research, using library sources and descriptive analytical method, aims to explain the harms of materialistic intention of preachers from the perspective of verses and narrations, and their consequences for the preachers, people, and the process of religious preaching. . The results of this research indicate that the preachers' greediness and money-oriented intention during tabligh to Islam may appear in different forms and instances, all of which fall under the three general headings: love of self (egoism), love of wealth (materialism), and love of status and fame. Religious teachings show that the preacher who loves the world will lose his reputation among people and they will disperse from him, and his words and preaching will not only have no effect, rather, it is possible that he deviate them from the right path, which is the most serious harm of wordliness of preachers, and it is exactly the opposite of the purpose of tabligh, and it distances people from religion whether he wants it or not, with his behavior and actions stemming from his love for the world.

KEYWORDS: Harm, Wordliness, Religion, Preacher, Tabligh, Social Relations.

1- Seminary level 4 student of Qur'an and Psychology, Al-Mustafa International University, Qom, Iran, alavizade@mail.ir



باز پژوهی آسیب‌های دنیادوستی بر روابط اجتماعی مبلغان دین از منظر قرآن و روایات

(تاریخ دریافت: ۱۴۰۱/۰۵/۲۵ - تاریخ پذیرش: ۱۴۰۲/۰۴/۲۸)

سید محمد علوی زاده^۱

چکیده

یکی از مهم‌ترین آفات تبلیغ دین و یکی از موانع اصلی روابط اجتماعی مبلغان دین و اثرگذاری آن‌ها بر قلوب مردم، رذیله دنیادوستی است. از این رو این تحقیق با استفاده از منابع کتابخانه‌ای و با روش توصیفی و تحلیلی، ضمن معرفی آسیب‌های دنیادوستی مبلغ در تبلیغ دین از منظر آیات و روایات، عواقب آن برای مبلغ، مردم و فرایند تبلیغ دین تبیین تشریح شده است. یافته‌های این پژوهش حاکی از آن است که دنیادوستی مبلغ در تبلیغ دین به اشکال و مصادیق مختلفی ممکن است بروز کند که همه آن‌ها در ذیل سه عنوان کلی حب نفس، مال دوستی و جاه‌طلبی قرار می‌گیرند. آموزه‌های دینی دلالت دارند بر اینکه مبلغ دنیادوست از چشم مردم می‌افتد، آبرویش می‌رود، مردم از دورش پراکنده می‌شوند، کلام و تبلیغش نه تنها اثر ندارد؛ بلکه ممکن است دین مردم را هم بدزدد و آن‌ها را از راه حق منحرف کند که این خطرناک‌ترین آسیب دنیادوستی مبلغ است و دقیقاً در نقطه مقابل تبلیغ دین قرار دارد و مبلغ دنیادوست خواه ناخواه با رفتار و کردارش که از دنیادوستی او نشئت می‌گیرد، بر ضد دین گام برمی‌دارد و دین مردم را از آن‌ها می‌گیرد.

واژگان کلیدی: آسیب، دنیادوستی، دین، مبلغ، تبلیغ دینی، روابط اجتماعی.



۱. مقدمه

آسیب‌شناسی یا بیان آسیب‌های محبت دنیا یکی از فراوان‌ترین مباحث موجود در آیات و روایات است. آسیب کلمه‌ای فارسی است که به جرح، زخم، صدمه، عیب و نقص یا شکستگی که از زخم و ضرب پیدا آید، رنج، گزند، آزار، زیان، خسارت و درد معنا شده است (دهخدا، ۱۳۹۰: ۳۹؛ معین، ۱۳۸۱، ۱: ۴۷؛ عمید، ۱۳۸۹: ۳۴). آسیب در اصطلاح به آفت (هاشمی شاهرودی، ۱۳۸۷، ۱: ۱۲۶) یا آن دسته از عوامل که سبب اختلال و ناهنجاری‌ها و آفت در پدیده‌ها می‌شود و گاهی به خود اختلالات، آسیب گفته می‌شود. (حاجی، ۱۳۸۱، ۴: ۴۳۳) از این‌رو آسیب‌شناسی دنیادوستی یعنی شناخت صدمات و زیان‌هایی که محبت دنیا بر شخص وارد می‌کند و سبب اختلال و ناهنجاری و آفت در زندگی دنیوی و اخروی می‌شود.

خداوند متعال دنیا را ابزار و وسیله رسیدن به آخرت قرار داده است برای ولی بسیاری از بندگان در زندگی دنیوی، دنیا را به‌عنوان هدف قرار می‌دهند و برای رسیدن به آن دست به هر کاری می‌زنند. پس دنیا به‌خودی‌خود بد نیست و فقط در صورتی بد می‌شود که به‌عنوان هدف برای زندگی قرار بگیرد و انسان بدان عشق بورزد که در این صورت عامل غرق شدن انسان‌ها در لجنزار گناه خواهد بود. از امام صادق (ع) نقل شده است که فرمود: «ریشه همه خطاها و گناهان، عشق به دنیا و دل‌بستگی به دنیا است» (کلینی، ۱۴۰۷، ق، ۲: ۳۱۵)

انسان‌ها هرچه بیشتر از دنیا بهره‌مند شوند حرص و طمعشان نسبت به آن افزایش پیدا کرد، هر چه محبت و حرص انسان به دنیا بیشتر شود، در لجنزار گناه غرق‌تر و از خدا دورتر می‌شود. حضرت امام باقر (علیه‌السلام) ضمن تمثیل زیبایی فرمودند:

«حریص به دنیا، مانند کرم ابریشم است که هر چه بیشتر ابریشم به دور خود می‌تند، راه بیرون شدنش را مشکل‌تر می‌کند تا اینکه از غم و اندوه بمیرد» (حر عاملی، ۱۴۰۹، ق، ۱۶: ۲۰)؛ در روایتی دیگر حضرت امام موسی کاظم (ع) ضمن تمثیلی زیبا فرمودند: «دنیا چون آب دریاست، هر چه تشنه‌کام آن را بیشتر بنوشد، بیشتر تشنه‌شود تا او را بکشد» (حرانی، ۱۳۶۳: ۳۹۶)؛

از این‌رو حرص به دنیا و دنیادوستی در متون دینی بسیار مذمت شده است. بدترین شکل دنیادوستی آن است که کسی با کار آخرت به دنبال رسیدن به دنیا باشد مثل مبلغ و عالم دین با علم و تبلیغ دین به دنبال دنیا باشد. پیامبر خدا (ص) در این باره می‌فرمایند: «بوی بهشت از فاصله پانصد سال به مشام می‌رسد؛ اما کسی که دنیا را با کار آخرت بطلبد،

بوی بهشت را استشمام نمی‌کند» (متقی الهندی، ۱۴۰۱، ق، ۳: ۴۷۴)؛

از این رو علت انتخاب این موضوع برای تحقیق آن است که اساساً دنیادوستی با اهداف تبلیغ دینی در تضاد است و در اگر کسانی که به کسوت علما و مبلغان دینی وارد شده‌اند دچار آن شوند علاوه بر آخرت، بر دنیای خود و دین مردم ضربه وارد می‌کنند و نه تنها در کار تبلیغ موفق نیستند؛ بلکه علیه دین عمل خواهند کرد؛ بنابراین مبلغان دین نباید نیت خود را به اغراض دنیایی آلوده کنند؛ چراکه علوم دینی، کاربرد و هدف اصلی اش اصلاح آخرت است و صلاح آخرت جز به خلوص نیت محقق نمی‌شود. مداومت در توجه کردن به آسیب‌های دنیادوستی توسط مبلغان دین در نهایت منجر به نهادینه‌سازی زهد در وجود آنان می‌شود که نقطه مقابل محبت دنیاست که ثمرات و فواید بسیاری بر آن مترتب است از جمله تقویت روابط اجتماعی مبلغ و موفقیت او در امور معنوی و تبلیغ دین.

در آیات قرآن کریم هم اشارات فراوانی به این رذیله اخلاقی وجود دارد و اکثر آیاتی از قرآن کریم که درباره علمای یهود و بنی اسرائیل است، ناظر بر دنیادوستی آنهاست، مثل آیاتی که در موضوع حسادت علمای بنی اسرائیل (بقره: ۹۰)، کتمان حق (بقره: ۱۵۹) یا تحریف حقایق (نساء: ۴۶) از طرف آنها نازل شده است. احادیث بسیاری در ذیل همین آیات و غیر آن وجود دارد که به مصادیق و خطرات دنیادوستی از سوی علما که مبلغان دین هم هستند، می‌پردازد. مثلاً در کتاب شریف کافی بابی وجود دارد به نام «بَابُ الْمُسْتَأْكَلِ بِعِلْمِهِ وَالْمُبَاهِي بِهِ» (کلینی، ۱۴۰۷، ق، ۱: ۴۶) که اشاره به دو شکل از مصادیق دنیادوستی مبلغ دارد؛ یکی کسی که علوم دینی و تبلیغ دین را وسیله ارتزاق خود قرار دهد و دیگر اینکه کسی علم و تبلیغ را وسیله مباحات و فخرفروشی نسبت به دیگران قرار دهد.

کتاب و آثار فراوانی در موضوع کلی محبت دنیا به رشته تحریر درآمده است که از جمله آنها می‌توان به کتاب «کتاب حب دنیا؛ تأدیب شهوت» نوشته آیت الله مجتبی تهرانی (رحمه‌الله) در دو جلد، کتاب حدیثی «دنیا و آخرت از نگاه قرآن و حدیث» نوشته آیت الله محمد محمدی ری شهری (رحمه‌الله)، کتاب «سرای گذر: دنیا از منظر امام علی علیه‌السلام» نوشته عزیزه فروردین و کتاب «دنیادوستی» نوشته محمدجواد مرادی‌نیا اشاره کرد. همچنین تقریباً در ضمن همه کتب عمومی اخلاق فصول و بخش‌هایی درباره خطرات محبت دنیا به‌عنوان سرچشمه تمام رذایل وجود دارد که به موضوع دنیادوستی عموم مردم پرداخته است. کتبی که در موضوع اختصاصی تبلیغ دین نگاشته شده‌اند هم جامعیت ندارند و به همه مصادیق و

آسیب‌های دنیادوستی اشاره نکرده‌اند. مثلاً در فصل دهم کتاب «اخلاق و آداب در تبلیغ» نوشته حافظ نجفی زنجانی که توسط انتشارات پژوهشکده تبلیغ و مطالعات اسلامی باقرالعلوم (ع) چاپ شده است به موضوع آسیب‌شناسی مبلغان دینی پرداخته می‌شود که فقط برخی از آن آسیب‌ها با دنیادوستی مبلغ مرتبط است از جمله مادی‌گرایی و دنیاطلبی، ادعای علم به همه چیز، جاه‌طلبی، فساد اخلاقی و اجتماعی، ریاکاری در تبلیغ، استبداد و تک‌روی و بداخلاقی و بدرفتاری با مردم. همچنین در فصل چهارم کتاب «اخلاق تبلیغ دین (منشور اخلاقی مبلغان در سیره اهل بیت (ع))» اثر مهدی احمدپور که در پژوهشکده اخلاق و معنویت پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی منتشر شد به موضوع «اخلاق تبلیغ دین در آموزه‌های اهل بیت (ع) در عرصه حیات شخصی» پرداخته شده است که برخی از مصادیق آن آسیب دنیادوستی مبلغ دین است. یا کتاب «اخلاق تبلیغ» نوشته اکبر میرسپاه که توسط انتشارات موسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی (ره) چاپ شده است فقط در ضمن موضوعاتی مانند «اجتناب از فخرفروشی و تبختر» به آسیب دنیادوستی مبلغان دین اشاره شده است.

در آثاری مانند پایان‌نامه «اخلاق تبلیغ دین در سیره و سخن امام صادق (ع)»، نوشته کبریا هواسی که در دانشکده اخلاق اسلامی دانشگاه معارف اسلامی قم به سال ۱۳۹۴ دفاع شد هم هیچ اشاره‌ای به موضوع دنیادوستی نشده است. مقالات متعددی نیز در زمینه آسیب‌شناسی دنیادوستی وجود دارد؛ از جمله مقاله «بررسی دوستی دنیا از نظر اخبار و روایات» نوشته حسین حقانی زنجانی که در مجله درسهایی از مکتب اسلام به تاریخ خرداد ۱۳۶۲، سال ۲۳ - شماره ۳ (صص ۵۵ تا ۵۹) و همچنین «خطرات دنیوی و اخروی حب مقام و ریاست در قرآن و روایات» نوشته محمدعلی نیک‌خواه که در مجله مکاتبه و اندیشه در زمستان ۱۳۹۴، شماره ۵۰ (صص از ۲۶ تا ۳۶) به چاپ رسیده‌اند، ولی هیچ‌کدام از این‌ها دنیادوستی مبلغین را به صورت اختصاصی آسیب‌شناسی نکرده‌اند؛ بنابراین در جستجویی که در پایگاه‌های اطلاعاتی انجام دادیم تحقیق مستقلی که فقط در موضوع آسیب‌های دنیادوستی مبلغ در تبلیغ دین نگاشته شده باشد و به همه جوانب آن پرداخته باشد را نیافتیم.

۲. مفهوم‌شناسی

پیش از ورود به بحث ضروری است که معنی کلیدواژه‌های آسیب، دنیادوستی، تبلیغ و دین بیان شود تا در ادامه بتوان، آسیب‌های دنیادوستی مبلغان دینی از منظر قرآن و روایات را

موردبررسی و نقد قرار داد.

دنیادوستی: دنیادوستی به معنی محبت و عشق ورزیدن به دنیاست. کلمه دنیا به معنی این جهان در برابر جهان آخرت (فیروزآبادی، ۱۴۱۴ ق، ۴: ۳۶۰؛ دهخدا، ۱۳۹۰، ۱: ۱۳۵۹) در قرآن مجید ۱۱۵ بار تکرار شده است و در تمام آن‌ها صفت زندگی کنونی است (مگر در چهار مورد که صفت آسمان و کنار بیابان آمده است). این کلمه معمولاً در مقابل آخرت استعمال می‌شود. اگر از «دنی» و «دنائت» به معنی پستی باشد، زندگی دنیا را دنیا می‌گوییم از این جهت که نسبت به زندگی آخرت پست‌تر و ناچیزتر است و اگر دنیا از «دنو» به معنی نزدیکی باشد؛ زندگی دنیا را دنیا می‌گوییم از این جهت که از زندگی آخرت به ما نزدیک‌تر است (تهرانی، ۱۳۸۱: ۱۴۷).

تبلیغ: واژه تبلیغ مصدر باب تفعیل از ماده «بلغ» است که در لغت به معنی وصول یا رسیدن است و تبلیغ و ابلاغ به معنای ایصال یا رساندن است (ابن منظور، ۱۴۱۴ ق، ۸: ۴۱۹). عین واژه تبلیغ در قرآن کریم به کار نرفته است، ولی افعال این باب به صورت‌های ذیل آمده است: «بَلَّغْتَ» (مائده: ۶۷)، «أُبَلِّغُكُمْ» (اعراف: ۶۲ و ۶۸؛ احقاف: ۲۳)، «يُبَلِّغُونَ» (احزاب: ۳۹)، «بَلِّغْ» (مائده: ۶۷) و «يُبَلِّغُنَّ» (اسراء: ۲۳). صورت ثلاثی مجرد ریشه بلغ نیز ۵۱ بار به صیغه‌های فعلی یا اسمی و صورت باب افعال آن پنج بار به صورت فعلی ذکر شده است. واژه بلاغ، به معنای تبلیغ و ابلاغ و در مقام تأکید بر وظیفه پیامبران، پانزده بار تکرار شده است (عبد الباقی، ۱۹۹۸ م: ۱۳۴-۱۳۵). همه این واژه‌ها در قرآن فقط در معنای لغوی به کار رفته‌اند و مفهوم اصطلاحی متعارف و امروزی آن را ندارند.

امروزه واژه تبلیغ یا تبلیغات در فارسی، معادل چهار اصطلاح متفاوت عربی اعلام، دِعا، دعوت، اعلان و چند اصطلاح متمایز انگلیسی propagation (به معنای اشاعه و ترویج و تکثیر و رساندن صحیح یک مطلب است که بار ارزشی مثبت دارد)، propaganda (به معنای پیام توخالی و هیاهوی بی‌محتواست که بار ارزشی منفی دارد) و mission (به معنی تبلیغ دینی مسیحیت) و advertising یا advertisement (به معنای آگهی و پیام‌های بازرگانی در روزنامه‌ای و مجله‌ها) و commercial (به معنای پیام‌های بازرگانی تلویزیونی و رادیویی که این دو مورد اخیر از نظر ارزشی خنثی هستند، ولی در عمل، معمولاً محتوایی غیرواقعی ارائه می‌دهند، از این رو بار ارزشی منفی پیدا می‌کنند) به کار رود (خندان، ۱۳۷۴: ۱۷-۴۵؛ سهرابی زرنانی؛ رشیدپور؛ اعتباریان، ۱۳۹۵: ۴۶). در این تحقیق مقصود ما از تبلیغ، رساندن مجموعه‌ای از اطلاعات دینی و شرعی به مخاطب به منظور اقناع و برانگیختن احساسات او به سود یا بر ضد

یک موضوع است.

دین: دین با کسر دال مصدر است و در لغت عربی به معنی اطاعت، جزا، (فراهیدی، ۱۴۰۹ ق، ۸: ۷۳) پرستش و پاداش است که به طور استعاره درباره شریعت به کار می‌رود (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲ ق، ۱: ۳۲۳) و در لغت فارسی به کیش، طریقت، شریعت در مقابل کفر معنا شده است (دهخدا، ۱۳۹۰، ۱: ۱۴۰۳).

در قرآن، ماده «دین» و مشتقات آن ۱۰۱ بار و در سه معنا به کار رفته است (اسماعیلی زاده، ۱۳۹۱: ۲۷-۴۶). وقتی به کسر دال باشد یا به معنی آیین، شریعت و طاعت است مثل آیه «إِنَّ الدِّينَ عِنْدَ اللَّهِ الْإِسْلَامُ» (آل عمران: ۱۹) و از آن ملّت نیز تعبیر شده است. در آیه «وَمَا جَعَلْنَا عَلَيْكُمْ فِي الدِّينِ مِنْ حَرَجٍ مِّلَّةَ أَبِيكُمْ» (حج: ۷۸) به شریعت اسلام دین و ملّت هر دو گفته شده است (قرشی بنایی، ۱۴۱۲ ق، ۲: ۳۸۰) یا به معنی جزا، مکافات، پاداش و حسابرسی مثل آیه «مَالِكِ يَوْمِ الدِّينِ» (فاتحه: ۴) و فتح دال به معنی بدهی و قرض است مثل آیه «أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا إِذَا تَدَايَنْتُمْ بِدِينٍ» (بقره: ۲۸۲).

به خاطر نوع بسیار زیاد ادیان در جوامع بشری، دین یکی از موضوعاتی است که به سختی تعریف می‌شود. دانشمندان علوم و ادیان مختلف برای پیدا کردن یک یا چند وجه اشتراک در تعریف ادیان کوشیده‌اند، ولی کارشان به جایی نرسیده است. این امر موجب شده است که تعریف‌های بی‌شماری برای دین ارائه شود که تقریباً هیچ کدام از آن‌ها جامع و مانع نیستند. برخی گفته‌اند دین به معنی اعتقاد به یک امر قدسی است و برخی آن را ایمان به موجودات روحانی دانسته‌اند. گروهی دیگر گفته‌اند دین عبارت است از ایمان به یک یا چند نیروی فوق بشری که شایسته اطاعت و عبادت هستند (توفیقی، ۱۳۸۵، ۱۴).

اندیشمندان غربی و متکلمان مسیحی در تعریف از دین، برخی به جنبه معرفت‌شناسی دین پرداخته، برخی به جنبه اعتقادی و باورمندی دین توجه کرده‌اند، عده‌ای بر جنبه کاربردی و عملی دین تکیه کرده، عده‌ای دیگر از بعد جامعه‌شناسانه، روان‌شناسانه و مانند آن به تعریف دین پرداخته‌اند. به‌طور کلی هرکدام از تعاریف به جنبه‌ای از آن اشاره کرده و از جنبه دیگر غافل شده‌اند (ابراهیم‌زاده آملی، ۱۳۸۳: ۱۸-۲۴). اندیشمندان مسلمان هم متأثر از قرآن تعاریف متعددی از دین ارائه داده‌اند؛ برخی آن را با نگاه کلامی به دین‌داری تعریف کرده‌اند (مصباح یزدی، ۱۳۹۳، ۱: ۱۱) که از معنی موردنظر ما دورتر است؛ چراکه در تعریف دین باید جنبه الهی آن که همان دین به مفهوم مکتب باشد موردتوجه قرار گیرد نه دین‌داری و دیانت که به کارکرد

دین و جنبه بشری و عملی دین برمی گردد و وصف انسان دین ورز و حاصل دین داری او است. برخی از این تعاریف دین را به مطلق مکتب معنی کرده اند؛ اعم از مکاتب مادی و معنوی (طباطبایی، ۱۳۸۸: ۲۵-۲۷) که بازهم از معنی مورد نظر ما دور است. برخی دیگر دین را به معنی مکتب الهی که موجب سعادت دین و دنیای بشر می شود معنی کرده اند (طباطبایی، ۱۴۱۷ ق، ۲: ۱۳۰؛ همان، ۱۶: ۱۹۳ و طریحی، ۱۳۶۲، ۲: ۷۶) که به معنی مورد نظر ما نزدیک تر است؛ از این رو عبدالله ابراهیم زاده آملی در کتاب «دین پژوهی» بعد از نقل بیش از ده تعریف از طرف اندیشمندان مسلمان و غیر مسلمان سعی کرده است تعریفی جامع و مانع ارائه کند. به نظر وی دین مرکب است از مجموعه معارف نظری و عقیدتی، احکام و قوانین عملی و دستورات اخلاقی، در ابعاد گوناگون فردی و اجتماعی، سازگار با عقل و فطرت انسانی که از سوی خداوند یکتا توسط پیامبران برای هدایت همه جانبه مادی و معنوی بشر فرستاده شد و در صورت پیاده شدن به طور کامل، سعادت و رستگاری دنیوی و اخروی انسان را تأمین می کند (ابراهیم زاده آملی، ۱۳۸۳: ۲۴). مصداق این تعریف فقط دین اسلام است و مقصود ما هم از تبلیغ دین در این تحقیق، تبلیغ دین اسلام است.

روابط اجتماعی: عبارت روابط اجتماعی از دو واژه «روابط» و «اجتماعی» تشکیل شده است. کلمه روابط جمع رابطه است که واژه ای است مأخوذ از عربی و به معنی علاقه، علقه، وصله، پیوند و آنچه بدان چیزی را به چیزی ببندند (دهخدا، ۱۳۹۰: ۱۴۲۶). همچنین گفته شده است که تأثیر و نفوذی که یک چیز در دیگری داشته باشد را رابطه می گویند (شعاری نژاد، ۱۳۷۵: ۳۴۵). واژه اجتماعی وصف برای روابط است که برای تخصیص آن آمده است. واژه اجتماعی برای جدا کردن روابط اجتماعی از روابط انسان با خود، با خدا، با طبیعت و جمادات و همچنین روابط علمی، سیاسی، دینی، فرهنگی، کاری، عاشقانه، جنسی و درسی و... است. مقصود ما از روابط اجتماعی، روابط، تعاملات، کنش ها و واکنش های بین فردی مبلغ با مردم است.

۳. خطرات دنیادوستی مبلغ

مبلغ دین، وظیفه و رسالتش تبلیغ دین است و نه گرفتن دین مردم، چراکه اگر مبلغ دین شیفته دنیا باشد، گرچه مدعی تبلیغ دین است؛ ولی در عمل دین مردم را می دزدد، از این رو خطر چنین مبلغی بسیار زیاد است و باید از وی حذر کرد، حضرت رسول الله (ص) درباره لزوم حذر از

این گونه افراد فرمود: «خدا به داود وحی فرمود که: میان من و خودت عالم فریفته دنیا را واسطه قرار مده که تو را از راه دوستیم بگرداند؛ زیرا که ایشان راهزنان بندگان جویای من اند» (کلینی، ۱۴۰۷ ق، ۱: ۴۶). امام صادق (ع) هم در این باره می‌فرماید: «اگر عالمی را دوستدار دنیا یافتید او را بر دین خود متهم سازید، زیرا دوستدار هر چیزی بر محوریت محبوب خود می‌چرخد» (کلینی، ۱۴۰۷ ق، ۱: ۴۶).

امام خمینی (رحمه‌الله) در این باره می‌فرماید:

«اگر نفوسی تزکیه نشده و تربیت نشده وارد بشوند در هر صحنه، در صحنه توحید، در صحنه معارف الهی، در صحنه فلسفه، در صحنه فقه و فقهات، در صحنه سیاست، در هر صحنه‌ای که وارد بشوند، اشخاصی که تزکیه نشدند و تصفیه نشدند و از این شیطانِ باطن رها نشدند، خطر این‌ها برای بشر، خطرهای بزرگ است» (موسوی خمینی، ۱۳۸۹، ۱۴: ۳۹۱).

شهید ثانی نیز در کتاب «منیة المرید» دعایی برای طالب علم آموزش می‌دهد با این معنی که «خداوندا به تو پناه می‌برم از این که گمراه شوم یا گمراه کنم» (شهید ثانی، ۱۴۰۹ ق: ۲۰۵). عملِ مبلغ به گفتار خود، علاوه بر اینکه تبلیغ عملی است، شرط تأثیر تبلیغ نیز هست به خصوص که مردم نسبت به شیوه زندگی مبلغ و خانواده او بسیار حساس هستند و از کسی که سخن خدا و رسول و ائمه را به زبان جاری می‌کند توقع صفا و اخلاص و وارستگی و پارسایی دارند و اگر زندگی او و همسر و فرزندانش با تجملاتِ گره بخورد سخن او بی‌اثر یا کم‌اثر خواهد شد (قرائتی، ۱۳۸۸: ۱۳). کسی که مردم را به نیکی دعوت می‌کند باید خود به آنچه می‌گوید باور داشته باشد و نشانه باورمندی این است که خودش نیکوکار و اهل عمل باشد، کسی که می‌خواهد آمر به معروف باشد باید قبلش عمل‌کننده به معروف باشد و کسی که می‌خواهد ناهی از منکر باشد باید قبلش ترک‌کننده از منکر باشد، کسی که می‌خواهد مبلغ دین باشد باید قبلش دین‌دار باشد چون در غیر این صورت مخاطبین از او حرف‌شنوی نخواهند داشت و گفتار و تبلیغش تکویناً بی‌تأثیر است و در مخاطبش هم نمی‌تواند تغییری ایجاد کند. از این رو حضرت رسول‌الله (ص) در حالی که خودشان خرما خورده بودند، کودکی را که در خوردن خرما زیاده‌روی می‌کرد نصیحت نکردند و فرمودند که بچه را فردا بیاورید و فرمودند: «چون خودم خرما خورده بودم، اگر او را نصیحت می‌کردم تأثیری نداشت» (ذوالفقاری، ۱۳۸۵: ۵۳۹). امیرالمؤمنین علی (ع) هم می‌فرماید: «گفتار سودی ندارد مگر اینکه با کردار همراه گردد» (تمیمی آمدی، ۱۳۶۶: ۱۵۳). خداوند متعال هم در قرآن کریم عالمان بی‌عمل را توبیخ کرده و گفتار بدون عمل را

ناپسند شمرده است (صف: ۲-۳؛ بقره: ۴۴). در بیان خطرات عالم دنیادوست روایت شده است که خداوند به داوود (ع) وحی کرد که:

«میان من و خودت، عالمی را که دل‌باخته دنیاست قرار مده که تو را از طریق محبتم بازمی‌دارد. اینان، در حقیقت، راهزنان راه بندگانِ جویای من هستند. کمترین کیفری که به آنان می‌دهم، این است که شیرینی مناجات با خودم را از دل‌هایشان برمی‌دارم» (کلینی، ۱۴۰۷ ق، ۱: ۴۶)؛

از این رو مهم‌ترین آسیب و خطر مبلغان دنیادوست نه تنها عدم موفقیت در تبلیغ دین؛ بلکه دین دزدی و انحراف مردم از دین و مسیر حق است. این طور افراد نه تنها کلامشان اثر ندارد بلکه کلام دیگر مبلغان را نیز بی‌اثر می‌کنند چرا که نگاه خیلی از مردم به مبلغان دین نگاه صنفی است و نه نگاه شخصی! و اگر در شخصی عیبی ببینند به حساب همه می‌گذارند. مشخصه اصلی این افراد، منفعت‌طلبی، عافیت‌طلبی و قدرت‌طلبی است و در بدترین شکل ممکن اعمال و کردار خود و یا امور باب میلشان را با منابع دینی تئوریزه و توجیه می‌کنند، اینجاست که دین مردم را می‌زدند و آن‌ها را از مسیر حق منحرف می‌نمایند.

۴. آسیب‌شناسی اجتماعی برخی از مصادیق دنیادوستی مبلغ

در ادامه در ذیل سه مصداق کلی حب دنیا یعنی حب نفس، حب ثروت و حب جاه به بررسی و تبیین جوانب مختلف و آسیب‌شناسی برخی از مصادیق دنیادوستی و اغراض دنیوی و غیر خدایی که در مبلغان دین و علما شایع است می‌پردازیم.

الف) حب نفس

حب نفس به معنی خودخواهی (دهخدا ۱۳۹۰: ۱۰۰۴) یا عشق به خود است که به طور غریزی در هر انسانی وجود دارد، اما در بین مردم از نظر شدت و ضعف متفاوت است؛ بدین معنی که اصل حب نفس از کاستی‌ها و نقایص انسان نیست، بلکه خداوند آن را آفریده تا موجب جلب منفعت و دفع ضرر برای انسان شود (دغیم و جهامی، ۲۰۰۶ م: ج ۱: ۹۳۹)؛ بنابراین حب نفس در صورتی صفتی رذیله و مصداقی از دنیادوستی منفی است که در جلب منافع مادی و دفع ضررهای دنیوی از حد اعتدال خارج شده و موجب دفع منافع معنوی و جلب ضررهای اخروی شود. از منظر امام خمینی (ره) در عین اینکه حب نفس یکی از مصادیق حب دنیاست، اساس و ریشه آن هم هست و تمام فسادهایی که در بشریت پیدا شده است، منشأش حب نفس

است. حب به جاه، حب به مقام، حب به مال و حب به همه انگیزه‌های شهوانی از حب نفس پیدا می‌شود و انبیا اساس کارشان این بوده است که این حب نفس را تا آن مقدار که ممکن است سرکوب کنند و نفس‌ها را مهار نمایند (موسوی خمینی، ۱۳۸۹، ۱۶: ۱۶۲). حب نفس به اشکال مختلفی می‌تواند بروز کند که در ادامه به چند مصداق شایع آن در تبلیغ دین اشاره می‌شود.

۱. خودبزرگ‌بینی: با وجود رذایل تکبر و عجب که هر دو نوعی از خودبزرگ‌بینی هستند نمی‌شود قلب‌های مردم را برای پذیرش حق، رام و مطیع نمود، بلکه این فروتنی است که موجبات محبوبیت، مقبولیت و سرافرازی در میان مردم را فراهم می‌کند. مبلغی که فروتن و متواضع است، خودبه‌خود مقبولیت و محبوبیت مردمی پیدا می‌کند؛ همان چیزی که بسیاری تلاش می‌کنند از راه‌های ناصحیح به دست آورند. امیرالمؤمنین (ع) در این باره می‌فرماید: «میوه فروتنی، محبوبیت (در میان مردم) است» (تمیمی آمدی، ۱۳۶۶: ۲۴۹) و «میوه (تلخ) تکبر، بدگویی (مردم)» (همان: ۳۱۰). مبلغ دینی اگر به‌خاطر توفیقات و توانمندی‌هایی که کسب کرده است دچار رذیله مذموم و منفور خودبزرگ‌بینی شود، هم از چشم خدا می‌افتد و هم از چشم مردم، چراکه هیچ‌کس انسان متکبر فخرفروش را دوست ندارد: «إِنَّ اللَّهَ لَا يَحِبُّ مَنْ كَانَ مُخْتَالًا فَخُورًا» (نساء: ۳۶) بنابراین تبلیغ چنین مبلغی یا اثر ندارد یا اینکه ضدتبلیغ است و نتیجه عکس خواهد داد چراکه دیگر دست محبت و یاری پروردگار همراه او نیست و از چشم مردم می‌افتد و از او حرف‌شنوی ندارند.

۲. خود عالم‌پنداری: یکی دیگر از اشکال دنیادوستی در تبلیغ دین خود عالم‌پنداری است که نوعی خودبزرگ‌بینی شعبه‌ای از حب نفس است. ریشه خود عالم‌پنداری هم جهل است، پیامبر اکرم (صلی‌الله‌علیه‌وآله) درباره مدعی عالم بودن می‌فرماید: «هرکسی که بگوید: من عالمم، یقیناً جاهل است» (مجلسی، ۱۴۰۳، ق، ۲: ۱۱۰). حضرت امیرالمؤمنین (ع) نیز در نامه‌اش به امام مجتبی (ع) ضمن اشاره به این رذیله می‌فرماید:

«من انواع نادانی‌ها را به تو گوشزد کردم تا خود را عالم نشماری و اگر چیزی به تو رسید که آن را شناختی، بزرگش نشماری؛ زیرا عالم کسی است که بداند آنچه می‌داند، در برابر آنچه نمی‌داند اندک است و از این رو خود را نادان می‌شمارد و با اطلاع از این امر (که دانسته‌هایش اندک است) بر کوشش خود برای تحصیل دانش می‌افزاید؛ لذا باید پیوسته دانشجو و شیفته دانش باشد و از آن بهره‌گیر و نسبت به عالمان فروتن و با اعتنا باشد و خاموشی اختیار کند و از خطا پرهیز و شرم داشته باشد و اگر به چیزی رسد که نمی‌داند، آن را انکار و رد نکند؛ زیرا به

نادانی خود معترف است» (حرانی، ۱۳۶۳: ۴۶).

یکی از زشت‌ترین رفتارهایی که ممکن است از سوی مبلغ خودبزرگ‌بین سر بزند این است که نه تنها به سخن مردم گوش نمی‌دهد؛ بلکه سخنشان را قطع می‌کند و این یعنی اینکه خواننده‌ام، شنیده‌ام، می‌دانم و نیازی به شنیدن ندارم و این نوعی خودبزرگ‌بینی و تحقیر و خورد کردن شخصیت طرف مقابل است؛ لذا قطع سخن دیگران شیوه‌ای ناپسند و نشانه کم‌ظرفیتی و بی‌ادبی است. در این باره رسول خدا (ص) می‌فرماید:

«هرکس وسط حرف دیگران بپرد و سخن برادر مسلمانش را قطع کند، همانند این است که صورت او را مجروح ساخته است» (حر عاملی، ۱۴۰۹ ق، ۱۲: ۱۰۶، باب ۷۳).

معصومین (ع) هرگز چنین عمل زشتی را مرتکب نمی‌شدند و هرگز سخن کسی را قطع نمی‌کردند و خوب به سخنان مخاطب خود گوش می‌دادند و تا تمام شدن سخنش صبر می‌کردند (طبرسی، ۱۴۱۲ ق، ۱۳۷۰: ۱۱؛ طباطبایی، ۱۳۸۱: ۱۸؛ ابن بابویه، ۱۳۷۸: ۲: ۱۸۴).

۳. عدم اعتراف به ندانستن: یکی دیگر از نشانه‌های مبلغ خودخواه این است که هرگز «نمی‌دانم» یا «فراموش کرده‌ام» نمی‌گوید. مبلغ دین هرچقدر هم که باسواد و مسلط به منابع دینی باشد باز هم ممکن است، جواب برخی از پرسش‌ها را نداند که یا آن را فراموش کرده باشد یا خارج از تخصص وی است. اگر ندانستن یا فراموش کردن عیب است، عیب بزرگ‌تر آن است که انسان جواب پرسش‌هایی را هم که نمی‌داند، بدهد! برخی جواب غلط می‌دهند که بسیار خطرناک است، برخی دیگر با زیرکی، توریه می‌کنند و از زیر بار پاسخ شانه خالی می‌کنند و درحالی که به راحتی می‌توانستند بگویند: «نمی‌دانم» یا «فراموش کرده‌ام» حضرت علی (ع) درباره این گونه افراد می‌فرماید: «کسی که گفتن «نمی‌دانم» را ترک کند سبب هلاکت دنیا و عقبای خود شود» (نهج البلاغه، حکمت ۸۵).

۴. کتمان حق: بسیار اتفاق می‌افتد که مجبور می‌شویم در امور روزمره زندگی و حتی تبلیغ دین بین اعتراف به حق و تحمل ضرر بر خودمان یا ضرر بر عزیزانمان یا از دست دادن آنچه مورد علاقه ماست یکی را انتخاب کنیم که حقیقتاً در این موارد، انتخاب حق، مردانگی و همت بسیار بزرگی را می‌طلبد. اکثر علمای بنی اسرائیل در این آزمون مردود شدند، چرا که آن‌ها بین موقعیت اجتماعی و منافع مادی که از این موقعیت عایدشان می‌شد و اعتراف به رسالت حضرت رسول الله (صلی الله علیه و آله) و اعلام رسالت ایشان، موقعیت اجتماعی و منافع مادی را برگزیدند و رسالت حضرت را کتمان و انکار کردند از این رو خداوند متعال و همه لعنت کنندگان

ایشان را لعنت می‌کنند (بقره: ۱۵۲) و درباره عواقب اخروی ایشان می‌فرماید: «کسانی که آنچه را خداوند از کتاب نازل کرده، پنهان می‌دارند و به‌وسیله آن، بهای ناچیزی به دست می‌آورند، آنان، جز آتش در شکم‌های خویش فرو نبرند و خدا روز قیامت با ایشان سخن نخواهد گفت و پاکشان نخواهد کرد و عذابی دردناک خواهند داشت» (بقره: ۱۷۴). حضرت امام صادق (ع) حق‌گویی را نشانه ایمان معرفی می‌کند:

«نشانه ایمان حقیقی آن است که حق را، گرچه به زیانت باشد، بر باطل، اگرچه به نفعت باشد، ترجیح دهی» (ابن بابویه، ۱۳۶۲، ۱: ۵۳)؛

بنابراین کسی که حق را کتمان می‌کند ایمان ندارد و به‌حکم قاعده فلسفی «معطی الشیء لا یكون فاقدا له» (ابراهیمی دینانی، ۱۳۸۰، ۲: ۳۶۸) کسی که ایمان ندارد نمی‌تواند مبلغ ایمان برای مردم باشد.

۵. ترس از غیر خدا: کتمان و عدم بیان حقیقت به‌خاطر محافظه‌کاری‌ها و مصلحت‌اندیشه‌های بی‌جا و گزینشی بیان کردن معارف الهی و فرار از گفتن حقایق و معارف موردنیاز مردم، یکی از خطاهای بزرگی است که ممکن است از علما و مبلغان دین و حتی دیگر آگاهان جامعه سر بزنند که ریشه در حب نفس و دنیادوستی دارد. افشای حقایق و واقعیت‌ها ممکن است موجب رنجش خاطر اربابان زر و زور و تزویر و نفاق واقع شود که این امر هم ممکن است خطراتی برای آبرو، جان، مال و موقعیت افشاکننده داشته باشد، ولیکن مبلغ دینی باید در راه تبلیغ دین از غیر خدا واهمه‌ای نداشته باشد و آنچه را که جامعه نیاز دارد و وظیفه‌اش اقتضا می‌کند را ابلاغ و افشا کند هم چنان که معصومین (ع) به‌عنوان مبلغان دین الهی از غیر خدا واهمه‌ای نداشتند. قرآن کریم در وصف مبلغان الهی می‌فرماید:

«کسانی که تبلیغ رسالت‌های الهی می‌کردند و (تنها) از او می‌ترسیدند و از هیچ‌کس جز خدا واهمه‌ای نداشتند» (احزاب: ۳۹).

سیره عملی معصومین (ع) هم بیانگر این است که ایشان از تهدید اربابان زر و زور و تزویر و نفاق هرگز ترسیدند و با شجاعت در برابر بدعت‌ها و انحرافات مردم ایستادگی کردند و یکی پس از دیگری به درجه رفیع رسیدند. در زیارت جامعه کبیره می‌خوانیم: «شما (راهنمای) راه استوار و صحیح، شهیدان سرای فانی و شفیعان سرای باقی هستید» (ابن بابویه، ۱۴۱۳ ق، ۲: ۶۱۳).

۶. شهوت‌رانی: «شهوت»، کشش نفس به خواسته خود را می‌گویند (راغب اصفهانی،

۱۴۱۲ ق: ۶۸) که بر دو قسم است؛ صادق و کاذب. شهوت صادق، شهوتی است که بدون آن بدن مختل می‌شود؛ مانند شهوت به غذا هنگام گرسنگی و شهوت کاذب، شهوتی است که بدن بدون آن مختل نمی‌شود (همان: ۶۹). واژه شهوت بیشتر به معنای شهوت جنسی و بعضاً در مورد حرص بر خوردن و داشتن مال و جاه و زینت و امثال این‌ها به کار می‌رود. حضرت امیرالمؤمنین (علیه‌السلام) درباره عواقب شهوت‌رانی می‌فرماید: «پیروی از شهوات دین را نابود می‌کند» (تمیمی آمدی، ۱۳۶۶: ۴۳۴) و کسی که دین ندارد قادر بر دین‌دار کردن دیگران نیست. کسانی که بنده شهوات خود هستند، نه تنها قادر بر ارشاد و هدایت بندگان خدا نیستند؛ بلکه آن‌ها را از راه راست هم دور می‌کنند. خداوند متعال در این باره می‌فرماید: «خدا می‌خواهد شما را بیخشد (و از آلودگی پاک نماید)، اما آن‌ها که پیرو شهوات‌اند، می‌خواهند شما به کلی منحرف شوید» (نساء: ۴).

ظاهراً اکثر آیات و روایاتی که از شهوت‌رانی منع کرده و آن را توییح می‌کنند درباره شهوت‌رانی از راه حرام است که حتی آلوده شدن مبلغان دین هم بدان بعید نیست؛ چراکه مثال‌هایی وجود دارد مبنی بر اینکه افراد بسیار وارسته‌ای همچون برصیصای عابد مستجاب‌الدعوه هم در دام شهوت گرفتار شده و دین و دنیای خود را هم‌زمان بر باد فنا داده‌اند. پیروی از شهوت حتی در حلال هم به هیچ‌وجه زینده مبلغان دین نیست. مثلاً تعدد زوجات اگرچه به اجماع فقها جایز است؛ اما به اجماع همان فقها تک‌همسری مستحب است (طوسی، ۱۳۸۵، ۵: ۱۱۱) پس مبلغ دین بهتر است بر همان مستحب اکتفا کند و با تعدد زوجات موجب بدبینی مردم نسبت به مبلغان دین نشود و آن‌ها را از دور خودش پراکنده ننماید مخصوصاً در این دوران که بسیاری از مردم و جوانان از نعمت ازدواج محروم هستند.

۷. شکم‌بارگی: پیامبر اکرم (ص) شهوت شکم را هم‌ردیف شهوت جنسی قرار داده و با این تعبیر از عاقبت پیروی از آن‌ها اظهار نگرانی می‌کنند:

«بیشترین چیزی که سبب دوزخی شدن امت من می‌شود، دو چیز میان‌تهی است، شکم و فرج» (کلینی، ۱۴۰۷ ق، ۲: ۷۲).

مرحوم فیض کاشانی درباره نقش شهوت شکم در هلاکت می‌نویسد:

«بزرگ‌ترین عوامل هلاکت انسان، شهوت شکم است، همان بود که آدم و حوا را از بهشتی که دارالقرار بود به دنیا که دار نیاز و افتقار است فرستاد... در حقیقت شکم سرچشمه شهوات و منشأ دردها و آفات است؛ زیرا حتی شهوت جنسی نیز پیرو آن است و به دنبال این دو، شهوت

در جمع‌آوری مال و مقام است که وسیله‌ای برای سفره‌های رنگین‌تر و زنان بیشتر محسوب می‌شود و به دنبال آن‌ها، تنازع در دسترسی به مال و مقام و کشمکش‌ها به وجود می‌آید و آفت ریا و خودنمایی و تفاخر و تکاثر و خودبرتربینی از آن متولد می‌گردد، سپس این امور عاملی برای حسد، کینه، عداوت و دشمنی می‌شود و دارنده آن را به ارتکاب انواع ظلم‌ها و منکرات و فحشاء می‌کشاند» (فیض کاشانی، ۱۴۱۷، ق، ۵: ۱۴۵)؛

از این رو پیروی از شهوت شکم و پرخوری هم مثل شهوت جنسی به هیچ‌وجه زیننده مبلغ دین نیست. در تورات آمده است که «خداوند عالم چاق را دشمن می‌دارد» (فیض کاشانی، ۱۴۱۷، ق، ۵: ۱۴۸)؛ شاید به این دلیل که در چشم مردم چاقی نشانه تبلی و تن‌پروری، پرخوری و رفاه بیش‌ازحد است که این باعث ایجاد فاصله بین او و مردم می‌شود.

ب) مال دوستی

مال دوستی یا حب مال و ثروت یکی از مصادیق بارز و شایع دنیادوستی است که خطراتی زیادی برای مردم به‌ویژه برای مبلغین دین دارد. از منظر قرآن کریم مال دوستی مایه غفلت از یاد خداست (منافقین: ۹)؛ از این رو مبلغ دین که یکی از رسالت‌های او توجه دادن مردم نسبت به خداست نباید خودش به‌واسطه مال دوستی از یاد خدا غافل باشد. همچنین مال دوستی سبب از بین رفتن دین و ایمان بندگان است. حضرت امام محمد باقر (ع) در این باره می‌فرماید: «دو گرگ درنده خون‌خوار در گله بی‌شبان که یکی از جلو و دیگری در عقب آن بیفتند دیرتر گله را از بین می‌برند تا حب مال و جاه که دین مؤمن را از میان می‌برد» (کلینی، ۱۴۰۷، ق، ۲: ۳۱۵).

شاید علت اینکه مال دوستی سبب از بین رفتن دین و ایمان شخص می‌شود این باشد که به دنبال آن گناهان و رذایلی همچون حرام‌خواری (طباطبایی، ۱۴۱۷، ق، ۲۰: ۲۸۳)، حسد (نراقی، ۱۳۷۷، ۳: ۲۶۸) و بخل (نراقی، ۱۳۷۷، ۳: ۱۶۷) می‌آید که هرکدام مانعی بزرگ بر سر دین‌داری هستند؛ بنابراین مال دوستی، دین مبلغ دین را هدف گرفته و آن را از بین می‌برد و کسی که دین ندارد چطور می‌تواند مردم را دین‌دار کند؟! در ذیل به بررسی اختصاصی چند مصداق مهم از مصادیق و نمودهای مال دوستی در تبلیغ دین می‌پردازیم:

۱. درخواست مزد از مردم: یکی از اساسی‌ترین شروط تأثیرگذاری گفتار مبلغ بر مستمعین آن است که پول‌دوست و پول‌پرست نباشد یعنی از مردم درخواست مزد نمی‌کند. مبلغ

باید ابراز حرص و ولع نسبت به پول بیشتر نداشته باشد و طوری رفتار کند که مردم احساس نکنند که به آن‌ها نیازمند است و کاری نکند که رسالت تبلیغی به صورت شغل و حرفه‌ای برای کسب مال و ثروت جلوه کند به عبارت دیگر سزاوار نیست که مبلغ دینی با مردم رفتار کاسب مآبانه داشته باشد و برای خود مزد مشخص کند و سر به اصطلاح پاکت چانه بزند؛ چرا که این گونه رفتارها موجب می‌شود که مبلغ از نظر مردم سقوط کند و تبلیغش بی‌ارزش گردد و سخنش بر دل‌ها تأثیر نگذارد؛ زیرا مردم ذاتاً با مبلغ مادی میانه خوبی ندارند. خداوند متعال هم می‌فرماید از کسی پیروی کنید که پول دوست و پول پرست نباشد: «از کسانی پیروی کنید که از شما اجر و مزدی درخواست نمی‌کنند و خودشان هم هدایت شده هستند» (یس: ۲۱). در این راستا امام کاظم (ع) به هشام فرمود:

«از طماعی بپرهیز و از آنچه مردم دارند ناامید باش (چشم‌داشتی نداشته باش)، چشم طمع به مخلوق را در خود بمیران؛ زیرا طمع و چشم‌داشت، کلید هر ذلت است، عقل را می‌دزد، انسانیت‌ها را می‌برد، آبرو را لکه‌دار می‌کند و دانش را از بین می‌برد» (حرانی، ۱۳۶۳: ۳۹۹).

معصومین (ع) برای امر تبلیغ دین از کسی مزد نمی‌خواستند و این مسئله از جهت روانی در جذب افراد بسیار مؤثر است. وقتی مردم ببینند که کسی بدون هیچ چشم‌داشت مادی برای هدایتشان تلاش می‌کند، برایشان روشن می‌شود که آن شخص، هدایت مردم را به‌خاطر رشد و تعالی آنان دوست دارد.

خداوند متعال از عده‌ای از انبیاء حکایت کرده که به امت خود می‌فرمودند: «بر این [رسالت] اجری از شما طلب نمی‌کنم. اجر من جز بر عهده پروردگار جهانیان نیست» (شعراء: ۱۰۹؛ ۱۲۷؛ ۱۴۵؛ ۱۶۴؛ ۱۸۰) و همچنین موارد متعددی حکایت شده که خداوند متعال به رسول خدا (ص) امر می‌فرمود که به امت خود بگوید: «بگو: من برای رساندن پیام آسمانی خود هیچ مزدی از شما نمی‌خواهم» (فرقان: ۵۷؛ سبا: ۴۷؛ فرقان: ۵۷).

از قدیم تأمین هزینه‌های نهاد روحانیت شیعه به صورت وجوهات شرعی و وقف و... بر عهده مردم بوده است، برخلاف اهل سنت که غالباً حکومت‌ها عهده‌دار تأمین هزینه آن‌ها هستند، از این رو روحانیت شیعه مردمی‌تر از روحانیت اهل سنت است (مطهری، مرتضی، ۱۳۹۰، ۲۴: ۶۱). این مطلب برای روحانیت شیعه هم یک تهدید است هم یک فرصت، تهدید از این جهت که ممکن است مبلغ دینی آنچه بگوید که مردم دوست دارند نه آنچه را که نیاز دارند و باید بگوید و فرصت از این جهت که روحانیت شیعه چون وامدار حکومت‌ها نیست همیشه همراه و پشتیبان

مردم است و از حمایت آن‌ها برخوردار است. برای اینکه مبلغ از این تهدید در امان باشد باید فرمایش مولای متقیان امام علی (ع) را آویزه گوش خود گرداند که:

«باید نیاز به مردم و بی‌نیازی از آن‌ها، در قلبت جمع شوند تا نیازت به آن‌ها، باعث نرمی در گفتار و خوش‌رویی شود و بی‌نیازی‌ات از آن‌ها، باعث حفظ آبرو و بقای عزت باشد» (کلینی، ۱۴۰۷ ق، ۲: ۱۴۹).

۲. ارتزاق از طریق دین و علم: مبلغ دین نباید به تبلیغ دین به چشم منبع کسب و درآمد نگاه کند بلکه باید آن را یک وظیفه و رسالت بداند و در رزق و روزی به خداوند متعال توکل کند چرا که خداوند متعال رزق و روزی اهل علم را من حیث لایحتمسب (از جایی که گمان نمی‌شود) و به طور خاص متکفل شده و ضمانت کرده است (شهید ثانی، ۱۴۰۹ ق: ۱۶۰).

درباره عواقب دنیوی کسب رزق از طریق امور دینی امام صادق (ع) فرمود:

«کسی که نیتش از آموزش حدیث سود بردن در دنیا باشد، در آخرت بهره‌ای ندارد و کسی که از حدیث خیر آخرت را بخواهد خداوند خیر دنیا و آخرت را به او عطا خواهد کرد» (کلینی، ۱۴۰۷ ق، ۱: ۴۶).

همچنین امام سجاد (ع) فرمود: «پرهیز از آنکه ما را وسیله نان خوردن خودسازی که خدا فقرت را خواهد افزود» (کشی، ۱۴۰۹ ق: ۱۲۵). در این باره حضرت امیرالمؤمنین (ع) فرمودند: «آنکه دین را وسیله ارتزاق خود می‌کند، بهره‌اش از دین همان چیزی است که آن را می‌خورد (و در آخرت بهره‌ای ندارد)» (حرانی، ۱۳۶۳: ۲۲۳). امام رضا (ع) هم فرمودند: «خاندان محمد را وسیله امرارمعاش خود نسازید که وسیله ارتزاق قراردادن ایشان، کفر است» (همان: ۵۱۴).

۳. تجمل‌گرایی و اشرافی‌گری: مبلغ دینی در واقع پیشوای مردم است و مردم در امور دنیوی و اخروی خود به او نگاه می‌کنند از نگاهی دیگر مبلغ دینی خادم مردم است و چه خدمتی بالاتر از اینکه به مردم دین‌داری را آموزش می‌دهد و آموخته‌هایشان را یادآوری می‌نماید؟ چنین فردی باید ساده‌زیست باشد و از اشرافیت به دور باشد تا بتواند به مردم بهتر خدمت کند و با مردم ناتوان همراهی و همدردی نماید و درک ملموس‌تری از زندگی آنان داشته باشد و توانگران هم با نگاه به وی از سرکشی و طغیان بازداشته شوند.

حضرت امیرالمؤمنین (ع) در این باره می‌فرمایند:

«خداوند مرا برای مخلوقاتش امام قرارداد، پس بر من واجب کرد که برای خواهش‌های نفسانی و خوراکی، نوشیدنی و لباس‌هایم اندازه‌ای، مثل ناتوان‌ترین مردمان، قرار دهم تا فقیر به

فقر من اقتدا کند و ثروتمند به خاطر ثروتش طغیان نکند» (کلینی، ۱۴۰۷ ق، ۱: ۴۱۰).

یکی از ویژگی‌های انبیا (ع) که در جذب قلوب مردم بسیار مؤثر بوده است، زهد، ساده‌زیستی و عدم دل‌بستگی آنان به دنیاست. مثلاً اگر پیامبر اکرم (ص) اهل دنیا و اشرافی‌گری بودند، هرگز اصحاب صُفّه زندگی خود را در مکه رها نمی‌کردند تا در مدینه با فقر کنند و در راه اسلام فداکاری نمایند.

اصولاً قدر مشترک زندگی تمام انبیاء و اولیای الهی پرهیز از تجمل‌گرایی و دنیاطلبی است. آنان برخلاف صاحبان زر و زور و تزویر که با مظاهر مادی مردم را جذب خود می‌کنند، با ساده‌زیستی و بی‌آلایشی مردم را شیفته مکتب و مرام خود می‌سازند؛ از این رو کسی که شیوه انبیاء را برای زندگی انتخاب کرده و در سلک مبلغان دین درآمده، برای اینکه بتواند رسالتش را به نحو احسن انجام دهد و مردم هم به حرفش گوش کنند، باید به شیوه انبیا زندگی کند و به‌مرور زمان و با روی آوردن دنیا به وی دچار تجمل‌گرایی و اشرافی‌گری نشود.

آراستگی ظاهری که لازمه تبلیغ است با تجمل‌گرایی و تشریفات کاملاً متفاوت است ولی این نکته را هم باید در نظر داشت که افراط در رسیدگی به وضع ظاهر و اسراف در استفاده از اتومبیل، منزل، لباس و وسایل زندگی گران‌قیمت و آن‌چنانی منجر به تجمل‌گرایی خواهد شد. معصومین (ع) در عین اینکه ظاهری پاکیزه و آراسته داشتند، از تجمل‌گرایی شدیداً متنفر بوده و آن را از آفات دین‌داری می‌دانستند. امام سجاد (ع) از خداوند درخواست می‌کند:

«خدایا آن مال و ثروتی که برای من کبر و خودبینی ایجاد کند یا به ستمگری و سرکشی منجر شود را از من دور کن» (امام چهارم، ۱۳۷۶، دعای ۳۰: ۱۳۸).

۴. تواضع در برابر ثروتمندان: یکی از تکنیک‌های ارتباطی و اخلاق حسنه اجتماعی

که مبلغ دینی باید داشته باشد صفت تواضع است که باید فقط به خاطر خدا باشد و نه به خاطر دنیا و انتظار رسیدن خیر از طرف مقابل! چون فقط تواضع به خاطر خداست که انسان را بلندمرتبه می‌کند (حرانی، ۱۳۶۳: ۴۶). مردم ناخودآگاه خیلی خوب فرق انسان متواضع با انسان چاپلوس را می‌فهمند و اگر خدای ناکرده مبلغی در مقابل ثروتمندان به خاطر ثروتشان تواضع کند هم آن ثروتمند می‌فهمد و هم بقیه مردم؛ و این رذیله نتیجه‌ای جز خوار شدن آن بنده در نزد مردم و خداوند نخواهد داشت. حضرت امیرالمؤمنین (علیه‌السلام) درباره عاقبت کسی که در برابر ثروتمندان کرنش و تواضع می‌کند فرمود: «هر کس در مقابل ثروتمند به خاطر ثروتش تواضع کند دوسوم دینش از بین خواهد رفت!» (نهج‌البلاغه، حکمت ۲۲۸).

ج) جاه‌طلبی

یکی دیگر از آسیب‌هایی که در تبلیغ دین وجود دارد و از دنیادوستی نشئت می‌گیرد، جاه‌طلبی یا حب جاه و مقام و قدرت‌طلبی است. شخص جاه‌طلب به فکر تسخیر دل‌های مردم، برای کسب موقعیت اجتماعی و قدرت است و نه خدمت به خلق‌الله و ابلاغ دین خدا به آن‌ها. حضرت امام صادق (ع) در مذمت جاه‌طلبی می‌فرماید:

«آیا خیال می‌کنید که من نمی‌توانم خوبان شما را از اشرار شما تشخیص بدهم؟! بله به خدا قسم که می‌توانم، به‌درستی که شروترین شما کسی است که دوست دارد عده‌ای پشت سرش حرکت کنند» (کلینی، ۱۴۰۷ ق، ۲: ۲۹۹).

امام سجاد (علیه‌السلام) در مذمت جاه‌طلبی با ابزار دین فرمودند:

«پرهیز از اینکه به نام ما (و طرفداری از ما) به سروری برسی که خدا تو را پست خواهد کرد» (مجلسی، ۱۴۰۳ ق، ۲: ۱۶۲)؛

بنابراین مبلغ دینی باید قدت داشته باشد که نیتش را فقط برای خدا خالص گرداند و از محبوبیت و شهرتی که در بین مردم به دست آورده است سوءاستفاده نکند و آن را وسیله‌ای برای زراندوزی و کسب مقام و قدرت نگرداند و این را بداند که اگر خداوند به واسطه توفیق علم، به وی محبوبیت، شهرت، ثروت، قدرت و مقام را عنایت کرد آن‌ها را باید از خدا بداند و برای خدا خرج کند نه برای خودش. جاه‌طلبی به اشکال مختلفی ممکن است بروز کند که در ذیل به برخی از آن‌ها اشاره می‌شود.

۱. طلب علم به خاطر فخرفروشی: عالم و مبلغ دینی باید با هر انگیزه‌ای که از حب دنیا سرچشمه می‌گیرد مبارزه کند: از جمله فخرفروشی و مباحثات نسبت به بندگان خدا؛ چراکه همه نعمات، توفیقات و فضیلت‌ها از جانب خداوند است و به هیچ وجه راضی نیست که کسی به خاطر آن‌ها بر بندگان فخرفروشی شود. فخرفروشی و مباحثات به خاطر اینکه مثلاً مجتهد شده است، منبر و روضه زیبایی دارد، پامنبری‌های بسیاری دارد، فلان شهر و هیئت وی را دعوت کرده و... باید توجه داشت که فخرفروشی به خاطر هر چیزی و از جمله به خاطر علم و سواد، از جهل و حماقت سرچشمه می‌گیرد چراکه از نظر حضرت امیرالمؤمنین علی (ع) فخرفروشی عین حماقت است: «هیچ رفتاری احمقانه‌تر از تفاخر و خودستایی نیست» (تمیمی آمدی، ۱۳۶۶: ۳۱۱). از این رو عالمی که فخرفروشی می‌کند عالم نیست و عالم نماست و تفاخر، توهمی است که موجب تباهی دین و دنیای انسان می‌گردد، از این رو باید مبلغ دینی سعی کند که نفسش را از

این رذیله تهذیب و تطهیر کند و عاجزانه از خداوند متعال بخواهد که او را از فخرفروشی مصون بدارد همچنان که امام سجاد (ع) از خداوند متعال می‌خواهد که ایشان را از مباهات و فخرفروشی مصون بدارد: «وَأَعْصِمْنِي مِنَ الْفَخْرِ» (امام چهارم، ۱۳۷۶، دعای ۲۰: ۹۲). درباره عواقب مباهات و فخرفروشی از امام باقر (ع) روایت شده است که فرمود: «کسی که دانش طلبد تا با آن در برابر علما فخرفروشی کند ... پس جایگاه او آتش است» (کلینی، ۱۴۰۷، ق، ۱: ۴۷).

۲. طلب علم به خاطر جدال: یکی دیگر از انگیزه‌های دنیاطلبانه در تبلیغ دین بحث وجدل ناسالم با مردم است که از حب نفس نشئت می‌گیرد که شعبه‌ای از شعب دنیا دوستی است. هم جدل گناه است و هم مقدمات آن که با اخلاص منافات دارند؛ عالم و مبلغ دینی که برای بحث وجدل با مردم آماده می‌شود در واقع اخلاص ندارد و هدفش از تبلیغ به کرسی نشاندن رأی خود است نه ارشاد قربه‌اللی‌الله مردم. از امام باقر (ع) روایت شده است که: «کسی که دانش طلبد تا به وسیله آن با کم‌خردان درآویزد و بحث وجدل کند (و بر آن‌ها پیروز شود)، پس جایگاه او آتش است» (کلینی، ۱۴۰۷، ق، ۱: ۴۷).

همچنین آیات و روایات فراوانی وارد شده است که امر به ترک جدال و کشمکش با مردم کرده است و نتایج بد و عواقب وخیم آن را بیان نموده است که همه آن‌ها مضر به حال مبلغ و تبلیغ دین است. خداوند متعال خطاب به مؤمنین می‌فرماید: «و باهم نزاع و ستیزه مکنید که سست و بیمناک می‌شوید و تسلط و حکومتتان از میان می‌رود» (انفال: ۴۶)؛ بنابراین مبلغ مجادله گر بر مخاطبین خود تسلطی نخواهند داشت.

امیرالمؤمنین (ع) می‌فرماید: «هر کس از آبروی خود بیمناک است از جدال پرهیزد» (نهج البلاغه، حکمت ۳۶۲). حضرت امام صادق (ع) هم می‌فرماید: «از ستیزه‌جویی در دین پرهیزید؛ زیرا دل‌ها را از یاد خدا بازداشته، نفاق را به ارث می‌گذارد و کینه و دشمنی را زنده می‌کند» (تهرانی، ۱۳۸۱، ۴: ۲۰۹)؛ از این رو کسی که به خیال تبلیغ دین مطالعه می‌کند، کلاس می‌رود و آماده می‌شود که بتواند به خوبی بحث وجدل کند، باید بداند که در کارش اخلاص ندارد و بحث وجدل، تبلیغ نیست؛ بلکه ضد تبلیغ است و نتیجه‌ای جز بی‌آبرویی، سبک شدن در چشم مردم، کینه، عداوت و دورویی مردم نسبت به وی نخواهد داشت. از این رو وقتی مبلغ دید که انتقاد، پرسش و پاسخ، گفتگو، بحث منطقی و دوستانه با مردم به بیراهه و جدل کشیده می‌شود سریع بحث را ترک کند که جز خسران و دورتر شدن از هدف تبلیغ نتیجه‌ای نخواهد داشت.

۳. ریاکاری: از جمله آسیب‌هایی که در تبلیغ دین وجود دارد و از دنیادوستی نشئت می‌گیرد، ریاکاری، جلب توجه مردم و تلاش برای کسب محبوبیت در بین مردم است. ریا از ریشه «رأی» مشتق شده و به معنی تظاهر برخلاف آنچه در باطن وجود دارد (شرتونی، ۱۳۸۵، ۲: ۳۳۳) و اینکه معناست که شخصی کاری را با انگیزه دیده شدن توسط مردم (القزوینی الرازی، ۱۳۹۹ ق، ۲: ۴۷۳) و نشان دادن به دیگران انجام دهد نه برای تقرب به خدا (قرشی بنایی، ۱۴۱۲ ق، ۳: ۳۵).

باید توجه داشت که شیفته جلب توجه مردم بودن ناشی از یک خلأ و کمبود درونی به نام «اختلال شخصیت نمایشی و جلب توجه» یا «Histrionic personality disorder» است که شخص مبتلا به آن تلاش بسیار زیادی برای جلب توجه افراد مختلف می‌کند و اغلب اوقات به صورت نمایشی یا به شکل نامناسب رفتار می‌کند تا توجه دیگران را به سوی خود جلب نماید، چون خودباوری این گونه افراد به تأیید دیگران وابسته است (Free, ۲۰۲۱ RacoonyRE, encyclopedia English Wikipedia).

پیامبر خدا (ص) می‌فرماید: «ای اباذر! ... هر کس علم را برای آن بخواهد که مردمان رو به سوی او کنند، بویی از بهشت به مشام او نخواهد رسید» (حکیمی و دیگران، ۱۳۸۰، ۲: ۵۳۵). از امام باقر (ع) روایت شده است که فرمود: «کسی که دانش طلبد تا به وسیله آن مردم را به خود متوجه سازد، پس جایگاه او آتش است» (کلینی، ۱۴۰۷ ق، ۱: ۴۷)؛ از این رو مبلغ دینی باید با تهذیب نفس، خود را این بیماری قلبی و رذیله نجات دهد و سعی کند که خود را در مسیری قرار دهد که توجه خالق را به سوی جلب کند و نه توجه مخلوق و این را بداند که قلب‌ها و توجهات مردم در دست خداست و تنها اوست (آل عمران: ۲۶) به طوری که اگر مبلغ دین خودش را برای خدا خالص کرد خداوند همه چیز از جمله قلوب مؤمنین را در برابر او خاضع و خاشع خواهد کرد (شعیری، بی تا: ۱۰۰).

۴. کرنش در برابر مستکبران: یکی از مهم‌ترین ویژگی‌های هر مؤمن و به‌ویژه مبلغ دین عزت نفس و آزادگی است و اینکه نباید به هیچ قیمتی دین خود را به دنیای ناچیز بفروشند. مؤمن هرگز به خاطر دنیا، خودش را در برابر مستکبران و ارباب زر و زور و تزویر خوار و ذلیل نمی‌کند و فریب زرق و برق دنیا را نمی‌خورد و مصداقی از فرمایش امیرالمؤمنین علی (علیه السلام) است که در توصیف متقین فرمود: «خداوند متعال در نزدشان باعظمت است پس به غیر از او، همه چیز در چشمشان خوار و حقیر می‌باشد» (نهج البلاغه، خطبه ۱۹۳)؛ از این رو مبلغ دین نباید با نزدیک

شدن به قدرتمندان و مقامات و چاپلوسی در مقابل آن‌ها در پی کسب قدرت باشد که در این صورت دزد دین مردم خواهد بود. رسول خدا (ص) در این باره فرمودند:

«دانشمندان فقیه تا هنگامی که وارد دنیا نشده‌اند امین پیغمبران‌اند» عرض شد یا رسول‌الله! معنی ورودشان در دنیا چیست؟ فرمود: «پیروی سلطان، پس چون چنین کنند نسبت بدینتان از ایشان برحذر باشید» (کلینی، ۱۴۰۷ ق، ۱: ۴۶).

۵. حسادت به دیگر مبلغان دین: حسد یکی از گناهان کبیره است که انسان را از عدالت خارج می‌کند و وعده آتش جهنم به صاحب آن داده شده است. (دستغیب، ۱۳۸۷: ۱۲۴) رسول خدا (صلی‌الله‌علیه‌وآله) آفت رایج بین علما را حسد معرفی می‌کند که موجب دخول آن‌ها در آتش جهنم می‌شود؛ آنجایی که می‌فرماید: «شش طایفه‌اند که به خاطر شش چیز بدون حساب و کتاب به دوزخ می‌روند» از آن جمله می‌فرماید: «وَالْعُلَمَاءُ بِالْحَسَدِ» (شعیری، بی تا: ۱۴)؛ دانایان و دانشمندان نیز به واسطه حسد. حسادت نه تنها موجب هلاکت خود عالم و مبلغ دین می‌شود بلکه اثرات مخربی در بین مردم بجا خواهد گذاشت چون موجب سلب اعتماد مردم هم از مبلغ حسود و هم از مبلغ محسود و به‌طورکلی بدبینی به کل علما و مبلغان دین می‌شود چراکه شخص حسود معمولاً ضربه‌اش را با بدگویی و غیبت و تهمت به محسود وارد می‌کند. از این رو یکی از آسیب‌های مهمی که در تبلیغ دین وجود دارد حسادت است که آن‌هم از دنیادوستی نشئت می‌گیرد. ملا احمد نراقی (ره) منشأ حسادت را دنیادوستی می‌داند که به صورت‌های مختلف از جمله: بخل، حب شهرت و آوازه، سخت بودن این که یکی از امثال و اقران انسان یا شخصی که از او پست‌تر است از او بالاتر باشد، تکبر و تعجب از اینکه محسود حقیر و پست در نظر حاسد، دارای نعمت عظیم باشد (نراقی، ۱۳۷۸: ۴۶۱-۴۶۴) که هرکدام از این‌ها از مبلغ دینی هم ممکن است سر بزنند. مثلاً کسی که علوم دین را فرا گرفته است اگر مهذب نشده باشد و تزکیه نکرده باشد، نمی‌تواند بالاتر از خودش را ببیند و اگر دید که مردم، کسی دیگر را بر او مقدم می‌دارند و مدح و ثنای او را می‌کنند، حسد ورزیده و خود را مستحق‌تر به مدح و ثنا می‌بیند (دستغیب، ۱۳۸۷: ۱۲۴).

نتیجه گیری

یافته‌های این پژوهش حاکی از آن است که دنیادوستی و اغراض دنیوی مبلغ در تبلیغ دین به اشکال مختلفی ممکن است بروز کند که به‌طورکلی در چند دسته ذیل قرار می‌گیرند:

۱. حب نفس: مثل خودبزرگ‌بینی، عجب، خود عالم‌پنداری، عدم اعتراف به ندانستن، عافیت‌طلبی، ترس از غیر خدا در راه تبلیغ دین، کتمان حق و رها کردن حق در مواقع ضرر، شهوت‌رانی و شکم‌پرستی.

۲. مال دوستی یا حب مال و ثروت: مثل پول‌پرستی، ارتزاق از طریق دین و علم، زراندوزی، تجمل‌گرایی و اشرافی‌گری.

۳. جاه‌طلبی یا حب جاه و مقام: مثل طلب علم به‌خاطر فخر و فروشی و مباحثات، طلب علم به‌خاطر جدل کردن با مردم، ریاکاری، حسد و همچنین کرنش در برابر مستکبرین و ارباب زر و زور و تزویر.

مبلغی که اسیر دنیاست روابط اجتماعی‌اش با مردم به شدت آسیب دیده و ضعیف می‌شود به این صورت که از چشم مردم می‌افتد و در نزد آن‌ها پست و خوار می‌گردد، بنابراین از دورش پراکنده می‌شوند و نه کلام و تبلیغش نه‌تنها اثر ندارد؛ بلکه ممکن است دین مردم را هم بدزدد چراکه تاریخ و تجربه ثابت کرده است اشتباه عالم و مبلغی که مهذب و خودساخته نیست هم برای خودش بسیار زیان‌بار است و هم برای مردم و جامعه. به طور کلی مبلغ دنیا دوست اسباب تخریب دین، دنیا و آخرت خودش را فراهم می‌کند چرا که بر اساس روایات در دنیا، فقیر می‌شود، آبرویش می‌رود، دینش را نابود می‌کند و در آخرت از بهشت محروم است و جایگاهش آتش جهنم است و عذاب‌های دردناک در انتظار اوست.

بر اساس آموزه‌های دین اگر کسی در دنیا در پی آخرت باشد، خداوند خیر دنیا و آخرت را به وی عطا خواهد کرد، ولی اگر هدفش فقط دنیا باشد از نعمات ابدی آخرت محروم خواهد شد؛ چراکه دنیا و آخرت در دست خداست و اوست که در دنیا و آخرت به بندگانش روزی می‌دهد؛ از این رو مبلغان دین باید با استعانت از پروردگار و توسل به اولیاءالله، قبل از شروع تبلیغ و هم‌زمان با ابلاغ پیام‌های دین، نفوسشان را از محبت دنیا که سرچشمه همه پلیدی‌هاست تهذیب و پاک کنند و سعی کنند که روزبه‌روز بر اخلاص خود بیفزایند و انگیزه‌های غیر خدائی را از خود دور نمایند تا روابط آن‌ها با مردم تقویت شده و تبلیغشان اثرگذار باشد و برای دین و دنیا و آخرت خود و مردم مفید واقع شوند.

فهرست منابع

قرآن کریم.

- ۱- ابراهیم‌زاده آملی، عبدالله، (۱۳۸۳)، دین پژوهی، چاپ دوم، تهران، تحسین.
- ۲- ابراهیمی دینانی، غلام حسین، (۱۳۸۰)، قواعد کلی فلسفی در فلسفه اسلامی، ۳ جلد، تهران، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی.
- ۳- ابن طاووس، علی بن موسی، (۱۴۰۹ ق)، إقبال الأعمال (ط- القديمة)، ۲ جلد، چاپ دوم، تهران، دارالکتب الإسلامية.
- ۴- ابن منظور الافریقی المصری، ابی الفضل جمال الدین محمد بن مکرم، (۱۴۱۴ ق)، لسان العرب، ۱۵ جلد، چاپ سیزدهم، بیروت، دار صادر.
- ۵- ابن بابویه، محمد بن علی، (۱۳۶۲)، الخصال، تحقیق و تصحیح: غفاری، علی اکبر، ۲ جلد، چاپ اول، قم، جامعه مدرسین.
- ۶- ابن بابویه، محمد بن علی، (۱۳۷۸)، عیون أخبار الرضا (علیه السلام)، تحقیق و تصحیح: لاجوردی، مهدی، ۲ جلد، چاپ اول، تهران، نشر جهان.
- ۷- ابن بابویه، محمد بن علی، (۱۴۱۳ ق)، من لا یحضره الفقیه، تحقیق و تصحیح: غفاری، علی اکبر، ۴ جلد، چاپ دوم، قم، دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم.
- ۸- اسماعیلی زاده، عباس، (۱۳۹۱)، «واکاوی معنای «دین» در کاربردهای قرآنی آن»، آموزه‌های قرآنی، شماره ۱۵.
- ۹- امام چهارم، علی بن الحسین (علیه السلام)، (۱۳۷۶)، الصحیفة السجادیة، چاپ اول، قم، دفتر نشر الهادی.
- ۱۰- تمیمی آمدی، عبدالواحد بن محمد، (۱۳۶۶)، تصنیف غررالحکم و درر الکلم، تحقیق و تصحیح: درایتی، مصطفی، چاپ اول، قم، دفتر تبلیغات.
- ۱۱- توفیقی، حسین، (۱۳۸۵)، آشنایی با ادیان بزرگ، چاپ نهم، تهران: سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی دانشگاه‌ها (سمت): مؤسسه فرهنگی طه: مرکز جهانی علوم اسلامی.
- ۱۲- تهرانی، مجتبی، (۱۳۸۱)، اخلاق الهی، چاپ اول، تهران، مؤسسه فرهنگی دانش و اندیشه معاصر.
- ۱۳- حاجی، محمدعلی، (۱۳۸۱)، آسیب‌شناسی تربیت دینی، دانشنامه امام علی علیه السلام (زیر نظر علی اکبر رشاد)، ۱۲ جلد، چاپ اول، تهران، مؤسسه فرهنگی دانش و اندیشه معاصر.
- ۱۴- حر عاملی، محمد بن حسن، (۱۴۰۹ ق)، وسائل الشیعة، ۳۰ جلد، چاپ اول، قم، مؤسسه آل‌البیت (علیهم السلام).
- ۱۵- حرانی، حسن بن علی ابن شعبه، (۱۳۶۳)، تحف العقول، تحقیق و تصحیح: غفاری، علی اکبر، چاپ دوم، قم، جامعه مدرسین.
- ۱۶- حریری، محمد یوسف، (۱۳۸۵)، فرهنگ اصطلاحات قرآنی، بی جا، قم، هجرت.
- ۱۷- حکیمی، محمدرضا و حکیمی، محمد و حکیمی، علی، (۱۳۸۰ ش)، الحیاة، ترجمه احمد آرام، ۶ جلد، چاپ اول، تهران، دفتر نشر فرهنگ اسلامی.

- ۱۸- خندان، محسن، (۱۳۷۴)، *تبلیغ اسلامی و دانش ارتباطات اجتماعی*، چاپ اول، تهران، مرکز چاپ و نشر سازمان تبلیغات اسلامی.
- ۱۹- دستغیب، عبدالحسین، (۱۳۸۷)، *اخلاق اسلامی*، چاپ چهاردهم، قم، دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم.
- ۲۰- دغیم، سمیح؛ جهامی، جیرار، (۲۰۰۶ م)، *الموسوعة الجامعة لمصطلحات الفكر العربي والإسلامی*، جلد ۲، چاپ اول، بیروت، مکتبه لبنان ناشرون.
- ۲۱- دهخدا، علی اکبر، (۱۳۹۰)، *لغت نامه دهخدا*، ۲ جلد، چاپ دوم، تهران، انتشارات دانشگاه تهران.
- ۲۲- ذوالفقاری، حسن، (۱۳۸۵)، *داستان‌های امثال*، چاپ دوم، تهران، مازیار.
- ۲۳- راغب اصفهانی، أبو القاسم الحسین بن محمد، (۱۴۱۲ ق)، *المفردات فی غریب القرآن*، المحقق: صفوان عدنان الداودی، چاپ اول، دمشق و بیروت: دار القلم و الدار الشامیه.
- ۲۴- سهرابی رنانی، مریم و رشیدپور، علی و اعتباریان، اکبر، (۱۳۹۵)، «شناسایی عوامل تأثیرگذار بر اثربخشی تبلیغات فرهنگی بر مبنای نظریه برخاسته از داده‌ها و ارائه الگوی اثربخشی تبلیغات فرهنگی»، فصلنامه راهبرد اجتماعی فرهنگی، شماره ۱۹.
- ۲۵- شرتونی، سعید، (۱۳۸۵)، *اقرب الموارد فی فصیح العربیه و الشوارد*، ۵ جلد، چاپ دوم، تهران، اسوه.
- ۲۶- شریف الرضی، محمد بن حسین، (۱۴۱۴ ق)، *نهج البلاغه (للصبحی صالح)*، تحقیق و تصحیح: فیض الإسلام، چاپ اول، قم، هجرت.
- ۲۷- شعاری نژاد، علی اکبر، (۱۳۷۵)، *فرهنگ علوم رفتاری*، چاپ دوم، تهران، امیرکبیر.
- ۲۸- شعیری، محمد بن محمد، بی تا، *جامع الأخبار*، چاپ اول، نجف، مطبعة حیدریه.
- ۲۹- شهید ثانی، زین‌الدین بن علی، (۱۴۰۹ ق)، *منیة المرید*، تحقیق و تصحیح: مختاری، رضا، چاپ اول، قم، مکتب الإعلام الإسلامی.
- ۳۰- طباطبایی، سید محمدحسین، (۱۳۸۱)، *سنن النبی (صلی‌الله‌علیه‌وآله) (آداب، سنن و روش رفتاری پیامبر گرامی اسلام)*، مترجم: حسین استاد ولی چاپ سوم، تهران، پیام آزادی.
- ۳۱- طباطبایی، سید محمدحسین، (۱۴۱۷ ق)، *المیزان فی تفسیر القرآن*، چاپ پنجم، قم، دفتر انتشارات اسلامی جامعه مدرسین حوزه علمیه قم.
- ۳۲- طباطبایی، محمدحسین، (۱۳۸۸)، *شیعه در اسلام*، چاپ پنجم، قم، مؤسسه بوستان کتاب (مرکز چاپ و نشر دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم).
- ۳۳- طبرسی، حسن بن فضل، (۱۴۱۲ ق)، *مکارم الأخلاق*، چاپ چهارم، قم، شریف رضی.
- ۳۴- طریحی، فخرالدین بن محمد، (۱۳۶۲)، *مجمع البحرین*، ۶ جلد، تحقیق احمد الحسینی، چاپ اول، تهران، انتشارات مرتضوی.
- ۳۵- طوسی، محمد بن حسن، (۱۳۸۵)، *الخلاف*، ۲ جلد، چاپ ۶، قم، دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم.
- ۳۶- عبد الباقي، محمد فؤاد، (۱۹۹۸ م)، *المعجم المفهرس لألفاظ القرآن الکریم*، بی جا، مصر، دار الکتب المصریه.

- ۳۷- عمید، حسن، (۱۳۸۹)، فرهنگ فارسی عمید، چاپ اول، تهران، راه رشد.
- ۳۸- فراهیدی، خلیل بن احمد، (۱۴۰۹ ق)، العین، ۹ ج، چاپ دوم قم، مؤسسه دار الهجرة.
- ۳۹- فیروزآبادی، محمد بن یعقوب و مرتضی زبیدی، محمد بن محمد، (۱۴۱۴ ق یا ۱۹۹۴ م)، تاج العروس فی شرح القاموس، محقق: علی شیری، ۲۰ جلد، چاپ اول، بیروت - لبنان، دار الفکر.
- ۴۰- فیض کاشانی، ملاً محسن و ابن شاه مرتضی، محمد، (۱۴۱۷ ق)، المحجة البيضاء، ۸ جلد، چاپ چهارم، قم، دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم.
- ۴۱- قرائتی، محسن، (۱۳۸۸)، قرآن و تبلیغ، ویراست ۲، چاپ هفتم، تهران، مرکز فرهنگی درسهای از قرآن.
- ۴۲- قرشی بنایی، علی اکبر، (۱۴۱۲ ق)، قاموس قرآن، ۷ جلد، چاپ ششم، تهران، دارالکتب الاسلامیه.
- ۴۳- القزوینی الرازی، أبو الحسین أحمد بن فارس بن زکریاء: (۱۳۹۹ ق - ۱۹۷۹ م)، معجم مقاییس اللغة، المحقق: عبدالسلام محمد هارون، ۶ جلد، دارالفکر.
- ۴۴- کراجکی، محمد بن علی، (۱۴۱۰ ق)، کنز الفوائد، تحقیق و تصحیح: نعمة، عبدالله، ۲ جلد، چاپ اول، قم، دارالذخائر.
- ۴۵- کشی، محمد بن عمر، (۱۴۰۹ ق)، رجال الکشی - إختيار معرفة الرجال، تحقیق و تصحیح: طوسی، محمد بن حسن / مصطفوی، حسن، چاپ اول، مشهد، مؤسسه نشر دانشگاه.
- ۴۶- کلینی، محمد بن یعقوب بن اسحاق، (۱۴۰۷ ق)، الکافی، محقق - مصحح: غفاری علی اکبر و آخوندی، محمد، ۸ جلد، چاپ چهارم، تهران، دارالکتب الإسلامیه.
- ۴۷- متقی الهندی، علاءالدین علی بن حسامالدین، (۱۴۰۱ ق / ۱۹۸۱ م)، کنز العمال فی سنن الأقوال والأفعال، المحقق: بکری حیانی - صفوة السقا، چاپ پنجم، بیروت، مؤسسه الرسالة.
- ۴۸- مجلسی، محمدباقر بن محمدتقی، (۱۴۰۳ ق)، بحار الأنوار، ۱۱۱ جلد، چاپ دوم، بیروت، دار إحياء التراث العربی.
- ۴۹- مصباح یزدی، محمدتقی، (۱۳۹۳)، آموزش عقاید، ۳ جلد، چاپ شصت و ششم، تهران، مؤسسه انتشارات امیرکبیر، شرکت چاپ و نشر بین الملل.
- ۵۰- مطهری، مرتضی، (۱۳۹۰)، مجموعه آثار شهید مطهری، بی چا، تهران، صدرا.
- ۵۱- معین، محمد، (۱۳۸۱)، فرهنگ فارسی معین، ۲ جلد، چاپ چهارم، تهران، آدنا (کتاب راه نو).
- ۵۲- موسوی خمینی، سید روح الله، (۱۳۸۹): صحیفه امام خمینی (رحمه الله)، ۲۲ جلد، چاپ پنجم، تهران، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی (رحمه الله).
- ۵۳- نراقی، احمد بن محمد مهدی، (۱۳۷۸)، معراج السعادة، چاپ ششم، قم، مؤسسه انتشارات هجرت.
- ۵۴- نراقی، محمد مهدی، (۱۳۷۷)، علم اخلاق اسلامی (ترجمه جامع السعادات)، ترجمه سید جلال الدین مجتبی، ۳ جلد، چاپ چهارم، تهران، انتشارات حکمت.
- ۵۵- هاشمی شاهرودی، محمود، (۱۳۸۷)، فرهنگ فقه مطابق مذهب اهل بیت (علیهم السلام)، چاپ اول، مؤسسه دائره المعارف فقه اسلامی، قم.

56- RacoonyRE, (2021), Histrionic personality disorder, Free encyclopedia English Wikipedia:

https://en.wikipedia.org/wiki/Histrionic_personality_disorder

REFERENCES

* The Holy Qur'an.

1. Ibrahimzadeh Amoli, Abdullah, (1383), Religious studies, second edition, Tehran, Tahsin.
2. Ibrahimi Dinani, Gholam Hussein, (1380), General Philosophical Rules in Islamic Philosophy, Vol. 3, Tehran, Research Institute of Human Sciences and Cultural Studies.
3. Ibn Tавus, Ali ibn Musa, (1409 AH), Iqbal al-A'maal (Old Edition), Vol. 2, second edition, Tehran, Dar al-Kitab al-Islamiyya.
4. Ibn Manzour al-Afriqi al-Misri, Abul-Fadl Jamaluddin Muhammad ibn Mukarram, (1414 AH), Lisan al-Arab, Vol. 15, 13th edition, Beirut, Dar Sadir.
5. Ibn Babawayh, Muhammad bin Ali, (1362), Al-Khisal, research and correction: Ghaffari, Ali Akbar, Vol. 2, first edition, Qom, Jami'a al-Mudarrisin.
6. Ibn Babawayh, Muhammad bin Ali, (1378), Uyoun Akhbar al-Ridha (A.S.), research and correction: Lajurdi, Mahdi, Vol. 2, first edition, Tehran, Nashr Jahan.
7. Ibn Babawayh, Muhammad bin Ali, (1413 AH), Man la Yahduruahu al-Faqih, research and correction: Ghaffari, Ali Akbar, Vol. 4, second edition, Qom, Islamic Publications Office affiliated with the Qom Seminary Teachers Association.
8. Ismaeilzadeh, Abbas, (1391), "Analysis of the Meaning of Religion in its Qur'anic Usages", Quranic Teachings, No. 15.
9. The fourth Imam, Ali bin Al-Husain (A.S.), (1376), Al-Sahifah al-Sajjadiyah, first edition, Qom, Al-Hadi Publishing House.
10. Tamimi al-Amidi, Abdul Wahid bin Muhammad, (1366), Ghurar al-Hikam wa Durar al-Kalim, research and correction: Drayati, Mustafa, first edition, Qom, Daftar Tablighat Institute.
11. Tawfighi, Hossein, (1385), Getting to Know the Great Religions, 9th edition, Tehran: Studying and Compiling Humanities Books of Universities Organization (Samt): Taha Cultural Institute: World Center for Islamic Sciences.
12. Tehrani, Mojtaba, (1381), Divine Ethics, first edition, Tehran, Contemporary Cultural Institute of Knowledge and Thought.
13. Haji, Mohammad Ali, (1381), Pathology of Religious Education, Encyclopedia of Imam Ali (under the supervision of Ali Akbar Rashad), 12 volumes, first edition, Tehran, Contemporary Cultural Institute of Knowledge and Thought.
14. Hur Amili, Muhammad bin Hasan, (1409 AH), Wasa'il al-Shi'a, 30 volumes, first edition, Qom, Aal al-Bayt Organization (A.S.).
15. Harrani, Hasan bin Ali Ibn Shu'ba, (1363), Tuhaf al-Uqoul, research and correction: Ghaffari, Ali Akbar, second edition, Qom, Jami'a al-Mudarrisin.
16. Hariri, Muhammad Yusuf, (1385), Dictionary of Qur'anic Terms, (n.p.), Qom, Hijrat.
17. Hakimi, Muhammad Reza; Hakimi, Muhammad; and Hakimi, Ali, (1380), Al-Hayat, translated by Ahmad Aram, 6 volumes, first edition, Tehran, Farhang Islamic Publishing House.
18. Khandan, Mohsen, (1374), Islamic Tablighat and Knowledge of Social Communication, first edition, Tehran, Islamic Propaganda Organization Publishing Center.
19. Dashtghaib, Abdul-Hossein, (1387), Islamic Ethics, 14th edition, Qom, Islamic Publications office affiliated with the Jami'a al-Mudarrisin, Qom.
20. Daghim, Samih; Jahami, Jirar, (2006), Al-Masua'a al-Jami'a li-Mustalihat al-Fikr al-Arabi al-Islami, 2 volumes, first edition, Beirut, Lebanese Publishers Library.

21. Dekhoda, Ali Akbar, (1390), Dekhoda dictionary, 2 volumes, second edition, Tehran, Tehran University Press.
22. Zulfiqari, Hasan, (1385), Amthal Stories, second edition, Tehran, Maziar.
23. Raghīb Isfahani, Abu al-Qasim al-Hussein bin Muhammad, (1412 AH), Al-Mufradat fi Gharib al-Qur'an, researcher: Safwan Adnan al-Davoudi, first edition, Damascus and Beirut: Dar al-Qalam and al-Dar al-Shamiyyah.
24. Sohrabi Rannani, Maryam; Rashidpour, Ali; and Itibarian, Akbar, (1395), "Identifying factors influencing the impact of cultural advertisements based on the theory derived from data and presenting a model of the impact of cultural advertisements", Quarterly Journal of Social and Cultural Strategy, No. 19.
25. Shartouni, Saeed, (1385), Aqrab al-Mawarid fi Fus'h al-Arabiyyah wa al-Shawarid, 5 volumes, second edition, Tehran, Oswah.
26. Sharif al-Razi, Muhammad bin Hussein, (1414 AH), Nahj al-Balaghah (edited by: Subhi Salih), research and correction: Faizu'l Islam, first edition, Qom, Hijrat.
27. Shoarinejad, Ali Akbar, (1375), Culture of Behavioral Sciences, second edition, Tehran, Amir-Kabir.
28. Shuairi, Muhammad bin Muhammad, (n.d.), Jami' al-Akhbar, first edition, Najaf, Haydariyyah Press.
29. Shahid Thani, Zainuddin bin Ali, (1409 A.H.), Munyat al-Murid, research and correction: Mokhtari, Reza, first edition, Qom, Maktabah al-Ilam al-Islami.
30. Tabatabai, Seyyed Muhammad Husein, (1381), Sunan al-Nabi (PBUH) (Manners, Traditions and Behavior of the Prophet of Islam), translator: Hossein Ostad Wali, third edition, Tehran, Payam Azadi.
31. Tabatabai, Seyyed Muhammad Hussein, (1417 AH), Al-Mizan fi Tafsir al-Qur'an, 5th edition, Qom, Islamic Publications Office of Jami'a al-Mudarrisin, Qom.
32. Tabatabai, Seyyed Muhammad Hussein, (1388), Shia in Islam, 5th edition, Qom, Bo'stan Kitab Institute (Islamic Tablighat Office Publishing Center of Qom Seminary).
33. Tabarsi, Hassan bin Fazl, (1412 AH), Makarim al-Akhlaq, 4th edition, Qom, Sharif Razi.
34. Turaihi, Fakhruddin bin Muhammad, (1362), Majma al-Bahrain, 6 volumes, research by Ahmad Al-Husseini, first edition, Tehran, Mortazavi Publications.
35. Tousi, Muhammad bin Hasan, (1385), Al-Khilaf, 2 volumes, 6th edition, Qom, Islamic Publications Office affiliated with of Jami'a al-Mudarrisin, Qom.
36. Abdul Baqi, Muhammad Fouad, (1998), Al-Ma'jam al-Mufahris li-Alfaz al-Qur'an al-Karim, (n.p), Egypt, Dar al-Kitab al-Misriyyah.
37. Omid, Hasan, (1389), Farhang Farsi Omid, first edition, Tehran, Rah Rushd.
38. Farahidi, Khalil bin Ahmad, (1409 AH), Al-Ain, 9 volumes, second edition of Qom, Dar Al-Hijrat Institute.
39. Firouzabadi, Muhammad bin Yaqub and Murtaza Zubaidi, Muhammad bin Muhammad, (1414 AH / 1994), Taj al-Arus fi Shar al-Qamoos, researcher: Ali Shiri, 20 volumes, first edition, Beirut-Lebanon, Dar al-Fikr.
40. Faiz Kashani, Mulla Mohsen and Ibn Shah Mortaza, Muhammad, (1417 AH), Al-Muhajjah al-Beyda, 8 volumes, 4th edition, Qom, Islamic Publications Office affiliated with Jamia al-Mudarrisin, Qom.

41. Qeraeti, Mohsen, (1388), Qur'an and Tabligh, 2nd edition, 7th edition, Tehran, Cultural Center of Lessons from the Qur'an.
42. Qorashi Bonabi, Ali Akbar, (1412 AH), Qamoos Quran, 7 volumes, 6th edition, Tehran, Dar al-Kutub al-Islamiyyah.
43. Al-Qazwini al-Razi, Abu al-Hussein Ahmed bin Faris bin Zakaria; (1399 A.H. - 1979), Mu'jam Maqayis al-Lughah, research: Abdussalam Mohammad Haroun, 6 volumes, Dar al-Fikr.
44. Karajaki, Muhammad bin Ali, (1410 AH), Kanz al-Fawa'id, research and correction: Nimah, Abdullah, 2 volumes, first edition, Qom, Dar al-Zakhair.
45. Al-Kashshi, Muhammad bin Omar, (1409 AH), Rijal al-Kashshi - Ikhtiyar Ma'rifah al-Rijal, research and correction: Tusi, Muhammad bin Hassan / Mustafawi, Hasan, first edition, Mashhad, University Publishing House.
46. Kulaini, Muhammad bin Yaqoub bin Is'haq, (1407 AH), Al-Kafi, research and correction: Ghaffari Ali Akbar and Akhundi, Muhammad, 8 volumes, 4th edition, Tehran, Dar al-Kutub al-Islamiyyah.
47. Mottaghi al-Hindi, Alauddin Ali bin Husamuddin, (1401 A.H./1981), Kanz al-Ummal fi Sunan al-Aqwal wa al-Afal, research: Bakri Hayani - Safwa al-Saqqa, 5th edition, Beirut, Al-Risalah Institute.
48. Majlisi, Muhammad Baqir bin Muhammad Taqi, (1403 AH), Bihar al-Anwar, 111 volumes, second edition, Beirut, Dar Ihya al-Turath al-Arabi.
49. Misbah-Yazdi, Mohammad Taqi, (2013), Amoozesh Aqaed (Teaching Beliefs), 3 volumes, 66th edition, Tehran, Amirkabir Publishing House, International Publishing Company.
50. Motahari, Morteza, (1390), Collection of Works, (n.p.), Tehran, Sadra.
51. Moin, Mohammad, (1381), Moin Farsi Farhang, 2 volumes, 4th edition, Tehran, Adna (Ketab Rah Now).
52. Mousavi Khomeini, Seyyed Ruhollah, (1389): Sahifeh of Imam Khomeini, 22 volumes, fifth edition, Tehran, Imam Khomeini editing and publishing institute.
53. Naraghi, Ahmed bin Mohammad Mahdi, (1378), Mi'raj al-Sa'adah, 6th edition, Qom, Hijrat Publications Institute.
54. Naraghi, Mohammad Mahdi, (1377), The Science of Islamic Ethics (translation of Jami' al-Sa'adat), translated by Seyed Jalaluddin Mojtavavi, 3 volumes, 4th edition, Tehran, Hikmat Publications.
55. Hashemi Shahrudi, Mahmoud, (1387), Farhang Fiqh Mutabiq Mazhab Ahl al-Bayt (A.S.), first edition, Islamic Jurisprudence Encyclopaedia Institute, Qom.
56. RacoonyRE, (2021), Histrionic personality disorder, Free encyclopedia English Wikipedia: https://en.wikipedia.org/wiki/Histrionic_personality_disorder.



Social Harms of Incorrect Methods of Teaching the Qur'an (a case study of textbooks for the Ministry of Education)

(Received: 2022/09/16 / Accepted: 2023/06/30)

Mojtaba Noruzi¹, Ali Akbar Faghfour Bilandi²

Abstract

Teaching the Qur'an is one of the important goals taken into consideration by the country's Ministry of Education. From the first grade of elementary school to the end of high school, the Textbooks of the Qur'an (9 textbooks), the Heavenly Gifts (8 textbooks) and Islamic Education (3 textbooks), are three titles dedicated to teaching the Qur'an and Islamic education. Despite the considerable time and content of the Qur'anic lessons, the desired goals of teaching the Qur'an have not been achieved, and most of the students do not have the necessary knowledge of the Qur'an after obtaining the diploma and finishing high school, and they do not even have sufficient skill to simply recite the Qur'an. This research, using descriptive and analytical method, with the objective of pathology of teaching the Qur'an in the textbooks, seeks to answer the question, what are the social harms and factors of failure in teaching Quran in education?

The results of the research indicate that this failure is due to four factors: 1. Incorrect structures governing the teaching of the Quran; 2. Inappropriate educational content, such as the lack of necessary comprehensiveness, lack of appropriateness with the age of the student, long training time, lack of logical course of content, etc. 3. Inappropriate and ineffective educational methods with the stages of growth and development of students 4. The use of incompetent and non-specialized teachers. On the basis of this, it is necessary to determine the new, scientific and appropriate content and methods that can be a suitable model for compiling the content of the Qur'anic textbooks and Islamic teachings, and presenting them as solutions to improve the teaching method of the Qur'an.

Keywords: Reciting the Quran, the Content of the Qur'an. Quranic Textbooks, Ministry of Education; Social Harms, Solutions.

1- Assistant Professor, Qur'anic Sciences and Interpretation Department, Qur'anic Sciences and Teachings University, Mashhad, Iran, m.noruzi@quran.ac.ir

2- Master's degree in Qur'anic Sciences, Faculty of Qur'anic Sciences, Amol, Iran, Akbar.faghfuri@gmail.com



آسیب‌های اجتماعی روش‌های نادرست آموزش قرآن (مطالعه موردی کتاب‌های درسی آموزش و پرورش)

(تاریخ دریافت: ۱۴۰۱/۰۶/۲۵ - تاریخ پذیرش: ۱۴۰۲/۰۴/۰۹)

مجتبی نوروزی^۱، علی اکبر فقفوری بیلندی^۲

چکیده

آموزش قرآن، از اهداف مهمی است که در آموزش و پرورش کشور مورد توجه است. از پایه‌ی اول ابتدایی تا پایان دوره‌ی دبیرستان، کتاب‌های درسی قرآن (۹ کتاب)، پیام‌های آسمانی (۸ کتاب) و معارف اسلامی (۳ کتاب)، سه عنوان درسی هستند که برای آموزش قرآن و معارف اسلامی اختصاص یافته‌اند. علیرغم زمان و محتوای قابل توجه دروس قرآن، اهداف موردنظر در آموزش قرآن حاصل نشده است و بیشتر دانش‌آموزان پس از گرفتن دیپلم، با قرآن‌آشنایی لازم را نداشته و حتی به روخوانی قرآن تسلط کافی ندارند. این پژوهش به روش توصیفی تحلیلی و با هدف آسیب‌شناسی آموزش قرآن در کتاب‌های درسی به دنبال پاسخ به این سؤال است که آسیب‌های اجتماعی و عوامل عدم توفیق در امر آموزش قرآن در آموزش و پرورش کدام است؟ نتایج پژوهش حاکی از آن است که این ناکامی زاینده‌ی چهار عامل: ۱. ساختارهای نادرست حاکم بر آموزش قرآن؛ ۲. محتوای آموزشی نامناسب از قبیل عدم جامعیت لازم، عدم تناسب با سن دانش‌آموز، طولانی بودن زمان آموزش، عدم برخورداری محتوا از سیر منطقی و... ۳. روش‌های آموزشی نامناسب و ناکارآمد با مراحل رشد و تکامل دانش‌آموزان ۴. استفاده از مرییان ناکارآمد و غیرتخصصی، بر این اساس محتوا و روش‌های جدید، علمی و مناسب که می‌توانند الگوی مناسبی برای تدوین محتوای کتب قرآن و معارف اسلامی باشند؛ شناسایی و به‌عنوان راه‌کارهایی برای آموزش بهتر قرآن، معرفی شده است.

واژه‌های کلیدی: روخوانی قرآن؛ محتوای قرآن؛ کتاب‌های درسی قرآن؛ آموزش و پرورش؛ آسیب‌های اجتماعی، راهکارها.

۱- استادیار گروه علوم قرآن و تفسیر، دانشگاه علوم و معارف قرآن کریم، مشهد، ایران، (نویسنده مسئول) m.noruzi@quran.ac.ir

۲- دانش آموخته کارشناسی ارشد رشته علوم قرآنی، دانشکده علوم قرآنی، آمل، ایران، Akbar.faghfuri@gmail.com



۱- بیان مسئله

هدف نهایی تعلیم و تربیت در آموزش و پرورش کشور ما، رساندن دانش آموزان به حیات طیبه (زندگانی پاک و پسندیده) است. کلیدواژه‌ای که بارها در سند تحول بنیادین آموزش و پرورش به کاررفته است و برگرفته از آیه ۹۷ سوره نحل است: «مَنْ عَمِلَ صَالِحًا مِنْ ذَكَرٍ أَوْ أَنْثَىٰ وَهُوَ مُؤْمِنٌ فَلَنُحْيِيَنَّهٗ حَيَاةً طَيِّبَةً وَلَنَجْزِيَنَّهُمْ أَجْرَهُمْ بِأَحْسَنِ مَا كَانُوا يَعْمَلُونَ» مسیر رسیدن به حیات طیبه، قرآن و تعلیم انسان‌ساز آن است؛ بنابراین زمانی دانش آموز در مسیر رسیدن به حیات طیبه خواهد بود که قرآن را بشناسد و با آن مأنوس شود. بر این اساس آموزش دقیق و اصولی قرآن، ضرورتی انکارناپذیر است که باید در برنامه‌ی درسی مدارس مورد توجه قرار گیرد. شواهد موجود و نتایج بررسی‌ها نشان می‌دهد که علیرغم وجود درس قرآن و تعلیمات دینی و زمان نسبتاً خوبی که برای آموزش آن‌ها در برنامه‌ی درسی مدارس، اختصاص یافته، توفیقی در آموزش قرآن و تعلیمات دینی حاصل نشده است و بسیاری از دانش آموزان پس از پایان دوره‌ی دبیرستان علاوه بر اینکه شناخت چندانی از قرآن ندارند، حتی به روخوانی آن مسلط نیستند (رک: نباتی، ۱۳۷۹، ۱۸: ۶۴).

سؤالی که اینجا مطرح است این است که ریشه‌ی مشکل را در کجا باید جستجو کرد؟ آیا رویکردها و اهداف آموزشی، مناسب نیست؟ یا محتوا و روش‌های آموزشی؟ یا ساختارهای حاکم بر آموزش قرآن، ساختارهای مناسبی نیستند؟ متخصصان برنامه‌ریزی و مدیریت نظام‌های آموزشی در پاسخ به این سؤال که برای ایجاد و حفظ اثربخشی در نظام‌های آموزشی و به‌ویژه نظام آموزش و پرورش، چه تدابیر و راه‌کارهایی را باید اتخاذ کرد تا بیشترین بازدهی را داشته باشیم؟ چنین پاسخ داده‌اند که هر نظام آموزشی شامل پنج عنصر کلیدی محتوای آموزشی، معلم، فراگیر، تجهیزات و ابزارها و سرانجام برنامه‌ریزی و مدیریت آموزشی است. همچنین پرواضح است که هر یک از این عناصر دارای روابط متقابل با یکدیگر بوده که ماهیت پویا و متحوّلی را به‌نظام آموزشی می‌بخشند. محتوای آموزشی یکی از مهم‌ترین عنصر در این فرآیند است چراکه بدون وجود محتوای آموزشی و مطالبی برای آموزش و انتقال، آموزش بی‌معنا و بی‌مفهوم خواهد بود. منظور از محتوای آموزشی، هرگونه پیام کتبی، اعم از تصویری و نوشتاری یا ترکیبی از آن‌ها است که به‌طور مستقیم یا غیرمستقیم بر افکار، ارزش‌ها و مهارت‌های مخاطب تأثیر می‌گذارد (رک: مظاهری، ۱۳۹۷: ۱۰۴).

تاکنون پژوهش علمی جامعی که به آسیب‌شناسی اجتماعی آموزش قرآن در آموزش و پرورش پرداخته باشد، یافت نشد؛ اما برخی از پژوهش‌های مختصر صورت گرفته در این زمینه عبارت‌اند از:

- نباتی، رضا، آسیب‌شناسی آموزشی قرآن درسی مدارس، بشارت، شماره ۱۸، ۱۳۷۹.
- بهرامی، آسیب‌شناسی روش‌های آموزش قرآن، بشارت، شماره ۴۰، ۱۳۸۳.
براین اساس ضرورت دارد تا با نگاه آسیب‌شناسانه و نقادانه به آموزش قرآن، نگرسته شود و راه کارهای علمی و عملی برای اصلاح وضعیت موجود و آموزش اصولی و مطلوب قرآن، ارائه شود. با توجه به اینکه زبان رسمی کشور ما فارسی و زبان قرآن، عربی است در آموزش قرآن با دو موضوع مواجهیم: یکی آموزش لفظ قرآن که از آن به روخوانی و روان‌خوانی یاد می‌شود و دیگری آموزش مفاهیم قرآن که مربوط به فهم معانی عبارات و آیات آن است و در این مقاله به قسم اول آن پرداخته می‌شود:

۲- پیشینه‌ی آموزش قرآن

۲-۱- اهتمام به آموزش قرآن از عصر نزول قرآن

پیامبر اکرم (ص) در طول رسالت خویش به‌ویژه در سال‌های آغازین با تلاوت آیات و بیان مطالب لازم درباره‌ی آن‌ها، قرآن کریم را به اصحاب خود می‌آموختند. حفظ و قرائت آیات کریمه و به تدریج آموزش قرآن کریم از مهم‌ترین تلاش‌های همه‌ی مسلمانان در عصر نزول قرآن گردید. پس از صحابه، تابعین نیز به آموزش قرآن همت گماشتند. اندک‌اندک این سنت حسنه رواج یافت به نحوی که در طول تاریخ، مسلمانان تعلیم و تربیت فرزندان خویش را از قرآن کریم آغاز می‌کردند. در دوره‌های بعد نیز، به تدریج در جوامع اسلامی برای آموزش قرآن نهادها و تشکیلات خاصی به وجود آمد (باقری و دیگران، ۱۳۹۱: ۳). نهادهای زیادی به امر آموزش قرآن مشغول بودند که می‌توان به مساجد، مدارس، دانشگاه‌ها و حوزه‌های بزرگ علمی مانند مدارس نظامیه، بیت‌الحکمه و الازهر، اشاره کرد. مکتب‌خانه از قدیمی‌ترین و معتبرترین جایگاه‌های آموزش قرآن در ایران بوده است که هم‌اکنون نیز در برخی از روستاها و شهرهای کشورهای اسلامی این جایگاه حفظ شده است. همچنین مطابق تعالیم و دستورات معصومان (ع) یکی از حقوق فرزندان بر والدین، آموختن قرآن است (نهج‌البلاغه، حکمت ۳۹۹) از این رو، از دیرباز یکی دیگر از مکان‌های آموزش قرآن، نهاد خانواده بوده است.

آموزش قرآن کریم در آموزش و پرورش ایران از سال ۱۳۲۳ هجری شمسی در دوره‌ی ابتدایی آغاز شد. پیش از پیروزی انقلاب اسلامی مطابق مصوبه جلسه‌ی ۸۰ شورای عالی آموزش و پرورش

در سال ۱۳۵۰ دروس قرآن، دینی و اخلاق در یک کتاب تدوین گردید (باقری و دیگران، ۱۳۹۱: ۷). پس از پیروزی انقلاب اسلامی، برنامه‌ی آموزش قرآن مدارس چند بار بررسی، اصلاح و تکمیل گردیده و آخرین تجدیدنظر و تولید برنامه‌ی جدید از سال ۱۳۷۷ آغاز شده است. مهم‌ترین رویکرد برنامه‌ی جدید آموزش قرآن، جامعیت این آموزش است؛ یعنی آموزش قرآن به نحوی که باشد که همه‌ی حیطه‌های یادگیری را شامل شود، به‌ویژه حیطه‌ی عاطفی که متکفل ایجاد و تقویت انس و علاقه‌ی دانش‌آموزان به قرآن و یادگیری آن است.

۲-۲- تاریخچه‌ی روش‌های آموزش قرآن در آموزش و پرورش ایران

آموزش قرآن برای فارسی‌زبانان چندان سهل و آسان نیست؛ زیرا از یک سو قرآن آموز هیچ‌گونه آشنایی قبلی با الفاظ و کلمات آن ندارد و نیز در خواندن قرآن با انواع اعراب، اتصالات، حروف ناخوانا و برخی ویژگی‌های دیگر که با زبان فارسی تفاوت دارد، روبه‌رو است و از سوی دیگر وقتی آموزش همراه با فهم نباشد، دانش‌آموز هرچه ابتدا با علاقه کار را شروع می‌کند، اما به تدریج انگیزه‌ی آموختن را از دست می‌دهد. چون آموختن هر زبانی در چهار مرحله‌ی گوش دادن، گفتن، خواندن و نوشتن انجام می‌شود و آموختن هر کدام از ارکان زبان همراه با فهم است؛ ولی عموماً مرحله‌ی اول آموختن قرآن چنین نیست. در آموزش قرآن، دانش‌آموز گوش می‌کند و می‌خواند؛ ولی نمی‌فهمد و گفتن و نوشتن نیز معمولاً در کار نیست. لذا از گذشته‌های دور یادگیری آن دغدغه‌ی مسلمانان و به‌ویژه غیر عرب‌زبان‌ها بوده است. از این رو در نظام آموزش و پرورش کشور ما، درس قرآن با روش‌های متنوعی آموزش داده شده است. روش سنتی یا مکتبی، روش باغچه‌بان، روش فرمان دادن و روش تفکیک (بخش خوانی) از جمله روش‌هایی است که برای آموزش قرآن ابداع و مورد استفاده قرار گرفته است (انوشه پورو دیگران، ۱۳۸۶: ۴-۵). باینکه روش فرمان دادن مبتنی بر روش صوت آموزشی فارسی بود؛ ولی در آن روش پیش‌نیاز فارسی یا سواد آموزشی فارسی جدی گرفته نمی‌شد، آموزش دیر هنگام (از کلاس سوم) آغاز می‌گردید و همراه تمرین و تکرار کافی نبود؛ در نتیجه موفقیتی قابل توجه در آموختن قرآن حاصل نمی‌شد. لذا طرح جامع آموزش قرآن، توسط گروه قرآن و معارف اسلامی سازمان تهیّه و تدوین کتب درسی آموزش و پرورش در سال ۱۳۷۷ تهیّه و کتب قرآن بر اساس آن تولید شد. در این طرح اصول زیر، مبنای عمل قرار گرفته است:

۱) آغاز آموزش قرآن از پایه‌ی اول ابتدایی توسط آموزگار پایه؛

- ۲) افزایش زمان آموزشی از سه سال به پنج سال در دوره‌ی ابتدایی؛
- ۳) مبنای قرار دادن سوادآموزی فارسی و استفاده از رسم‌الخط آموزشی نزدیک به رسم‌الخط فارسی؛
- ۴) توجه به زیباخوانی، آشنایی با مفاهیم قرآن و ایجاد انس با قرآن از آغاز آموزش و تأکید بر تمرین و تکرار؛
- ۵) استفاده از فناوری آموزشی، زیبا و جذاب کردن کتاب‌های درسی و توسعه‌ی رسانه‌های آموزشی مانند کتاب راهنمای معلم، سی‌دی، لوحه؛
- ۶) بهره‌گیری از داستان‌ها و پیام‌های قرآنی و آشنایی با معنای ترکیب‌های ساده و پراستعمال قرآن کریم.

برخلاف اینکه در روش آموزش جامع قرآن از نظر کمی و کیفی تعداد کتاب‌های آموزش قرآن افزایش پیدا کرده و همچنین از ابزارهای صوتی و تصویری و نرم‌افزارها و ... نیز برای آموزش بهتر، استفاده می‌شود، باین‌وجود عدم تحقق اهداف آموزشی درس قرآن در نظام آموزش و پرورش کشور، کاملاً نمودار است؛ به‌طوری‌که بسیاری از دانش‌آموزان که دیپلم گرفته‌اند، قادر به خواندن صحیح قرآن نیستند! بررسی محتوای آموزشی کتاب‌های قرآن و روش‌های آموزش درس قرآن، بخشی از دلایل عدم تحقق اهداف آموزشی درس قرآن را بر ما روشن خواهد کرد.

۳- محتوای کتاب‌های درسی قرآن

مهم‌ترین هدف آموزش قرآن در دوره‌ی ابتدایی دستیابی به توانایی خواندن آرام و شمرده‌ی قرآن کریم از روی مصحف کامل آموزشی است. همچنین دانش‌آموزان در این دوره با معنای برخی کلمات ساده و آشنای قرآن کریم که در فارسی نیز رایج است، آشنا می‌شوند و می‌آموزند که برخی ترکیب‌ها و عبارات ساده، کوتاه و زیبای قرآن کریم را معنا کنند.

۳-۱- کتاب قرآن پایه‌ی اول ابتدایی

با توجه به ویژگی‌های روانی کودکان، آموزش قرآن در دوره‌ی ابتدایی - به‌ویژه در پایه‌ی اول - بر حیطة‌ی عاطفی بیش از دو حیطة‌ی مهارت و دانش تأکید می‌شود. آموزش قرآن باید از چنان فضای جذاب، شاد و آرامش‌بخشی برخوردار باشد که دانش‌آموزان مشتاقانه منتظر زنگ قرآن باشند (نک: کتاب آموزش قرآن اول دبستان، ص ۸ پیشگفتار).

این کتاب در قالب ۷ درس تدوین شده است که هر درس در ۸ جلسه (طی ۲ جلسه در هفته) آموزش داده می‌شود. ساختار درس‌ها متنوع است به طوری که در جلسه‌ی اول هر درس تصویر یا تصاویری در ارتباط با موضوع درس آمده است و دانش‌آموزان تصویر خوانی می‌کنند. بخش بعدی قرائت سوره‌ی کوتاهی همراه با سی‌دی است. در بخش بعدی، شعری مرتبط با موضوع درس آورده شده است. پیام قرآنی بخش بعدی درس است و در قسمت بعدی فعالیت‌هایی مانند رنگ‌آمیزی، نقاشی، داستان‌گویی درباره‌ی تصاویر و... در نظر گرفته شده است و بالاخره بخش پایانی هر درس شامل داستان‌هایی مصور از قرآن و غیر قرآن است که دانش‌آموزان به کمک معلم تصویر خوانی می‌کنند (نک: کتاب آموزش قرآن اول دبستان، ص ۹ پیشگفتار).

۳-۲- کتاب قرآن پایه‌ی دوّم ابتدایی

این کتاب در قالب ۱۴ درس تنظیم شده است که هر درس در ۴ جلسه تدریس می‌شود. ساختار کتاب به این صورت است که هر درس از چهار بخش تشکیل شده است.

(الف) آموزش روخوانی لوحه؛

(ب) آموزش قرائت سوره؛

(ج) آموزش پیام قرآنی؛

(د) بیان داستان در قالب تصویر و متن؛

(ه) آموزش روخوانی از روی لوحه و با اشاره‌ی معلم به بخش‌ها و حرکات صورت می‌گیرد؛

(و) تمامی اتصالات (فلش‌ها) در این کتاب مشخص شده‌اند (رک: کتاب قرآن پایه‌ی دوّم

ابتدایی).

۳-۳- کتاب قرآن پایه‌ی سوّم ابتدایی

این کتاب از سه فصل تشکیل شده است:

(الف) فصل اول: در این فصل نماز و اذکار آن طی ۴ هفته در مهرماه و هر هفته ۲ ساعت،

آموزش داده می‌شود.

(ب) فصل دوّم: این فصل با هدف کسب مهارت روخوانی قرآن کریم تنظیم شده است؛ زیرا

در مراحل اولیه‌ی یادگیری، تمرین مستمر و روزانه نقش بسزایی در کسب مهارت موردنظر دارد.

به همین منظور در طی ۳۳ روز متوالی در زنگ اول یا دوّم هرروز تدریس می‌شود. در ۱۹ روز اول

ضمن یادآوری و آموزش قواعد روخوانی، دانش‌آموزان مهارت کافی در به کار بردن این قواعد

در روخوانی کلمات، عبارات و آیات قرآنی به دست می‌آورند و در ۱۴ روز دوم با تمرین کافی به توانایی روخوانی آیاتی از قرآن دست می‌یابند.

ج) فصل سوم: این فصل از کتاب، به منظور تثبیت و تقویت مهارت روخوانی قرآن است و برخی فعالیت‌های دیگر نیز در جهت تقویت انس دانش‌آموزان با قرآن کریم تدوین شده است. از انس با قرآن کریم ۱ تا انس با قرآن کریم ۱۶ فرازهایی از قرآن کریم و نیز یک داستان یا پیام قرآنی آمده است معمولاً این فراز قرآنی به داستان یا پیام قرآنی مربوط است (نک: کتاب قرآن پایه‌ی سوم ابتدایی، ص ۳ تا ۸ پیشگفتار).

د) در فصل اول و دوم، آموزش از روی لوحه و با اشاره‌ی معلّم صورت می‌گیرد.
ه) تمام اتّصالات (فلش‌ها) در این کتاب مشخص شده‌اند (رک: کتاب قرآن پایه‌ی سوم ابتدایی).

۳-۴- کتاب قرآن پایه‌ی چهارم ابتدایی

این کتاب از ۱۵ درس تشکیل شده و هر درس در سه یا چهار جلسه تدریس می‌شود. «جلسه‌ی اول: دانش‌آموزان هر میز طی چند دقیقه آیات درس را برای یکدیگر می‌خوانند، سپس هر دانش‌آموز یک آیه یا سطر را می‌خواند. معلّم، کلمات یا عباراتی را که تعدادی از دانش‌آموزان اشتباه خواندند، روی تخته می‌نویسد و دانش‌آموزان با اشاره‌ی معلّم این کلمات و عبارات را می‌خوانند تا رفع اشکال شود. در مرحله‌ی بعد آیات درس از نوار یا لوح فشرده پخش می‌شود و دانش‌آموزان یک بار گوش می‌کنند و بار دوم همراه نوار آهسته می‌خوانند و هم‌زمان از روی کتاب خط می‌برند. در مرحله‌ی پایانی از دانش‌آموزان خواسته می‌شود یک خط یا آیه را به صورت انفرادی بخوانند.

جلسه‌ی دوم: معلّم، قاعده‌ی مربوط به درس را آموزش می‌دهد و سپس آیات درس از نوار پخش می‌شود و دانش‌آموزان همراه استاد می‌خوانند و از روی کتاب خط می‌برند و به قاعده‌ی درس توجه می‌کنند.

جلسه‌ی سوم: این بخش برای انس بیشتر با قرآن و به عنوان تکلیف و تمرین در خانه است و دانش‌آموزان باید آیات درس را به همان روشی که در کلاس تمرین کرده‌اند، همراه با نوار بخوانند (نک: کتاب قرآن پایه‌ی چهارم ابتدایی، پیشگفتار).

لازم به ذکر است که از اتّصالات (فلش‌ها) در این کتاب استفاده نشده است و در برخی

تمرین‌ها از دانش‌آموزان خواسته شده که آن‌ها را رسم کنند. همچنین لوح فشرده (سی‌دی) از این پایه وارد فرآیند آموزش شده و آموزش روخوانی در ۴ مرحله پشت سر هم انجام می‌شود: خواندن در گروه یا پیش‌خوانی، رفع اشکالات، استماع قرائت آیات، فرد خوانی دانش‌آموزان (رک: کتاب قرآن پایه‌ی چهارم ابتدایی).

۳-۵- کتاب قرآن پایه‌ی پنجم ابتدایی

این کتاب از ۱۴ درس تشکیل شده و هر درس در سه یا چهار جلسه تدریس می‌شود. روش آموزش به صورت خواندن در گروه یا پیش‌خوانی، رفع اشکالات، استماع قرائت آیات، فرد خوانی دانش‌آموزان است. تنها تغییری که به وجود آمده این است که به منظور آشنایی بیشتر دانش‌آموزان با قرآن کامل، احساس توانایی و اعتماد به نفس در خواندن آن و تحقق هدف آموزش قرآن در دوره‌ی ابتدایی، جلسه‌ی سوم هر درس، به آوردن قرآن کامل به کلاس و خواندن از روی آن اختصاص یافته است.

لازم است ذکر شود که از اتصالات (فلش‌ها) در این کتاب استفاده نشده است و در برخی تمرین‌ها از دانش‌آموزان خواسته شده که آن‌ها را رسم کنند (رک: کتاب قرآن پایه‌ی پنجم ابتدایی).

۳-۶- کتاب قرآن پایه‌ی ششم تا نهم ابتدایی

کتاب قرآن پایه ششم از ۱۴ درس تشکیل شده است و هر درس در ۴ جلسه تدریس می‌گردد (رک: پیوست‌ها جدول ۲-۶ کتاب قرآن پایه‌ی ششم ابتدایی).

قرآن پایه هفتم از ۱۲ درس تشکیل شده و هر درس طی ۲ هفته (۲ جلسه) تدریس می‌شود. با توجه به اینکه در دوره‌ی دبیرستان هر جلسه کلاس ۹۰ دقیقه است، نیمی از وقت کلاس به روخوانی و نیمی دیگر به مفاهیم اختصاص می‌یابد (رک: پیوست‌ها جدول ۲-۷ کتاب قرآن پایه‌ی هفتم).

قرآن پایه هشتم نیز از ۱۲ درس تشکیل شده و هر درس طی ۲ هفته (۲ جلسه) تدریس می‌شود. (رک: پیوست‌ها جدول ۲-۸ کتاب قرآن پایه‌ی هشتم).

قرآن پایه نهم نیز از ۱۱ درس تشکیل شده و هر درس طی ۲ هفته (۲ جلسه) تدریس می‌شود. روش آموزش در پایه‌های ششم تا نهم، همان روش پایه‌ی پنجم است (رک: کتاب قرآن پایه‌ی ششم تا نهم).

۳-۷- همه‌ی محتوای آموزشی در یک جدول

همان‌طور که از مجموع جداول پیوست پیدا است، تمام محتوای آموزشی بین کتاب‌های پایه‌ی اول ابتدایی تا پایه‌ی نهم تقسیم‌شده است. با توجه به اینکه این محتوا، در پایه‌های مختلف و حتی در یک پایه، به‌عنوان تمرین و یادآوری چندین بار تکرار شده است، با حذف دروس تکراری، همه‌ی محتوای آموزشی کتب قرآن (از پایه‌ی اول تا نهم) در جدول ذیل گنجانده شده است تا چشم‌انداز روشنی از محتوای آموزشی به دست آید و با نگاه به این جدول کامل و گویا به بررسی و نقد محتوا پرداخته شود.

درس	عنوان درس	مثال	پایه
۱	فَتْحَهُ —	أَخَذَ	اول
۲	كَسْرَهُ —	إِيل	
۳	ضَمَّهُ —	نُدِرْ	
۴	ا، او، ای		
۵	ساکن	أَأَنْذَرْتَهُمْ	
۶	الف زینت	قَالُوا	
۷	تشدید: —	لَعَلَّكُمْ تَتَّقُونَ	
۸	(ا کوچک)		دوم
۹	آموزش: ک		
۱۰	آموزش تاء گرد: ة ؤ	لِلْمَلَائِكَةِ	
۱۱	آموزش: —	مَرَضًا صُمُّ رَيْبٍ	
۱۲	آموزش هاء ضمیر و اشباع آن		
۱۳	آموزش: ء، ء، ء، ء، ء، ء		
۱۴	آموزش پایه‌ی همزه: ی		
۱۵	آموزش پایه‌ی همزه: ا		
۱۶	آموزش قرائت نماز		سوم
۱۷	آموزش پایه‌ی همزه: ی، و	يُؤَاخِذُ، بَارِئٍ	
۱۸	زحمت آموزش حروف ناخوانا ۱: همزه‌ی وصل، الف زینت، (ا، ی)	مُوسَى، تُؤْمِنُوا، يَسْتَوِي □ لِأَعْمَى	
۱۹	آموزش حروف ناخوانا ۲: (و، ا، ی)	وَلَا تَلْبَسُوا الْحَقَّ، ذِي الْعَرْشِ	

پایه	مثال	عنوان درس	درس
	ذَا النُّونِ، أَطِيعُوا الرَّسُولَ، وَ الْمُقِيمِ الصَّلَاةِ	آموزش حروف ناخوانا ۳: (و، ا، ل، ی)	۲۰
چهارم		آموزش وقف بر: _____	۲۱
		آموزش وقف بر: _____	۲۲
		آموزش وقف بر: ه، ه، ه، ه، ه، ه	۲۳
		آموزش وقف بر: هَ هُ	۲۴
		آموزش حروف مقطعه	۲۵
		آموزش علامت مد	۲۶
		آشنایی با رسم الخط: م: م، ک: ک، ر:	۲۷
		آشنایی با علائم وقف: (ج، ز، ط، م)	۲۸
		آموزش وقف بر: یِ آ	۲۹
پنجم	خَيْرُ اطمأنَّ	آموزش التقاء ساکنین	۳۰
		آموزش وقف بر: ا، یِ	۳۱
هفتم		آداب ظاهری و باطنی تلاوت قرآن	۳۲
		خواننده نشدن، ا، ی در: ا، ی، الف زینت	۳۳
		مخرج حرف «ح»	۳۴
		مخرج حرف «ع»	۳۵
		مخرج حرف «غ»	۳۶
		مخرج حرف «ث»	۳۷
		مخرج حرف «ص»	۳۸
		مخرج حرف «ط»	۳۹
		مخرج حرف «ذ»	۴۰
		مخرج حرف «ظ»	۴۱
		مخرج حرف «ض»	۴۲
هشتم		وقف در آخر جمله: معمولاً قبل از کلماتی مانند: ف، و، ثم می توان وقف کرد.	۴۳
نهم		وقف در آخر جمله و ابتدا به کلماتی مانند: (ف، و، ثم، ان، لکن)	۴۴
		الف (همزه) وصل و حرکت آن	۴۵

الف زینت مخرج حروف: «ح» «ع» «غ» «ث» «ص» «ط» «ذ» «ظ» «ض».

در پایه‌ی هشتم؛ وقف در آخر جمله: معمولاً قبل از کلماتی مانند ف، و، ثم.

در پایه‌ی نهم؛ وقف در آخر جمله و ابتدا به کلماتی مانند: (فَ، وَ، ثُمَّ، إِنَّ، لَكِنَّ)، الف (همزه) وصل و حرکت آن، کوتاهی و کشیدگی حرکات و تغییر معنا: قَالَ قَالَا، يَصْبِرُوا يَصْبِرُ، تغلیظ و ترقیق لام در لفظ جلاله «الله»، اظهار نون ساکن و تنوین.

۴- آسیب‌شناسی محتوا و روش‌های آموزش قرآن

اکنون که چشم‌انداز کامل و روشنی از محتوای آموزشی مربوط به روخوانی و روان‌خوانی قرآن در اختیار قرار گرفت، از زوایای گوناگون به نقد و بررسی آن پرداخته می‌شود.

در طراحی و تدوین کتب درسی و روش‌هایی که برای آموزش به کار می‌رود، بهترین محتوا و روش، محتوا و روشی است که حداقل از اصول یا ویژگی‌های زیر برخوردار باشد:

۱. آموزش بیشترین مطالب در کوتاه‌ترین مدت؛
۲. استفاده از مربیان متخصص و مجرب در امر آموزش قرآن؛
۲. آموزش قرآن همگام با موقعیت و شرایط سنی مخاطب؛
۳. برخورداری محتوای آموزشی از سیر منطقی (هماهنگی، پیوستگی و انسجام هر درس با دروس قبل و بعد)؛

۴. کتاب درسی بر مبنای اهداف یادگیری مشخص تألیف شود؛
 ۵. در محتوای کتاب درسی فعالیت‌های یادگیری مناسب لحاظ شده باشد؛
 ۶. فراهم آوردن زمینه‌های ایجاد انگیزه در دانش‌آموزان (نیک نفس، ۱۳۹۲: ۱۲۵).
- همان‌طور که از سیر ارائه‌ی محتوای آموزشی کتب قرآن پیداست و همچنین بنا بر محتوا و روش‌هایی که در ادامه به آن‌ها خواهیم پرداخت، اصول یا ویژگی‌های بالا در تدوین محتوای کتب قرآن به‌طور کامل رعایت نشده است. برای تبیین این اصول و اثبات عدم هماهنگی و رعایت آن‌ها در تألیف و تدوین کتب قرآن درسی، هرکدام از آن‌ها جداگانه بررسی می‌شود. اینک به برخی از این آسیب‌ها اشاره می‌شود:

۴-۱- عوارض ناشی از طولانی بودن دوره آموزش قرآن

در گذشته بسیاری از کودکان در سنین قبل از مدرسه و در مکتب‌خانه‌های قدیم آموزش قرآن

را در دوره‌های کمتر از یک سال می‌گذرانند و روخوانی قرآن را در این مدت کم فرامی‌گرفتند؛ اما با تغییرات نظام آموزشی پس از پیروزی انقلاب و گنجاندن درس قرآن در برنامه‌ی درسی، مکتب‌خانه‌ها به‌مرورزمان تعطیل شد و امروز فقط خاطره‌ای از آن‌ها به یاد مانده است. همچنین فعالیت‌های مختلف قرآنی در ارگان‌های دولتی و تشکّل‌های مردمی توسعه پیدا کرد و کتاب‌ها و نرم‌افزارهای بسیاری برای آموزش و ترویج قرآن تولید شد. طبق جستجویی که انجام شده است، فقط بالغ بر ۱۰۰ جلد کتاب مختلف در زمینه‌ی آموزش روخوانی و روان‌خوانی تألیف شده است. اساتید و معلّمان برای آموزش قرآن روش‌های جدید و مبتنی بر علوم روز، ابداع کرده‌اند؛ اما چون آموزش و پرورش از این روش‌ها و تجربه‌های موفق اساتید و معلّمان قرآن استفاده نکرده، در امر آموزش قرآن موفق نبوده است. پژوهش‌های میدانی و مشاهده وضعیت موجود، مانند گنجاندن واحد درسی روخوانی قرآن در دانشگاه‌ها، آزمون‌ها و آموزش‌های ضمن خدمت روخوانی قرآن برای کارمندان دولت و ... دلایل گویایی بر عدم موفقیت آموزش قرآن در نظام آموزشی کشور است. تاکنون چند مرحله در محتوای کتب و روش‌های آموزش قرآن درسی تجدید نظر شده است. همان‌طور که ملاحظه می‌شود آموزش محتوای روخوانی و روان‌خوانی ۵ سال طول می‌کشد و ۳ سال نیز برای آموزش بخشی از تجوید صرف می‌شود. این سیر طولانی مورد تأیید هیچ‌یک از اساتید قرآنی نیست و آسیب‌های مختلف اجتماعی به خاطر طولانی شده روند آموزش قرآن در آموزش و پرورش متوجه دانش آموزان می‌شود که می‌توان به خستگی، تکراری بودن مطالب آموزشی در پایه‌های مختلف و ... اشاره نمود؛ درحالی‌که در دارالقرآن‌های آموزش و پرورش همین محتوا در سه ترم ۱۵ جلسه‌ای آموزش داده می‌شود. نویسندگان کتب قرآن هیچ دلیلی برای طولانی کردن مسیر آموزش قرآن، ذکر نکرده‌اند؛ و همچنان این سؤال بی‌جواب مانده است که چرا محتوا و روش‌های علمی جدیدی که اساتید و معلّمان پس از سال‌ها تجربه و تلاش به آن رسیده‌اند، در آموزش و پرورش به آن بی‌توجهی و بی‌مهری واقع شده است؟ روش‌هایی که در آن‌ها، بیشترین محتوا را در کمترین زمان و به بهترین شکل، آموزش می‌دهند و ما در ادامه به معرفی این روش‌ها خواهیم پرداخت.

۴-۲- عدم تناسب محتوا و روش‌های آموزش با موقعیت و شرایط سنی و اجتماعی مخاطب

یکی از نکات حائز اهمیت که در مباحث تعلیم و تربیت خیلی به آن پرداخته شده است،

تناسب محتوا و روش‌های آموزش و برخوردها، متناسب با موقعیت و شرایط اجتماعی مخاطب است. اهمیت این مسئله به اندازه‌ای است که در سیره‌ی پیامبر اکرم (ص) و اهل بیت (ع) بر آن تأکید شده است. پیامبر کرم، (ص) فرموده‌اند: «مَنْ كَانَ عِنْدَهُ صَبِيٌّ فَلْيَتَصَابَ لَهُ» (حر عاملی، ۱۴۰۹، ق: ۲۱: ۴۸۶)؛ آن کس که نزد او کودکی هست باید در پرورش او کودکانه رفتار کند.

حضرت علی (ع) در بخشی از وصیت‌نامه‌ای که به فرزندشان امام حسن مجتبی علیه‌السلام نوشته‌اند؛ می‌فرماید: «وَإِنَّمَا قَلْبُ الْحَدِيثِ كَالأَرْضِ الْخَالِيَةِ مَا أُلْقِيَ فِيهَا مِنْ شَيْءٍ قَبِلَتْهُ فَبَادَرَتْكَ بِالْأَذْبِ قَبْلَ أَنْ يَفْسُوقَ قَلْبُكَ وَيَسْتَعْلِلَ لُبُّكَ لِيَسْتَقْبِلَ بِحِدِّ رَأْيِكَ مِنَ الْأَمْرِ مَا قَدْ كَفَاكَ أَهْلُ النَّجَارِبِ بُعَيْتَهُ وَتَجَرَّبْتَهُ» (ابن شعبه حرانی، ۱۴۰۴: ۷۰)؛ دل جوان، مانند زمین کشت نشده است؛ آنچه در آن افکنده شود، می‌پذیرد. از این رو، پیش از آن که دلت سخت گردد و خردت سرگرم شود، به تربیت تو همت گماشتم.

یکی از مباحثی که مورد توجه عمیق و دقیق متصدیان تعلیم و تربیت دینی قرار گرفته، رشد تفکر دینی است. به یقین با شناخت هرچه بیشتر ویژگی‌های تفکر دینی دانش‌آموزان است که راه برای گزینش روش‌های مناسب آموزش دینی هموار خواهد شد. همچنین مؤلفان کتب دینی و قرآن و متصدیان آموزش و پرورش بدون تسلط بر یافته‌های روان‌شناسی، نخواهند توانست در امر آموزش دینی و قرآنی دانش‌آموزان، موفقیتی در خور تحسین و تقدیر کسب کنند و به اهداف مورد نظر در آموزش قرآن و دین دست یابند. سال‌های بسیاری است که کشورهای موفق و پیشرفته، محتوای درسی و روش‌های آموزش در دستگاه‌های آموزشی خود را بر اساس نظریه‌های روان‌شناسی و متناسب با مراحل رشد و تکامل هوش، تدوین می‌کنند و عموم معلمان پذیرفته‌اند که مواد درسی باید متناسب با سن و درک دانش‌آموزان و شرایط اجتماعی آنان باشد. در کشور ما نیز برای بسیاری از دروس این اتفاق رخ داده است و نویسندگان کتب درسی و معلمان به اهمیت این مسئله پی برده‌اند؛ اما وقتی نوبت به درس قرآن و تعلیمات دینی می‌رسد، معمولاً این نکته فراموش می‌شود و به‌عنوان دروس فوق‌برنامه به آن‌ها نگاه می‌کنند؛ بنابراین لازم است در تدوین برنامه آموزش قرآن به سایر جنبه‌های اجتماعی و روان‌شناختی کودکان و نوجوانان توجه و اهتمام شایسته صورت گیرد.

در تمام محتوای آموزشی کتب قرآن حتی یک مورد هم نمی‌یابیم که مطالب درسی برای دانش‌آموز دبستانی عینی شده یا برای انتقال محتوا از مظاهر زندگی اجتماعی و طبیعت ملموس

اطراف دانش آموز استفاده شده باشد. نکته‌ی جالب توجه این است که وقتی به محتوای کتب اول و دوم ابتدایی نگاه می‌کنیم، داستان‌ها و پیام‌های قرآنی تصویرسازی و عینی شده‌اند و دانش آموز تصویر خوانی می‌کند، اما برای آموزش روخوانی قرآن که مهم‌ترین هدف در دوره‌ی ابتدایی است، این مهم رعایت نشده است. شاید به ندرت معلمان توانمندی در روش‌های آموزشی خود به اصل عینیت‌بخشی به محتوای آموزشی، توجه داشته باشند! اما زمانی این مهم فراگیر خواهد شد که ابتدا اصل عینیت‌بخشی در محتوای کتب قرآن وارد شود و سپس روش تدریس آن به معلمان تسری یابد. به عنوان مثال می‌توان برای آموزش همزه‌ی وصل به دانش‌آموزان مقطع ابتدایی و چگونگی وصل کردن حرف قبل از آن به حرف بعدازآن، به همزه‌ی وصل شخصیت داد و به دانش‌آموزان گفت که جناب همزه‌ی وصل خیلی مهربون و فداکاره و وقتی حرفی پشت سرش قرار بگیره بهش می‌گه عزیزم من می‌خوام تو رو با حرف بعد از خودم آشنا کنم... استاد احمدرضا محسنی همزه‌ی وصل را در قالب مسابقه‌ی پیر و نیر به قرآن‌آموز، آموزش می‌دهد (رک: محسنی، ۱۳۹۷: ۹۵).

۴-۳- عدم رعایت سیر منطقی در ارائه‌ی محتوای کتب

همان‌طور که از جدول مربوط به محتوای آموزشی کتب ۹ گانه‌ی قرآن پیداست هیچ‌گونه پیوستگی و انسجامی بین درس‌های هر کتاب و بین محتوای کتاب‌های قرآن با یکدیگر وجود ندارد. به عنوان مثال الف زینت که جزء حروف ناخوانا است در کتاب قرآن پایه‌ی اول آموزش داده می‌شود، در حالی که جایگاه آموزش حروف ناخوانا پس از تنوین است. یا جایگاه آموزش همزه‌ی وصل هم‌زمان با آموزش الف و لام (آل) تعریف است، در حالی که آموزش آن در پایه‌ی نهم انجام می‌شود. نکته‌ی بسیار مهمی که همین جا باید به آن اشاره کنیم این است که مگر همزه‌ی وصل جزء محتوای روان‌خوانی نیست که به کتاب پایه‌ی نهم منتقل شده است؟ به عبارت دیگر آخرین جورچین روخوانی و روان‌خوانی قرآن در پایه‌ی نهم کامل می‌شود؛ زیرا هنوز دانش‌آموز روش خواندن همزه‌ی وصل هنگامی که در ابتدای کلام قرار گیرد را نمی‌داند و در پایه‌ی نهم آن را فراگرفت.

حداکثر زمانی که برای آموزش محتوایی که در کتاب‌های نه‌گانه‌ی پایه‌ی اول تا ۹ ام گنجانده شده، برای یک کلاس با دانش‌آموزان ضعیف، بیشتر از ۴۰ جلسه‌ی یک‌ساعته طول نمی‌کشد و فقط زمانی قرآن آموز این محتوا را به‌خوبی یاد خواهد گرفت که فرآیند آموزش این

محتوا بیشتر از یک سال به طول نینجامد و این دقیقاً همان روشی است که در دارالقرآن‌های آموزش و پرورش و تمام مؤسسات و کلاس‌های قرآن خارج از آموزش و پرورش انجام می‌شود. طولانی کردن فرآیند آموزش یا فاصله انداختن بین محتوای درسی که باید در یک یا دو جلسه تدریس شود، باعث می‌شود دانش‌آموز مطالب را فراموش کند یا نتواند بین آن‌ها ارتباط برقرار کند. به‌عنوان مثال آموزش پایه‌های همزه در یک جلسه امکان‌پذیر است درحالی که بخشی از آن در کتاب پایه‌ی دوم و بخشی دیگر در کتاب پایه‌ی سوم آمده است یا زمان لازم برای آموزش انواع وقف، حداکثر سه جلسه‌ی پی‌درپی بیشتر نیست درحالی که بخشی از آن در کتاب پایه‌ی سوم، بخشی در کتاب پایه‌ی چهارم و بخشی هم در کتاب پایه‌ی پنجم آمده است.

وقتی به پیشینه‌ی آموزش قرآن مراجعه می‌شود، در هیچ‌یک از دوره‌ها آموزش روخوانی و روان‌خوانی و بخشی از تجوید قرآن ۹ سال طول نکشیده است. همچنین در تمامی بیش از ۱۰۰ عنوان کتابی که تاکنون توسط اساتید قرآنی جهت آموزش روخوانی و روان‌خوانی قرآن نوشته شده حتی یک مورد از آن‌ها فرآیند آموزش را تا این اندازه که در کتب درسی طولانی شده، طول نداده‌اند. اتفاق ناخوش‌آیندی که در تدوین محتوای آموزشی روخوانی و روان‌خوانی و بخشی از تجوید قرآن افتاده دقیقاً شبیه به این می‌ماند که در تدوین کتب ریاضی، در پایه‌ی اول ابتدایی، اعداد به دانش‌آموز آموخته شود و سپس تا پایه‌ی هفتم چهار عمل اصلی (جمع، تفریق، ضرب و تقسیم) را یاد بگیرد و از طرفی بین آموزش همین چهار عمل اصلی هم آن‌قدر فاصله بیفتد که دانش‌آموز آن‌ها را فراموش کند؛ و بعدازآن تا پایه‌ی دهم با همین آموخته‌ها سرگرم شود و وارد مباحث بعدی ریاضیات مثل جذر و کسر و معادلات و چگونگی حل مسائل ریاضیات نشود.

۴-۴-۴- عدم استفاده از مریبان متخصص و مجرب

یکی از مشکلات آموزش قرآن در آموزش و پرورش، عدم استفاده از مریبان متخصص، مجرب و کارآمد است. در بسیاری از مدارس درس قرآن مورد بی‌مهری قرار گرفته و به‌عنوان امور فوق‌برنامه و پژوهشی و دروس دسته دوم و سوم تلقی می‌شود. بر این اساس در بسیاری از مدارس درس قرآن به‌عنوان درس تخصصی که آموزش آن نیاز به تخصص ویژه دارد، نگاه نمی‌شود و از همان معلم دروس دیگر استفاده می‌شود و در بسیاری از موارد شاهدیم که حتی مریبان قرآن خود نمی‌توانند قرآن را به‌طور صحیح بخوانند! تا چه رسد به اینکه بخواهند آن را آموزش دهند! همین مسئله باعث شده که متأسفانه دانش‌آموزان ما ۱۲ سال درس قرآن دارند، اما پس از گرفتن دیپلم

توانایی روخوانی قرآن را ندارند. (رک: نباتی، ۱۳۷۹)

۵. راهکارهای پیشنهادی برای آموزش قرآن

با توجه به وجود آسیب‌های زیاد در امر آموزش قرآن چند راهکار برای ارتقا و تقویت آموزش قرآن پیشنهاد می‌شود:

۱-۵- برنامه‌ریزی برای آموزش قرآن در دوره پیش‌دستانی و کلاس اول
زمان آموزش روخوانی و روان‌خوانی در محتوای کتاب‌های فعلی بسیار طولانی است، درحالی‌که حداکثر زمان لازم برای آموزش محتوای روخوانی بیش از یک سال تحصیلی نیست و بهترین زمان برای آموزش روخوانی، پیش‌دستانی و کلاس اول ابتدایی است؛ به عبارت دیگر اگر ساختار سیستم آموزشی به گونه‌ای تغییر کند که قبل از ورود به دبستان، دانش‌آموز به سواد قرآنی دست یابد و از بدو ورود به دبستان به آموزش مفاهیم پرداخته شود؛ اهداف موردنظر در آموزش قرآن حاصل خواهد شد.

با نوآوری‌هایی که برخی معلمان و اساتید باتجربه و متخصص، در حوزه‌ی آموزش قرآن به ثمر رسانده‌اند، اکنون این ظرفیت وجود دارد که همه‌ی کودکان در دوره‌ی پیش‌دستانی به این توانایی دست یابند که هر جای قرآن را به راحتی و زیبایی بخوانند و علاوه بر این به فهمی کودکانه از قرآن دست یابند. در حال حاضر در مراکزی مانند مهدالرضا (ع) در آستان قدس رضوی و برخی از دارالقرآن‌ها و مهدها و پیش‌دستانی‌هایی که رویکرد قرآنی دارند، با استفاده از روش‌های نوینی که گفته شد، آموزش قرآن به بهترین وجه صورت می‌گیرد. اما زمانی این امر فراگیر خواهد شد که عزمی جدی در نهادهای آموزشی و مخصوصاً آموزش و پرورش ایجاد شود که با تغییر در ساختارها و محتوای حاکم بر نظام آموزشی خود به این سطح از توانمندی و پیشرفت برسند که تمام کودکان این مرزوبوم، قبل از ورود به پایه‌ی اول دبستان سواد خواندن قرآن را فرا گرفته باشند.

۵-۲- برنامه‌ریزی درسی بر اساس شرایط سنی، اجتماعی و رشد عقلی دانش‌آموزان

مواد آموزشی و برنامه‌ریزی درسی باید با میزان رشد عقلی و اجتماعی دانش‌آموز هماهنگ باشد و بر اساس رغبت‌ها و نیازهای مختلف فردی و اجتماعی آنان تهیه گردد. محتوای آموزش و تدریس در سال‌های اولیه‌ی تحصیل باید متکی و مبتنی بر محسوسات دانش‌آموز باشد، بدین معنی که نویسندگان محتوای آموزشی و معلمان باید دروس را محسوس و عملی سازند و از طرح

مطالب انتزاعی و استدلال‌های خشک و غیر ملموس دوری کنند. درحالی که در مقطع هفتم تا نهم باید مقدمات تفکر انتزاعی آماده شده و در مقطع دهم به بعد باید دانش آموز را کمک کرد تا بدون توسل به پدیده‌های محسوس مسائل منطقی را حل کند. کودک در سنین ۷ تا ۱۲ سالگی دارای تفکر عینی است. از درک مفاهیمی که شکل دیداری و قابل درک دارند، لذت می‌برد و از مفاهیم ذهنی گریزان است. از این رو باید مفاهیم را برای فراگیران عینی و مشهود نمود، در غیر این صورت، تدریس ناموفق بوده و حاصلی جز دلسردی نخواهد داشت. حتی در آموزش مفاهیم عینی استفاده از تجربه‌ی مستقیم با مصداق‌های آشکار، ضروری است (انوشه پورو دیگران، ۱۳۸۶: ۳۲). استعداد‌های دانش آموز برای شناختن اوضاع جهان خارج باید بیدار و تربیت شود، به این ترتیب که مطالب درسی با مظاهر زندگی و اشیای موجود در محیط خاص او مرتبط شود. به عنوان مثال استاد احمد رضا محسنی در تدوین و نگارش محتوای آموزشی و روش تدریس خود این مهم را مورد توجه قرار داده و از اشیایی مثل طناب، عصا، موتور و از حیواناتی مثل گاو، آهو و شغال و پرندگانی مثل جوجه و کلاغ و انسان‌ها مثل پدر بزرگ و مادر بزرگ، پدر و مادر، بچه و ... استفاده نموده است (محسنی، ۱۳۸۸: ۷-۹۲).

بر اساس مطالعات روان‌شناسی تأثیر محیط و فرهنگ موجود با چگونگی رشد و تکامل رابطه مستقیم دارد؛ بنابراین لازم است تا در حد امکان بتوانیم محیط‌های مناسب جهت رشد طبیعی و سالم کودکان و نوجوانان ایجاد کنیم. این بررسی‌ها نشان می‌دهد که در هر سنی از کودک چه انتظاری باید داشت و هر سنی با چه نمونه‌های رفتاری، نظریات، امیال، گرایش‌ها و نیازهایی مشخص می‌شوند تا محتوای دروس و نیز امور مربوط به آموزش و پرورش دینی و روش‌های ارائه و پیاده نمودن آن‌ها به درستی اتخاذ گردند و موفقیت مطلوب و شیرینی را به دنبال داشته باشند (رک: باهنر، ۱۳۷۸: ۷۸).

۵-۳- استفاده از مریان متخصص و کارآمد

در حال حاضر آموزش قرآن در مقطع ابتدایی بر عهده معلم پایه است و معلمان ابتدایی با لهجه فارسی، قرآن را به دانش آموزان می‌آموزند. در مقطع ابتدایی یکی از مهم‌ترین راه‌های جذب دانش آموزان به قرآن، استفاده از صوت و لحن زیبا و خواندن قرآن با لحن عربی است. دانش آموزی که یاد بگیرد قرآن را با لحن عربی بخواند، با قرآن مأنوس می‌شود و از خواندن قرآن لذت می‌برد.

یکی از اقدامات خوبی که طی سال‌های گذشته در آموزش و پرورش کشور انجام شده است، استفاده از مربیان و معلمان تخصصی برای درس ورزش، مربیان تخصصی بهداشت و همچنین جذب مربیان تخصصی مشاوره بوده است. خوشبختانه در سال ۱۳۹۰ استخدام ۵۰۰۰ نیروی آموزش دیده قرآن مورد تصویب دولت قرار گرفت و بسیاری از قاریان قرآن جذب آموزش و پرورش شدند و مدارس قرآنی در کشور شکل گرفت و تا حدودی این نقیصه جبران شد. چنانچه این اقدام مبارک برای درس قرآن ادامه یافته و مربیان تخصصی قرآن به قدر کفایت جذب آموزش و پرورش شوند، تحول اساسی در آموزش قرآن ایجاد خواهد شد. به عنوان راهکار می‌توان مربیان قرآن را از میان فارغ‌التحصیلان رشته‌های علوم قرآنی و تفسیر دانشگاه علوم و معارف قرآن و قاریان و حافظان قرآن گزینش کرد.

۵-۴- استفاده از روش‌های نوین و مؤثر در آموزش قرآن

اولین گام در آموزش قرآن، تدوین محتوایی مناسب همراه با روش‌های آموزشی مطلوب است تا قرآن آموز را در مدت کوتاهی به نتیجه برساند. طبق جستجویی که نگارنده انجام داده تاکنون بیش از ۱۰۰ عنوان کتاب پیرامون آموزش روخوانی و روان‌خوانی قرآن تألیف شده است. محتوای کلی تمام کتاب‌ها تقریباً مشابه و نزدیک به هم و برگرفته از محتوا و روش سه تن از اساتید و معلمان برجسته‌ی قرآن (استاد محمدرضا شفیعی مؤمن، استاد احمدرضا محسنی و استاد محمدعلی لسانی فشارکی) است. تفاوت‌های قابل توجهی در شیوه‌ی تدوین محتوا و روش‌هایی که برای آموزش به کار رفته، وجود دارد که همین تفاوت‌های روشی بر اعتبار و اهمیت برخی از محتواها و روش‌ها افزوده و مورد استقبال جامعه‌ی قرآنی قرار گرفته‌اند.

روش‌های مختلفی برای آموزش قرآن وجود دارد که دو روش مهم، یکی مبتنی بر مشافهه و استماع و تکرار و تمرین است و دیگری که معمولاً از آن برای آموزش افراد باسواد استفاده می‌شود، مبتنی بر بیان قواعد تعمیم‌پذیر است که در واقع فراگیر، با شناخت صامت‌ها و مصوت‌ها و تفکیک هجاها و یک سری قواعد در مورد حروف ناخوانا و ... و با تعمیم این آموخته‌ها به سرعت می‌تواند تمام کلمات قرآنی را بخواند و پس از مدتی تمرین و تکرار، قرآن را به صورت روان قرائت نماید (شفیعی مؤمن، ۱۳۹۵: ۶).

روش اول بیشتر در قدیم رایج بوده است و معمولاً در مکتب‌خانه‌ها از این روش که در نوع خود کارآمد هم بود، استفاده می‌شده است و البته چند سالی است که این روش توسط تعدادی

از معلمان دلسوز قرآن با نگاهی علمی و نو احیاشده است؛ اما هنوز آن چنان که شایسته است در نظام آموزش و پرورش به این روش‌ها توجهی نشده است. در ادامه این روش‌ها معرفی می‌شوند:

۵-۴-۱- آموزش روخوانی قرآن با لهجی عربی

استاد «محمد رضا شفیعی مؤمن» از اساتید با تجربه و از قاریان برجسته کشوری بوده که بیش از ۲۰ سال است که ایشان در مدارس امام رضا علیه السلام و مراکز آموزش عالی در مشهد مقدس، مشغول تدریس هستند. استاد با استفاده از تجربه‌ی چندین ساله‌ی تدریس قرآن، در سال ۱۳۸۳ کتاب «آموزش روخوانی و روان‌خوانی قرآن با لهجه و رسم الخط عربی» را به چاپ رساند که مورد استقبال مراکز قرآنی قرار گرفته و اکنون به چاپ بیستم رسیده است. این کتاب با همان روش تعمیم‌پذیر و به صورت تفکیک کلمات و هجاها و البته مبتنی بر لحن عربی است که در نوع خود، کار بدیع و تازه‌ای به شمار می‌رسد. قرآن آموز با این روش، قرآن را با لحن عربی آموخته و به راحتی آماده برای آموزش تجوید و قرائت قرآن خواهد شد. البته لازم به ذکر است که مربی در این روش، باید مسلط به لحن عرب و ویژگی‌های آوایی زبان عربی باشد تا به درستی بتواند روخوانی قرآن را با لحن عربی به فراگیران آموزش دهد (رک: شفیعی مؤمن، ۱۳۹۵: ۷). در حال حاضر محتوای این کتاب در بیشتر دارالقرآن‌های آموزش و پرورش و بسته به سطح کلاس در یک تا دو ترم ۱۵ جلسه‌ای تدریس می‌شود و پس از گذراندن این دوره، قرآن آموزان وارد کلاس تجوید می‌شوند.

۵-۴-۲- استفاده از شیوه سمعی کلامی

دکتر «محمد علی لسانی فشارکی» از اساتید متخصص در رشته‌ی علوم قرآن و حدیث است که بیش از ۲۰ سال سابقه در تدریس علوم قرآنی و ادبیات عرب دارد و دارای آثار بسیاری در این حوزه است. یکی از آثار ایشان کتاب آموزش زبان قرآن است که استاد در این کتاب آموزش قرآن بر اساس قواعد تعمیم‌پذیر و از روی نسخه‌ی مکتوب را رد می‌کند و بر این باور است آموزش قرآن باید سمعی- کلامی (بشنو- بگو) باشد؛ زیرا که سیره‌ی پیامبر (ص) مبتنی بر مشافهه و استماع و تکرار و تمرین بوده است. ایشان معتقد است که موفقیت‌های چشمگیر صدر اسلام در امر تعلیم و ترویج قرآن درگرو همین نکته‌ی اساسی بوده است که آموزش قرآن بر پایه‌ی آموزش «زبان» قرآن قرار داشته و از ابتدا، بدون هیچ پیرایه‌ای خود قرآن به قرآن آموزان عرضه می‌شده است. متن درسی آموزش زبان قرآن مطابق الگوی تعلیمی پیامبر اکرم (ص)، حزب مفصل (سوره‌های قاف تا ناس) است. اگر در تعلیم قرآن، این قسمت از قرآن کریم آموزش داده نشود،

طرح تعلیم قرآن ناموفق خواهد بود و هراندازه از این متن درسی دور بشویم، از متن و اساس تعلیم قرآن دور شده‌ایم. نکته‌ی مهم دیگر این است که شیوه‌ی آموزش قرآن «سمعی-کلامی» یا «گوشی-زبانی» است و به‌هیچ‌وجه در ابتدای تعلیم از چشم استفاده نمی‌شود بلکه چشم بعد از انس گرفتن گوش و زبان به آموزش هر قسمت از آیات و سوره قرآن می‌تواند به همراهی بیاید و یا اینکه حتی تا آخر در کار نیاید. توجه به ماهیت آموزش قرآن بسیار مهم است. سیر و جریان آموزش قرآن در اسوه‌ی حسنه چنین است:

«زبان معلّم << گوش متعلّم << زبان متعلّم << گوش معلّم << زبان معلّم << گوش متعلّم» در این نظام آموزشی بی‌سواد و باسواد مساوی هستند و از نظر آموزشی در یک سطح‌اند و هرگاه هر یک از این دو قرآن آموز بخواهند و ابراز تمایل کنند که از نسخه‌ی مکتوب استفاده کنند، نحوه‌ی استفاده از آن را نیز به‌طور هم‌زمان به هر دو یاد می‌دهیم. اساس کار سمعی است و از آنجا که گوش دروازه‌ی قلب است، تعلیم قرآن با روش سمعی، تعلیمی قلبی می‌شود و قرآن آموز را از برکات آن بهره‌مند و برخوردار می‌گرداند (لسانی فشارکی و غفاری، ۱۳۹۰: ۱۵-۲۱).

۵-۴-۳- استفاده از روش قصه‌گویی و سمبلیک

دکتر احمدرضا محسنی از معلّمان دلسوز قرآن و از پیشکسوتان عرصه‌ی فعالیت‌های قرآنی در آموزش و پرورش است که نزدیک به ۴۰ سال از عمرش را برای آموزش قرآن به کودکان ۳ تا ۱۱ سال یعنی از مهدکودک تا پایان مقطع ابتدایی، صرف نموده است. همان‌طور که قبلاً اشاره‌شده دو رویکرد در آموزش قرآن وجود دارد. یکی رویکرد جزء به کل (بیان قواعد تعمیم‌پذیر) و دیگری رویکرد کل به جزء (مشافهه، استماع و تکرار و تمرین) که استاد احمدرضا محسنی بر اساس هر دو رویکرد محتوا و روشی را ابداع کرده است که در آستان قدس به نام مهدالرضا علیه‌السلام و در جاهای دیگر به نام مکتب‌الرضا علیه‌السلام یا خانه‌های بهشت معروف و در حال اجراست. با توجه به اینکه روش استاد محسنی و محتوای آموزشی آن مبتنی بر اصول علمی و روان‌شناسی رشد طراح‌ی و تدوین شده است، علاوه بر داخل کشور، در ۵ کشور دیگر نیز با استقبال مواجه شده است و در حال اجرا است.

۵-۴-۳-۱- رویکرد جزء به کل

در این رویکرد ابتدا حروف، بعد ترکیبات، بعد آیه و سوره آموزش داده می‌شود. سه شیوه‌ی اجرایی برای آموزش با این رویکرد وجود دارد:

۱. روش فرمولیک: در این روش قرآن آموز باید قاعده یا فرمول حفظ کند. این روش برای دوره‌ی ابتدایی کاملاً مردود است که قبلاً در مراحل رشد و تکامل هوش به آن پرداخته شد.

۲. روش سمبلیک: در این روش به حروف و کلمات شخصیت داده می‌شود و به این بهانه ذهن قرآن آموز از کلاس بیرون برده می‌شود. (مادر بزرگ‌ها: «ص ض ط ظ غ ق خ ر») که همان حروف درشت و پرحجم هستند، سرسری‌ها: «ق ط ب ج د» که همان حروف قفله‌اند و (...).

۳. روش قصه‌گویی: بهترین روش برای آموزش قرآن در مقطع پیش‌دبستانی و ابتدایی تلفیقی از روش سمبلیک و قصه‌گویی است؛ زیرا آموزش مستقیم به کودک همانند نصیحت مستقیم به جوان است که تأثیرگذار نیست. لذا آموزش باید غیرمستقیم و متناسب با زبان مخاطب باشد. استاد احمدرضا محسنی برای آموزش قرآن همین روش را برگزیده به این صورت که فرآیند آموزش طی سه مرحله انجام می‌شود:

۱. معلم قصه می‌گوید، نمایش اجرا می‌کند و سرود می‌خواند و از این راه به محتوای آموزشی عینیت بخشیده و آن را برای قرآن آموز ملموس می‌نماید. همچنین قصه‌ها و نمایش‌ها در محتوای کتاب تصویرسازی شده است.

۲. قرآن آموزان مطالب آموخته‌شده را در کتاب کار رنگ آمیزی می‌کنند.

۳. قرآن آموز مطالب آموخته‌شده را از کتاب قرآن می‌خواند.

(این محتوا برای سه ترم برنامه‌ریزی شده، در حد هر ترم ۲۷ جلسه‌ی ۴۵ دقیقه‌ای که معمولاً تعطیلات و وقت‌های غیر پیش‌بینی را اگر کسر کنید ۲۰ جلسه‌ی مفید در هر ترم خواهید داشت. در هر جلسه ۲۰ دقیقه‌ی اول به تدریس و ۲۵ دقیقه‌ی باقی مانده را قرآن آموزان بخش مربوط به درس را رنگ آمیزی می‌کنند. در پایان کلاس دو تکلیف به قرآن آموزان داده می‌شود: یک تکلیف رنگ زدنی و یک تکلیف روخوانی که باید در منزل یا کلاس انجام دهند) (محسنی، ۱۳۹۵: ۴).

۵-۴-۳-۲- رویکرد کل به جزء

همچنین استاد احمدرضا محسنی جزء ۳۰ام قرآن را در مجموعه‌ای ۱۵ جلدی همراه با لوح فشرده‌ی تصویری منتشر کرده که این مجموعه اولین ترجمه یا فهم کودکانه‌ی قرآن است. در این مجموعه، ضمن آموزش صحیح حفظ کلمات، عبارات و آیات قرآن کریم و مفهوم کودکانه‌ی آن‌ها، به صورت غیرمستقیم روخوانی قرآن کریم نیز آموزش داده می‌شود. در این مجموعه، قرآن

آموزان با روش کدگذاری همراه با تصویر خوانی، قرآن را می‌آموزند. تصاویر و علائم قراردادی که برای آموزش در نظر گرفته شده از سه ویژگی مهم برخوردار است:

الف) مفهوم کودکانه دارند.

ب) نزدیک به مفهوم هستند.

ج) آسان و روان‌اند و به راحتی وارد ذهن قرآن آموز می‌شوند.

۶. نتایج

این تحقیق به دنبال ارائه‌ی چشم‌انداز روشنی از محتوا و روش‌های آموزشی کتب قرآن است که به آموزش روخوانی و روان‌خوانی قرآن اختصاص یافته و با نگاهی علمی به نقد و بررسی آن‌ها پرداخته است و راهکارهایی در سطح خود، ارائه داده است. نتایج ذیل از بررسی در موضوع کتاب‌های درسی آموزش و پرورش حاصل شده است:

۱. علیرغم زمان و محتوای قابل توجه دروس قرآن، اهداف موردنظر در آموزش قرآن حاصل نشده است و بیشتر دانش‌آموزان پس از گرفتن دیپلم، با قرآن آشنایی لازم را نداشته و حتی به روخوانی قرآن تسلط کافی ندارند. گرچه رویکردها و اهداف مناسبی برای آموزش قرآن در سال‌های اخیر در نظر گرفته شده است، اما ساختارها، محتوا و روش‌های موجود دانش‌آموزان را به اهداف موردنظر در آموزش قرآن نمی‌رساند.

۲. آسیب‌ها و عوامل کلی عدم توفیق در امر آموزش قرآن در آموزش و پرورش عبارت‌اند از چهار عامل مهم ساختارهای نادرست حاکم بر آموزش قرآن، محتوای آموزشی نامناسب، روش‌های آموزشی نامناسب و ناکارآمد و استفاده از مربیان ناکارآمد و غیرتخصصی.

۳. آسیب‌های محتوایی و روشی آموزش قرآن عبارت‌اند از: طولانی بودن زمان آموزش نسبت به محتوای آموزشی کم، عدم تناسب محتوا و روش‌های آموزش با موقعیت و شرایط اجتماعی و سنی مخاطب، عدم رعایت سیر منطقی در ارائه‌ی محتوای کتب، عدم استفاده از مربیان متخصص و مجرب و ...

۴. راهکارهای پیشنهادی برای آموزش قرآن در این پژوهش عبارت‌اند از: برنامه‌ریزی برای آموزش قرآن در دوره پیش‌دبستانی و کلاس اول، برنامه‌ریزی درسی بر اساس شرایط اجتماعی، سنی و رشد عقلی دانش‌آموزان، استفاده از مربیان متخصص و باتجربه، استفاده از روش‌های نوین و مؤثر در آموزش قرآن مانند آموزش روخوانی قرآن با لهجۀ عربی، استفاده از شیوه سمعی

کلامی، استفاده از روش قصه‌گویی و سمبلیک و ...

۵. زمان آموزش روخوانی و روان‌خوانی در محتوای فعلی بسیار طولانی است، درحالی‌که حداکثر زمان لازم برای آموزش محتوای روخوانی بیش از ۲ سال تحصیلی نیست و بهترین زمان برای آموزش روخوانی، پیش‌دبستانی و کلاس اول ابتدایی است؛ به عبارت دیگر اگر ساختار سیستم آموزشی به گونه‌ای تغییر کند که قبل از ورود به دبستان، دانش‌آموز به سواد قرآنی دست یابد و از بدو ورود به دبستان به آموزش مفاهیم پرداخته شود؛ اهداف موردنظر در آموزش قرآن حاصل خواهد شد.

۶. موفقیت در امر آموزش قرآن و رهایی از آسیب‌های موجود در گروهی اصلاح و بازنگری در ساختارهای نادرست حاکم بر آموزش قرآن و تدوین محتوا و روش‌های آموزش قرآن بر پایه‌ی اصول علمی و تجربیات موفق اساتید و معلمان قرآن، است. برای رسیدن به این مهم توجه به راهکارهای زیر لازم و ضروری است:

- جامعیت بخشی به محتوای آموزشی کتب قرآن و معارف اسلامی؛
- عینیت بخشی به محتوای آموزشی کتب قرآن دوره‌ی ابتدایی و روش‌های آموزشی؛
- کوتاه کردن مسیر آموزش روخوانی و روان‌خوانی قرآن از ۹ سال به ۲ سال؛
- استفاده از طرح‌های موفق اساتید در امر آموزش قرآن و تدوین کتب درسی؛
- جذب و به کارگیری مربیان تخصصی قرآن.

فهرست منابع

- قرآن کریم. ترجمه‌ی مکارم شیرازی، ناصر. قم: دارالقرآن الکریم (دفتر مطالعات تاریخ و معارف اسلامی)، دوم: ۱۳۷۳.
- ۱- ابن شعبه حرّانی، حسن بن علی، (۱۴۰۴ ق)، *تحف العقول*، چاپ دوم، قم، انتشارات انصاریان.
 - ۲- انوشه‌پور، ابوالفضل، الهه ستوده، غلامعباس سرشور خراسانی، سید مهدی سیف، رضا نباتی و مسعود وکیل، (۱۳۹۴)، *آموزش قرآن چهارم دبستان*، چاپ هفتم، تهران، اداره‌ی کل نظارت بر نشر و توزیع مواد آموزشی.
 - ۳- انوشه‌پور، ابوالفضل، الهه ستوده، غلامعباس سرشور خراسانی، سید مهدی سیف، رضا نباتی و مسعود وکیل، (۱۳۹۴)، *آموزش قرآن پنجم دبستان*، چاپ هشتم، تهران، اداره‌ی کل نظارت بر نشر و توزیع مواد آموزشی.
 - ۴- انوشه‌پور، ابوالفضل، غلامعباس سرشور خراسانی، سید مهدی سیف، سید حامد ملکوتی و مسعود وکیل، (۱۳۸۶)، *روش آموزش قرآن (دوره‌ی ابتدایی)*، چاپ پنجم، تهران، شرکت چاپ و نشر کتاب‌های درسی ایران.
 - ۵- انوشه‌پور، ابوالفضل، محی‌الدین، بهرام محمدیان، الهه ستوده، غلامعباس سرشور خراسانی، سید مهدی سیف، رضا نباتی و مسعود وکیل، (۱۳۹۴)، چاپ هشتم، *آموزش قرآن سوم دبستان*، تهران، اداره‌ی کل نظارت بر نشر و توزیع مواد آموزشی.
 - ۶- انوشه‌پور، ابوالفضل، محی‌الدین، بهرام محمدیان، الهه ستوده، غلامعباس سرشور خراسانی، سید مهدی سیف، رضا نباتی و مسعود وکیل، (۱۳۹۴)، *آموزش قرآن اول دبستان*، چاپ پنجم، تهران، اداره‌ی کل نظارت بر نشر و توزیع مواد آموزشی.
 - ۷- انوشه‌پور، ابوالفضل، مسعود تهرانی فرجاد، الهه ستوده، غلامعباس سرشور خراسانی، منصوره سید صالحی، سید مهدی سیف، حسن فلاح، رضا نباتی و مسعود وکیل، (۱۳۹۱)، *آموزش قرآن دوم دبستان*، چاپ اول، تهران، اداره‌ی کل نظارت بر نشر و توزیع مواد آموزشی.
 - ۸- انوشه‌پور، ابوالفضل، مسعود تهرانی فرجاد، الهه ستوده، غلامعباس سرشور خراسانی، منصوره سید صالحی، سید مهدی سیف، حسن فلاح، رضا نباتی و مسعود وکیل، (۱۳۹۳)، *آموزش قرآن ششم دبستان*، چاپ سوم، تهران، اداره‌ی کل نظارت بر نشر و توزیع مواد آموزشی.
 - ۹- آزادی، پرویز، یاسین شکرانی و علی کاظمی، (۱۳۹۵)، *پیام‌های آسمان پایه‌ی نهم دوره‌ی اول متوسطه*، چاپ دوم، تهران، اداره‌ی کل نظارت بر نشر و توزیع مواد آموزشی.
 - ۱۰- آمار، فریال، سید محمد دلبری، یاسین شکرانی و سیدسجاد طباطبایی نژاد، (۱۳۹۵)، *کتاب معلم هدیه‌های آسمان ششم دبستان*، چاپ اول، تهران، اداره‌ی کل نظارت بر نشر و توزیع مواد آموزشی.
 - ۱۱- آمار، فریال، غلامرضا حیدری ابهری، یاسین شکرانی، سید سجاد طباطبایی نژاد و سیدمحمد مهاجرانی، (۱۳۹۵)، *هدیه‌های آسمان (تعلیم و تربیت اسلامی) ششم دبستان*، چاپ اول، تهران، اداره‌ی کل نظارت بر نشر و توزیع مواد آموزشی.
 - ۱۲- باقری، یونس، سید مهدی سیف، سیدمحمدحسین میرباقری و مسعود وکیل، (۱۳۹۲)، *آموزش*

- قرآن دوره‌ی اول متوسطه (هفتم)، چاپ اول، تهران: شرکت چاپ و نشر کتاب‌های درسی ایران.
- ۱۳- باقری، یونس، سید مهدی سیف، سیدمحمدحسین میرباقری و مسعود وکیل، (۱۳۹۳)، آموزش قرآن پایه‌ی هشتم دوره‌ی اول متوسطه، چاپ اول، تهران، شرکت چاپ و نشر کتاب‌های درسی ایران.
- ۱۴- باقری، یونس، سید مهدی سیف، سیدمحمدحسین میرباقری و مسعود وکیل، (۱۳۹۴)، آموزش قرآن پایه‌ی نهم دوره‌ی اول متوسطه، چاپ اول، تهران، شرکت چاپ و نشر کتاب‌های درسی ایران.
- ۱۵- باقری، یونس، سید مهدی سیف، سید هادی محدث، سیدمحمدحسین میرباقری و مسعود وکیل، (۱۳۹۴)، کتاب معلم آموزش قرآن پایه‌های هفتم، هشتم و نهم دوره‌ی اول متوسطه، چاپ اول، تهران، شرکت چاپ و نشر کتاب‌های درسی ایران.
- ۱۶- باقری، یونس، سید مهدی سیف، سید هادی محدث، سیدمحمدحسین میرباقری و مسعود وکیل، (۱۳۹۱)، مبانی و روش آموزش قرآن در دوره‌ی راهنمایی، چاپ اول، تهران، شرکت چاپ و نشر کتاب‌های درسی ایران.
- ۱۷- باهنر، ناصر، (۱۳۷۸)، آموزش مفاهیم دینی همگام با روان‌شناسی رشد، چاپ اول، تهران، شرکت چاپ و نشر بین‌الملل.
- ۱۸- بهرامی، محمد، (۱۳۸۳)، آسیب‌شناسی روش‌های آموزش قرآن، بشارت، شماره ۴۰.
- ۱۹- دانشمند، مرتضی، عبدالکریم صالحی، سیدسجاد طباطبایی نژاد، محمود متوسل آرانی و مسلم ناصری، (۱۳۹۵)، هدیه‌های آسمان (تعلیم و تربیت اسلامی) دوم دبستان، چاپ پنجم، تهران، اداره‌ی کل نظارت بر نشر و توزیع مواد آموزشی.
- ۲۰- دانشمند، مرتضی، محسن ربانی، یاسین شکرانی، عبدالکریم صالحی، سیدسجاد طباطبایی نژاد، محمود متوسل آرانی، (۱۳۹۴)، هدیه‌های آسمان (تعلیم و تربیت اسلامی) سوم دبستان، چاپ سوم، تهران، اداره‌ی کل نظارت بر نشر و توزیع مواد آموزشی.
- ۲۱- دانشمند، مرتضی، یاسین شکرانی، عبدالکریم صالحی و سیدمحمد مهاجرانی، (۱۳۹۵)، هدیه‌های آسمان (تعلیم و تربیت اسلامی) چهارم دبستان، چاپ سوم، تهران، اداره‌ی کل نظارت بر نشر و توزیع مواد آموزشی.
- ۲۲- شریف‌الرضی، محمد بن حسین، (۱۴۱۴ ق)، نهج‌البلاغه به کوشش (للصباحی صالح)، چاپ اول، قم، مؤسسه دار الهجرة.
- ۲۳- شفیعی مؤمن، محمدرضا، (۱۳۹۵)، آموزش روخوانی قرآن کریم بر اساس رسم‌الخط و لهجه‌ی عربی، بیست و هشتم، جامعه‌ی قاریان قرآن مشهد.
- ۲۴- فریدونی، محمدحسین، (۱۳۸۴)، «تأملی در آموزش عمومی قرآن»، مجله‌ی رشد (آموزش قرآن)، وزارت آموزش و پرورش، سازمان پژوهش و برنامه‌ریزی آموزشی، دفتر انتشارات و تکنولوژی آموزشی.
- ۲۵- قمی، عباس، (۱۴۱۴ ق)، سفینه‌البحار، چاپ اول، قم، انتشارات اسوه.
- ۲۶- کاظمی، علی، (۱۳۹۵)، پیام‌های آسمان پایه‌ی هشتم دوره‌ی اول متوسطه، چاپ سوم، تهران، اداره‌ی کل نظارت بر نشر و توزیع مواد آموزشی.
- ۲۷- کاظمی، علی، (۱۳۹۵)، پیام‌های آسمان پایه‌ی هفتم دوره‌ی اول متوسطه، چاپ چهارم، تهران،

- اداره‌ی کل نظارت بر نشر و توزیع مواد آموزشی.
- ۲۸- کلینی، محمد بن یعقوب، (۱۴۰۷ ق)، الکافی، چاپ چهارم، تهران، الإسلامیه.
- ۲۹- لسانی فشارکی، محمدعلی و مهدی غفاری، (۱۳۹۰)، آموزش زبان قرآن، چاپ اول، قم، اسرا.
- ۳۰- مجلسی، محمدباقر، (۱۴۰۳ ق)، بحارالانوار، چاپ دوم، بیروت، دار احیاء التراث العربی.
- ۳۱- محسنی، احمدرضا، (۱۳۹۵)، آسان بیاموزید زیبا بخوانید، چاپ پنجم، مشهد، مؤسسه‌ی فرهنگی، هنری و انتشاراتی ضریح آفتاب.
- ۳۲- محسنی، احمدرضا، (۱۳۸۸)، بازی و آموزش: آموزش نوین قرآن کریم: روخوانی همراه با تجوید: ویژه دوره پیش‌دبستانی (جلد ۱ و ۲): راهنمای کاربردی و شیوه تدریس کتاب کار کودک، مشهد، مؤسسه‌ی فرهنگی، هنری و انتشاراتی ضریح آفتاب.
- ۳۳- محسنی، احمدرضا، (۱۳۹۷)، کتاب کار کودک ۱: ویژه روخوانی قرآن کریم (کودکان ۵ تا ۶ سال)، مشهد، مؤسسه‌ی فرهنگی، هنری و انتشاراتی ضریح آفتاب.
- ۳۴- محسنی، احمدرضا، (۱۳۹۶)، کتاب کار کودک ۲: واحدهای کار آموزش و روخوانی قرآن کریم آموزش قرآن در قالب قصه، بازی و سرگرمی‌های آموزشی، مشهد، مؤسسه‌ی فرهنگی، هنری و انتشاراتی ضریح آفتاب.
- ۳۵- مظاهری، حسن، (۱۳۹۷)، زیرنظام‌های کلیدی در نظام آموزش و پرورش ایران، ماهنامه رشد معلم، شماره ۳۱۵، سازمان پژوهش و برنامه ریزی آموزشی.
- ۳۶- مهاجرانی، سیدمحمد، (۱۳۹۵)، هدیه‌های آسمان (تعلیم و تربیت اسلامی) پنجم دبستان، چاپ دوم، تهران، اداره‌ی کل نظارت بر نشر و توزیع مواد آموزشی.
- ۳۷- نباتی، رضا، (۱۳۷۹)، آسیب‌شناسی آموزشی قرآن درسی مدارس، بشارت، شماره ۱۸.
- ۳۸- نیک‌نفس، سعید، (۱۳۹۲)، «نقش تحلیل محتوا در فرآیند آموزش»، مجله جهانی رسانه، ۱۶، ص ۱۲۴-۱۵۰.

REFERENCES

The Holy Quran. Translated by Makarem Shirazi, Naser. Qom: Dar al-Qur'an al-Karim (Department of Islamic History and Studies), II: 1373.

1- Amar, Faryal, Gholamreza Heydari Abhari, Yasin Shokrani, Seyed Sajjad Tabatabaiejad and Seyed Mohammad Mohajerani, (1395), Heavenly gifts (Islamic Education and Training) 6th Grade Primary School, First Edition, Tehran, General Administration of Supervision of Publishing and Distribution of Educational Materials .

2- Amar, Faryal, Seyyed Mohammad Delbari, Yasin Shokrani and Seyed Sajjad Tabatabaiejad, (1395), Teacher's Book of Heavenly Gifts of the 6th Grade Primary School, 1st Edition, Tehran, General Administration of Supervision of Publication and Distribution of Educational Materials.

3- Anoushepour, Abolfazl, Elaheh Sotoudeh, Gholam Abbas Sarshoor Khorasani, Seyyed Mehdi Seif, Reza Nabati and Masoud Vakil, (1394), Teaching the Qur'an for First Grade of Elementary School, 5th Edition, Tehran, General Administration for Supervision of Publication and Distribution of Educational Materials.

4- Anoushepour, Abolfazl, Elaheh Sotoudeh, Gholam Abbas Sarshoor Khorasani, Seyyed Mehdi Seif, Reza Nabati and Masoud Vakil, (1391), Teaching the Qur'an for Second Grade of Elementary School, First Edition, Tehran, General Administration for Supervision of Publication and Distribution of Educational Materials.

5- Anoushepour, Abolfazl, Elaheh Sotoudeh, Gholam Abbas Sarshoor Khorasani, Seyyed Mehdi Seif, Reza Nabati and Masoud Vakil, (1394), Teaching the Qur'an for Third Grade of Elementary School, 8th Edition, Tehran, General Administration for Supervision of Publication and Distribution of Educational Materials.

6- Anoushepour, Abolfazl, Elaheh Sotoudeh, Gholam Abbas Sarshoor Khorasani, Seyyed Mehdi Seif, Reza Nabati and Masoud Vakil, (1394), Teaching the Qur'an for Fourth Grade of Elementary School, 7th Edition, Tehran, General Administration for Supervision of Publication and Distribution of Educational Materials.

7- Anoushepour, Abolfazl, Elaheh Sotoudeh, Gholam Abbas Sarshoor Khorasani, Seyyed Mehdi Seif, Reza Nabati and Masoud Vakil, (1394), Teaching the Qur'an for Fifth Grade in Primary School, 6th Edition, Tehran, General Administration for Supervision of Publication and Distribution of Educational Materials.

8- Anoushepour, Abolfazl, Elaheh Sotoudeh, Gholam Abbas Sarshoor Khorasani, Seyyed Mehdi Seif, Reza Nabati and Masoud Vakil, (1394), Teaching the Qur'an for Sixth Grade in Primary School, 6th Edition, Tehran, General Administration for Supervision of Publication and Distribution of Educational Materials.

9- Anoushepour, Abolfazl, Elaheh Sotoudeh, Gholam Abbas Sarshoor Khorasani, Seyyed Mehdi Seif, Reza Nabati and Masoud Vakil, (1394), The method of Teaching in Primary School, 6th Edition, Tehran, General Administration for Supervision of Publication and Distribution of Educational Materials.

10- Azadi, Parviz, Yasin Shokrani and Ali Kazemi, (1395), Heavenly Gifts of the ninth grade of the first intermediate period, second edition, Tehran, General Administration of Supervision of

Publication and Distribution of Educational Materials.

11- Bagheri, Yunus, Seyyed Mehdi Saif, Seyed Hadi Mohaddes, Seyed Mohammad Hossein Mir Bagheri and Masoud Vakil, (1394), Teaching the Qur'an for the 9th grade of the First Intermediate Course, first edition, Tehran, Iran Textbook Publishing Company.

12- Bagheri, Yunus, Seyyed Mehdi Saif, Seyed Hadi Mohaddes, Seyed Mohammad Hossein Mir Bagheri and Masoud Vakil, (1394), Teacher's Book of Teaching the Qur'an for the 7th, 8th and 9th Grades of the First Intermediate Course, first edition, Tehran, Iran Textbook Publishing Company.

13- Bagheri, Yunus, Seyyed Mehdi Saif, Seyed Hadi Mohaddes, Seyed Mohammad Hossein Mir Bagheri and Masoud Vakil, (1391), Principles and Method of Teaching the Qur'an in Middle School, first edition, Tehran, Iran Textbook Publishing Company.

14- Bagheri, Yunus, Seyyed Mehdi Saif, Seyed Mohammad Hossein Mir Bagheri and Masoud Vakil, (1392), Teaching the Qur'an in the First Intermediate Course (7th Grade), first edition, Tehran, Iran Textbook Publishing Company.

15- Bagheri, Yunus, Seyyed Mehdi Saif, Seyed Mohammad Hossein Mir Bagheri and Masoud Vakil, (1392), Teaching the Qur'an for the 8th Grade of the First Intermediate Course, first edition, Tehran, Iran Textbook Publishing Company.

16- Bagheri, Yunus, Seyyed Mehdi Saif, Seyed Mohammad Hossein Mir Bagheri and Masoud Vakil, (1394), Teaching the Qur'an for the 9th Grade of the First Intermediate Course, first edition, Tehran, Iran Textbook Publishing Company.

17- Bahonar, Naser, (1378), teaching religious concepts in sync with developmental psychology, first edition, Tehran, International Publishing Company.

18- Bahrami, Mohammad, (1383), Pathology of Quran teaching methods, Basharat, No. 40.

19- Daneshmand, Morteza, Abdulkarim Salehi, Seyed Sajjad Tabatabaiejad, Mahmoud Motavassel Arani and Muslim Naseri, (1395), Heavenly Gifts (Islamic Education and Training) Second Primary School, Fifth Edition, Tehran, General Administration for Supervision of Publication and Distribution of Educational Materials.

20- Daneshmand, Morteza, Mohsen Rabbani, Yasin Shokrani, Abdulkarim Salehi, Seyedsjad Tabatabaiejad, Mahmoud Mutussol Arani, (1394), The Heavenly Gifts (Islamic Education and Training) Third Primary School, Third Edition, Tehran, General Administration of Publication and Distribution Supervision training material.

21- Daneshmand, Morteza, Yasin Shokrani, Abdul Karim Salehi, and Seyed Mohammad Mohajerani, (1395), Heavenly Gifts (Islamic Education and Training) Forth Primary School, Third Edition, Tehran, General Administration of Publication and Distribution Supervision training material.

22- Feridouni, Mohammad Hosein, (1384), "Thinking on the general teaching of the Qur'an", Roshd magazine (Teaching the Qur'an), Ministry of Education, Educational Research and Planning Organization, Office of Publications and Educational Technology.

23- Ibn Shu'ba Harrani, Hasan bin Ali, (1404 AH), Tuhaf al-Uqoul, second edition, Qom, Ansarian Publications.

24- Kazemi, Ali, (1395), Heavenly Gifts of the 7th grade of the first intermediate Course, third

edition, Tehran, General Administration for Supervision of Publishing and Distribution of Educational Materials.

25- Kazemi, Ali, (1395), Heavenly Gifts of the 8th grade of the first intermediate Course, third edition, Tehran, General Administration for Supervision of Publishing and Distribution of Educational Materials.

26- Kulaini, Muhammad bin Yaqoub, (1407 AH), Al-Kafi, 4th edition, Tehran, Islamiyah.

27- Lesani Fesharaki, Mohammad Ali and Mehdi Ghaffari, (1390), Teaching the Quranic Language, first edition, Qom, Isra.

28- Majlisi, Muhammad Baqir, (1403 AH), Bihar al-Anwar, second edition, Beirut, Dar Ihya al-Turath al-Arabi.

29- Mazaheri, Hasan, (1397), Key sub-systems in Iran's education system, Rushd Moalem Monthly, No. 315, Educational Research and Planning Organization.

30- Mohajerani, Seyyed Mohammad, (1395), Heavenly Gifts (Islamic Education and Training), 5th Grade of Primary School, second edition, Tehran, General Administration for Supervision of Publication and Distribution of Educational Materials.

31- Mohseni, Ahmad Reza, (1395), Game and Education: New Method of Teaching the Holy Quran: Recitation with Tajweed: Special for Pre-School Period (Volumes 1 and 2): Practical Guide and Teaching Method of Children's Workbook, Mashhad, Zarih Aftab Cultural, Artistic and Publishing Institute.

32- Mohseni, Ahmad Reza, (1395), Learn easily, read beautifully, 5th edition, Mashhad, Zarih Aftab Cultural, Artistic and Publishing Institute.

33- Mohseni, Ahmad Reza, (1396), Children's workbook 1: Special for reciting the Holy Quran (children 5 to 6 years old), Mashhad, Zarih Aftab Cultural, Artistic and Publishing Institute.

34- Mohseni, Ahmad Reza, (1396), Children's workbook 2: Special for reciting the Holy Quran (children 5 to 6 years old), Mashhad, Zarih Aftab Cultural, Artistic and Publishing Institute.

35- Nabati, Reza, (1379), Educational Pathology of Quranic Lesson in Schools, Basharat, No. 18.

36- Niknafs, Saeed, (1392), "The Role of Content Analysis in the Education Process", World Media Journal, 16, pp. 124-150.

37- Qomi, Abbas, (1414 A.H.), Safinat al-Bihar, first edition, Qom, Oswah Publications.

38- Shafi'i Momin, Mohammad Reza, (1395), Teaching Recitation of the Holy Quran based on Arabic Script and Accent, 28th edition, Mashhad, Jamia Qarian Quran.

39- Sharif al-Razi, Muhammad bin Husain, (1414 AH), Nahj al-Balaghah (edited by Subhi al-Salih), first edition, Qom, Dar al-Hijra Institute.



Analyzing the Tanzili Approach in Solving Social Problems in the Qur'an, Focusing on Women's Issues

(Received: 2023/04/29 / Accepted: 2023/07/19)

Abdul Karim Behjatpour¹, Mohammad Taghi Ahmadi Parto²

ABSTRACT

A variety of approaches have been developed to solve social problems in the humanities, including holistic and atomistic approaches, changing structures that reproduce the problem, and social policy. The Qur'an also dealt at length with the solution to human problems in different dimensions and fields. One of the most important issues of social societies is the status of women in society. The West, with an atomistic approach and without paying attention to the structures that reproduce the problem, while accepting feminism, has chosen to recognize equality in abilities and rights, financial independence and participation in the society's economy, and granting political and social freedoms to women in social policies as solutions of problems related to the status of women in society. This research, by analyzing the method of extraction of human sciences, has investigated the approach of the Qur'an in solving problems using the second part of Ijtihadi method and Tanzili (descending) approach in selecting the verses based on the order of their revelation. Given the structures that reproduce the problem, the Qur'an has attempted to change both subjective and objective structures of society.

By examining the approach of the Qur'an, we have come to the conclusion that the approach of the Qur'an is not entirely based on a holistic approach nor an atomistic approach. Rather, in resolving problems while correcting many social harms, the Qur'an has removed the gender issue from psychological significance, corrected the structures that reproduce the problem, and, in a logical process in the context of gradual descent, has started extensively to make policies in the three cognitive, attitudinal and behavioral dimensions. These issues are presented in seven steps.

KEYWORDS: Social Problem Solution, Social Problem Methodology, Women's Problems, Tanzili Approach.

1- Associate Professor, Qur'anic Studies Department, Wisdom and Religion Research Institute, Islamic Culture and Thought Research Institute, Qom, Iran Abp114@yahoo.com

2- Ph.D. student of Quran and Hadith Sciences, Al-Mustafa International University, Qom, Iran (corresponding author) partoahmadi@mailfa.cim



تحلیل رویکرد تنزیلی در حل مسئله اجتماعی در قرآن با محوریت مسئله زن

(تاریخ دریافت: ۱۴۰۲/۰۲/۰۹ - تاریخ پذیرش: ۱۴۰۲/۰۴/۲۸)

عبدالکریم بهجت پور^۱، محمد تقی احمدی پرتو^۲

چکیده

روش‌های متنوعی برای حل مسئله اجتماعی در علوم انسانی تولید شده است از جمله رویکرد کل نگرانه و جزء نگرانه، تغییر ساختارهای بازتولید کننده مسئله و سیاست گذاری اجتماعی. قرآن نیز به وفور به حل مسائل انسان در ابعاد مختلف و حوزه‌های متنوع پرداخته است. یکی از مهم‌ترین مسائل جوامع اجتماعی، جایگاه زنان در جامعه بوده است. غرب با رویکردی جزء نگرانه و بدون توجه به ساختارهای بازتولید کننده مشکل، ضمن پذیرش فمینیسم، راه حل به رسمیت شناختن تساوی در استعدادها و حقوق، استقلال مالی و شرکت در اقتصاد جامعه و اعطای آزادی‌های سیاسی و اجتماعی به زنان را در سیاست گذاری‌های اجتماعی برای حل مسائل مرتبط با جایگاه زنان در جامعه پیش گرفته است. این تحقیق با تحلیل یکی از گونه‌ها در روش استخراج علوم انسانی به بررسی روش قرآن در حل مسئله با استفاده از روش اجتهاد قسم دوم و رویکرد تنزیلی در انتخاب آیات پرداخته است. قرآن ضمن توجه به ساختارهای بازتولید کننده مشکل، برای تغییر ساختارهای ذهنی و عینی جامعه تلاش کرده است. با بررسی روش قرآن به این نتیجه رسیدیم که رویکرد قرآن نه کاملاً مبتنی بر رویکرد کل نگرانه بوده و نه رویکردی جزئی نگرانه. بلکه قرآن در حل مسائل در ضمن اصلاح بسیاری از آسیب‌های اجتماعی، مسئله جنسیت را از برجستگی روانی انداخت، ساختارهای بازتولید کننده مسئله را اصلاح و در فرایندی منطقی در بستر نزول تدریجی و تنزیلی، دست به سیاست گذاری گسترده در سه حوزه بینش، گرایش و رفتار زده است. این اقدامات در هفت گام مطرح شده است.

واژگان کلیدی: حل مسئله اجتماعی، روش‌شناسی مسئله اجتماعی، مسئله زن، رویکرد تنزیلی.

۱- دانشیار، گروه قرآن پژوهی، پژوهشکده حکمت و دین پژوهی، پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی، قم، ایران Abp114@yahoo.com

۲- دانشجوی دکتری علوم قرآن و حدیث، جامعه المصطفی العالمیه، قم، ایران (نویسنده مسئول) partoahmadi@mailfa.cim



۱. مقدمه

هر مکتبی در کنار تبیین آموزه‌های خود و ترسیم کلی و جزئی برنامه‌های خود ضمن پاسخ‌گویی به شبهات و سؤالات مربوطه، باید نسخه و روشی منحصر به فرد و پویا برای حل مسائل و مشکلات و بحران‌های فرد و جامعه ارائه دهد. یکی از کارکردهای اصلی و مهم علوم انسانی حل چالش‌ها و معضلات عرصه‌های متنوع زندگی بشر است؛ از این روست که تاکنون ده‌ها و صدها نظریه و روش توسط دانشمندان و مصلحان برای حل مسائل و معضلات بشر در مکاتب مختلف فکری و دینی مطرح شده و می‌شود و اساساً نظریه‌پردازی و تولید علم برای پاسخ دادن به پرسش‌ها و مسائل انسان است.

مهارت حل مسئله به معنای توانایی شناسایی و تجزیه و تحلیل و پیمودن راه برون‌رفت از مشکلات است. به عبارتی دیگر حل مسئله، یک فرآیند شناختی - رفتاری است که فرد یا حاکمیت به کمک آن‌ها سعی می‌کند راه‌حل‌های مؤثر یا مفیدی برای مسائل و پیچیدگی‌های زندگی انسان در حوزه‌های مختلف فردی و اجتماعی پیدا کند.

قرآن به عنوان مصدر معرفت دینی، متنی ناظر به واقع است که در یکی از سخت‌ترین و پیچیده‌ترین شرایط سرزمینی، فرهنگی، سیاسی، اعتقادی و اقتصادی موجود در زندگی بشر در شبه‌جزیره عربستان یعنی عصر جاهلیت نازل شده و به حل مسائل پرداخته است. کشف روش حکیمانه قرآن برای حل مسائل که در طول بیست و سه سال نزول قرآن پیاده شد و صورت‌بندی آن با توجه به شرایط جغرافیایی و اقتضات اجتماعی، فرهنگی عصر نزول، کمک فراوانی به علوم انسانی کنونی برای حل مسائل خود خواهد نمود. این روش به کمک عقل و تجربه‌های بشری، تدبیر و تطبیق حکیمانه و علمی می‌تواند در عصر و مصرهای بعد از جمله وضعیت فعلی جهان و ایران بازسازی و به‌روز شود.

در اهمیت استفاده از قرآن همین بس که این کتاب درصدد حل مسائل دینی، فرهنگی و اجتماعی بشر است و انتخاب شبه‌جزیره عربستان و حل مسائل آن مردم، کاملاً هوشمندانه بوده است؛ قوم لجوج برای این هدف انتخاب شده‌اند، زیرا خدای حکیم می‌خواست قدرت تغییر و ظرفیت این کتاب را بر همه جهانیان و برای همیشه نشان دهد. از این رو در جایی نازل شد که در بدترین وضعیت فرهنگی و نامطلوب‌ترین زندگی طبیعی به سر می‌برد اما این مردم را بعد از مدت کوتاهی سید تمدن‌های شناخته‌شده آن دوره تاریخی یعنی ایران، مصر، روم و یمن کرد و آن‌ها را زیر چتر تمدن اسلام آورد.

با گذشت چند قرن از تأسیس و پیشرفت‌های خیره‌کننده دنیای مدرن در صنعت و علوم طبیعی و انسانی، اما امروزه بشر دچار مشکلاتی شده است که پژوهشگران و دانشمندان عرصه‌های علوم انسانی از حل آن عاجزند. مشکلاتی از قبیل بحران هویت، عدم وجود سیستم عادلانه تولید و توزیع ثروت، فروپاشی نظام خانواده، شیوع بیماری‌های روانی فردی و اجتماعی، نابرابری‌ها و ... همه و همه بیانگر ناکارآمدی علوم انسانی مدرن در حل مسائل و بحران تمدن معاصر است. به دنبال ناتوانی حکومت کلیسایی در حل مسائل اجتماعی و فرهنگی، جامعه غرب از حکومت دینی و بخش زیادی از آموزه‌های کتب مقدس برگشت. پس از تشکیل جوامع صنعتی و بروز عوارض اجتماعی و فرهنگی، دانش‌های انسانی پا به عرصه گذاشت و تئوری‌های گوناگون در عرصه‌های مختلف زندگی اجتماعی و انسانی مطرح شد. این تئوری‌ها بدون هرگونه فرایند معقول و محتاطانه وارد اجتماع شد و بر ذهنیت مردم و رفتار ایشان اثر گذاشت. از این رو دانشمندان علوم انسانی متکی بر نظام متعارف غربی و شرقی عملاً منابع نقلی معتبر و غیرقابل خدشه برای تئوری پردازی خود ندارند؛ در حالی که متون اسلام به‌خصوص قرآن به جهت تفاوت‌های معناداری که با متون عهد قدیم و جدید دارد و ظرفیتی که در حل مسائل از خود نشان داده (البته بخش عمده‌ای نیز هنوز فاقد تجربه حکومت شایسته بوده است؛ لذا نمی‌توان ناتوانی این دین را محک زد) می‌تواند راهی دیگر برای حل مسائل مختلف مردم متکی به آموزه‌های قرآن را پیش روی مردم بگذارد.

از این رو روش کشف و استخراج دیدگاه قرآن در حل مسئله اجتماعی_ به‌وسیله تبیین روشمند آیات در قالب تفسیر موضوعی با کمک گرفتن از دستاوردها و ادبیات رایج علوم انسانی_ می‌تواند به تبیین رابطه قران و علوم انسانی کمک نماید. از این رهگذر نیازمندی علوم انسانی به حل مسائل و چالش‌ها و بحران‌های بشر و جوامع انسانی از طریق روش‌های تجربه‌شده منقول از منبع وحیانی نیز تأمین خواهد شد؛ بنابراین دستیابی به الگوها و مدل‌هایی برای حل مسائل و چالش‌های زندگی بشر در ساحت‌های مختلف فردی و اجتماعی بر اساس روش و فرایندهای حل مسئله قرآنی با تطبیق بر یک مسئله عینی هدف این تحقیق است. ما در این پژوهش به دنبال پاسخ به این سؤال خواهیم بود که روش قرآن در مواجهه و حل مسائل گوناگون بشری چه بوده است. سپس این روش در یک نمونه_ مسئله ارتقای جایگاه زن در بستری منطقی_ به‌صورت تطبیقی و مقایسه با روش حل مسئله زنان در غرب تحلیل می‌شود.

۲. پیشینه

بشر همواره برای حل مسائل خود از زمان‌های گذشته به صورت ناخواسته از فرآیند حل مسئله استفاده نموده است. روش حل مسئله از موضوعات صورت‌بندی شده جدید علوم انسانی در غرب است که ادبیات علمی آن دارای پیشینه گسترده‌ای نیست. البته چند تن از نویسندگان و محققان غربی در این زمینه دست به نگارش زده‌اند از جمله مارتین واینبرگ در کتاب «راه حل مسائل اجتماعی» که توسط صادق صالحی ترجمه شده، معتقد است که هر دیدگاه جامعه‌شناختی رهیافت متفاوتی درباره حل مسائل اجتماعی دارد. وی در کتابی دیگر که به همراه ارل رایینگتن نوشته به «رویکردهای هفت‌گانه در بررسی مسائل اجتماعی» پرداخته است. دانیلین لوزیک در کتاب «نگرشی نو در تحلیل مسائل اجتماعی» به تحلیل دیدگاه‌ها درباره تولید مسئله اجتماعی پرداخته است.

این موضوع در پژوهش‌های علوم انسانی اسلامی و پژوهش‌های قرآنی مورد کنکاش زیادی قرار نگرفته است. البته چند تحقیق محدود در این باره انجام گرفته است که برخی از آنان به صراحت و برخی در ضمن مباحث به این موضوع پرداخته‌اند. از جمله:

۱. یوسف اباذری یکی از اولین محققین ایرانی است که به بررسی حل مسئله در ادبیات علوم انسانی و روش‌های حل مسئله پرداخته است.

۲. مقاله «حل مسئله در گستره قرآن پژوهی» محمدرضا حاتمی که برای تبیین روش تفسیر موضوعی با رویکرد حل مسئله به مراحل رشد اخلاق پرداخته و این مسئله را در سه سطح و ۱۱ گام عملیاتی ترسیم نموده است. ایشان مراحل حل مسئله را همان تفکیک و برجسته‌سازی مراحل تفسیر و کاربردی نمودن این مراحل دانسته است. این مراحل شامل مقدمات پژوهش، مراجعه به قرآن و نظریه‌پردازی است.

۳. مقاله «اصول و مبانی روش‌شناسی اجتماعی در قرآن» نوشته خانم فاطمه امینی پور که پس از بررسی روش‌شناسی علوم اجتماعی غربی به روش رئالیسم توحیدی به عنوان روش قرآنی در بررسی علوم اجتماعی پرداخته است.

۴. کتاب «روش حل مسئله اجتماعی» که به تازگی منتشر شده و با تلاش دکتر جعفر قوام دوست و عده‌ای از محققان علوم انسانی، ضمن مقالاتی به بررسی روش‌های متنوعی از حل مسئله اجتماعی در ابعاد گوناگون پرداخته‌اند.

رویکرد تنزیلی نیز از سبک‌های نو در تفسیر است که پیشینه زیادی ندارد. با وجود تفاسیری

همچون «بیان المعانی» آل غازی، «الحادیث» دروزه و چند اثر دیگر هنوز این رویکرد در ابتدای مراحل شکل‌گیری خود است. البته تفسیر «همگام با وحی» بهجت پور از مفسران معاصر ضمن بیان اصول و قواعد تفسیر تنزیلی، رویکرد اصلی خود را بر پیگیری این سبک قرار داده است. با وجود این تحقیقات ارزشمند، اما نوشته‌ای با موضوع مورد بررسی در این پژوهش تا به حال انجام نگرفته است. در پژوهش حاضر، روش حل مسئله در قرآن در مسائل اجتماعی با توجه به رویکرد تنزیلی به آیات، در یک نمونه عینی - مسئله زن - مورد بررسی قرار خواهد گرفت تا معلوم شود که قرآن به عنوان متنی ناظر به واقع، چگونه و با چه روش‌هایی به حل مسائل و چالش‌های جامعه پرداخته است. روش‌شناسی مورد نظر ما در بررسی روش قرآن، مبتنی بر روش توصیف و تبیین و منابع کتابخانه‌ای با بررسی کتب تفسیری و تاریخی با رویکرد تفسیر تنزیلی موضوعی است.

۳. روش حل مسئله غربی

عمده پارادایم‌های رایج در اندیشه غرب مبتنی بر درکی مادی از هستی و واقعیت است. این پارادایم مادی توانسته در چند سده اخیر در قالب تئوری‌های مختلف علمی بروز و ظهور پیدا کند و روندها و فرایندهایی در ورود به واقعیت تولید کند که باعث شود به عنوان شکل غالب و مشروع معرفت معرفی گردد. علم سکولار با استفاده از خلأ عدم نظریه‌پردازی مسلمانان کوشید وجوه مربوط به واقعیت اجتماعی را که تفکر اسلام بدان پاسخی نداده بود، تبیین و تحلیل کند (ایمان، ۱۳۹۲: ۴۳۵). فلاسفه و جامعه‌شناسان برای حل مسئله‌های انسانی و اجتماعی به نظریه‌پردازی از میان پیچ‌وخم‌های فلسفی و نگاه‌های جامعه‌شناسانه پرداخته‌اند. برخی نیز مانند هابرماس و پوپر به روش‌های نقادی و استدلالی برای حل مسئله متمایل بودند. پوپر زندگی را تماماً حل مسئله می‌دانست و کتابی نیز در این زمینه نگاشت. وی در نظریه خود با مطرح کردن سه جهان (و طرح این موضوع که مهم‌ترین اتفاقی که در جهان ۳ می‌افتد ارائه فرضیه‌ها برای مسائل مختلف بشر و ارائه بحث‌ها و انتقادات جهت حل آن‌هاست) مدل سه مرحله‌ای برای حل مسئله معرفی کرده که مبتنی بر سه مؤلفه مسئله، راه‌حل‌های ارائه‌شده و رد و ابطال است (اباذری، ۱۳۸۲: ۳۱۳-۳۱۱).

به صورت کلی از یک منظر برای حل مسئله اجتماعی دو رویکرد وجود دارد، رویکرد جزء نگرانه و رویکرد کل نگرانه. راه‌حل‌های کل نگرانه معتقد به دگرگونی و تحول کلی مسائل جامعه برای حل مسئله است. این دیدگاه نشئت گرفته از مارکسیسم کلاسیک است که فلسفه

هایدیگر نمایان گر آن است. لنین معتقد بود که برای رفع استثمار و بی عدالتی باید ماشین دولت به کلی خردشده و بنیانی جدید بنا شود که بر پایه اصول دیگری ساخته شده است. در چنین صورتی می توان به حل مسائل اجتماعی نائل آمد. در سوی دیگر رویکرد جزء نگرانه معتقد به راه حل هایی هستند که با چند تغییر، به وضعیت مطلوب رسید. گرامشی در این میان با وجود اعتقاد به راه حل های کل نگرانه، رسیدن به آن را درگرو ورود به زندگی روزمره مردم و حل مسائل جزئی مردم می دانست (اباذری، ۱۳۸۲: ۳۰۵-۳۰۴).

راه حل نخست به دنبال یک باره وضع موجود و دگرگونی اساسی جامعه است و طرفداران آن حل مسائل اجتماعی را منوط به تغییر سیستم و سیاست های کلان می دانند، اما طرفداران راه حل دوم معتقدند که با تغییر سیستم مسئله اجتماعی حل نمی شود بلکه مسائل همچنان پابرجا می مانند و فقط از یک دوره به دوره دیگری انتقال می یابند از این رو راه حل دوم به دنبال اصلاح جزء به جزء وضع موجود برای نیل به وضع مطلوب است. روزنبرگ راه حل سوم را در این میان پیشنهاد می دهد. وی ضمن بیان تمثیلی از یک مسئله در دنیای واقعی و تعمیم آن مسائل اجتماعی، این گونه بیان می کند که برخی از ساختارها، تولیدگر مسئله اند (روزنبرگ، ۱۳۹۷: ۵۴-۵۳). از این بیان این گونه می توان برداشت کرد که طبق راه حل سوم، در عین کمک به حل مسائل اجتماعی باید سراغ ساختارهای بازتولید کننده این مسائل نیز رفت و برای تغییر ساختارهای ذهنی و عینی جامعه تلاش کرد. این نوعی سرمایه گذاری اساسی در راه حل مسائل اجتماعی است (قوام دوست، ۱۴۰۰: ۱۹).

سیاست گذاری اجتماعی نیز یکی از روش های حل مسئله در بسیاری از مسائل اجتماعی است که فعل حل کردن را از سطح نظری و ارائه گزینه و راهکار به سطح عملی و اثرگذاری واقعی می برد. این به معنی انتقال بحث از دانش تصمیم گیری به دانش سیاست گذاری است. حل مسئله در وضعیت اول صرفاً به معنی ارائه یک یا چند راهکار است، درحالی که در وضعیت دوم (رویکرد سیاست گذاری اجتماعی) حل مسئله از بررسی مسئله آغاز و به اقدام علیه موقعیت ناخوشایند مرتبط با مسئله منجر می شود؛ بنابراین اولی معطوف به مجموعه ای از فنون برای یافتن راهکار است و دومی با مجموعه ای از فرایندهای پیچیده روبه رو می شود (همان، ۱۴۰۰: ۲۳۵-۲۳۱).

۴. روش حل مسئله دینی

روش در لغت به معنی قاعده، قانون، شیوه، اسلوب، سبک آمده است (دهخدا، ۱۳۹۰، ۱:

۱۵۱۸). این واژه که در علم تفسیر گاه با منهج، گاه با اتجاه و گاه با طریقه، سبک و... استعمال شده، در اصطلاح تفسیری به معانی مختلفی آمده است از جمله استفاده از منابع خاص به منظور کشف مراد جدی خدا در آیات (بهجت پور، ۱۳۹۲: ۳۴؛ شاکر، ۱۳۸۲: ۴۶) شیوه تفسیری خاص مفسر مبتنی بر تخصص، افکار، عقاید و مکتب تفسیری (بابایی، ۱۳۸۵: ۱: ۱۸) کیفیت و طریق و شیوه استخراج و کشف معانی و مقاصد قرآن (عمید زنجانی، ۱۳۷۳: ۱۷۶).

متون دینی اسلام ظرفیت وسیعی برای فراهم ساختن مفاهیم مناسب برای علوم اجتماعی دارند؛ زیرا اسلام حاوی دست کم دو نظام هنجاری فراگیر یعنی نظام اخلاقی و نظام حقوقی است که تمام حوزه‌های زندگی اجتماعی را دربر می‌گیرند. از این رو می‌توان انتظار داشت که از درون توصیه‌های اخلاقی و احکام حقوقی اسلام مجموعه گسترده‌ای از مفاهیم مناسب برای توضیح پدیده‌ها یا تفسیر کنش‌های جمعی در تمام حوزه‌های اجتماعی به دست آید. به علاوه از مفاهیم مندرج در گزاره‌های توصیفی متون دینی نیز می‌توان در ساختن مفاهیم علوم اجتماعی بهره جست (بستان ۱۳۹۲: ۱۱۰-۱۰۹) اسلام برخلاف تفکر غرب که تنهاترین و بهترین روش فهم واقعیات اجتماعی_ و به تبع آن روش‌های حل مسائل اجتماعی را- روش تجربی می‌داند، خود را در آن منحصر نکرده و روش‌های گوناگونی در این زمینه پیشنهاد می‌دهد (خسرو پناه، ۱۳۹۳: ۲۴۷). واقعیت غیر قابل انکار این است که قرآن به وسیله مجری خود که پیامبر اکرم ص است به حل مسائل بشری در جامعه خود پرداخته و برای مسائل بشر در همه زمان‌ها پیشنهاد ارائه نموده است. این ادعا در آیات قرآن به وضوح بیان شده است: «الرِّكَابُ أَزْلَنَاهُ إِلَيْكَ لِيُخْرِجَ النَّاسَ مِنَ الظُّلُمَاتِ إِلَى النُّورِ بِإِذْنِ رَبِّهِمْ إِلَى صِرَاطٍ الْعَزِيزِ الْحَمِيدِ» (ابراهیم: ۱) منظور از ناس در آیه همه مردم_ و نه فقط مخاطبان معاصر پیامبر خاتم (ص)_ است که ایشان به وسیله قرآن مردم را از تاریکی‌ها به سوی نور و هدایت خارج خواهد نمود (طباطبایی، ۱۳۹۰، ۷: ۱۲؛ آلوسی، ۱۴۱۵ق، ۷: ۱۷۲) قسمتی از این مدیریت هدایت، در حل مسائل گوناگون مردم در ابعاد مختلف زندگی بوده است.

ادعای ما در این تحقیق وجود روشی دینی و قرآنی در حل مسائل اجتماعی انسان است. در روش‌شناسی حل مسئله قرآنی از روش تفسیر موضوعی شهید صدر که در تعبیر برخی از محققان معاصر، روش اجتهاد قسم دوم نام گذاری شده است، استفاده می‌کنیم. در این روش، پرسش‌های مطرح از سوی مکاتب و جوامع به متون دینی عرضه و متون دینی مورد استنتاج قرار می‌گیرد. متون دینی مدل‌های مطابقی یا التزامی آشکاری دارند که گاهی با عرضه پرسش‌های جدید به

متون دینی می‌توان مدلول‌های التزامی جدیدی از آن‌ها استخراج کرد (خسرو پناه، ۱۳۹۴: ۲۹۵). بعضی از محققان رویکرد حل مسئله در گستره قرآن پژوهی را این گونه تعریف نموده‌اند: کشف و استخراج دیدگاه قرآن درباره یک مسئله در حیطه رسالت قرآن با تبیین روشمند آیات، با کمک گرفتن از دستاوردهای علوم (حاتمی، ۱۳۹۹: ۱۲۶) طبق این تعریف، رویکرد حل مسئله از همان فنون و شیوه‌های جاری در تفسیر موضوعی بهره برده و از این رو شباهت زیادی به تفسیر موضوعی دارد. در این رویکرد پژوهشگر برای یافتن راهنمای عمل و حل مسائل و مشکلات و سؤالات مهم زندگی و دغدغه‌های ذهنی با نگاهی مسئله محورانه به دنبال حل آن‌ها توسط آموزه‌های قرآن است.

نقطه افتراق این رویکرد با روش موضوعی، این نکته است که در روش موضوعی که با هدف تبیین دیدگاه قرآن درباره موضوعی خاص با استفاده از مجموع آیات مرتبط (مرکز اطلاعات و مدارک اسلامی، ۱۳۹۴: ۴۷۹) صورت می‌گیرد، توجه روی مسئله و موضوعی رفته که در آیات قرآن به صراحت ذکر شده است؛ اما در رویکرد روش حل مسئله، ابتدا مسئله‌ای که مورد ابتلای ذهنی و نیاز فرد و جامعه است در بیرون مورد بررسی قرار گرفته و سپس با مراجعه به قرآن - فارغ از اینکه از آن موضوع و مسئله در آیات به صراحت بحث شده یا نشده باشد - درصدد کشف نظر قرآن با استفاده از دلالت‌های ضمنی و التزامی آیات در باب پاسخ به آن نیاز و دغدغه برمی‌آیم. در این صورت، توصیفاتی قرآنی که امکان دست یافتن به نظریه در آن‌ها وجود دارد از قرآن استنباط می‌شود.

از سویی دیگر با توجه به اینکه منبع مورد مراجعه در این روش متنی مقدس به نام قرآن است، در انتخاب آیات و چینش آن‌ها از رویکرد تنزیلی بهره می‌گیریم. تفسیر تنزیلی به گونه‌ای از تفسیر گفته می‌شود که مفسر در آن به تفسیر سوره‌ها به ترتیب نزول و فرود آمدن آن‌ها به صورت تدریجی بر پیامبر می‌پردازد. بررسی و تفسیر موضوعات مرتب شده بر اساس ترتیب نزول در قرآن نیز تفسیر تنزیلی موضوعی نام دارد (بهجت پور، ۱۳۹۲: ۳۸-۳۷). تفسیر تنزیلی به قرآن به عنوان یک کل نازل شده می‌نگرد که ارتباط نزولی آیات در ۲۳ سال آن را به هم گره زده است (رضایی اصفهانی، ۱۳۸۹، ۳: ۲۰۱). این سبک مبتنی بر این اصل است که برای رهایی از هر کدام از مشکلات اجتماعی جامعه عصر پیامبر، آیات نازل شده از طرف خداوند راهگشا بوده است و نازل شدن آیات در کنار حوادث و ورود به چالش با اصحاب عقاید، راهبری اجتماعی و تدریجی مسلمانان تا تشکیل حکومت اسلامی و آسیب‌شناسی مسائل حکومت دینی نشان از انگیزه‌ای تربیتی دارد که در نزول قرآن مورد توجه خدای حکیم بوده است.

بنابراین در روش تفسیر تنزیلی قرآن به سخن درمی‌آید و راه حل مشکلات را می‌گوید. فایده تفسیر تنزیلی آشنا شدن با روش مهندسی فرهنگی جامعه توسط حق تبارک و تعالی است. پیامبران اصولاً برانگیخته شدند تا جامعه را از انحطاط به تعالی برسانند. بر این اساس نخستین هدف پیامبران ساختن جامعه و اجتماع حاضر است و در دنباله آن ساختن جایگاهی برتر در جهان باقی. این مدل از تفسیر فواید روش شناختی مهمی هم دارد که از آن جمله است: کشف روش‌های تحول دینی، کشف مراحل فرهنگ شدن و درونی شدن مفاهیم دینی، فهم رابطه چالش‌ها با پیام‌های دین و آشنایی با راهبردهای دعوت دینی متناسب با گام‌های تحول (بهجت پور، ۱۳۹۰، ۱: ۶۶-۴۹) لازم به ذکر است، مبنای ما در ترتیب نزول سوره‌ها، جدول به‌دست آمده استاد بهجت پور است که حاصل سال‌ها تلاش ایشان و مطالعه سندی و محتوایی، ده‌ها روایت و کتاب‌های تاریخی در این زمینه و بررسی حدود ۱۷ جدول منقول از اهل بیت علیهم‌السلام، صحابه و دیگران است (بهجت پور، ۱۳۹۲: ۳۰۱-۳۴۸).

۵. بررسی تطبیقی روش دینی و غربی در حل مسئله زن

یکی از مهم‌ترین مسائل جوامع اجتماعی، نقش و جایگاه زنان در جامعه بوده است. این مسئله با تمام فراز و نشیب‌های خود، تقریباً در همه جوامع و در طول تمام دوران وجود داشته است. در یونان باستان که یکی از درخشان‌ترین و گسترده‌ترین تمدن‌های آن روزگار محسوب می‌شد، وضعیت زنان هیچ تناسبی با تمدن پیشرفته‌اش نداشت به گونه‌ای که در فرهنگ آنان طلاق دادن زنان کار بسیار راحتی بوده و مرد بدون هیچ دلیلی می‌توانست زن خود را طلاق دهد. عروس از خانواده خود جدا و به‌عنوان خدمتکار به خانه دیگری می‌رود و خدایان دیگری را عبادت می‌کند. زنان یونانی پس از مرگ شوهر از او ارثی نمی‌برند. نکته قابل توجه این است که تمدن آتن بدون حضور زنان شکل گرفته است (دورانت، ۱۳۹۲: ۲۶۴-۲۶۳). اکثر اقوام گذشته عمل عبادی زن را مقبول نزد خدا نمی‌دانستند، در یونان باستان زن را گناهی از اعمال شیطان می‌دانستند و برای او شخصیت مستقل انسانی قائل نبودند (طباطبایی، ۱۳۹۰: ۴: ۹۰).

حتی فلاسفه غرب به زنان نگاهی مثبت نداشتند. از افلاطون و ارسطو گرفته تا فیلسوفان معاصر مانند هابز، لاک و روسو، زنان را ضعیف‌تر و بی‌عقل‌تر از آن می‌دانستند که در سیاست دخالت کنند (چراغی، ۱۳۹۳: ۴۰). زن در فرهنگ جاهلی اعراب نیز جایگاهی شایسته نداشته است به گونه‌ای که آنان را پس از مرگ شوهر، مجبور به ازدواج ظالمانه و اجباری با فرزندان

او از دیگر همسرانش می‌کردند (القمی، ۱۳۶۳، ۱: ۱۳۵) همچنین تحریم بعضی امور حلال بر زنان بجهت تبعیض و تحقیر آنان و اجبار به زنا، کنیزان و کسب درآمد برای صاحبان از این راه، ننگ و عار شمردن دختران به حدی که وقتی به پدیری خبر می‌دادند که همسرت دختر زائیده است از شدت خشم و غضب سر به بیابان می‌گذاشت و گاهی دختران را همان ابتدا زنده به گور می‌کردند (حاجی پور، ۱۳۹۷: ۱۱۹-۱۰۴).

جایگاه زن در دیگر اقوام نیز به همین وضع بوده است. به‌طور نمونه در دوره امپراتوری ساسانی، زن هیچ‌گونه استقلال و شخصیت حقوقی نداشت و حتی مالی که با کار و تلاش خود به دست می‌آورد به رئیس خانواده تعلق داشت و زن از اموال خود بهره‌ای نمی‌برد. در روم به شکایت زنان گوش داده نمی‌شد و هیچ معامله‌ای از ایشان معتبر و نافذ نبود. در میان کلدانیان زن در اراده و عمل استقلال نداشت و اگر زن از شوهرش اطاعت نمی‌کرد مرد می‌توانست او را از خانه بیرون کرده یا زنی دیگر بگیرد و پس از آن حق داشت با او معامله یک برده را بکند (حسینی، ۱۳۹۲: ۲۵).

این‌ها فقط گوشه‌ای از مطالب مربوط به جایگاه و نقش زن بود. سؤال اساسی در اینجا این است که روش حل این مسئله قدیمی بشر در دو مکتب اسلام و دیدگاه مشهور غرب چگونه بوده است؟ ابتدا روش حل این مسئله در دیدگاه مشهور غربی را بررسی می‌کنیم.

غربی‌ها با تکیه بر پارادایم خاص خود و مبانی انسان‌شناسی و جهان‌بینی خود که عمدتاً متکی بر اومانیسیم، سکولاریسم، فردگرایی، نسبی‌گرایی اخلاقی، آزادی و برابری است. برای مبارزه با ظلم تاریخی به زن به‌طور عمده سراغ فمینیسم رفته و سعی در حل این مسئله پیچیده و بسیار قدیمی به این روش نمودند. تاریخ فعالیت و مبارزه برای استیفای حق زن در غرب به حدود ۴ قرن قبل برمی‌گردد؛ اما فمینیسم به‌مثابه نهضت، کمتر از دو قرن است که در صحنه اجتماع ظاهر شده است (چراغی، ۱۳۹۳: ۶۴ و ۳۹) البته ریشه‌های این جنبش را می‌توان در آراء و اندیشه‌های افلاطون که دیدگاه‌های او تأثیر بسیاری بر نظرات غربی‌ها در مورد زن گذاشته مشاهده کرد. وی در کتاب پنجم جمهوری، معتقد است زنان و مردان دارای استعدادها و مشابیه هستند و زنان می‌توانند در عین ضعفشان همان وظایفی که مردان بر عهده دارند را به عهده گرفته و از همان حقوق بهره‌مند شوند (افلاطون، ۱۳۵۳: ۲۴۰-۲۳۸).

جریان فمینیسم دارای فراز و نشیب و گرایش‌ها و نحله‌های گوناگونی شده است. از جمله فمینیسم آزادی‌خواه، فمینیسم مارکسیستی، فمینیسم سوسیالیستی، فمینیسم افراط‌گرا، فمینیسم آگزیستانسیالیست (وجود نگر) فمینیسم پسامدرن و... (کلاین، ۱۳۸۷: ۳۱-۲۳) فمینیست‌ها حتی

از ابزار غیراخلاقی و انسانی هم‌جنس‌گرایی نیز برای مبارزه و احقاق حق خود استفاده کردند. جمله «هم‌جنس‌گرایی زنان، نقشه آزادی زنان است»، بیانی بود که در سال ۱۹۷۰ در دومین کنگره برای اتحاد زنان هم‌جنس‌باز رادیکال مطرح شد. در سال ۱۹۷۲ فمینیست‌های هم‌جنس‌باز اعلام کردند که «هم‌جنس‌گرایی زنان یک برتری جنسی نیست، بلکه بیشتر یک انتخاب سیاسی است که هر زنی باید داشته باشد، اگر می‌خواهد برای زنان شناخته‌شده باشد و از این راه به حاکمیت مردان پایان دهد» در آن سوی اما در دنیای کاملاً زنانه، عده زیادی از زنان هستند که می‌خواهند مانند یک مرد باشند (لوی، ۱۳۸۸: ۱۰۹) این‌ها بخشی از تلاش‌های کاملاً متعارض و بی‌سرانجام و سردرگم زنان برای حل مسئله تاریخی ظلم به جامعه زنان در غرب بوده است.

به‌طور خلاصه می‌توان گفت که غرب برای حل مسئله ظلم تاریخی به شخصیت و حقوق زن، با وجود پیچیدگی‌های فراوان این موضوع مهم، با رویکردی جزء نگرانه و بدون توجه به ساختارهای بازتولید کننده این مشکل، راه‌حل به رسمیت شناختن تساوی در استعدادها و حقوق، استقلال مالی و شرکت آنان در اقتصاد جامعه و اعطای آزادی‌های سیاسی و اجتماعی به زنان را در سیاست‌گذاری‌های اجتماعی پیش گرفت. فمینیست‌ها برای تحقق دیدگاه خود در مورد آزادی زنان حتی از نیاز جنسی و غریزی تئوری ساختند و زنان را به هم‌جنس‌گرایی ترغیب کردند. فمینیسم به‌جای تنظیم مناسب روابط زن و مرد روابط را به نزاع دائمی میان این دو کشاند و تفاهم و تعاون را تبدیل به نزاع اجتماعی کرد. امروز با فروپاشی نظام خانواده در غرب، درصد بسیار بالایی کودکان نامشروع و فاقد درک از پدر واقعی در کشورهای غربی و... کاشف از تبعات نگاه نادرست به زن و خانواده در غرب و تشدید آن از سوی فمینیست‌هاست.

در این میان بخشی از متفکران و دانشمندان غربی منتقد این روش حل مسئله بوده‌اند. زنان فمینیسم در غرب با این اندیشه که حمایت زن از مرد و وابستگی‌های ساده لوحانه او نسبت به مرد باعث ایفای نقش منفعلانه زن در جامعه و خانواده شده است برای رسیدن به رشد و پیشرفت خواستار شکستن این طلسم شدند. جالب این است که نام این فروپاشی خانواده را احیای دوباره خانواده با یک دموکراسی از نو و کنترل بیشتر بر سرنوشت خود نام نهادند (رین، ۱۳۸۷: ۱۰۸ و ۵۶). ویل دورانت شروع استقلال مالی زنان در غرب _ که با قانون ۱۸۸۲ م انگلیس شروع شد _ را اقتضای انقلاب صنعتی و علت آن را برنامه‌ریزی سرمایه‌داران و کارخانه‌داران برای دستیابی به نیروی ارزان کار، سود بیشتر و گسیل زنان به کارخانه‌ها می‌داند. البته پیامد این استقلال مالی نیز رها شدن زنان از بند مسئولیت‌های خانه و گرفتاری و جان‌کندن در مغازه و کارخانه و خالی

شدن خانه‌ها از زندگی شده است (دورانت، ۱۳۸۰: ۱۵۱).

قرآن برای حل این مسئله مهم و اساسی ضمن توجه به پیچیدگی مسئله به ساختارهای بازتولید کننده این مسائل نیز توجه نمود و برای تغییر ساختارهای ذهنی و عینی جامعه تلاش کرد. قرآن در ابتدا به تخریب باورهای جاهلانه و مشرکانه دست زد و ارکان اندیشه اسلامی را پایه گذاری کرد. با بررسی روش قرآن به این نتیجه می‌رسیم که رویکرد قرآن نه کاملاً مبتنی بر رویکرد کل نگرانه بوده که حل مسئله زن را منوط به تغییر کلی ساختار جامعه و از بین رفتن و خرد شدن سیستم قبلی کند و نه رویکردی جزئی نگرانه که فقط به این مسئله_ فارغ از سایر مسائل و بدون توجه به تغییر در ساختارهای کلی_ توجه نماید. بلکه قرآن در حل مسائل و موضوعات در ضمن اصلاح بسیاری از آسیب‌های اجتماعی دست به سیاست گذاری گسترده در این مسئله در سه حوزه بینش، گرایش و رفتار زده است.

یکی از تفاوت‌های اساسی حل مسئله زن در مکتب اسلام با غرب این است که حل مسئله زن در غرب توسط خود زن‌ها و طی جنبش‌های اعتراضی پیگیری شد؛ اما اسلام بدون اینکه این پدیده تبدیل به مسئله روز شده باشد یا مورد درخواست قرار گرفته باشد با قوه عاقله خود وارد حل این مسئله شد. تفاوت دیگر این دو در استفاده از منبع بودن وحی و روش خالق در مدیریت این مسئله در مقابل احساس بی‌نیازی و بی‌توجهی غرب به منبع وحیانی بوده است. هرچند خود منابع معرفتی وحیانی در غرب_ برگرفته از تعالیم یهود و مسیحیت_ که آلوده به برخی از تحریفات شده است از عوامل پیچیده‌تر شدن و بحرانی شدن مسئله زن در غرب بوده است.

۶. روش‌های حل مسئله قرآن در مسئله زن

اسلام ضمن توجه به تفاوت‌های طبیعی زن و مرد در استعدادها و ابعاد عاطفی و جسمی و روحی و جایگاه و نقش هرکدام در نظام هستی و جامعه و توجه به نیازهای غریزی زن و مرد، با وجود اینکه مسئله جنسیت را از برجستگی روانی انداخت، دست به سیاست گذاری اجتماعی در فرایندی منطقی در بستر نزول تدریجی و تنزیلی آیات قرآن زد. بخشی از این فرایند در عین اختصار تبیین می‌شود.

۱. مبارزه با فرهنگ غیرانسانی دخترکشی به عنوان اولین گام در حل مسئله ظلم به زن بوده است: «وَإِذَا الْمَوْؤُودَةُ سُئِلَتْ بِأَيِّ ذَنْبٍ قُتِلَتْ» (تکویر نزول ۷: ۹-۸) بسیاری از مفسران این آیه را مربوط به سنت جاهلی زنده به گور کردن دختران دانسته‌اند (القمی، ۱۳۶۳، ۲: ۴۰۷؛ طبری،

۱۴۱۲، ۳۰: ۴۶) حساسیت فوق‌العاده و توجه خاص قرآن به این مسئله در ابتدای نزول وحی_ در سوره تکویر که هفتمین سوره در سیر نزول قرآن است- و پرداختن به آن با ادبیاتی خاص و پیش از بسیاری از موضوعات اعتقادی، اخلاقی و اجتماعی، نشان از اهتمام فوق‌العاده قرآن در ریشه کردن این عمل زشت و تغییر بینشی نسبت به مسئله زن دارد.

۲. در سوره کوثر که پانزدهمین سوره در سیر نزول است به کوثر اشاره شده و به پیامبر خاتم امر شده است که به شکرانه اعطای کوثر به او، نماز بگذارد و قربانی نماید. با اینکه برای کوثر مصادیقی ذکر شده اما بسیاری از مفسران، کوثر را به معنای خیر کثیر (فراء، ۱۹۸۰م، ۳: ۲۹۵؛ طبرانی، ۲۰۰۸م، ۶: ۵۶۹) و برخی نیز مصداق عینی آن را امتداد نسل پیامبر دانسته‌اند که تنها از طریق دخترشان بوده است (طبرسی، ۱۳۷۲، ۸۳۶: ۱۰؛ فخر رازی، ۱۴۲۰ق، ۳۲: ۳۱۳) در واقع این سوره، یکی از اعتقادات غلط فرهنگ جاهلی که معتقد بود نسل انسان، تنها از طریق فرزند پسر امتداد پیدا می‌کند (سیوطی، ۱۴۰۴ق، ۶: ۴۰۴؛ ابن عاشور، ۱۴۲۰ق، ۳۰: ۵۰۵) را ریشه کن کرد. پرداختن به این موضوع در همان ابتدای نزول قرآن گامی در جهت تغییر بینش نسبت به تحقیر جایگاه و شخصیت زن و دختران بوده است.

۳. ذکر داستان و نمونه‌های از زنان شایسته و موفق در حل مسائل و گذر از بحران‌های بزرگ سیاسی اجتماعی اخلاقی... مانند بلقیس، زنی که در مقام پادشاهی علی‌رغم توصیه مشاوران به جنگ (زمخشری، ۱۴۰۷، ۳: ۳۶۴) در مواجهه با حضرت سلیمان به خوبی از جنگ و خونریزی جلوگیری کرد (سوره نمل نزول ۴۸: ۲۰-۴۴) دختران شعیب (قصص نزول ۴۹: ۲۳-۲۸) داستان پرفرازونشیب مادر و خواهر حضرت موسی در کنترل و مدیریت بحران پیش‌آمده توسط فرعون (قصص نزول ۴۹: ۷-۱۳) داستان حضرت مریم و گذر از اتفاقات سخت و شرایط پیچیده و طاقت‌فرسایی که برای یک زن جوان به وجود می‌آید (سوره مریم نزول ۴۴: ۱۶-۲۹) و تکرار آن در چند سوره: (انبیاء نزول ۷۳، مؤمنون نزول ۷۴، آل عمران، نزول ۸۹) و معرفی او و یکی از دیگر زنان به نام آسیه همسر فرعون به عنوان الگویی برای همه مؤمنان: (تحریم نزول ۱۰۸: ۱۱-۱۲). ذکر داستان همسر فرعون حاوی این پیام به جامعه زنان است که زن می‌تواند همسری همچون طاغوت زمان داشته باشد ولی در عین خفقان و استبداد حاکم بر جامعه و خانه دارای شخصیت ایمانی مستقلی نیز باشد.

بیان این داستان‌ها و بنیان‌گذاری نگاهی نو به شخصیت و تعریف و جایگاه زن در گستره زندگی با ذکر نقش زنان در مدیریت بحران‌ها و حل مسائل مختلف جامعه و معرفی برخی از آنان به عنوان الگویی برای همه مؤمنان به خوبی گویای اعتماد قرآن به این قشر و بالا بردن

اعتماد به نفس آنان است. نکته قابل توجه این است که عمده این داستان‌ها در سوره‌های مکی بوده است که نشانگر تلاش قرآن در ابتدای مدیریت تغییر و تحول خود برای تغییر در بینش نسبت به جایگاه زنان در تحولات جامعه و ایجاد انگیزش برای جامعه زنان در اعتماد به نفس نسبت به ایفای نقش مثبت در حوزه‌های مختلف جامعه انسانی است.

۴. انجام برنامه‌های تربیتی و اخلاقی زنان در کنار مردان: برخلاف برخی از دیدگاه‌های حتی به ظاهر دینی که برای عبادت زنان هیچ جایگاهی قائل نبوده و او را یک موجود پلید و از عمل شیطان می‌دانستند (مکارم شیرازی، ۱۳۹۳: ۷۳) قرآن برای رشد و تعالی روحی و معنوی زنان در کنار مردان برنامه‌های تربیتی و اخلاقی و عبادی قرار داده است. در بسیاری از آیات هیچ تفاوتی بین عمل عبادی و اخلاقی زنان و مردان نگذاشته و مزده رسیدن به حیات طیبه را به هر دو داده و تحقق صفات ایمانی و اخلاقی را برای مردان و زنان به رسمیت شناخته است (غافر، ۴۰؛ نحل، ۹۷؛ احزاب، ۳۵). این در حالی است که بیشتر غیر موحدین و اهل کتاب از یهود و نصاری، زنان را از بسیاری از مزایای دینی محروم می‌دانستند (طباطبایی، ۱۳۹۰، ۱۲: ۳۴۱) در این مرحله قرآن دست به تولید رفتارهای مؤمنانه برای زنان در کنار مردان نمود.

۵. از بین بردن سنت‌های غلط جاهلی مربوط به ازدواج و طلاق و ارث و... و اصلاح آن‌ها و تغییر جهت و تنظیم مقررات مربوط به آن‌ها همچون سنت غلط ظهار (مجادله، ۴-۱) و حق زن در تصمیم برای ازدواج (بقره، ۲۳۲) مسئله جنسی موقع حیض (بقره، ۲۲۲) مهریه (نساء، ۴) حق نفقه و تأمین مالی (نساء، ۳۴) دفاع از آبرو و حیثیت اخلاقی زنان پاک‌دامن (نور ۵-۴) و...

قرآن در فرایندی منطقی نخست مؤمنون را به روابط جنسی مشروع و قانونی ستوده و تشویق نمود (مؤمنون نزول ۵: ۷۴؛ معارج نزول ۷۹: ۲۹) سپس روابط در کادر خانواده را رنگ قداست بخشید و دخالت پروردگار در ایجاد مودت و رحمت بین زن و مرد را گوشزد نمود (روم نزول ۸۴: ۲۱) شرط ازدواج با بیش از یک زن را عدالت مرد قرار داده (نساء: ۳) سپس در سوره‌های مدنی به مسائل حقوقی و مالی و... پرداخته است. در قرآن یک سوره به نام زنان نام گذاری شده و در چند سوره به صورت گسترده بسیاری از مسائل حقوقی، مالی، عاطفی، خانوادگی، مربوط به زنان مطرح و چارچوبی برای آن تعیین شده است (روم، بقره، نساء، طلاق، ممتحنه، احزاب، نور) مسائلی که در برگیرنده نظام عاطفی نظام مالی (مهریه، ارث، نفقه) نظام جدایی و طلاق نظام روابط با همسر و فرزندان - حتی مسئله شیر دادن (بقره، ۲۳۳) - و دیگران نظام پیوند زناشویی و ازدواج و... است.

در این مرحله برای رفع اضطراب زنان، به فراوانی مردان را به رعایت حقوق زنان در شرایطی چون ایلاء، طلاق، فوت، رضاع و نظایر آن توصیه کرد (سوره بقره نزول ۸۷) و هسته اولیه تشکیل خانواده را در چارچوب ایمان همسران قرارداد (بقره نزول ۸۷) به دفاع از زنان در مقابل چشم‌ها و زبان‌ها و اقدامات مردان هیز و فاسق پرداخت و برای نشان دادن وابستگی زنان و حمایت حکومت اسلامی از ایشان، دستور پوشش اسلامی را صادر کرد (احزاب نزول ۹۰) از زنانی که از مناطق مشرکان و همسران مشرکشان فرار کرده و به مدینه می‌آمدند، حمایت کرد و دستور داد تا مهریه ایشان را به شوهران مشرکشان داده و ایشان را از بند زندگی خانوادگی با مشرکان رها کنند (ممتحنه نزول ۹۱) عدالت اقتصادی در باب ارث زنان و استقلال مالی و اقتصادی زنان را اعلام کرده، مردان را مسئول تشکیل خانواده کرد و آن‌ها را متعهد به تأمین هزینه‌های ایشان نمود (نساء نزول ۹۲).

۶. استقلال مالی زن: قرآن استقلال مالی و اقتصادی زن را به رسمیت شناخته و برای آن نیز قواعدی قرار داده است. زن در عین اینکه حق کسب درآمد و ثروت دارد ولی در امور اقتصادی منزل و وظیفه‌ای به عهده ندارد و وظیفه تأمین مخارج و احتیاجاتش - حق مسکن، حق پوشاک، حق خوراک، پول شیر دادن به فرزند و... حتی باوجود استغنائی مالی به عهده شوهر است: «لِّلرِّجَالِ نَصِيبٌ مِّمَّا اكْتَسَبُوا وَلِلنِّسَاءِ نَصِيبٌ مِّمَّا اكْتَسَبْنَ» (نساء، ۳۲) اکتساب که به معنی تحصیل کردن و به دست آوردن است، مفهوم وسیعی دارد، هم کوشش‌های اختیاری را شامل می‌شود و هم آنچه را که انسان به وسیله ساختمان طبیعی خود می‌تواند به دست بیاورد (مکارم شیرازی، ۱۳۷۱، ۳: ۳۶۴).

اسلام مردان را مسئول تشکیل خانواده دانست و مسئولیت تأمین بودجه خانواده را از دوش زن برداشته تا او در کمال آرامش و بی‌دغدغه به امور شخصی، اجتماعی، سیاسی تربیت فرزندان و امور خانواده بپردازد. در نگاه دینی زنان مسئول امور خشن و درگیر مسائلی چون جهاد نظامی نیستند. زن، نه پهلوانی است که باید در زیر مشکلات زندگی کمر خم کند بلکه چنان گلی است که باید ظرافت‌های خاص او در تعاملات با وی لحاظ شود. (شهیدی، ۱۳۷۸، نامه ۳۱: ۳۰۷) در ازدواج مردها زیر بار انبوهی از تعهدات همچون نفقه و... نسبت به زن رفته و مسئولیت اداره خانواده را بر عهده می‌گیرند. استقلالی که زن در اسلام در دارایی خود دارد در حقوق یونان و روم و ژاپن و تا چندی پیش در حقوق غالب کشورها وجود نداشته، یعنی زن مثل صغیر و مجنون، محجور و از تصرف در اموال خود ممنوع بوده است. در انگلستان در سال ۱۸۷۰ و ۱۸۸۲ میلادی به اسم قانون مالکیت زن شوهردار و ایتالیا در ۱۹۱۹ م از زن رفع حجر نمود. در سال ۱۹۰۰ م در

قانون مدنی آلمان و در ۱۹۰۷ م در قانون مدنی سوئیس، زن مانند شوهر خود دارای اهلیت شد. (مطهری به نقل از شایگان در شرح حقوق مدنی، ۱۳۷۹، ۱۹: ۲۱۴) در حالی که قرآن این استقلال مالی را ۱۳ قرن قبل_ بدون اینکه بر عهده زن، مسئولیت تأمین مخارج زندگی را بگذارد و او را از کانون گرم خانواده دور کند_ به او اعطا کرده است.

۷. یکی دیگر از اقدامات اساسی قرآن در حل مسئله، مشارکت دادن زنان در فعالیت‌های اجتماعی و سیاسی و دخالت در جریان اصلاح جامعه در کنار مردان (توبه، ۷۱) است. قرآن زمینه استقلال زن در بیعت و انتخاب رهبری او را به رسمیت شناخته، او را در این امور تابع مرد نمی‌داند، بلکه او حق دارد و باید خودش رهبری جامعه و ولی شرعی خود در حاکمیت را در کمال انتخاب و آزادی_ بدون دخالت شوهر و نزدیکان خود_ انتخاب نماید، ضرورت حضور زنان در عرصه سیاسی بر اساس وظیفه و تشخیص خود زن در برقراری حکومت خدا و مقابله با نیروهای شرک در بیش از ۱۴ قرن پیش_ در دورانی که زنان در جهان، کمترین نقش سیاسی در اداره و مشارکت سیاسی، اجتماعی جامعه داشته‌اند_ از نکات مهم و قابل توجه است (مدرسی، ۱۴۱۹ق، ۱۵: ۳۲۶).

همچنان که در نگاه قرآن (توبه، ۷۱) مؤمنان اعم از مرد و زن در پاک‌سازی جامعه اسلامی و ایجاد محیط توحیدی بر یکدیگر ولایت دارند و زن و مرد مؤمن هر دو در اصلاح جامعه نقش ایفا می‌کنند (قرشی، ۱۳۷۵، ۴: ۲۷۰؛ رضایی اصفهانی، ۱۳۸۷، ۸: ۲۵۳)

۷. نتیجه‌گیری

روش‌های متنوعی برای حل مسئله اجتماعی در علوم انسانی تولید شده است. یکی از مهم‌ترین مسائل جوامع اجتماعی، نقش و جایگاه زنان در جامعه بوده است. مسئله تحقیر و ظلم به زن مسئله‌ای بود که در این تحقیق به دنبال بررسی تطبیقی دو روش حل مسئله غربی و اسلامی_ با محوریت قرآن_ بوده‌ایم. غربی‌ها با تکیه بر پارادایم خاص خود و مبانی انسان‌شناسی و جهان‌بینی خود برای حل مسئله ظلم تاریخی به زن به سراغ روش‌هایی رفته‌اند که از عمده‌ترین آن‌ها رویکرد فمینیسمی بوده است. غرب با وجود پیچیدگی‌های فراوان این موضوع مهم، با رویکردی جزء نگرانه و بدون توجه به ساختارهای بازتولید کننده این مشکل، راه‌حل به رسمیت شناختن تساوی در استعدادها و حقوق، استقلال مالی و شرکت آنان در اقتصاد جامعه و اعطای آزادی‌های سیاسی و اجتماعی به زنان را در سیاست‌گذاری‌های اجتماعی پیش گرفته است.

قرآن برای حل این مسئله مهم و اساسی ضمن توجه به پیچیدگی مسئله به ساختارهای بازتولید کننده این مسائل نیز توجه نمود و برای تغییر ساختارهای ذهنی و عینی جامعه تلاش کرد. با بررسی روش قرآن به این نتیجه می‌رسیم که رویکرد قرآن نه کاملاً مبتنی بر رویکرد کل نگرانه بوده که حل مسئله زن را منوط به تغییر کلی ساختار جامعه و از بین رفتن و خرد شدن سیستم قبلی کند و نه رویکردی جزئی نگرانه که فقط به این مسئله - فارغ از سایر مسائل و بدون توجه به تغییر در ساختارهای کلی - توجه نماید. بلکه قرآن در حل مسائل و موضوعات در ضمن اصلاح بسیاری از آسیب‌های اجتماعی، ضمن توجه به تفاوت‌های طبیعی زن و مرد در استعدادها و ابعاد عاطفی و جسمی و روحی و جایگاه و نقش هرکدام در نظام هستی و جامعه و توجه به نیازهای غریزی زن و مرد، با وجود اینکه مسئله جنسیت را از برجستگی روانی انداخت و نگاه به تعریف و جایگاه زن را از مسئله‌ای صرفاً جنسی تغییر داده و به او نقش‌های فعالی در ساختار خانواده و جامعه داد، ساختارهای بازتولید کننده مسئله را اصلاح و در فرایندی منطقی در بستر نزول تدریجی و تنزلی آیات قرآن دست به سیاست‌گذاری گسترده در سه حوزه بینش، گرایش و رفتار زده است. اسلام برخلاف فمینیسم، روابط همسران را در چارچوب مودت و رحمت هماهنگ کرد، با پذیرش قدرت بدنی مردان جلوی ستم ایشان به زنان را گرفت و با وضع قوانین اخلاقی و قانونی یاری‌گر زنان شد. قرآن در یک فرایند منظم و منطقی، بعد از اصلاح نگاه بینشی و تغییر فرهنگ زشت جاهلیت به زن، ابتدا و در سوره‌های مکی به مبارزه با فرهنگ غیرانسانی دخترکشی اقدام نموده، سپس به یکی دیگر از اعتقادات غلط فرهنگ جاهلی - که معتقد بود امتداد نسل انسان، تنها از طرق فرزند پسر است - پرداخته و در مرحله بعد با ذکر داستان و نمونه‌های از زنان موفق در حل مسائل و گذر از بحران‌های بزرگ سیاسی اجتماعی اخلاقی، به ایجاد و تقویت انگیزش در ایفای نقش‌های مهم اجتماعی و توانایی حل مسائل و چالش‌ها دست‌زده است. همچنین بیان برنامه‌های تربیتی و اخلاقی زنان در کنار مردان از روش‌های تولید رفتار مؤمنانه در این مسئله بوده است. می‌توان نمود این چهار روش را بیشتر در آیات مکی مشاهده کرد. بعد از بسترسازی مناسب در تغییر بینشی و ایجاد انگیزش و ساخت رفتارهای متناسب با جایگاه زن در سوره‌های مکی، از بین بردن سنت‌های غلط جاهلی مربوط به ازدواج و طلاق و ارث و... ساخت نظام خانواده در ابعاد مختلف آن، مسئله استقلال مالی زن و مشارکت در فعالیت‌های اجتماعی و سیاسی نیز در فرایندی منطقی در سوره‌های مدنی، پیگیری و نهادینه شده است.

فهرست منابع

- * قرآن کریم.
- * نهج البلاغه، (۱۳۷۶)، ترجمه شهیدی جعفر، تهران، شرکت انتشارات علمی و فرهنگی.
- ۱- اباذری یوسف، (۱۳۸۲)، «حل مسئله»، نامه علوم اجتماعی، شماره ۲۱، ص ۳۱۸-۳۰۳.
- ۲- آلوسی، محمود بن عبدالله، (۱۴۱۵ ق)، روح المعانی فی تفسیر القرآن العظیم و السبع المثانی، بیروت، دار الکتب العلمیة، منشورات محمدعلی بیضون.
- ۳- ابن عاشور، محمد طاهر، (۱۴۲۰ ق)، تفسیر التحریر و التنویر المعروف بتفسیر ابن عاشور، بیروت، مؤسسه تاریخ العربی.
- ۴- افلاطون، (۱۳۵۳)، کتاب جمهوری، چاپ اول، تهران، چاپ خوشه.
- ۵- ایمان، محمدتقی، (۱۳۹۲)، روش شناسی علوم انسانی نزد دانشمندان مسلمان، قم، پژوهشگاه حوزه و دانشگاه.
- ۶- بابایی، علی اکبر، (۱۳۸۵)، مکاتب تفسیری، جلد اول، چاپ دوم، قم، پژوهشگاه حوزه و دانشگاه.
- ۷- بستان نجفی، حسین، (۱۳۹۲)، گامی به سمت علم دینی (۲) روش بهره گیری از متون دینی در علوم اجتماعی، قم، پژوهشگاه حوزه و دانشگاه.
- ۸- بهجت پور، عبدالکریم، (۱۳۹۲)، تفسیر تنزیلی مبانی، اصول، قواعد و فواید، چاپ اول، تهران، سازمان انتشارات پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی.
- ۹- بهجت پور، عبدالکریم، (۱۳۹۰)، همگام با وحی، قم، تمهید.
- ۱۰- چراغی کوتیانی اسماعیل، (۱۳۹۳)، خانواده اسلام و فمینیسم تبیین رویکرد اسلام و فمینیسم به کارکردهای خانواده، قم، انتشارات مؤسسه امام خمینی.
- ۱۱- حاجی پور ابوطالب، (۱۳۹۷)، روش های مقابله قرآن با فرهنگ جاهلی، قم، سنابل.
- ۱۲- حاتمی محمدرضا، (۱۳۹۹)، «رویکرد حل مسئله در گستره قرآن پژوهی»، دو فصلنامه روش شناسی تفسیر قرآن، شماره ۱، صص ۱۳۴-۱۲۴.
- ۱۳- حسینی سید ابراهیم، (۱۳۹۲)، نقش تاریخی زن از دیدگاه قرآن، تهران، کانون اندیشه جوان.
- ۱۴- خسرو پناه عبدالحسین، (۱۳۹۴)، روش شناسی علوم اجتماعی، تهران، مؤسسه پژوهشی حکمت و فلسفه ایران.
- ۱۵- خسرو پناه، عبدالحسین و همکاران، (۱۳۹۳)، در جستجوی علوم انسانی اسلامی، قم، معارف.
- ۱۶- دورانت ویل، (۱۳۹۲)، تاریخ تمدن، مترجم حسین کامیاب، امین عزیززاده، لیلا زارع، تهران، بهنود.
- ۱۷- دورانت ویل، (۱۳۸۰)، لذات فلسفه، مترجم عباس زریاب خوئی، تهران، شرکت انتشارات علمی و فرهنگی.
- ۱۸- دهخدا علی اکبر، (۱۳۹۰)، فرهنگ متوسط دهخدا، با نظارت سید جعفر شهیدی، تهران، انتشارات دانشگاه تهران.
- ۱۹- رضایی اصفهانی، محمدعلی، (۱۳۷۸)، تفسیر قرآن مهر، قم، پژوهش های تفسیر و علوم قرآن.
- ۲۰- رضایی اصفهانی محمدعلی، ۱۳۸۹، منطق تفسیر قرآن ۳، قم، مرکز بین المللی ترجمه و نشر المصطفی

- ۲۱- زمخشری، محمود بن عمر، (۱۴۰۷ ق)، *الكشاف عن حقائق غوامض التنزيل و عيون الأقاویل فی وجوه التأویل*، بیروت، دار الكتاب العربی.
- ۲۲- روزنبرگ، مارشال، (۱۳۹۷)، *قلب تغییر اجتماعی*، ترجمه: کامران رحیمیان، کیوان رحیمیان، تهران، اختران.
- ۲۳- رین استوارت، (۱۳۸۷)، *تأثیر فمینیسم بر فرزندان*، ترجمه کتابیون رجبی راد، تهران، دفتر نشر معارف.
- ۲۴- سیوطی، عبدالرحمن بن ابی بکر، (۱۴۰۴ ق)، *الدر المنثور فی التفسیر بالمأثور*، قم، کتابخانه عمومی حضرت آیت الله العظمی مرعشی نجفی (ره).
- ۲۵- شاکر محمدکاظم، (۱۳۸۲)، *مبانی و روش های تفسیری*، چاپ اول، قم، انتشارات مرکز جهانی علوم اسلامی.
- ۲۶- طباطبایی، محمدحسین، (۱۳۹۰)، *المیزان فی تفسیر القرآن*، لبنان، مؤسسة الأعلمی للمطبوعات.
- ۲۷- طبرانی، سلیمان بن احمد، (۲۰۰۸م)، *التفسیر الکبیر: تفسیر القرآن العظیم (الطبرانی)*، اردن، دار الكتاب الثقافی.
- ۲۸- طبری، محمد بن جریر، (۱۴۱۲ ق)، *جامع البیان فی تفسیر القرآن (تفسیر الطبری)*، بیروت، دار المعرفة.
- ۲۹- طبرسی، فضل بن حسن، (۱۳۷۲)، *مجمع البیان فی تفسیر القرآن*، تهران، ناصر خسرو.
- ۳۰- عمید زنجانی عباسعلی، (۱۳۷۳)، *مبانی و روش های تفسیر قرآن*، چاپ سوم، تهران، سازمان چاپ و انتشارات وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.
- ۳۱- فراء، یحیی بن زیاد، (۱۹۸۰م)، *معانی القرآن (فراء)*، قاهره، هیئة المصریة العامة للكتاب.
- ۳۲- فخر رازی، محمد بن عمر، (۱۴۲۰ ق)، *التفسیر الکبیر (مفاتیح الغیب)*، بیروت، دار إحياء التراث العربی.
- ۳۳- قوام دوست، جعفر و همکاران، (۱۴۰۰)، *حل مسئله اجتماعی*، تهران، طرح نقد.
- ۳۴- قمی علی بن ابراهیم، (۱۳۶۳)، *تفسیر القمی*، محقق موسوی جزایری، قم، دارالکتب.
- ۳۵- قرشی بنابی، علی اکبر، (۱۳۷۵)، *تفسیر احسن الحدیث*، تهران، بنیاد بعثت، مرکز چاپ و نشر.
- ۳۶- کلاین، آلن آر، (۱۳۸۷)، *عریان کردن فمینیسم*، مترجم طاهره توکلی، قم، دفتر نشر معارف.
- ۳۷- لوی، آریل، (۱۳۸۸)، *تأثیر فمینیسم بر دختران در غرب*، قم، دفتر نشر معارف.
- ۳۸- مدرسی، محمدتقی، (۱۴۱۹ ق)، *من هدی القرآن*، تهران، دار محبی الحسین.
- ۳۹- مرکز اطلاعات و مدارک اسلامی، (۱۳۹۴)، *فرهنگ نامه علوم اسلامی*، چاپ اول، قم، پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی.
- ۴۰- مکارم شیرازی، ناصر، (۱۳۷۱)، *تفسیر نمونه*، تهران، دار الکتب الإسلامية.
- ۴۱- مکارم شیرازی، ناصر، (۱۳۹۳)، *زن در تفسیر نمونه*، تنظیم، سعید داودی، قم، انتشارات امام علی بن ابی طالب.
- ۴۲- مطهری مرتضی، (۱۳۷۹)، *مجموعه آثار شهید مطهری*، قم، نشر صدرا.

REFERENCES

* The Holy Qur'an.

* Nahj al-Balagha, (1376), translated by Shahidi, Ja'far, Tehran, Scientific and Cultural Publishing Company.

1. Abazari Yousof, (1382), "Problem Solving", Social Sciences Journal, No. 21, pp. 318-303.

2. Alousi, Mahmoud bin Abdullah, (1415 A.H.), Ruh al-Ma'ani fi Tafsir al-Qur'an al-Azeem wa Al-Sab' al-Mathani, Beirut, Dar al-Kitab Al-Alamiya, Muhammad Ali Beydoun's Publications.

3. Ibn Ashur, Muhammad Tahir, (1420 AH), Tafsir al-Tahrir wa al-Tanvir known as Ibn Ashur's Tafsir, Beirut, Al-Tarikh Al-Arabi Institue.

4. Plato, (1353), The Republic, first edition, Tehran, Khusheh printing house.

5. Iman, Mohammad Taqi, (1392), Methodology of humanities among Muslim scholars, Qom, Seminary and University Research Center.

6. Babaei, Ali Akbar, (1385), Tafsir Schools, Vol. 1, second edition, Qom, Seminary and University Research Center.

7. Bo'stan Najafi, Hossein, (1392), A step towards religious science (2) The method of using religious texts in social sciences, Qom, Seminary and University Research Center.

8. Behjatpour, Abdul Karim, (1392), Tanzili Interpretation; the basics, principles, rules and benefits, first edition, Tehran, Islamic Culture and Thought Research Institute Publishing Organization.

9. Behjatpour, Abdul Karim, (1390), Hamgam ba Vahy, Qom, Tamhid.

10. Cheraghi Kootiani Ismail, (1393), Islamic Family and Feminism, explaining the approach of Islam and Feminism to the Functions of the Family, Qom, Imam Khomeini Institute Publications.

11. Hajipour Abu Talib, (1390), Methods of the Qur'an in Confronting the Jahili Culture, Qom, Sanabil.

12. Hatami Mohammad Reza, (1399), "Problem Solving Approach in the Field of Qur'anic Studies", two Quarterly Journals of Methodology of Qur'an Interpretation, No. 1, pp. 124-134.

13. Hosseini Seyyed Ebrahim, (1392), The historical role of women from the perspective of the Qur'an, Tehran, Andisheh Javan Center.

14. Khosro Panah Abdul Hossein, (1394), Methodology of Social Sciences, Tehran, Iran Research Institute of Wisdom and Philosophy.

15. Khosrow Panah, Abdul Hossein et al., (1393), In search of Islamic humanities, Qom, Ma'arif.

16. Durant Will, (1392), History of Civilization, translated by Hossein Kamyab, Amin Alizadeh, Leila Zarei, Tehran, Behnoud.

17. Durant Will, (1380), The Pleasures of Philosophy, translated by: Abbas Zaryab Khoi, Tehran, Scientific and Cultural Publishing Company.

18. Dekhoda Ali Akbar, (1390), Farhang Dekhoda (Sammary), under the supervision

of Seyyed Jafar Shahidi, Tehran, Tehran University Press.

19. Rezaei Esfahani, Mohammad Ali, (1378), Tafsir Qur'an Mehr, Qom, Researches on Tafsir and Sciences of the Qur'an.
20. Rezaei Esfahani Mohammad Ali, (1389), Logic of Qur'an Interpretation (3), Qom, Al-Mustafa International Translation and Publishing Center
21. Zamakhshari, Mahmud bin Umar, (1407 AH), Al-Kashshaf an Haqaiq Gawamid al-Tanzil wa Uyoun al-Aqawil fi Wojouh al-Tawil, Beirut, Dar al-Kitab al-Arabi.
22. Rosenberg, Marshall, (1397), The Heart of Social Change, translated by: Kamran Rahimian, Keivan Rahimian, Tehran, Akhtaran.
23. Rain Stewart, (1387), the impact of feminism on children, translated by Katayoun Rajabi Rad, Tehran, Ma'arif publishing house.
24. Suyouti, Abdurrahman bin Abi Bakr, (1404 A.H.), Al-Dur al-Manthour fi'l Tafsir bi'l Mathur, Qom, Public Library of Hazrat Ayatollah Al-Uzma Marashi Najafi (R.H.).
25. Shakir Mohammad Kazem, (1382), Principles and methods of interpretation, first edition, Qom, World Center for Islamic Sciences Publications.
26. Tabatabaei, Muhammad Hussein, (1390), Al-Mizan fi Tafsir al-Qur'an, Lebanon, Al-A'jami Publications Center.
27. Tabarani, Suleiman bin Ahmad, (2008), Al-Tafsir al-Kabir: Tafsir al-Qur'an al-Azim (Al-Tabarani), Jordan, Dar al-Kitab al-Thaqafi.
28. Tabari, Muhammad bin Jarir, (1412 AH), Jami' al-Bayan fi Tafsir al-Qur'an (Tafsir al-Tabari), Beirut, Dar al-Marifah.
29. Tabarsi, Fazl bin Hasan, (1372), Majma' al-Bayan fi Tafsir al-Qur'an, Tehran, Naser Khosro.
30. Amid Zanjani Abbas Ali, (1373), Basics and Methods of Qur'an Interpretation, Third Edition, Tehran, Ministry of Culture and Islamic Guidance Printing and Publishing Organization.
31. Farra, Yahya bin Ziyad, (1980), Ma'ani al-Qur'an (Farra'), Cairo, Al-Hey'ah al-Masriyyah al-Ammah li'l Kitab.
32. Fakhr al-Razi, Muhammad Ibn Omar, (1420 AH), al-Tafsir al-Kabir (Mafatih al-Ghayb), Beirut, Dar Ihya al-Turath al-Arabi.
33. Qavvam Doost, Jafar et al., (1400), Solving Social Problems, Tehran, Tarh Naghd.
34. Qommi Ali bin Ibrahim, (1363), Tafsir al-Qommi, research: Mousavi Jazayeri, Qom, Dar al-Kutub.
35. Qorashi Bonabi, Ali Akbar, (1375), Tafsir Ahsan al-Hadith, Tehran, Bi'that Foundation, Publishing Center.
36. Klein, Alan R., (1387), Uncovering Feminism, translated by: Tahirah Tawakkoli, Qom, Ma'arif Publishing House.
37. Levy, Ariel, (1388), The Effect of Feminism on Girls in the West, Qom, Ma'arif publishing house.
38. Modarresi, Mohammad Taqi, (1419 AH), Min Huda al-Qur'an, Tehran, Dar Mohibbi al-Hussein.

39. Center for Islamic Information and Documents, (1396), Dictionary of Islamic Sciences, first edition, Qom, Research Institute of Islamic Sciences and Culture.
40. Makarem Shirazi, Naser, (1371), Tafsir Nomooneh, Tehran, Dar Al-Kutub al-Islamiyyah.
41. Makarem Shirazi, Naser, (1393), Woman in Tafsir Nomooneh, edited by Saeed Davoudi, Qom, Imam Ali Ibn Abi Talib Publications.
42. Motahari Morteza, (1379), Collection of Works, Qom, Sadra Publishing.



University of Holy Quran
Sciences and Education



Scientific Quarterly of Quran and
Social Sciences

Scientific Quarterly of Quran and Social Sciences

Vol.2, No.4, Serial.8, winter 2023

Publisher: University of Holy Quran Sciences and Education

Director-in-Charge: davoud saemi

Editor-in-Chief: Ebrahim Ebrahimi

Editorial Board:

- **Dr. Ebrahim Ebrahimi**, Professor of Allameh Tabatabai University
- **Dr. Mohammad Javad Eskanderlou**, Professor of the Higher Education Complex of Qur'an and Hadith of Jamia Al-Mustafi
- **Dr. Mohammad Hadi Amin Naji**, Professor of Payam Noor University
- **Dr. Shahla Bagheri**, Associate Professor of Khwarazmi University
- **Dr. Hossein Bostan**, associate professor of the field and university research institute
- **Dr. Ali Hassan Beigi**, Associate Professor of Arak University
- **Dr. Seyyed Abdul Rasool Hosseinizadeh**, Associate Professor of the University of Sciences and Education of the Holy Qur'an
- **Dr. Hassan Khairi**, Associate Professor of Islamic Azad University
- **Dr. Hossein Suzanchi**, Professor of Bagheral Uloom University
- **Dr. Karam Siavashi**, Associate Professor of Bu Ali Sina University
- **Dr. Elahe Shah Pasand**, Associate Professor of Quranic Sciences and Education University
- **Dr. Seyyed Hossein Sharafuddin**, Professor of Imam Khomeini Educational and Research Institute
- **Dr. Rahman Asharieh**, Associate Professor of Holy Quran University of Sciences and Education
- **Dr. Ruholah Mohammad Alinejad Omran**, Associate Professor of Allameh Tabatabai University

Executive Director: Mohammadreza Jalali

Technical Editor: Zahra Abiyar

English translator: Hasan Alami baktash

This quarterly magazine is published in cooperation with the Iranian Qur'an and Ahedin Scientific Association.

Website: <http://arq.quran.ac.ir>

E-Mail: tahghighat.qh@quran.ac.ir



University of Holy Quran
Sciences and Education



Scientific Quarterly of Quran
and Social Sciences

Scientific Quarterly of Quran and Social Sciences

8

Vol.2, No.4, Serial.8, winter 2023

Human Communication Skills with Other People in the Monotheistic Lifestyle from the Perspective of Imam Hasan Al-Askari (A.S.)

Ommol'Banin Koohestani, Gholamreza Razavi Doost, Seyyed Mohammad Hossein Mousavi, Mohammad Zarei

Analysis of the Role of Certainty in the Formation of a Morality-based Social System due to the Order of Revelation of the Meccan Verses

Reyhaneh Poor Khalili, Ali Ghazanfari

Economic Education in the Islamic Standard system from the Perspective of the Holy Quran

Hamid Mahjour

Re-examining the Harms of Preachers' Worldliness over the Social Relations from the Perspective of the Qur'an and Hadiths

Seyyed Mohammad Alavizadeh

Social Harms of Incorrect Methods of Teaching the Qur'an (a case study of textbooks for the Ministry of Education)

Mojtaba Noruzi , Ali Akbar Faghfour Bilandi

Analyzing the Tanzili Approach in Solving Social Problems in the Qur'an, Focusing on Women's Issues

Abdul Karim Behjatpour , Mohammad Taghi Ahmadi Parto